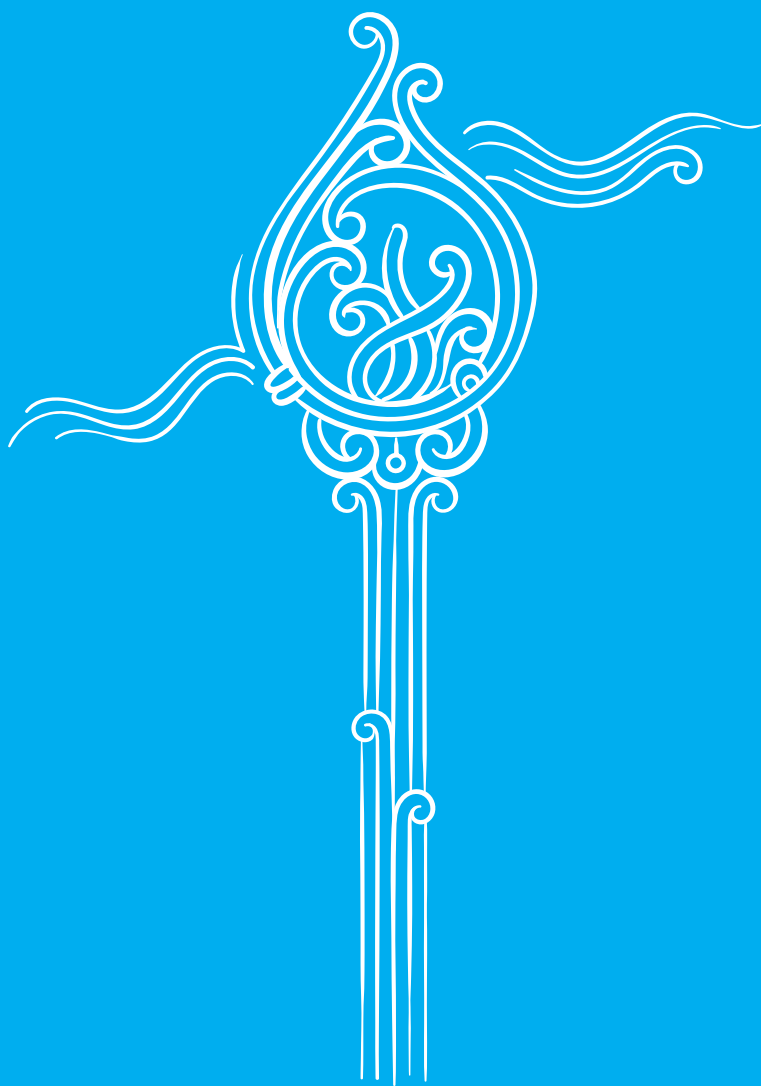




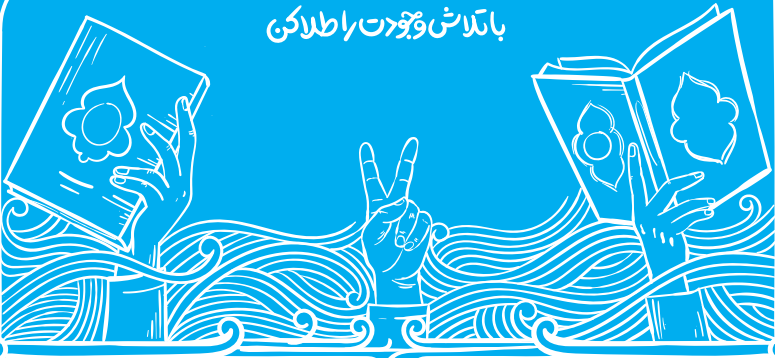


زندگی بائے کمرہا

طلالشی گن

پانزده طرح درس برای کیمیاگری وجود فوجوان

بائتلاش وجودت را طلالکن



عنوان و نام پدیدآور: زندگی با آیه‌ها، تلاش کن: پانزده طرح درس برای کیمیاگری وجود نوجوان...

/نویسندگان حمیدرضا علیزاده جوریز...[و دیگران].

مشخصات نشر: تهران: سازمان دارالقرآن الکریم، نشر تلاوت، ۱۴۰۴.

مشخصات ظاهری: ۲۴۱ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۱۰۱-۲۱-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

یادداشت: نویسندگان حمیدرضا علیزاده جوریز، عباس دهقان، محمد عالیپور،

محمد محمدزاده، سیدروح‌الله موسوی حسن‌رودی.

عنوان دیگر: پانزده طرح درس برای کیمیاگری وجود نوجوان.

موضوع: نوجوانان -- راه و رسم زندگی -- جنبه‌های قرآنی

موضوع: Teenagers -- Conduct of life -- Qur'anic teaching

موضوع: نوجوانان -- راه و رسم زندگی -- جنبه‌های مذهبی - اسلام

موضوع: Teenagers -- Conduct of life -- Religious aspects -- Islam

شناسه افزوده: علیزاده جوریز، حمیدرضا، ۱۳۷۹-

شناسه افزوده: سازمان دارالقرآن الکریم. نشر تلاوت

رده‌بندی کنگره: BP۱۰۴

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹ [ج]

شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۳۵۹۵۱۴

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیفا

تلاش کن

پانزده طرح درس برای کیمیاگری وجود نوجوان

با تلاش و جود باطل کن

نویسندگان:

حمیدرضا علیزاده جوریز، عباس دهقان، محمد عالیپور،

محمد محمدزاده، سیدروح‌الله موسوی حسن‌رودی

طراح جلد: سید محمد موسوی

ویراستار: موسی محمدآبادی

صفحه‌آرا: هادی عبدالملکی

ناشر: انتشارات تلاوت

چاپ و صحافی: واژه‌پرداز اندیشه

سال چاپ: ۱۴۰۴

تیراژ: ۵۰۰۰ جلد | قیمت: ۲۱۰/۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۱۰۱-۲۱-۰

شماره مرکز پخش (فروشگاه بصائر)

۰۹۱۲۸۰۸۸۱۲۴ - ۰۲۱۶۶۹۵۶۰۹۵



basaershop.ir



پیشگفتار.....	۱۱
سخنی با خادمان کلام وحی.....	۱۳
مقدمه.....	۱۵
جلسه اول: گذر از امواج (یاد خدا، باعث آرامش دل‌ها).....	۱۹
صمیمانه.....	۲۱
آماده‌شدن برای پرواز.....	۲۱
سفر به قلب موضوع.....	۲۲
ایستگاه شعر.....	۲۹
مرور نقشه پرواز.....	۳۰
حرکت کن.....	۳۰
یک دقیقه آرامش.....	۳۱
جلسه دوم: گوش به فرمان نامه (انس با قرآن، سپری در مقابل تهاجمات فرهنگی).....	۳۳
سبب سلامتی و آشنایی.....	۳۵
نامه‌ای که به آن توجه نشد.....	۳۶
دفترچه راهنما.....	۳۷





قرآن؛ دفترچه راهنمای تو برای حل مشکلات زندگی ۳۷

راز دایره‌ها ۴۳

حاصل سخن ۴۷

گذر از حرف به عمل ۴۷

زیباترین پایان ۴۷

جلسه سوم: فرمول پیروزی (رمز رسیدن به قلهٔ موفقیت، تقواست) ۴۹

خوشامدگویی ۵۱

گوش به فرمان فرمانده ۵۲

قانون بازی ۵۳

مراقبت از قانون ۵۷

مرور قانون ۵۹

اقدام سودآور ۵۹

از او بخواه ۶۰

جلسه چهارم: آرامش در قلب طوفان (طلب صبر و ثبات قدم و پیروزی، از خداوند) ۶۱

خوش و بش ۶۳

پل ارتباطی ۶۴

ایستگاه انتقال مفاهیم ۶۴

چالش ۷۱

سلاح‌های کشف شده ۷۲

مأموریت ۷۳

پایان یک شروع تازه ۷۳

جلسه پنجم: قدرت اتحاد (اتحاد و انسجام، تنها سازنده پیروزی‌ها) ۷۵

انرژی بگیر ۷۷

طناب قدرت ۷۷

ابزارها و نقشه‌ها ۷۹

چشم دوست‌ت باش ۸۶

آنچه یاد گرفتیم ۸۷

حلقه محبت ۸۸

دژ امن ۸۸

جلسه ششم: معامله دوسرسود! (راز بخشیدن دیگران برای بخشیده شدن توسط خدا) ... ۹۱

نسخه اصلی آرامش ۹۳

کلید جادویی ۹۴

از فرش تا عرش ۹۵

تمرین بخشش در زندگی روزمره ۹۸

قهرمانان بخشش ۹۹

قهرمانی در اوج مادری ۱۰۱

نبرد با کینه ۱۰۲

سه راه نجات ۱۰۴

عملیات پاکسازی ۱۰۴

آرام بخش حقیقی ۱۰۵

جلسه هفتم: قطب‌نمای هدایت (مودت اهل بیت علیهم‌السلام، لازمه استقلال و وحدت) ۱۰۷

عشق راهبردی ۱۰۹

پاداشی از جنس هدایت ۱۰۹

هدیه‌ای با ارزش‌تر از طلا ۱۱۲

صرفاً برای تداوم مسیر هدایت ۱۱۴

معرفی پاک‌ترین‌ها ۱۱۵

نخ تسبیح ۱۱۷

صحن امام رضا علیه‌السلام ۱۱۹

ابزارهای کوله‌پشتی ۱۲۰

مودت بر پایه عمل ۱۲۰

طلب مودت ۱۲۱

جلسه هشتم: آنتی‌ویروس روح (قانون شگفت‌انگیز پاک‌کردن گذشته با کارهای خوب) ... ۱۲۳

کلید بازگشت ۱۲۵

امیدبخش‌ترین ۱۲۶



- کشف یک شاه‌کلید..... ۱۲۷
- از پشیمانی تا پرواز..... ۱۲۸
- از تهران تا دمشق..... ۱۲۹
- آزمایشگاه حال خوب..... ۱۳۲
- فرمول سه مرحله‌ای حال خوب..... ۱۳۴
- از فکر تا عمل..... ۱۳۵
- مرا پاکیزه بپذیر..... ۱۳۵
- جلسه نهم: فرمانده تویی، ترس چرا! (راز برتری در برابر دشمنان نترسیدن است) ۱۳۷**
- وقتی ترس، نَفَسْت را می‌گیرد..... ۱۳۹
- آفتابه جادویی..... ۱۴۰
- نقشه گنج پیروزی..... ۱۴۲
- ترس از شکست، یعنی شکست..... ۱۴۴
- فرار از ترس..... ۱۴۶
- ختم کلام..... ۱۴۶
- مأموریت حساس..... ۱۴۷
- میثاق با فرمانده کل..... ۱۴۷
- جلسه دهم: زیبایی سختی (در دل سختی‌ها به دنبال آسانی باش) ۱۴۹**
- نور امید..... ۱۵۱
- آماده شو!..... ۱۵۲
- آسانی در دل سختی..... ۱۵۲
- سجیل یعنی استفاده از سختی‌ها..... ۱۵۶
- چالش سخت و آسان..... ۱۵۹
- تمام آنچه گذشت..... ۱۶۰
- حالا نوبت شماست..... ۱۶۱
- به امید فردای روشن..... ۱۶۲
- جلسه یازدهم: خط قرمز! (اسراف، خودتحریمی بزرگ) ۱۶۳**
- سرمایه اصلی زندگی..... ۱۶۵

بزرگ‌ترین سارق.....	۱۶۶
خط قرمز الهی: فراتر از مصرف!	۱۶۷
خطای جمعی.....	۱۶۸
دستور مسئول مالی.....	۱۷۰
یخ زندگی.....	۱۷۲
زمان‌سوزها	۱۷۳
جمله طلایی.....	۱۷۴
اولویت‌های شما چیست؟.....	۱۷۵
نکات کلیدی بحث	۱۷۶
چالش از تفکر تا عمل!.....	۱۷۷
طلب توفیق.....	۱۷۷
جلسه دوازدهم: قوی شو تا در امان باشی! (اقتدار بازدارنده، بهترین دفاع).....	۱۷۹
گفت‌وگوی سازنده	۱۸۱
طلیعه	۱۸۱
کشف پیام‌ها.....	۱۸۲
توان روحی.....	۱۸۴
موشک‌های نقطه‌زن	۱۸۷
علم علم	۱۸۹
زنگ تفریح	۱۹۱
در یک نگاه	۱۹۱
تو نیز انجام بده	۱۹۲
دعا	۱۹۲
جلسه سیزدهم: از تو حرکت، از خدا برکت (هدایت الهی، پاداش تلاش و مجاهدت است).....	۱۹۳
دوستانه.....	۱۹۵
آغاز ماجراجویی	۱۹۵
رازهای امروز	۱۹۸
چالش و سرگرمی.....	۲۰۴



تمام ماجرا در یک نگاه ۲۰۶

تمرین هدفمند ۲۰۶

لحظه آرامش ۲۰۶

جلسه چهاردهم: با قدرت او، نشانه بزن (کسی که ما را به هدف می‌رساند، خداوند است) .. ۲۰۹

باهم گپ بزنیم ۲۱۱

گام اول ۲۱۱

گنج درون آیه ۲۱۴

وقت شادی ۲۱۹

مرحله اول ۲۲۰

مرحله دوم ۲۲۱

مرحله سوم ۲۲۱

چکیده ماجرا ۲۲۱

مأموریت ۲۲۲

زمزمه نور ۲۲۲

جلسه پانزدهم: محال، ممکن شد! (وقتی خدا وارد معادله شود، نتیجه تغییر می‌کند) .. ۲۲۳

زیباترین باب کلام ۲۲۵

سؤالات تأمل برانگیز ۲۲۵

از بازی تا حقیقت ۲۲۶

مهم‌ترین سلاح! ۲۳۰

خط استراتژیک! ۲۳۲

رمز پیروزی جمعی؟ ۲۳۴

فرمانده سپاه ۲۳۵

تنوع ۲۳۶

خط نهایی لشکر پیروز ۲۳۷

آماده شو! ۲۳۸

طلب پیروزی ۲۳۸

کتابنامه ۲۳۹

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

آیا تابه حال طعم «زندگی با یک آیه» را چشیده‌اید؟ آن لحظه‌ای که در کورانِ یک سختی، آیه‌ای ناگهان در قلبتان می‌نشیند و تمام اضطراب‌ها را می‌شوید. یا در میانهٔ یک دوراهیِ سرنوشت‌ساز، کلامی از قرآن همچون چراغی پُر نور مسیر پیش‌رو را روشن می‌کند؛ آیه‌ای که دیگر فقط متنی بر روی کاغذ نیست، بلکه به یک دوست صمیمی، یک مشاور حکیم و پناهگاهی امن تبدیل می‌شود. این تجربه همان اکسیری است که روح را در هیاهوی دنیای امروز زنده نگه می‌دارد. «نهضتِ زندگی با آیه‌ها» برآمده از همین باور است؛ باوری که می‌گوید قرآن، کتابِ زندگی در متنی میدان است، نه صرفاً کتابی برای نهادن در گنجِ طاقچه. اکنون، برای سومین سالِ پیایی، این نهضت سی‌آیهٔ منتخب را به عنوان سی شاه‌کلید برای گشودنِ قفل‌های ذهنی و رفتاری جامعهٔ امروز، محور حرکت خود قرار داده است و مجموعه کتبی که پیش‌روی شماست، عصاره‌ای از این حرکت و تلاشی برای تجهیز شما در کارزار بزرگِ امروز است.

این کارزار، میدانِ نبردش نه فقط خاک‌ریزهای خاکی، که قلب‌ها و ذهن‌های ما و اطرافیانمان است. جنگ، جنگِ روایت‌هاست؛ نبردی میان روایتِ امید و یأس، روایتِ عزت و تسلیم. خداوند از همهٔ ما که با کتابش آشنا شده‌ایم، پیمانی گرفته است: «﴿لَتَبَيِّنَنَّ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَ﴾»؛ باید آن را برای مردم بیان کنید و کتمان‌ش نکنید». این کتاب‌ها یک جعبهٔ مهمات فکری و معنوی برای شماست تا در این «جهاد تبیین»، با دلی قرص و بیانی رسا، وارد میدان شوید.

اما نقشهٔ راه ما در این کتاب‌ها چیست؟ محتوای این مجموعه براساس دو گفتمان کلان و به‌هم‌پیوسته طراحی شده است:

نخست، بازتعریف «قرآن؛ کتاب زندگی». این گفتمان یادآوری می‌کند که «رجوع مستمر به قرآن، تنها راه نجات از سردرگمی‌ها و ظلمت‌های دنیای معاصر است.» دوم، تبیین «مقاومت به عنوان تنها مسیر پیشرفت». این گفتمان، یک اصل راهبردی را تثبیت می‌کند که عزت و استقلال، با تکیه بر دشمن و تسلیم به دست نمی‌آید، بلکه محصول ایستادگی آگاهانه است.

آیات منتخب این کتاب‌ها، اجزای تکمیل‌کنندهٔ این نقشهٔ راه هستند و حول یک محور اصلی یعنی «استقلال و تسلیم‌ناپذیری» سامان یافته‌اند. اینکه «عزت‌مندی و پیشرفت پایدار، با تکیه بر دشمن و تسلیم به دست نمی‌آید.» و این استقلال حقیقی، یک بنای باشکوه است که بر چهار ستون استوار شده است: ۱. معنویت و اتصال به قدرت بی‌نهایت الهی، خاستگاه تسلیم‌ناپذیری ماست. ۲. اتحاد مقدس، سلاح اصلی ما در برابر دشمن، و تفرقه، اسم رمز شیاطین برای غلبه بر ماست.

۳. استقامت، راه رسیدن به قله‌های موفقیت است.

۴. پیروزی قطعی جبههٔ حق، یک قانون و سنت الهی است.

در هنگامهٔ نبردی تاریخی که دوگانهٔ اصلی آن «استقلال و تسلیم» است، این مجموعه کتب، منشوری قرآنی برای «چگونه مستقل بودن و مستقل ماندن» هستند. امید می‌رود این مجموعه چراغی روشن در دستان شما باشد تا ابتدا طعم شیرین زندگی با آیه‌ها را بچشید و سپس روایت حق را به زیباترین شکل ممکن در گوشی جان عزیزانتان زمزمه کنید.

این گوی و این میدان.

نهضت ملی زندگی با آیه‌ها

سخنی با خادمان کلام وحی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
﴿وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾

خدا را شاکریم که به ما، اعضای کوچک خانواده مؤسسه فرهنگی هنری «محتوای نقطه زن»، توفیق خدمت به ساحت مقدس قرآن کریم و ترویج معارف آن را در این ماه پربرکت رمضان عطا فرمود. این توفیق، نه یک امتیاز بلکه مسئولیتی سنگین و میثاقی ابدی است با کلامی که به واسطه آن، آسمان ها و زمین خلق شده اند.

ما این بستر را مادیون لطف مستمر الهی و همراهی مدیر محترم سازمان دارالقران کشور حجت الاسلام تقی زاده و مدیر محترم اداره کل امور مبلغین حجت الاسلام جنتی و بزرگوارانی چون شما طلاب و فضلاء گرانقدر حوزه های علمیه و نیز یاران اهل قلم خود در شبکه ملی تولیدکنندگان محتوای تبلیغی «هم قلم» می دانیم که پرچم دار تبلیغ و ترویج معارف و حیانی هستند.

کار ما: مهندسی تأثیر در جهان فریب

کار ما، صرفاً تولید محتوا نیست؛ بلکه مهندسی تأثیرگذاری بر روح و جان مخاطب است. در عصر غلبه رسانه های سرکش و بمباران تبلیغاتی جهانی، رسالت ما، شناسایی دقیق نقطه اثرگذاری و خلق محتوای مؤثر است.

ما اعتقاد داریم که هر گروه از مخاطبان (نسل جوان، خانواده، اقشار مختلف جامعه)، دارای ساختار انسان شناختی و جامعه شناختی ویژه ای است؛ با نقاط

قوتی که باید تقویت شوند و آسیب‌پذیری‌هایی که باید ترمیم گردند. تلاش ما بر این است که با شناخت دقیق این مختصات، کلام قرآن را نه به صورت عمومی و کلی که به صورت نقطه‌زن به قلب‌ها برسانیم.

دغدغه ما: خنثی‌سازی تیرهای دشمن در جنگ اراده‌ها

دغدغه اصلی ما در «نقطه‌زن»، شناسایی هوشمندانه نقاط تمرکز دشمن در تهاجم فرهنگی و آسیب‌های ناشی از آن بر پیکر جامعه ایرانی و اسلامی است. این شناخت، سنگ‌بنای استراتژی ماست. ما در پی آنیم تا با تولید محتوایی به‌روز، قوی و مستدل، به نقطه‌زنی فرهنگی و تبلیغی بپردازیم. هر محتوا باید همچون تیری رها شده از کمان قرآن باشد که دقیقاً به هدف تعیین شده اصابت کند.

آرزوهای ما: قرآنی‌شدن زیست جهان

آرزوی قلبی ما این است که محصول تلاش‌هایمان، تنها در قفسه‌های کتابخانه نماند بلکه به اکسیر حیات تبدیل شود؛ کتابی که خواننده پس از مطالعه‌اش، نه تنها اطلاعاتی کسب کرده بلکه نورانی‌تر شده و مسیر زندگی‌اش را با هدایت‌های قرآن هم‌راستا سازد. هدف نهایی، تحقق این وعده است که زندگی ما، نوری قرآنی یابد.

وعده ما

وعده ما به شما، اساتید و مبلغان بزرگوار، این است که همواره تلاش خواهیم کرد محتوایی در شأن مرجعیت علمی و دینی شما تولید کنیم؛ محتوایی که پشتوانه استدلالی قوی، عمق معرفتی بالا و قدرت اثرگذاری روزآمد داشته باشد.

از خداوند متعال مسئلت داریم که این تلاش‌های ناچیز را در زمره خدمت به کتاب شریفش قبول فرماید و قلم‌های ما را در خدمت به حقیقت، استوار بدارد. با تجدید احترام و التماس دعا

مؤسسه فرهنگی هنری محتوای نقطه‌زن

رضا زندوکیلی

۱۵ آذرماه ۱۴۰۴

مصادف با ۱۵ جمادی الثانی ۱۴۴۷



سخنی با شما، مربی سازندهٔ فرداها

همراه همیشگی نوجوانان، مربی عزیز!

به عنوان کسی که مسئولیت هدایت نسل آینده را بر عهده داری، بی تردید بارها این پرسش‌ها در ذهنت شکل گرفته است:

- چطور می‌توانم قرآن را به دنیای نوجوان امروز پیوند دهم؟
- چطور می‌توانم از آیات قرآن، راه‌حل‌های عملی برای چالش‌های نوجوانان استخراج کنم؟
- بهترین روش چیست که هم جذاب باشد، هم کاربردی و هم مبتنی بر مبانی اصیل اسلامی؟
- خبر خوب اینجاست: این کتاب، دقیقاً پاسخی برای همین دغدغه‌های توست. این کتاب، یک جعبه ابزار کامل و آماده است که تو را کمک می‌کند:
- تنها در ۱۵ جلسه، تحولی ملموس در نگرش نوجوانان ایجاد کنی.
- مفاهیم عمیق قرآنی را بدون نیاز به تخصص ویژه، به زبان ساده منتقل نمایی.
- با الگوبری از شهدا، اسلام ناب را در قلب نوجوانان زنده کنی.
- در این مجموعه، برای هر جلسه، ما یک نقشهٔ راه کامل آماده کرده‌ایم:
- طرح درس واضح و گام‌به‌گام؛
- داستان‌های جذاب از زندگی شهدا؛

– فعالیت‌های گروهی مهیج با بازی و مسابقه؛

– ایجاد پیوند عملی میان قرآن و زندگی روزمره.

امتیاز ویژه این کتاب در این است که به تو کمک می‌کند تا پیوندهای نبوی و مهدوی را به صورت غیرمستقیم و کاربردی به نوجوانان منتقل کنی؛ همان مفاهیمی که می‌تواند آنان را به سمت زندگی هدفمند و آرمانی سوق دهد.

مربی گرامی!

اگر می‌خواهی از سختی طراحی برنامه‌های تربیتی رها شوی، با خیال راحت و اطمینان، جلسات را مدیریت کنی و تأثیری ماندگار بر نسل نوجوان جامعه بگذاری، این کتاب، دستیار مطمئن تو خواهد بود.

شعار «تلاش کن»، از یک سو خطاب به توست که با کیمیای خورشید، وجود نوجوان را از مس به طلا مبدل می‌کنی و از سوی دیگر، نوجوان را فرا می‌خواند تا با انس با قرآن، روح خود را در پرتو نور آن، طلایی نماید.

در جهانی که نوجوانان ما با چالش‌های پیچیده و پرسش‌های بنیادین روبه‌رو هستند، قرآن همچون نقشه‌ای گنج‌گونه می‌درخشد؛ اما چگونه می‌توان این گنجینه الهی را به زبان نوجوان امروز ترجمه کرد؟ چگونه می‌توان از آیات قرآن، پاسخ‌های عملی برای دغدغه‌های نوجوان استخراج کرد؟

«تلاش کن» پاسخی است به این نیاز اساسی. این کتاب حاصل سال‌ها تجربه عملی در عرصه تربیت نوجوان است که در قالب ۱۵ طرح درس کاربردی تقدیم شما می‌شود. هر درس، یک «تلاش» است: استخراج گهرهای درخشان معارف قرآنی و تبدیل آن‌ها به مهارت‌های زندگی برای نوجوان امروز.

ساختار این مجموعه به گونه‌ای طراحی شده است که:

از آرامش درونی آغاز می‌شود و تا ایستادگی در میدان عمل پیش می‌رود؛

هر درس بر محور یک آیه کلیدی از قرآن استوار است؛

با روش‌های فعال و مشارکتی، مفاهیم را در ذهن نوجوان تثبیت می‌کند؛

الگوهای عینی از زندگی شهدا را ارائه می‌دهد؛

پیوند عملی بین قرآن و زندگی روزمره نوجوان ایجاد می‌کند.

در این سفر تربیتی، شما و نوجوانان همراهمان:

راز آرامش در طوفان را از سیره شهدا می‌آموزید؛
 فرمول موفقیت الهی را از آیات کشف می‌کنید؛
 سه سلاح پیروزی را از دعای مومنان در جنگ بدر استخراج می‌کنید؛
 و در نهایت، هنر زندگی متعهدانه را در آستانه ظهور تمرین خواهید کرد.
 «طلاش کن» فقط یک کتاب نیست؛ یک کارگاه عملی تربیت است که شما را
 در تبدیل مفاهیم انتزاعی به مهارت‌های ملموس زندگی یاری می‌رساند.

قدردان همراهان راه

در آستانه تقدیم این اثر فاخر از سوی گروه فرهنگی «آب و آفتاب»، وظیفه خود
 می‌دانیم که از تمامی عزیزانی که ما را در به ثمر نشستن این مجموعه یاری
 نمودند، صمیمانه سپاسگزاری نماییم:

از اساتید گران قدر و بنیاد مهدی موعود علیه السلام و بنیاد رسول رحمت صلی الله علیه و آله که با
 یاری خود، همراهی صمیمی در این مسیر بوده‌اند؛
 از همکاران عزیزی که با اشتیاق و تعهد، در طراحی و اجرای این طرح مشارکت
 فعال داشتند؛

و از شما مربیان دلسوزی که انگیزه اصلی ما در تولید این اثر بوده‌اید.
 امیدواریم این مجموعه بتواند در رسالت خطیر تربیت نسل نو، یاور مطمئنی
 برایتان باشد.
 و در انتها با یک صلوات این اثر را تقدیم به روح پاک شهید سید ثارالله موسوی
 می‌کنیم.

همکاران و یاوران در تألیف این اثر

آقایان: سید حسن کاظمی، حسین پیامی اصل، علی خواجه، علیرضا
 امینی تبار، محمد حسن بحرانی، مقصود افشار، محمد نورانی، سید محمود
 موسوی، مصطفی بهشتی‌پور.

و تشکر از همراهی

آقایان: حسین زهدی، مرتضی بختیاری، سجاد رضاپور، حسین مختارآبادی،
 علی اکبر محمدی، محمدصادق عسگرنژاد، حمیدرضا هادی‌نژاد، محسن قربانی،

علی فلاح، محمد نادریان، محمد رضا یآوری، سید مهدی فاطمی کیا، علی نادریان،
سعید سیف الدین و علی مظاہری.
خانم‌ها: فاطمہ بلخاری، زہرا جعفری، زینب سلطانی، ہانیہ بساطچی،
کوثر فرجی و فاطمہ آذر.

جلسه اول

گذر از امواج

(یاد خدا، باعث آرامش دل‌ها)

﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾

سوره رعد، آیه ۲۸

آگاه باشید! دل‌ها فقط با یاد خدا آرام می‌گیرند.



سُورَةُ الرَّعَدِ

* أَمَّنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَى إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ
أُولَئِكَ أَلْتَبِيبٌ ﴿١٩﴾ الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ
﴿٢٠﴾ وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ
وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ ﴿٢١﴾ وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ
وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَانْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَدْرُسُونَ
بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ ﴿٢٢﴾ جَنَّتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا
وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ
عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ ﴿٢٣﴾ سَلَامٌ عَلَيْهِمْ بِمَا صَبَرُوا فَيَنْعَمُ عُقْبَى الدَّارِ ﴿٢٤﴾
وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ
مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ
الْعَذَابُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ﴿٢٥﴾ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ
وَيَقْدِرُ وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا
مَتَعٌ ﴿٢٦﴾ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ
إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أُنَابَ ﴿٢٧﴾ الَّذِينَ آمَنُوا
وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ﴿٢٨﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

صمیمانه

به نام آن که خالق جهان است امید بی پناه و بی کسان است
به نام آن که یاد آوردنِ او تسلی بخش قلب عاشقان است
مهدی یاوران عزیز! سلام؛ سلامی به قلب های آرام.
حال دلتان خوب است؟ ساعت قلبتان کوک است؟

فرا رسیدن ماه مهمانی خدا که مایه آرامش قلب هاست را تبریک می گویم.
امیدوارم که در این ماه مبارک بتوانیم با انجام وظایف دینی، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریع را خوشحال کنیم. هر روزتان با قرآن مانوس باشید و روح و جانتان قرآنی باشد.
رفقای عزیز! از امروز بنا داریم با تلاوت روزانه آیاتی از قرآن کریم، پنجره ای از نور را به قلب هایمان باز کنیم. با قرائت آیات ۲۵ تا ۲۸ سوره رعد و به کمک یکی از دوستان قاری، تلاوت را آغاز می کنیم.^۱
از دوست عزیزمان برای قرائت زیبایی که داشتند، صمیمانه سپاسگزاریم.
الهی که سراسر زندگی تان قرآنی باشد. لطفاً برای سلامتی این عزیز قرآنی و خانواده محترمشان، صلواتی بلند بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

آماده شدن برای پرواز

به نام خداوند دل های پاک که نامش بود در دلت تابناک
به نام کسی که تو را آفرید سرآغاز عشق است و نور و امید

۱. مربیان گرامی توجه داشته باشند که ایده آل این است که متربیان، آیات روزانه را تلاوت کنند اما اگر نشد، بهتر است خود مربی قرائت کند و به هر دلیلی اگر مربی نیز نتوانست، می تواند از کلیپ ها و صوت مشاهیر این عرصه استفاده کند.

رفقای عزیز! بیایید در ابتدای کلاس به چند سؤال پاسخ دهیم.^۱ لطفاً هرکسی که پاسخ را می‌داند، دستش را بالا بیاورد.

سؤالات:

۱. نام همسر فرعون چه بود؟^۲
 ۲. نام یکی از سوره‌های قرآن که با برخورد ابرها به هم، به وجود می‌آید؟^۳
 ۳. نام یکی از سوره‌های قرآن که به نام پیامبران است؟^۴
 ۴. تنها سوره قرآن که به نام یک خانم است؟^۵
 ۵. امام حسین علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام در کدام ماه به دنیا آمده‌اند؟^۶
- دوستان قرآنی! در این کلمات، رمزی پنهان شده است که باید آن را کشف کنیم. اگر حروف اول پاسخ‌ها را به ترتیب به یکدیگر وصل کنیم، کلمه‌ای به دست می‌آید که رمز مورد نظر ما و درواقع موضوع کلاس ماست. پس لطفاً با دقت و سرعت بالا این کار را انجام دهید.
- به نظرتان رمز ما چیست؟
- آفرین رفقای قرآنی! آرامش، رمزی است که قرار است درباره آن گفت‌وگو کنیم.
- برای سلامتی خودتان و خانواده‌هایتان صلواتی بلند بفرستید.
- «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

سفر به قلب موضوع

رفقای عزیز! کدام یک از شما می‌داند آرامش به چه معناست؟ با چه کارهایی می‌شود به آرامش رسید؟^۷

آفرین! همه این پاسخ‌ها درست است. قرآن آموزان عزیز! بیایید با کمک

-
۱. مربیان گرامی می‌توانند پس از طرح سؤال، جواب‌ها را به ترتیب روی تخته یا روی برگه‌های بزرگ که از قبل آماده کرده‌اند بنویسند.

۲. آسیه.

۳. رعد.

۴. انبیاء.

۵. مریم.

۶. شعبان.

۷. مربیان گرامی، متربیان را در پاسخ به این سؤال مشارکت دهند و در آخر جمع‌بندی کنند.

هم پاسخ‌هایی که دادید را تکمیل کنیم.^۱

آرامش این نیست که در پیروزی‌ها آرام باشیم؛ بلکه در اوج ناراحتی‌ها، شکست‌ها و بدبختی‌ها، باید جایی باشد که پناه بگیریم؛ یک نفر هست که تو را ببیند، بغلت کند و تو را در آغوش بگیرد. مانند هواپیمایی که با سرعت و شتاب در حرکت است، اما در درون خود آرامش دارد. درواقع، آرامش یعنی امیدت به خداوند باشد و فقط به او تکیه کنی؛ همان‌گونه که وجود نازنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «نیکوترین زیور مرد، آرامش همراه ایمان است.»^۲ کسی که آرامش داشته باشد، استقلال خواهد داشت و به کسی غیر از خدا تکیه نمی‌کند.

همه می‌دانیم که نقطه مقابل آرامش، استرس است. به نظرتان آرامش و استرس چه تفاوت‌هایی باهم دارند؟^۳

درد بر شمارفقا!^۴ حالا بیایید با کمک یکدیگر جواب‌ها را در جدول قرار بدهیم.

ویژگی‌های آرامش	ویژگی‌های استرس
تسکین قلب؛ حتی وقتی فرد در سختی یا امتحانی قرار می‌گیرد، قلب او از حالت عادی خارج نمی‌شود و در آرامش و سکون باقی می‌ماند.	تپش قلب؛ وقتی تحت فشار یا در امتحان هستی، قلبت از حالت عادی خارج می‌شود. ضربان آن خیلی تندتر از حد معمول می‌زند.
تمرکز؛ ذهن را روی یک چیز نگه می‌دارد. محرک‌های اضافی و حواس‌پرتی‌ها را کنار می‌زند.	سردرگمی؛ تمرکز نداری. ذهن مدام به موضوعات دیگر کشیده می‌شود و تأثیرپذیر از حواس‌پرتی‌ها هستی.
تصمیم‌گیری درست؛ آرامش کمک می‌کند در لحظه‌های حساس حواس‌پرت نشوی. در نتیجه، بهتر تصمیم می‌گیری.	تصمیم‌گیری عجولانه؛ ذهن آشفته است و آرامش نداری. این وضعیت باعث می‌شود نتوانی در موقعیت‌های حساس، درست تصمیم بگیری.
رفتار با طمأنینه؛ کسی که آرامش دارد، حتی اگر او را اذیت کنند، با صبر و وقار رفتار می‌کند.	پرخاشگری؛ اگر آرامشت از بین برود، نمی‌توانی برخورد‌های اشتباه دیگران را تحمل کنی و زود عصبانی می‌شوی و پرخاش می‌کنی.

این‌ها بخشی از تفاوت‌های استرس و آرامش بود.

۱. مربیان گرامی می‌توانند از طریق <https://ifilo.net/v/RDUaotu> فیلم دکتر عزیزی که درباره آرامش است را دانلود کنند و داخل کلاس پخش کنند.

۲. «أَحْسَنُ زِينَةِ الرَّجُلِ السَّكِينَةُ مَعَ إِيْمَانٍ» (بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۳۷، ح ۲).

۳. در اینجا بعد از گرفتن مشارکت، با استفاده از روش مقایسه‌ای مفهوم آرامش را برای مربیان شرح می‌دهیم.

۴. مربیان گرامی، در اینجا جدول را بر روی تخته می‌کشند و با پاسخ دانش‌آموزان آن را پر می‌کنند.

رهبر معظم انقلاب علیه السلام درباره آرامش می فرمایند: «انسانی که از آرامش روحی برخوردار است، درست فکر می کند، درست تصمیم می گیرد و درست حرکت می کند. این ها نشانه های رحمت الهی است. امروز جامعه انقلابی ما، مردم مؤمن ما، نیاز دارند که این آرامش، این سکینه و این طمأنینه و وقار را هرچه بیشتر در خودشان ایجاد کنند. خداوند می فرماید: ﴿لَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (تنها با یاد خدا دل ها آرام می گیرد). یاد خداست که دل ها را در ماجراهای طوفانی دنیا و زندگی حفظ می کند. پس یاد خدا را مغتنم بشمارید.»^۱

رفقای عزیز! می خواهم خاطره های بسیار جذاب برایتان تعریف کنم. خاطره ای که یکی از مربیان ما از دوران تحصیل خود در زمان نوجوانی اش نقل می کند: «وقتی در سن نوجوانی، ایام امتحانات می رسید، من خیلی دلشوره و استرس می گرفتم؛ مخصوصاً وقتی امتحان زبان انگلیسی داشتیم. با اینکه معلم زبان ما به گونه ای تدریس می کرد که جذب درس شده بودیم و تمرین های متنوعی هم سر کلاس انجام می دادیم، باز هم برای این امتحان، با وجود تمرین های زیاد، استرس داشتم. آیت الکرسی^۲ را خواندم و از خانه خارج شدم. در مسیر مدرسه، تمام فکرم درگیر این بود که چطور از این استرس و اضطراب خلاص شوم. قبلاً از مادرم شنیده بودم که هر وقت در زندگی گیر کردی، به امام زمان علیه السلام توسل کن و با هدیه صلوات از ایشان کمک بخواه. مشغول ذکرگفتن بودم که به مدرسه رسیدم. نفسم را کامل به داخل سینه کشیدم و بیرون دادم تا شاید این استرس همراه هوا از وجودم بیرون بپرد، اما نشد. چاره ای نبود و باید به سمت نمازخانه حرکت می کردم.

در نمازخانه را باز کردم. صندلی ۲۸ را بین صندلی های چیده شده پیدا کردم؛ جای من کنار دیوار بود. حدود دو سه دقیقه بود که همه بچه ها آمده بودند. معاون پرورشی به همراه مدیر برای شروع امتحان وارد نمازخانه شدند. معاون شروع به صحبت کرد تا تذکرات لازم را بدهد، اما من از درون هنوز دلشوره داشتم که نتیجه امتحان چه می شود؟ همزمان تمام تمرکز را جمع می کردم تا این دلشوره و استرس را از خودم دور کنم.

۱. رعد، ۱۲.

۲. آیات ۲۵۵ و ۲۵۶ سوره مبارک بقره را آیت الکرسی می گویند.

معاون پرورشی می دانست که اکثر بچه ها از این امتحان استرس دارند. برگه ای را از کیفش بیرون آورد و روی دیوار چسباند. به بچه ها گفت: «هرکجای زندگی تان استرس گرفتید، از این جمله غافل نشوید؛ چون این جمله باعث می شود تمام استرس شما از بین برود و به آرامش برسید، آرامشی که شما را از همه چیز بی نیاز می کند.» احساس کردم صلوات هایی که در راه مدرسه به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیک هدیه کرده بودم، اینجا نتیجه داد. با این راهکار معاون پرورشی، استرس و دلشوره، مثل پرنده ای که از قفس پر می زند، از قلبم پرواز کرد و رفت.»

حالا رفقا، بیایید با حل یک جدول برسیم به جمله ای که معاون پرورشی به بچه ها گفته بود:

ا	ر	ط	ق
ل	ا	م	ل
ا	ل	ئ	و
ب	ل	ن	ب
ذ	ه	ا	*
ک	ت	ل	*

روش حل این جدول^۱ به این صورت است: ابتدا حرف اول (ا) را روی تخته می نویسم. حالا یکی از دوستان می آید برای تکمیل آن. باید چهارتا چهارتا خانه ها را بشمارد و حروف را کنار هم بچیند. وقتی به آخر جدول رسید؛ دوباره از حرف دوم جدول، (ر) را بنویسد و به روش قبل ادامه دهد تا جمله به دست آید.

احسنت به دقت شما دوست عزیز!

رمز جدول «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۲ است.

۱. روش اجرای جدول: مربی باید جدول را روی تخته بکشد و تمام حروف را داخل جدول بنویسد و برای یافتن رمز، ابتدا حرف اول (ا) را روی تخته بنویسد و به متریبان بگوید چهارتا چهارتا خانه جلو بروند و حروف را کنار هم بچینند و پایین جدول که رسیدند؛ دوباره از حرف دوم جدول (ر) را بنویسند و به روش قبل ادامه بدهند تا جمله به دست آید.

۲. رعد، ۲۸.

آفرین دوستان باهوش! معاون پرورشی آیه «لَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَظْمِئُ الْقُلُوبُ»^۱ را به دیوار نمازخانه زده بود تا بچه‌ها با این ذکر به آرامش قلبی برسند.

دوستان عزیز! به نظر شما، چرا یاد خدا به دل‌ها آرامش می‌دهد؟

چون خدا همه چیز را می‌داند و کنترل همه چیز در دست اوست. وقتی این‌ها را باور کنیم، دیگر از هیچ چیزی وحشت نمی‌کنیم.

یاد خدا به ما امید می‌دهد. یعنی مطمئن هستیم که حتی اگر شکست بخوریم، او هست که ما را دوباره قوی می‌کند.

وقتی خدا را یاد می‌کنیم، احساس تنهایی نمی‌کنیم. مثل این می‌ماند که یک قهرمان همیشه کنار ماست.

مقام معظم رهبری علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «حیات انسان، جز در رابطه با خدا، معنا ندارد. حیات قلبی و روحی و معنوی انسان، جز در ارتباط با خدا، مفهوم پیدا نمی‌کند. به مجرّد اینکه کسی از خدا غفلت کند، قلب، زندگی خود را از دست می‌دهد و روح، می‌میرد. اگر دوباره ذکر و توجّه به سراغش بیاید، جان می‌گیرد.»^۲

رفقا، قضیه «شارژر همیشه در دسترس» را شنیده‌اید؟

تصور کنید روز پر از استرسی دارید، امتحان سختی هم پیش رویتان است یا مشکلی برای یکی از دوستانتان پیش آمده. دقیقاً در همان لحظات است که احساس می‌کنید باتری دلتان در حال تمام شدن است و حال خوبی ندارید.

یاد خدا دقیقاً مثل همان شارژر است!

همان طور که گوشی را به شارژر وصل می‌کنید تا دوباره روشن شود و بتوانید از آن استفاده کنید، دل شما هم با یاد خدا (با گفتن «یا الله»، «الحمد لله») یا یک دعای کوتاه) شارژ می‌شود. این کار سه اثر دارد:

آرامش بخش است: چون می‌دانید تنها نیستید و یک پشتیبان قوی (خداوند) کنارتان هست.

انرژی دهنده است: به شما امید می‌دهد که حتی اگر نتیجه مطابق میل شما نبود، باز هم می‌توانید قوی باشید و ادامه دهید.

۱. همان.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام در دیدار روحانیون و مبلغان، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۷۵.



زنده کننده است: همان طور که رهبرمان فرمودند، بدون یاد و ارتباط با خدا، دل می میرد، اما با یاد خدا، دوباره زنده و با نشاط می شود.

پس دفعه بعد که احساس خالی شدن و نگرانی کردید، یک «یا الله» بگویید و اثر شارژ شدنتان را ببینید!

رفقای عزیز! نمونه آشکار آیه «**أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ**»^۱ شهدای ما هستند: شهید «محمد حسن نظر نژاد»^۲ از فرماندهان شجاع و معروف استان اصفهان بود. در عملیات های مهمی مانند والفجر ۸ حضور داشت. او به دلیل ایمان عمیق و آرامش روحی اش در شرایط سخت جنگ، در بین همرزمانش زبانزد بود. حاج حسین یکتا که هم رزم او بود، خاطره ای تعریف می کند:

در یکی از عملیات ها در منطقه فاو، گردانی که محمد حسن فرماندهی اش را برعهده داشت، در موضعی بسیار خطرناک زیر آتش شدید توپخانه و مسلسل دشمن قرار گرفت. وضعیت آن قدر بحرانی بود که حتی افراد باتجربه جنگ هم مضطرب شده بودند. در اوج آن آتش باران سنگین و درحالی که ترکش ها از هرسو می بارید ناگهان چشمم به محمد حسن نظر نژاد افتاد. او را دیدم که چشم هایش بسته است و لب هایش به آرامی حرکت می کند. نگران شدم و فکر کردم شاید خستگی یا جراحت باعث شده او بخوابد. نگران به سمتش خزیدم و در گوشش گفتم: «حسن! اینجا جای خوابیدن نیست! وضعیت خیلی خطرناک است!» شهید نظر نژاد آرام چشم هایش را باز کرد، لبخندی زد و گفت: «خواب نبودم برادر. داشتم با خدا حرف می زدم. داشتم ذکر می گفتم.» با تعجب پرسیدم: «تو در وسط این هیاهو و این همه آتش و انفجار، داری ذکر می گویی؟!» محمد حسن نظر نژاد با آرامشی وصف نشدنی پاسخ داد: «این جایی که انفجار و ترکش است، خدا هم هست. من دارم با کسی حرف می زنم که تمام این ماجرا در دست اوست. از چه چیزی باید بترسم؟»

۱. همان.

۲. مربیان گرامی می توانند عکس شهید را از قبل چاپ کنند و هنگام نام بردن از شهید عکس را به نمایش بگذارند.

شهید نظرنژاد به ما آموخت که آرامش یک حس درونی است و به معنای «نبودن مشکلات» نیست، بلکه به معنای «احساس امنیت در دل مشکلات» است. وقتی انسان باور کند که همه چیز در دست خدای مهربان است، ترس از حوادث و مشکلات، جای خود را به اعتماد و آرامشی عمیق می‌دهد.

حالا نوبت ماست که این اصل را در زندگی روزمره مان پیاده کنیم. درست است که ما در میدان جنگ فیزیکی و میان انفجار نیستیم، اما هر کدامان در زندگی خودمان با «منطقه فاو» هایی روبه‌رو می‌شویم. این مناطق خطرناک برای شما (نوجوان امروز) می‌تواند این موارد باشد:

– طوفان استرس امتحان: وقتی همه دوروبرت نشسته‌اند، سوالات سخت است و زمان کم است.

– آتش باران تمسخر دیگران: وقتی به خاطر عقیده، حجاب یا انجام یک کار درست، مورد تمسخر قرار می‌گیری.

– ترکش‌های مشکلات خانوادگی: وقتی در خانه تنش و ناراحتی هست و دلت می‌گیرد.

– شبیخون و سوسه‌های گناه: وقتی در فضای مجازی یا میان دوستان، در معرض کارهای نادرست قرار می‌گیری.

حالا، درست در همین لحظات سخت است که باید یادمان بیاید: «بارالها، من بذرتلاش را در زمین وجودم کاشتم؛ حالا تو با باران آرامشت بر آن بار و آن را تلاش کن». شما هم می‌توانید یک «محمدحسن نظرنژاد» باشید:

– قبل از امتحان: به جای استرس و نگرانی، یک دقیقه چشمانت را ببند و با خدا حرف بزن. بگو: «خدایا، شکر برای این فرصت. به من آرامش بده تا از تلاشم بهترین نتیجه را بگیرم.»

– وقتی مسخره می‌شوی: به جای ناامیدی، در دلت ذکر بگو. با خودت زمزمه کن: «الله اکبر». این یعنی خدا از همه چیز و همه کس بزرگ‌تر است، پس نگاه دیگران ارزشی ندارد.

– وقتی دلت گرفته: به جای پناه بردن به کارهای بیهوده، چند آیه از قرآن را با تأمل بخوان یا به یک مناجات گوش کن. یادت باشد نزدیک‌ترین دوست و یاور تو، خداست.

– وقتی در انتخاب راه درست و غلط مردد هستی: چشمانت را ببند و از خدایت کمک بخواه. بگو: «خدایا، مرا از شر نفس و وسوسه‌ها نجات بده.»
یادت باشد: قدرت تو در آرامش توست. اگر در اوج فشارهای درسی، ناراحتی‌های عاطفی یا حتی تمسخر دیگران، آرام و مطمئن بمانی، این آرامش همچون شهید نظرزاد، هم خودت را نجات می‌دهد و هم این آرامش تو بر اطرافیان نیز اثر می‌گذارد و به آن‌ها قوت قلب می‌دهد.
پس از امروز تصمیم بگیر که در «فاوهای» زندگی‌ات، با ذکر و یاد خدا، قلبت را آرام کنی و قهرمان زندگی خودت باشی.

ایستگاه شعر

قبل از جمع‌بندی، می‌خواهم چند بیت شعر درباره آرامش با نام خدا تقدیمتان کنم:

نام زیبای تو آرام دل و جان من است
ذکر جان‌بخش تو هم مایه سامان من است
تو رجایی، تو دلیلی، تو غیائی و انیس
انس دائم به تو، خود محور ایمان من است
می‌کنم خاطر خود را به جمالت روشن
روی زیبای تو هم نور دو چشمان من است
آن‌که هر لحظه کند محو خودش «مخلص» را
حرف حرفی ز تو در مصحف جانان منم است^۱
الهی که عاقبت به خیر بشویم. صلواتی بلند بفرستید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

مرور نقشه پرواز

رفقا! کلید آرامش در دستان شماست. این کلید «یاد خداست». همان‌طور که شهید نظرزاد در سخت‌ترین شرایط به ما آموخت: آرامش یعنی: «احساس امنیت در دل طوفان»؛ نه نبودن طوفان.

۱. شاعر: فتح‌الله آقاخانی.

هرگاه استرس و دلشوره به سراغت آمد، به جای قفس ترس، پناهگاه یاد خدا را انتخاب کن. تنها با یک «یا الله» قلبت را از قفس استرس رها کن و پرواز را تجربه کن.

شارژ درونی تو همیشه در دسترس است؛ از آن استفاده کن! تا در برابر سختی‌ها توانی بایستی. اتفاقاً خوب است بدانی مقاومت یکی از ویژگی‌های یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه است.

حرکت کن

۱. ایستگاه آرامش: یک «ذکر» کوتاه (مثل «یا حی و یا قیوم» یا «لا حول و لا قوة الا بالله») را به عنوان زنگ آرامش خود انتخاب کن. هر زمان که احساس اضطراب، استرس یا عصبانیت کردی، چند نفس عمیق بکش و آن ذکر را ۱۰ بار با تمرکز تکرار کن. تأثیر آنی آن را در آرام شدن ضربان قلبت خواهی دید.

۲. طبیعت و ذکر: آخر هفته به دل طبیعت (یک پارک یا فضای سبز نزدیک) برو. دقایقی بدون گوشی موبایل بنشین و به زیبایی‌های خلقت نگاه کن. سعی کن در دل هر زیبایی، خدا را یاد کنی. این ترکیب، قدرتمندترین نسخه از «ذکر الله» برای رسیدن به آرامش است.

یک دقیقه آرامش

در انتهای کلاس هم بیایید دست به دعا شویم.

خدایا، به حق این ماه عزیز توفیق اطاعت و بندگی‌ات را به ما عنایت فرما؛
الهی آمین!

خدایا، به حق این ماه عزیز قلب ما را با یاد خودت آرام گردان؛

خدایا، توفیق اطاعت و بندگی‌ات را به ما عنایت بفرما؛

خدایا، یاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه را در دل‌هایمان زنده بدار.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



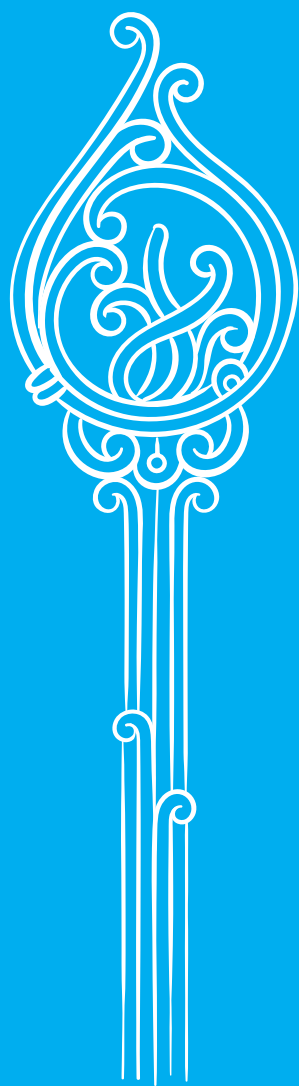
پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه



جلسه دوم

گوش به فرمان نامه

(انس با قرآن، سپری در مقابل

تهاجمات فرهنگی)

﴿فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾

سوره مزمل، آیه ۲۰

هرچه قدر برایتان میسر است، قرآن بخوانید.



سُورَةُ الْمُرْسَلَاتِ

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثَيِ اللَّيْلِ وَنُصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَافِيَةً
مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يَقْدَرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عِلْمَ أَن لَّنْ نَّحْصُوهُ فَتَابَ
عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ۚ عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَّرْضَىٰ
وَأَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ
يُقِيمُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا
الزَّكَاةَ وَأَفْرِضُوا لِلَّهِ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لَأَنفُسِكُمْ مِن خَيْرٍ مِّجْدُوهُ
عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٢٠﴾

سُورَةُ الْمُرْسَلَاتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ ﴿١﴾ قُمْ فَأَنذِرْ ﴿٢﴾ وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ ﴿٣﴾ وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ ﴿٤﴾
وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ ﴿٥﴾ وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْبِرُ ﴿٦﴾ وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ ﴿٧﴾ فَإِذَا نَقَرْ
فِي النَّاقُورِ ﴿٨﴾ فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ ﴿٩﴾ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ عَسِيرٍ ﴿١٠﴾
ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا ﴿١١﴾ وَجَعَلْتُ لَهُ، وَمَا لَمْ مَمْدُودًا ﴿١٢﴾ وَبَيْنَ
شُهُودًا ﴿١٣﴾ وَمَهَّدْتُ لَهُ، تَمْهِيدًا ﴿١٤﴾ ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ ﴿١٥﴾ كَلَّا إِنَّهُ
كَانَ لَا يَتَنَبَّأُ عِندَآ ۖ سَآرَهُ هَقٌّ، صَعُودًا ﴿١٧﴾ إِنَّهُ، فَكَّرَ وَقَدَّرَ ﴿١٨﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

سبب سلامتی و آشنایی

مطلع آیات قرآن کریم

هست بسم الله الرحمن الرحيم

قهرمانان قرآنی، سلام!

الهی قلبتان همیشه نورانی و قرآنی باشد.

همان طور که جلسه قبل مهمان سفره پربرکت قرآن بودیم، امروز هم می‌خواهیم دوباره بر سر این سفره هدایت بنشینیم و برنامه‌مان را با کلام خدا آغاز کنیم.

به لطف خدای مهربان، امروز یکی از دوستان عزیزمان، آیه ۲۰ سوره مُزَمِّل را با صدای زیبایش تلاوت خواهد کرد.^۱

تا زمانی که ایشان آماده می‌شود، یک حدیث زیبا از پیامبر اکرم ﷺ را برایتان می‌خوانم:

«هر کس سوره مُزَمِّل را قرائت کند، سختی‌های دنیا و آخرت از او دور می‌شود.»^۲
با تشکر از دوست عزیزمان بابت تلاوت بسیار زیبا و دلنشینش. خداوند قوت دهد و زندگی‌تان را با نور قرآن روشن کند. برای سلامتی و طول عمر این عزیز و خانواده محترمشان صلواتی بلند بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

۱. مریبان گرامی توجه داشته باشند که ایده‌آل این است که متربین، آیات روزانه را تلاوت کنند اما اگر نشد، بهتر است خود مربی قرائت کند و به‌هردلیلی اگر مربی نیز نتوانست، می‌تواند از کلیپ‌ها و صوت مشاهیر این عرصه استفاده کند.

۲. مجمع‌البیان، ج ۱۰، ص ۱۵۷.

نامه‌ای که به آن توجه نشد...

همه چیز از آن سؤالی شروع شد که از من پرسید؛ سؤالی که تا ماه‌ها بعد، ذهن مرا درگیر خودش کرده بود.

آن گوشه مسجد، پسر نوجوانی را دیدم که چنان غرق در کتابی بود که گویی جهان اطرافش ناپدید شده است. نه صدایی می‌شنید و نه حرکتی می‌دید؛ فقط و فقط صفحاتی را که آرام ورق می‌زد. این علیرضا بود؛ همیشه شوخ و پرنرزی، اما در آن لحظه، چهره‌اش جدی و کاملاً غرق در تفکر بود. بعداً او را دیدم که کنار یکی از دوستانش نشسته و با چشمانی مشتاق، دربارهٔ چیزی داخل همان کتاب، سؤال می‌پرسد؛ انگار در حال رمزگشایی از یک راز بزرگ بود.

وقتی داشتیم از مسجد خارج می‌شدیم، با کنجکاوی پرسیدم: «خیلی در قرآن غرق شده بودی؟»

نگاهم کرد؛ اما نه آن نگاه شوخ و بازیگوش همیشگی‌اش. نگاهش عمیق و پراز تأمل بود. یک لحظه سکوت کرد و سپس با آرامشی عجیب گفت: «ما داریم بزرگ‌ترین هدیه را نادیده می‌گیریم. این فقط یک کتاب نیست... مثل نامه‌ای مستقیم از سوی خداست. تصور کن نامه‌ای از کسی که بیشتر از هر کس دوستت دارد به دست برسد و تو حتی آن را نخوانی؟ حتی نفهمی چه چیزهای مهمی برایت نوشته است؟»

ایستادم و حرف‌هایش را می‌شنیدم. این حرف‌ها برای یک نوجوان، سنگین و عمیق به نظر می‌رسید، اما در چشمان او هیچ نشانه‌ای از شوخی نبود؛ فقط یک درک جدی و حقیقی می‌درخشید.

آن لحظه فهمیدم که چیزی در علیرضا تغییر کرده است. او دیگر فقط یک پسر بچه نبود؛ بلکه انسانی بود خودساخته که رازی را کشف کرده بود که بسیاری از ما از آن غافلیم و آن راز، در میان صفحات همین نامه نهفته بود.^۱

رفقای عزیز! علیرضا به قول خودش، گوش به فرمان نامه‌ای شد که از طرف خدا آمده بود. انس او با قرآن و معرفتش نسبت به این کتاب الهی باعث شد که از تهاجمات فرهنگی در امان بماند و به بهترین مقصد، یعنی شهادت، به سوی

۱. مسافر کربلا؛ زندگی نامه و خاطرات شهید علیرضا کریمی، ص ۳۴.

خدا رهسپار شود و این مدال افتخار را نصیب خودش کند.
نثار روح شهدا، به ویژه شهید نوجوان علیرضا کریمی، صلواتی بلند بفرستید.
«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

دفترچه راهنما

رفقای قرآنی! قرآن کریم، کلام نورانی خداوند است که برای هدایت انسان ها نازل شده است، مثل دفترچه راهنمایی که شرکت ها کنار وسایل برقی قرار می دهند تا مشتری برای استفاده از آن وسیله دچار سردرگمی نشود؛ یا اینکه فرض کنید یک گوشی هوشمند فوق پیشرفته یا یک کنسول بازی جدید می خرید؛ آیا فقط با نگاه کردن به ظاهرش می توانید از همه قابلیت هایش استفاده کنید؟ قطعاً نه. سراغ دفترچه راهنمای آن می روید.

خب رفقا، ما انسان ها هم پیچیده ترین و پیشرفته ترین سیستم عامل هستیم. مغز، قلب، احساسات، رابطه با پدر و مادر، دوستان و انتخاب مسیر زندگی، این ها همه نیاز به راهنما دارند. قرآن، دقیقاً همان دفترچه راهنمای کاربردی برای زندگی است که توسط سازنده این سیستم یعنی خداوند در اختیارمان قرار گرفته است. برای هر مشکل راه حلی داده است.

قرآن؛ دفترچه راهنمای تو برای حل مشکلات زندگی

این کتاب برای هر مشکلی که در مسیر زندگی با آن روبه رو می شویم، راه حلی ارائه داده است.

بیایید چند نمونه از این راه حل ها را که مستقیماً از قرآن آمده است، مرور کنیم:

۱. وقتی با دوستت دعوا می کنی و دلت شکسته: قرآن یک دستورالعمل مشخص دارد و می فرماید: «وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ»^۱ (صبر کن بر آنچه به تو رسیده است). این یعنی قرآن به تو می گوید: یک نفس عمیق بکش، شرایط سخت می گذرد. قدرت تو در توانایی تحمل و عبور از این لحظات است.

۲. وقتی احساس تنهایی می‌کنی یا استرس داری: قرآن یک آیه آرامش بخش دارد، می‌فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۱ (بدانید تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌گیرد). خداوند به نحوی به تو می‌گوید: یک ارتباط اینترنتی مستقیم و همیشه فعال با من برقرار کن تا آرام شوی. این اتصال، انرژی بخش و تکیه‌گاه توست.

۳. وقتی کسی پشت سرت حرف زده و ناراحت شدی: قرآن یک راهکار هوشمندانه برای حفظ شأن و آرامش روحی تو داده است که می‌فرماید: «وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» (واز حرف زور و باطل دوری کنید). این دستورالعمل به تو می‌گوید: گاهی سکوت کن، گاهی با منطق و درست جواب بده، اما مهم‌تر از همه، خودت در این بازی خطرناک شرکت نکن.

دوستان عزیز! این سه راهکار، تنها بخشی کوچک از راه‌حل‌های قرآن برای مسیر زندگی ما بود. اگر واقعاً مطمئن باشیم این نامه از طرف کسی است که خالق ماست و بهتر از هرکسی ما و دنیای درونمان را می‌شناسد، آیا باز هم بی‌خیال می‌شویم؟ آن وقت داریم بزرگ‌ترین هدیه ممکن را نادیده می‌گیریم.

جالب است بدانید که خود قرآن می‌فرماید: «فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ»^۲. امام رضا (ع) در تفسیر آیه «فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: تا آنجا که خشوع و صفای دل دارید، قرآن بخوانید.^۳ خداوند از ما انتظار ندارد یک شبه حافظ کل قرآن شویم، یک شبه کل قرآن را بخوانیم و بفهمیم؛ نه، قدم اول، شروع کردن است، حتی اگر کوچک باشد.

خوب است بدانید: نه تنها قرآن راهنمای راه روشن ماست بلکه تلاوت و خواندن قرآن ثواب فراوان و آثار روحی و معنوی بسیاری دارد که در اینجا به چهار مورد آن اشاره می‌کنیم:

۱. نزدیک شدن به خدا

قرآن کلام خود خداست. راه کوتاه، مستقیم برای نزدیک شدن به خداوند،

۱. رعد، ۲۸.

۲. مزمل، ۲۰.

۳. تفسیر مجمع‌البیان، ج ۱۰، ص ۲۷۶.

همین قرآن است. همان گونه که امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: پس به وسیله قرآن خواسته های خود را از خدا بخواهید. با دوستی قرآن به خدا نزدیک شوید. به وسیله قرآن از خلق خدا چیزی نخواهید، زیرا وسیله ای برای تقرّب بندگان به خدا، بهتر از قرآن وجود ندارد.^۱

۲. آرامش بخش روح و روان

قرآن کریم بزرگ ترین معجزه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. تمام آنچه برای هدایت بشر نیاز بوده در آن آمده است. کامل ترین نسخه برای آرامش روح است؛ همان گونه که در خود قرآن نیز به آن اشاره شده است: «**أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ**»؛^۲ قرآن یکی از مصادیق ذکر خداست و آرامش بخش روح و روان انسان هاست. بزرگان و شهدا به قرائت قرآن در ایام عادی و روزانه اهمیت زیادی قائل بودند و این اهمیت دادن آن ها در ماه مبارک رمضان بیشتر می شد.

رابطه شهید حسین علم الهدی با قرآن کریم به حدی عمیق بود که لحظه ای از این کتاب آسمانی جدا نمی شد. گویی آیات قرآن با تاروپود وجود او درآمیخته بود. این شهید بزرگوار، همیشه یک قرآن کوچک در جیب لباسش بود. بعد از شهادت ایشان در عملیات نصر، زمانی که دشمن با تانک از روی پیکر مطهر او و یارانش عبور کرد، حدود یک سال ونیم بعد، هنگامی که پیکرها کشف شد، تنها نشانه و راه شناسایی بدن پاک این شهید، همان قرآن کوچکی بود که در جیب لباسش باقی مانده بود!^۳

حالاً رفقای عزیز، یک سؤال مهم: چه چیزی در این قرآن وجود دارد که یک فرمانده جنگ، در سخت ترین شرایط میدان نبرد، هرگز آن را رها نمی کند؟^۴ احسنت به شما! قرآن برای او فقط یک کتاب نبود؛ بلکه همراه همیشگی، منبع قدرت و نقشه راه بود. شهید علم الهدی به این آیه خوب عمل کرد: «**فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ**».

۱. «**فَاسْأَلُوا اللَّهَ بِهِ وَتَوَجَّهُوا إِلَيْهِ بِحَبِّهِ وَلَا تَسْأَلُوا بِهِ خَلْقَهُ إِنَّهُ مَا تَوَجَّهَ الْعِبَادُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِمِثْلِهِ**». (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶).

۲. رعد، ۲۸.

۳. شهادت حافظان قرآن، ص ۱۲۱.

۴. مربیان گرمی، از مربیان مشارکت بگیرید و بگذارید درباره این سؤال نظر بدهند.

شاید داستان حافظ و نخبه علمی را شنیده باشید که دکترای خود را از دانشگاه امیرکبیر گرفته بود و در زمینه رسانه و مقاومت هم فعالیت داشت. منظورم شهیده معصومه کرباسی است؛ خانمی که قاری و حافظ قرآن بود. نکته بسیار جالب اینجاست که او هیچ وقت از خواندن قرآن خسته نمی شد. خواهر شهیده کرباسی نقل می کند: «با وجود اینکه معصومه مشغله های علمی زیادی داشت، ما باهم مسابقه حفظ قرآن گذاشته بودیم. او همیشه مشغول خواندن قرآن بود، اما در عین حال، همیشه شاگرد ممتاز و بسیار خوش اخلاقی هم بود»^۱.

آیا فکر می کردید یک خانم در دوران نوجوانی و جوانی بتواند هم حافظ و قاری قرآن باشد، هم درسش خوب باشد؟

رفقای عزیز! قرآن، وقت آدم را نمی گیرد، بلکه به وقتش برکت می دهد!

۳. قرآن منبع اصلی هدایت

یکی از اثرات و ثمرات تلاوت روزانه قرآن، پیدا کردن مسیر درست زندگی است. قرآن انسان ها را از تاریکی به روشنایی و از جهل به خرد هدایت می کند. این کتاب آسمانی راهنمای همه انسان ها از هر قشر و طایفه ای است. قرآن کتابی است برای هدایت همه انسان ها.

دوست عزیز! تصور کن می خواهی در یک بازی کامپیوتری خیلی سخت و پیچیده بروی آخرین مرحله. این بازی پر از مسیرهای انحرافی، دام و هیولاست. اگر بدون راهنمای بازی یا نقشه پیش بروی، حتما گم می شوی، وقت تلف می شود و شکست می خوری.

قرآن، دقیقاً مثل همان راهنمای بازی است:

وقتی در زندگی نمی دانی راست گویی بهتر است یا دروغ گویی، کمک به دیگران بهتر است یا فقط به فکر خودت بودن، قرآن مثل یک چراغ قوه می ماند

۱. مربیان گرامی، می توانید خاطره شهیده که خواهرش در برنامه محفل نقل کرد را سر کلاس بخش کنید.

حضور- زهرا- کرباسی- حافظ- قرآن- و- <https://www.namasha.com/v/Aebnfoai/> لبنان- در- برنامه- قرآنی- محفل خواهر- شهیده- کرباسی- لبنان- در- برنامه- قرآنی- محفل



که مسیر درست را به تو نشان می‌دهد. مثلاً می‌گوید: «ای مؤمنان، به عدالت و نیکوکاری همکاری کنید!» این یعنی همان مسیر اصلی بازی.

لذا در قرآن این‌گونه آمده است: ﴿كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾^۱ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید هدایت شوید.^۱ در جای دیگر می‌فرماید: ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾^۲ یعنی این قرآن تو را به استوارترین و بهترین مسیر هدایت می‌کند. مسیری که کمتر آسیب می‌بینی و بیشتر پیشرفت می‌کنی.

لذا قرآن برای هدایت ما آمده است، اما لازمهٔ این هدایت تدبیر در قرآن است. رفقا، تدبّر یعنی چه؟^۳

احسنت! تدبّر یعنی وقتی این راهنما (قرآن) را می‌خوانی، فقط زیبا خواندنش مهم نیست؛ بلکه باید مثل کسی که با دقت راهنمای بازی را مطالعه می‌کند، در آیات آن فکر کنی و ببینی خداوند از تو چه می‌خواهد. این کار، تو را به یک بازیکن حرفه‌ای در زندگی تبدیل می‌کند که همیشه برنده است.

مقام معظم رهبری علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «تلاوت قرآن برای کسانی که تدبّر در قرآن بکنند، به معنای اتصال به دریای بی‌کران معارف اسلامی است. نیاز همیشگی ما به همین است که بتوانیم معارف الهی را در قلب خودمان تقویت کنیم و سطح معرفت خودمان و بینش خودمان را بالا ببریم.»^۴

تلاوت روزانه قرآن با تدبّر، دقیقاً مثل این است که هرروز بخشی از نقشه گنج را مطالعه کنی تا در بازی زندگی گم نشوی و همیشه در مسیر درست حرکت کنی. پس دوست عزیز، ﴿قَارِءُوا مَا تَسَرَّ مِنَ الْقُرْآنِ﴾ (آنچه برایتان میسر است، از قرآن بخوانید).

۱. آل عمران، ۱۰۳.

۲. اسراء، ۹.

۳. مربیان گرامی، از متربیان مشارکت بگیرید.

۴. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام در دیدار با مسئولان نظام، ۱۵ فروردین ۱۴۰۳.

۴. قرآن منبع استقلال و عزت

قرآن کریم عزت و برتری را ویژه خداوند، فرستاده او و مؤمنان می‌داند. لذا برای تأمین عزت و سربلندی مسلمانان و برتری آنان بر کافران و حفظ و صیانت این موقعیت، مؤمنان را موظف می‌کند تا دوری کنند از هر کاری که موجب سلطه و سیطره کافران شده و مسلمانان را به وابستگی می‌کشاند. بنابراین خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: همان کسانی که کافران را به جای مؤمنان سرپرست و دوست خود می‌گیرند؛ آیا عزت و قدرت را نزد آنان می‌طلبند؟ یقیناً همه عزت و قدرت فقط برای خداست.^۱ درواقع انس با قرآن «فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ»^۲ و تبعیت از دستورات الهی موجب ایجاد استقلال و حفظ در مقابل جنگ نرم دشمنان اسلام می‌باشد که نتیجه آن عزت مسلمین خواهد بود.

رفقای عزیز! وقتی از همه این نورانیت‌ها و برکت‌ها حرف می‌زنیم، شاید این سؤال پیش بیاید: من که این قدر گرفتارم، از کجا شروع کنم؟

پاسخ را خداوند در همین آیه به زیباترین شکل داده است: «فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ».

این آیه یک معجزه در ساده‌سازی است! خداوند بزرگ که مالک همه کائنات است، به ما می‌گوید: فقط همان مقداری که برایت ممکن است بخوان! این یعنی: تو که شب‌ها خسته از مدرسه برمی‌گردی، فقط یک آیه قبل از خواب بخوان. تو که بین کلاس‌های فشرده فرصت نداری، فقط یک سوره کوچک در مسیر بخوان. تو که احساس می‌کنی حال و حوصله نداری، فقط به ترجمه نگاه کن و بگذر.

یعنی به همین سادگی؟! بله! چون خداوند می‌داند که همین قطره‌های کوچک اما مداوم است که دریا می‌سازد. همین ارتباط به ظاهر کوچک، مثل ریسمان نازکی است که تو را به بزرگ‌ترین منبع نور عالم متصل می‌کند.

رفقا! شاید خواندن روزانه چند آیه، در ابتدا تغییر چندانی ایجاد نکند؛ اما قلب تو دیگر هرگز کاملاً تاریک نمی‌ماند! همیشه نور کوچکی در آن خواهد درخشید. هر «مَا تَيَسَّرَ» تو، در پیشگاه خداوند گنجی بی‌پایان می‌شود.

۱. نساء، ۱۳۹.

۲. مزمل، ۲۰.

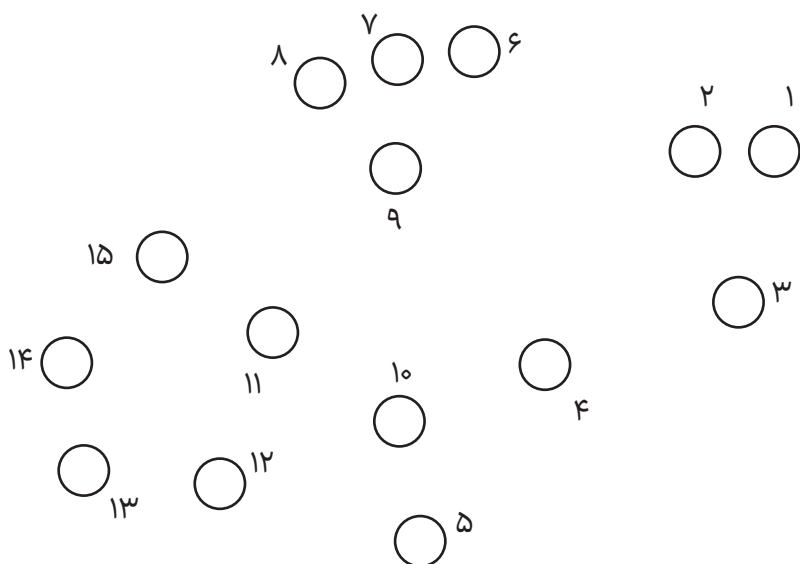
پس بیایید قول بدهیم: از همین امروز، قرآن را همسفر همیشگی زندگی مان کنیم. نه به عنوان یک کتاب معمولی بلکه به عنوان مهربان ترین یاور که در جیبمان جا می شود، در تلفن همراهمان نفس می کشد و در سخت ترین لحظات، دستمان را می گیرد.

راز دایره ها

مهدی یاوران قرآنی عزیز! موافقید مسابقه ای برگزار کنیم؟
خب! اسم مسابقه ما راز دایره ها است.^۱ برای مسابقه کلاس را به دو گروه

۱. مربیان گرامی، ۱۵ دایره مطابق شکل روی تخته بکشید (همان دایره های مشکی رنگ داخل شکل) که با وصل کردن آن ها کلمه قرآن به دست بیاید.
راهنمای اجرای مسابقه «راز دایره ها» برای مربی محترم:
مرحله اول: آماده سازی و گروه بندی
۱. دانش آموزان را به دو گروه تقسیم کنید.
۲. از هر گروه بخواهید یک نام برای خود انتخاب کرده و یک نماینده معرفی کنند.
۳. هم زمان با انجام گروه بندی و نام گذاری، شما دایره ها (یا مربع ها) را مطابق الگوی از پیش تعیین شده روی تخته رسم کنید.
نکات مهم در ترسیم دایره ها:
اندازه دایره ها باید متناسب با فضای تخته و از فاصله قابل دیدن باشد.
دایره ها تا حد امکان هم اندازه و موزون ترسیم شوند.
فاصله بین دایره ها باید به اندازه ای باشد که پاسخ ها را خیلی سریع لو ندهد.
می توانید از خود بچه ها کمک بگیرید و دایره ها را شماره گذاری کنید.
مرحله دوم: اجرای مسابقه
۱. از نمایندگان گروه ها دعوت کنید تا بیایند برای نوشتن.
۲. به هر نماینده یک ماژیک با رنگ متفاوت بدهید (مثلاً گروه اول آبی، گروه دوم قرمز).
۳. سوالات را به نوبت از هر گروه بپرسید. نماینده هر گروه باید پاسخ را با ماژیک مخصوص گروه خود، داخل دایره مربوطه بنویسد.
۴. اگر گروهی پاسخ سوالی را نمی داندست، شما با یک ماژیک رنگ دیگر (مثلاً سبز) پاسخ صحیح را در دایره بنویسید. این کار برای شمارش نمرات نهایی ضروری است.
مرحله سوم: پایان مسابقه و کشف رمز
۱. پس از پایان پرسش و پاسخ، تعداد پاسخ های صحیح هر گروه را (بر اساس رنگ ماژیک آن ها) شمارش و اعلام کنید.
۲. از دانش آموزان بخواهید دایره ها را طبق شکل دوم به یکدیگر وصل کنند. با این کار اولین

تقسیم می‌کنیم. از هر گروه به ترتیب یک سؤال می‌پرسیم و باید نماینده گروه پاسخ آن را در دایره‌های شماره‌گذاری شده‌ای که روی تخته کشیدم بنویسد. رفقا، مدنظرتان باشد که اگر جوابی را بلد نبودید با یک مازیک رنگ مخالف توسط بنده داخل آن دایره نوشته می‌شود و امتیاز آن برای من است.



خب! برویم برای شروع مسابقه، اولین سؤال را از گروه می‌پرسیم.

۱. آخرین سوره قرآن که به نام مردم است؟^۱
۲. نام امامی که به معنای هدایت‌کننده است؟^۲
۳. اولین سوره قرآن؟^۳

رمز (یک کلمه) به دست می‌آید. کلمه به دست آمده طبق شکل ترسیم شده در کتاب، قرآن خواهد بود.

۳. برای کشف رمز اصلی و نهایی، از دانش‌آموزان بخواهید حرف آخر پاسخ‌های داخل دایره‌ها را به ترتیب شماره به هم وصل کنند. با کنارهم گذاشتن این حروف، رمز اصلی آشکار خواهد شد.

۱. ناس.
۲. امام‌های علیهم‌السلام.
۳. حمد.

۴. محل شهادت امام حسین علیه السلام؟^۱

۵. نام سوره‌ای به نام شب؟^۲

۶. نام سوره‌ای که معنای «فرمانروایی» یا «سلطنت» را در نام خود دارد؟^۳

۷. نام سوره‌ای که به معنای مورچه است؟^۴

۸. نام امامی که حدیث سلسله الذهب را خوانده‌اند؟^۵

۹. نام امام هفتم شیعیان؟^۶

۱۰. نام سومین معصوم که به معنای درخشنده است؟^۷

۱۱. در کدام سوره داستان حمله ابرهه به مکه نقل شده است؟^۸

۱۲. این سوره با اولین آیه‌ای که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد آغاز می‌شود؟^۹

۱۳. نام یکی از یاران پیامبر که فرمودند راست‌گوتر از او در آسمان نیست؟^{۱۰}

۱۴. به قرض همراه با سود گفته می‌شود و جزو حرام‌هاست؟^{۱۱}

۱۵. سوره‌ای به نام انجیر؟^{۱۲}

احسنت بر هر دو گروه! هردو در نوشتن جواب سؤالات به ما کمک کردند.

حالا باید دایره‌ها را به هم وصل کنیم، رفقای عزیز! چه کلمه‌ای به دست می‌آید؟

آفرین دوستان! رمز اول جدول کلمه «قرآن» است.

۱. کربلا.

۲. لیل.

۳. ملک.

۴. نمل.

۵. امام رضا علیه السلام.

۶. امام کاظم علیه السلام.

۷. حضرت زهرا علیها السلام.

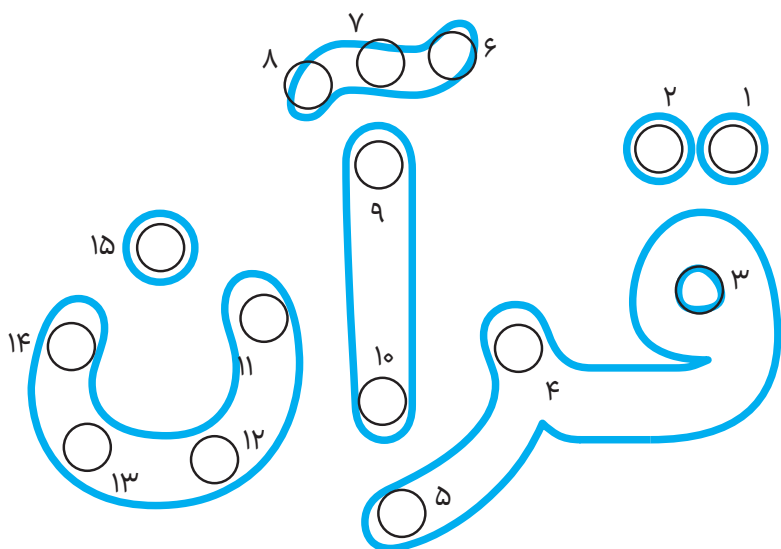
۸. سوره فیل.

۹. علق.

۱۰. ابوذر.

۱۱. ربا.

۱۲. تین.



برای کشف رمز اصلی جدول، باید حرف آخر کلمات را به هم وصل کنید؛ چه جمله‌ای به دست می‌آید؟

احسنت! رمز دوم جدول عبارت است از: «سید الکلام، القرآن».

رمز جدول ما برگرفته از کلام پیامبر خدا ﷺ است که می‌فرماید: «یا علی، سید الکلام، القرآن»^۱ یعنی برترین سخن، قرآن است.

رفقای عزیز! قرآن یک راهنما و مربی فوق العاده است. این کتاب به ما آموزش می‌دهد چطور قله‌های موفقیت و عزت را فتح کنیم، چگونه محکم و باارزش زندگی کنیم. علاوه بر این، همه حقایق مهم جهان در این کتاب جمع‌آوری شده؛ انگار کل دنیا در یک کتاب خلاصه شده است. همین ویژگی‌هاست که قرآن را به یک کتاب بی‌نظیر و خاص تبدیل کرده است. پس «فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ». هرچقدر که می‌توانید قرآن بخوانید.

الهی که بوسیله انس با قرآن عاقبت به خیر بشویم، صلواتی بلند بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

حاصل سخن

دوستان عزیز! در ابتدا به اهمیت و کاربرد قرآن در زندگی شهید علیرضا کریمی پرداختیم. در ادامه گفتیم قرآن کتابی معمولی نیست، بلکه نامه‌ای است از سوی خالق مان. از این رو، این کتاب، چراغ هدایت و راهگشای مشکلات زندگی ماست. با انس روزانه به این ریسمان استوار، می‌توانیم مسیر درست زندگی را بیابیم و عاقبت به خیر شویم. یادمان نرود که عمل به «فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» باعث نزدیک شدن به خدا، آرامش یافتن روح و روان، دستیابی به منبع اصلی هدایت و استقلال و عزت می‌شود.

گذر از حرف به عمل

برنامه روزانه: آخرین نکته هم این باشد که روزانه ۱۰ دقیقه برای شنیدن حرف‌های خدا وقت بگذار و قرآن را با توجه بخوان. کم‌کم خودت متوجه می‌شوی که باید وقت بیشتری برای قرائت قرآن و تفکر و تدبیر در آن بگذاری.

چالش «قرآن جیبی»: اپلیکیشن قرآن را در صفحه اصلی گوشی خود بگذار. این هفته، هربار که در موقعیت انتظار (در مترو، مطب دکتر، صف نانوايي) قرار گرفتی، به جای چک کردن شبکه‌های اجتماعی، اپلیکیشن را باز کن و آیات قرآن با ترجمه‌اش را بخوان.

قرآن قبل از خواب: به جای مرور اخبار و استرس‌های روز، ۵ دقیقه قبل از خواب را به خواندن چند آیه از قرآن اختصاص بده. این کار، ذهن و روح را برای یک خواب آرام آماده می‌کند و بهترین پایان برای یک روز است.

زیباترین پایان

در انتهای کلاس بیایید دست به دعا شویم:

خدایا، به حق این ماه عزیز توفیق خواندن بیش از پیش قرآن را به ما عنایت بفرما؛ الهی آمین!

پروردگارا، به رهبر عزیزتر از جانمان، امام خامنه‌ای حجته الله علیه سلامتی و طول عمر باعزت عنایت بفرما؛ الهی آمین!

خداوندا، روح و جانمان را قرآنی بگردان؛ الهی آمین!
شادی دل خوبان عالم، به‌ویژه وجود خورشید تابان عالم، حضرت مهدی علیه السلام
صلواتی بلند بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»



جلسه سوم

فرمول پیروزی

(رمز رسیدن به قله موفقیت، تقواست)

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَ
يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ
يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾

سوره طلاق، آیه ۲-۳

و هرکس تقوای الهی پیشه کند، خدا راه نجات [از
مشکلات] را پیش پایش می‌گذارد، و به او از جایی که
فکرش را نمی‌کند، روزی می‌دهد، و هرکس به خدا
توکل کند، او برایش کافی است.



سُورَةُ الطَّلَاقِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ
وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ
يَأْتِيَنَّ بِفَحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ
فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا ﴿١﴾
فَإِذَا بَلَغَ أَجَلُهُنَّ فَامْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ
وَأَشْهَدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِّنكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَ لَكُمْ يُوعِظُ
بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ
مَخْرَجًا ﴿٢﴾ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ
فَهُوَ حَسْبُهُ وَإِنَّ اللَّهَ بَلِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ
قَدْرًا ﴿٣﴾ وَالَّتِي يَبْسُنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ
ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَالَّتِي لَمْ يَحْضَنْ وَأُولَتْ
الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ
يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا ﴿٤﴾ ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ
وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا ﴿٥﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

خوشامدگویی

نامه‌ام را می‌گذارم باز بر دوش نسیم
راه دشوار است، بسم الله الرحمن الرحيم
سلام و عرض ادب خدمت شما دوستان قرآنی! امیدوارم روز خوبی داشته باشید.
خداوند را شاکریم که به ما توفیق داد تا این ماه پر خیر و برکت را درک کنیم و
از نعمت‌هایش بهره ببریم. إن شاء الله روزه‌هایتان قبول باشد.

به رسم برنامه شیرین، معنوی و روزانه، برویم سر سفره هدیه الهی بنشینیم
و برنامه و کلاس امروزمان را هم با قرائت آیات ۱ تا ۳ سوره طلاق شروع کنیم.^۱ تا
دوستان آماده قرائت می‌شود یک حدیث زیبا برایتان بخوانم؛ امام صادق (ع)
فرموده‌اند: «هرکس سوره طلاق و تحریم را در نمازهای خود بخواند، خداوند در
روز قیامت او را از ترس، خوف، حزن و اندوه و نیز افتادن در آتش در امان می‌دارد
و او را به دلیل قرائت این دو سوره وارد بهشت می‌کند و این دو سوره او را حفظ
می‌کنند؛ چراکه به رسول خدا ﷺ متعلق هستند.^۲

ممنون و سپاسگزاریم از دوست عزیزمان برای قرائت زیبایشان. الهی که
سراسر زندگی‌تان قرآنی باشد. سلامتی این عزیز قرآنی و خانواده محترمشان
صلواتی بلند بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

۱. توجه داشته باشید که ایده‌آل این است که متربیان، آیات روزانه را تلاوت کنند اما اگر نشد،
بهتر است خودتان یا اگر به‌هردلیلی نتوانستید، می‌توانید از کلیپ‌ها و صوت مشاهیر این
عرصه استفاده کنید.

۲. ثواب الاعمال، ص ۱۱۸.

گوش به فرمان فرمانده

رفقای عزیز! داستان سربازی که وظیفه اش شستن توالت بود را شنیده اید؟
عبدالحسین تعریف می کند:

بعد از اتمام دوره آموزشی، هنوز کار تقسیم شروع نشده بود که فرمانده پادگان آمد، بین بچه ها و به قیافه ها به دقت نگاه می کرد و دوسه نفر از جمله من را انتخاب کرد و به بیرون صف برد. من قد بلندی داشتم و به قول بچه ها، هیکل ورزیده ولی در عوض، قیافه روستایی و مظلومی داشتم.

ما را عقب یک جیب سوار کردند و به همراه یک استوار، به بیرجند رفتیم. ماشین جلوی یک خانه بزرگ و ویلایی، ایستاد. همان استوار به من گفت: «(بیا پایین.)» خودش رفت زنگ آن خانه را زد و بعد به من گفت: «(تو از این به بعد در اختیار صاحب این خانه هستی. هرچه بهت گفتند بی چون و چرا گوش می کنی.)»

پیرزن ساده و وضعی آمد دم در و استوار به او گفت: «(این سرباز را به خانم معرفی کنید.)» وقتی رفتم اتاق خانم، گوشه اتاق، روی مبل، یک زن بی حجاب با یک آرایش غلیظ و حال به هم زنی، دیدم. تمام تنم خیس عرق شد. پا به فرار گذاشتم. زن بی حجاب، با عصبانیت داد می زد: «(برگرد، بزمجه!)» پیرزن گفت: «(اگر بروی می کشنت ها!)» با عصبانیت گفتم: بهتر.

از خانه زدم بیرون، آدرس پادگان را بلد نبودم، ولی هرطوری بود، آن روز پادگان را پیدا کردم. بعداً فهمیدم آن خانه، خانه یک سرهنگ بود و من می شدم خدمتکار مخصوص آن زن که همسر جناب سرهنگ طاغوتی و بی غیرتی بود. چندبار دیگر می خواستند مرا ببرند همان جا، ولی حریفم نشدند. هجده توالت در پادگان داشتیم که در هر نوبت چهار نفر مأمور نظافتشان بودند. به عنوان تنبیه یک هفته تنهایی همه توالت ها را تمیز کردم.



صبح روز هشتم سرگردی آمد سراغم، گرم کار بودم که به تمسخر گفت: «بچه دهاتی! سر عقل آمدی یا نه؟» جوابش را ندادم. عصبانی تر، ادامه داد: «انگار دوست داری برگردی ویلا؟» عرق پیشانی ام را با سر آستین گرفتم. حقیقتاً در آن لحظه خدا و امام زمان عجل الله تعالی فرجه کمکم می کردند که خودم را نمی باختم. خاطر جمع و مطمئن گفتم: «این هیجده تا توالی که سهل است جناب سرگرد، اگر سطل بدی دستم و بگویی همه این کثافت ها را خالی کن در بشکه، بعد که خالی کردی در بشکه، ببر بریز توی بیابون و تا آخر سربازی هم کارم همین باشد، با کمال میل قبول می کنم، ولی در آن خانه دیگر پا نمی گذارم!»

عصبانی گفت: «همین؟» گفتم: «اگر بُکشیدم، آنجا نمی روم.» بیست روز مرا تنبیهی همان جا گذاشتند. وقتی دیدند حریف اعتقاد و مسلکم نمی شوند، کوتاه آمدند و مرا فرستادند گروهان خدمات.^۱ درست است سختی کشیدم ولی نتیجه خوبی داشت؛ بهترین جای گروهان، آن هم خدمات.

این داستان شهید عبدالحسین برونسی بود. کسی که با رفتارش آرامش را به رزمنده ها می داد. جالب است بدانید پیکر شهید عبدالحسین برونسی بعد از بیست و هفت سال در شرق دجله به همراه دوازده شهید دیگر کشف شد. این در حالی بود که بخشی از صفحات قرآن با پیکرش کشف شد و این انس با قرآن شهید را می رساند. شادی روح شهدا مخصوصاً شهید برونسی صلواتی بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»
 رفقا می دانید به این کار عبدالحسین چه می گویند؟^۲

قانون بازی

دوستان عزیز! بیا بید باهم جواب سؤال را پیدا کنیم.

همه چشمانتان را ببندید. تصور کنید می خواهید به یک مهمانی خیلی مهم بروید. لباس هایی را که پوشیده اید لباس های سفید و مجلسی است. مسیری

۱. خاک های نرم کوشک.

۲. در اینجا از متربی ها مشارکت می گیرند.

که می‌خواهید از آن عبور کنید تا به مهمانی برسید، بسیار آلوده و کثیف است.
حالا کاری که شما انجام می‌دهید چیست؟

آفرین رفقا! کاری که می‌کنید این است: مراقبت می‌کنید تا لباس‌هایتان آلوده نشود؛ دقیقاً کاری که عبدالحسین کرد؛ مراقبت کرد تا چشم و گوشش آلوده گناه نشود و نتیجه‌اش شد بهترین جای گروهان.

عبدالحسین، فقط به خدا اعتماد کرد و بس. تنها راز موفقیتش این بود که تقوا پیشه کرد و خطوط قرمز خدا را رعایت کرد. از آنجایی که فکرش را هم نمی‌کرد بهترین جای گردان نصیبش شد.

رفقا، می‌دانید راز پیروزی در بازی زندگی چیست؟ دوست دارید زودتر از دیگران به قلّه موفقیت برسید؟^۱

عزیزان! بیایید این راز را در این آیات پیدا کنیم؛ «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا* وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»^۲ (هرکس خدا ترس و پرهیزکار شود خدا راه بیرون شدن (از گناهان و بلا و حوادث سخت عالم) را برای او می‌گشاید و از جایی که گمان نبرد به او روزی عطا کند.

این آیات راز موفقیت در بازی زندگی را در چهار نکته به ما می‌گوید. کسی می‌تواند حدس بزند آن نکات چیست؟^۳

احسنت! برخی دوستان خیلی به جواب نزدیک شدند، حالا بیایید باهم به این نکات پردازیم:

خداوند در این آیات یک فرمول کلی موفقیت را بیان می‌کند:

۱. «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ» یعنی حرکت در حدود الهی (قانون بازی زندگی)

رفقای عزیز! مشخص است که همه شما ورزشکار هستید و اهل بازی، پس می‌دانید همه بازی‌ها قانونی دارند و بدون قانون امکان بازی وجود ندارد. نمی‌شود کسی بگوید: «من فوتبال یا والیبال بازی می‌کنم اما با قوانین آن کاری

۱. می‌توانید از مربیان مشارکت بگیرید و دیدگاه مربیان را برای رسیدن به موفقیت را بشنوید و در آن زمینه گفت‌وگو کنید.

۲. طلاق، ۲ و ۳.

۳. مربیان محترم می‌توانند از مربیان مشارکت بگیرند.



ندارم!) اگر کسی این مطلب را گفت، حتماً همه به او می‌خندیم؛ چراکه اصلاً بازی بدون قانون امکان‌پذیر نیست. اتفاقاً برای رعایت قانون بیشتر از VAR یا همان ویدئوچک استفاده می‌کنند.

خب، همین اتفاق ساده و البته عاقلانه در زندگی تک‌تک ما انسان‌ها هم وجود دارد. خداوند برای همه چیز در زندگی حدود و قوانینی قرار داده است.^۱ مثل قانون جاذبه در فیزیک. اگر این قانون رعایت نشود، سقوط می‌کنیم. تقوا، یعنی همان مراقبت از لباس‌ها که مثال زدیم. یا مثلاً در فضای مجازی و در ارتباط با جنس مخالف، حدودمرز داریم. تقوا، یعنی همین! یعنی بدانیم چه چیزهایی اشتباه است (مثل هتک حرمت، غیبت، گفت‌وگوی نامناسب). از آن خط قرمزها عبور نکنیم. کسی که در این حدود حرکت کند، خودش را از آسیب‌های روحی و اجتماعی نجات داده است. مشغول کردن ذهن به لذت‌های زودگذر باعث می‌شود از اهداف مهم عقب بمانیم.

۲. ﴿يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾ خداوند راه نجات می‌سازد.

تصورکن فردا، روزی است که باید امتحان ریاضیات را بدهی، اما با وجود کلی خواندن، احساس می‌کنی هیچ چیزی نمی‌فهمی. شب امتحان، مغزت قفل می‌کند و با خودت می‌گویی: «دیگر تمام است، حتماً مردود می‌شوم!» استرس تمام وجودت را گرفته. اما ناگهان یک دوست یک کلیپ آموزشی کوتاه برایت می‌فرستد که در پنج دقیقه، همان مبحثی که گیجت کرده بود را به سادگی آب‌خوردن برایت توضیح می‌دهد! انگار یک نوری می‌بینی و یک راه فرار از این بن‌بست که استرس‌ات را به کلی از بین می‌برد.

رفقا، در جمع ما کسی هست که تجربه‌ای این‌چنینی داشته باشد؟^۲ وقتی شما قوانین خدا را رعایت کنید، حتی اگر در سخت‌ترین شرایط قرار بگیرید، خداوند راه نجاتی برایتان باز می‌کند که اصلاً به ذهنتان نمی‌رسید.

مثال: فرض کنید تحت فشار یکی از دوستان، برای انجام کار خلافی (مثل مصرف مواد مخدر) قرار گرفته‌اید؛ اگر تقوا داشته باشید و در برابر این فشار بایستید،

۱. تفسیر نور، ج ۱۰، ص ۱۰۳.

۲. از مربیان مشارکت بگیرید تا تجربه‌های خود را بگویند.

خداوند کمک می‌کند: ممکن است یک تماس تلفنی حواسشان را پرت کند، یا یک اتفاق غیرمنتظره‌ای شما را از آن جمع دور کند. این همان راه نجات خداست.

۳. «وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» رزق از جایی که فکرش را نمی‌کنید می‌آید. این قشنگ‌ترین بخش آیه است! یعنی اگر تقوا داشته باشید، خداوند روزی و موفقیت را از راه‌هایی برای شما می‌رساند که هرگز تصورش را هم نمی‌کردید؛ مثلاً:

– در عرصه علم: فرض کنید شما با اخلاق و باتقوا درس می‌خوانید؛ نه تقلب می‌کنید، نه حق کسی را ضایع می‌کنید. ممکن است روزی به‌طور کاملاً غیرمنتظره، استادان متوجه استعداد و صداقت شما شود و بدون درخواست مستقیم شما، راهی برای ادامه تحصیل در بهترین دانشگاه‌ها یا همکاری در یک پروژه علمی مهم برایتان باز کند. موفقیتی که هرگز در برنامه‌ریزی‌هایتان جایی نداشت.

– در میدان ورزش: تصور کنید در مسابقه فوتبال مدرسه، تنها بر اساس اخلاق و انضباط بازی می‌کنید، نه خودنمایی. ممکن است یک مربی حرفه‌ای که اتفاقی در میان تماشاگران است، علاوه بر توانایی‌های ورزشی، روحیه تیمی و صداقت شما را ببیند و پیشنهاد عضویت در یک تیم تراز اول را به شما بدهد. این فرصتی است که از مسیری کاملاً غیرمنتظره به سوی شما می‌آید. رفقا، این داستان هم جالب است بدانیم که یکی از علمای بزرگ بود که در دوران طلبگی، به شدت فقیر و گرسنه بود. سه‌روز بود که چیزی نخورده بود و پولی هم نداشت. در همین حال، مبلغی پول به عنوان امانت از پدرشان همراهش بود که باید به شخص دیگری می‌رساند. وسوسه شد که فقط به اندازه خرید یک نان، از آن پول بردارد و بعداً جایگزین کند. اما با خود گفت: «این پول امانت است و من حق تصرف در آن را ندارم.» با همین تقوا، گرسنگی را تحمل کرد. لحظاتی بعد، ناگهان در حجره به صدا درآمد. شخصی ناشناس نامه‌ای به ایشان داد که از طرف پدرشان بود. در نامه نوشته بود: «ناگهان در دلم افتاد که تو نیاز مالی داری، این پول را برایت فرستادم.»

این‌ها همان مصداق‌های عینی رزق از «حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» است.

۴. «فَهُوَ حَسْبُهُ» خدا برای تو کافی است.

وقتی شما به قوانین خدا پایبند باشید و به او توکل کنید، می بینید که بزرگ ترین پشتیبان عالم را دارید. پس از هیچ قدرتی در دنیا نمی ترسید و احساس وابستگی و ضعف نمی کنید و تنها به او و فرستاده های او توکل می کنید؛ «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ».

مثلاً اگر کشوری در علم و تکنولوژی به خودکفایی برسد (یعنی تقوای علمی داشته باشد) و به خدا توکل کند، از زورگویی کشورهای قدرتمند نمی ترسد. چون می داند خداوند راه را نشان می دهد و از جایی که دشمن او تصور نمی کند، او را یاری می رساند؛ «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ».

همان طور که در هشت سال دفاع مقدس با کمترین ابزارهای جنگی در مقابل دشمن ایستادیم. همان طور که در جنگ دوازده روزه در مقابل بزرگ ترین ابرقدرت های جهان ایستادیم؛ به حدی دشمن از این ایستادگی ترسید و درخواست آتش بس داد. این یعنی: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ».

مراقبت از قانون

دوستان عزیز! موافقید مسابقه برگزار کنیم؟

خب! اسم مسابقه ما «مراقبت از حرف ممنوعه» است. حالا ۲ نفر از رفقا بیاپید برای مسابقه.^۱

مسابقه ما به این شکل است: ما یک حرف ممنوعه داریم. حرف ممنوعه ما (ر) است.^۲ من از شما سؤال می پرسم. شما هم باید مراقب باشید در پاسخ دادن از حرف (ر) استفاده نکنید؛^۳ اگر از آن حرف ممنوعه استفاده کنید از بازی خارج می شوید. شما می توانید به جای حرف ممنوعه که مراقب هستید از آن استفاده نکنید، از حرفی شبیه آن استفاده کنید که بتوانید منظور خود را برسانید و خطا هم نکرده باشید.

۱. می توانید برای انتخاب متربیان برای مسابقه، چند سؤال بپرسید و هرکدام جواب صحیح دادند انتخاب شوند یا اینکه توسط نماینده کلاس یا طبق اعداد لیست حضور و غیاب که از خود متربیان می پرسید انتخاب کنید.

۲. می توانید حروف دیگری را حرف ممنوعه قرار بدهید.

۳. می توانید از متربیان بخواهید تا جواب را روی تخته بنویسند. این کار مسابقه را راحت خواهد کرد.



بگذارید برایتان یک مثالی بزنم:

سؤال: شما چرا درس می‌خوانید؟

پاسخ: ب‌زای پیش‌رفت و پیداک‌زدن یک شغل خوب د‌زس می‌خوانم.
در این جمله، من به‌جای حرف ممنوعهٔ «ر»، از «ز» استفاده کردم. حالا که متوجه شدید، برویم سراغ مسابقه!
آماده هستید مسابقه را شروع کنیم؟ با شمارش دوستان شروع می‌کنیم:
۱، ۲، ۳.

سؤال اول از نفر اول:

چه شغلی را دوست دارید و دلیلش چیست؟

سؤال دوم از نفر دوم:

دلیل مراقبت شما از کتاب‌ها و لوازم‌التحریر چیست؟
رفقای عزیز قرآنی! این بازی‌ای که انجام دادیم چندتا نکته اساسی داشت.
بیایید باهم نکاتش را بگوییم.^۱

احسنت! عالی بود! حالا بیایید باهم سخنان شما را دسته‌بندی کنیم:
۱. خویشتن‌داری و مراقبت از زبان: این بازی، تمرینی عملی برای کنترل زبان است. در تعالیم دینی بسیار بر مراقبت از زبان و پرهیز از سخنان بی‌فایده یا آسیب‌زا تأکید شده است. این بازی نشان می‌دهد که با تمرین می‌توان بر گفتار مسلط شد.

۲. صبر و تفکر: برای پاسخ‌دادن بدون استفاده از حرف ممنوعه، باید صبر کرد و فکر کرد. این موضوع، عجله‌نکردن که از فضایل اخلاقی است را تقویت می‌کند. زمانی که با دوستی س‌ریک موضوع به اختلاف خوردید، بهتر است فکر کنیم: آیا این سخنی که می‌گوییم فایده‌ای دارد؟ آیا مشکلی را حل می‌کند؟ یا اینکه نه، صرفاً اختلاف را بیشتر می‌کند؟

۳. خلاقیت و پیداکردن راه‌حل‌های جایگزین: وقتی نمی‌توانیم از یک کلمه خاص استفاده کنیم، مجبوریم راه‌های جدید و کلمات جایگزین پیدا کنیم. این کار، تفکر خلاق را پرورش می‌دهد و نشان می‌دهد همیشه

۱. اینجا از متربیان مشارکت بگیرید و بعد از اتمام مشارکت، خودتان این دسته‌بندی را بیان کنید.

برای بیان مقصود، راه‌های مثبت و بدون آسیبی وجود دارد.

۴. احترام به قوانین: بازی بر پایه قاعده‌ای مشخص است و همه شرکت‌کنندگان موظف به رعایت آن هستند. این موضوع، احترام به قوانین دینی و اجتماعی را یادآوری می‌کند.

۵. هدفمندی گفتار: این بازی به ما می‌آموزد که هر حرفی را نباید بدون فکر بر زبان آورد. باید هدفمند صحبت کرد تا مقصود خود را به درستی، حتی با محدودیت، انتقال دهیم و زبان را به نیش و کنایه باز نکنیم.

مرور قانون

قرآن در این آیات به ما قول داده است که اگر تو «قانون‌های بازی زندگی» یعنی تقوا را رعایت کنی، خداوند:

۱. در لحظه‌های بن‌بست، یک در خروجی اضطراری پیش رویت می‌گذارد؛
 ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾.

۲. موفقیت و روزی‌ات را از راه‌های غیرمنتظره و شگفت‌انگیز به تو می‌رساند؛
 ﴿وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾.

۳. در نهایت، خودش برای تو کافی است. تو را از وابستگی به هر زورگویی در دنیا بی‌نیاز می‌کند؛ ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾.

بنابراین، تقوا یک استراتژی هوشمندانه برای زندگی است. موفقیت در دنیا و آخرت را تضمین می‌کند.

اقدام سودآور

رفقای قرآنی، حالا بیاید با یکدیگر چند تمرین را انجام دهیم. من، سه تا تکلیف می‌گویم و شما به خانه که رفتید انجام بدهید.

۱. لیست «رزق‌های غیرمنتظره»: یک دفترچه بردار، هربار که یک لطف یا نعمت غیرمنتظره‌ای دریافت می‌کنی (یک دوست قدیمی که ناگهان حالت را می‌پرسد، یک فرصت درسی که فکرش را نمی‌کردی، پیدا کردن یک دوست خوب، همسایه خوب و...) آن را یادداشت کن. این کار به تو

کمک می‌کند تا مفهوم «مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» را در زندگی روزمرهات ببینی.

۲. از امروز که به خانه رفتیم، وقتی سراغ گوشی می‌رویم و وارد فضای مجازی می‌شویم، پیش از بازکردن هر کانال یا گروهی، این سؤال‌ها را از خودمان بپرسیم:

- آیا این محتوا به دانش من چیزی اضافه می‌کند؟
- آیا به آرامش، ایمان و انرژی من کمک می‌کند؟
- آیا امام زمان عجل الله تعالی فرجه راضی به این کار است؟

اگر جواب سؤالات مثبت بود، بعد پیام آن کانال یا گروه را با دوستان به اشتراک بگذارید.^۱

از او بخواه

خدای مهربان، به ما کمک کن تا آنچه را آموختیم، در راه خیر و برای خدمت به دیگران به کار ببندیم.

به ما آرامش عطا فرما تا در میان هیاهوی دنیا، همیشه به یاد تو باشیم و از ایمانمان انرژی بگیریم.

ما را از هر گناه و اشتباهی دور بدار و راه راست را همیشه پیش رویمان قرار بده.

پروردگارا، دوستی و محبت را در دل‌هایمان قرار بده و ما را یاری کن تا در کنار هم، جامعه‌ای بهتر و پر از مهر بسازیم.

خدایا، فرج امام زمانمان را برسان و ما را جزو سربازان حضرت قرار بده.

شادی دل‌خوبان عالم، به‌ویژه وجود خورشید تابان عالم، حضرت مهدی علیه السلام صلواتی بلند بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی



یادگست صوتی



تبیین آیه

۱. می‌توانید از متریان بخواهید برای جلسه بعد دفترچه یادداشت خود را به کلاس بیاورند و از نتیجه آن مراقبت‌ها برای دوستانشان بگویند.

جلسه چهارم

آرامش در قلب طوفان

(طلب صبر و ثبات قدم و پیروزی، از خداوند)

﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا
وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾

سوره بقره، آیه ۲۵۰

خدایا! از صبر و استقامت سرشارمان کن و قدم‌هایمان
را محکم کن و بر این جماعت بی‌دین پیروزمان فرما.



سُورَةُ الْبَقَرَةِ

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ
 بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ
 فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً يَدَهُ فَشَرِبُوا مِنْهُ
 إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا
 مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ
 قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلاقُوا اللَّهَ كَمَنْ فِتْنَةٍ
 قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ
 الصَّابِرِينَ ﴿٢٤٩﴾ وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا
 رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبَّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا
 عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٥٠﴾ فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ
 وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَءَاتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ
 وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ
 بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ ذُو
 فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٢٥١﴾ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا
 عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٢٥٢﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

خوش و بش^۱

رشته اسرار هرکاری است، بسم الله الرحمن الرحيم
بهر ما بهتر ز هر یاری است، بسم الله الرحمن الرحيم
ابتدای خلقت کون و مکان، خالق سبحان بگفتا نام
بسم الله الرحمن الرحيم
پای برآتش نهادش آن خلیل، گفت یارم تو نگه دارم به
بسم الله الرحمن الرحيم

دلیران ایران زمین سلام. الهی که همیشه دلتان با صفا و قرآنی باشد.

به رسم برنامه شیرین، معنوی و روزانه برویم سر سفره هدیه الهی
بنشینیم و برنامه و کلاس امروزمان را هم با قرآن شروع کنیم. به لطف خدای
متعال، چند روز از این ماه عزیز را درک کردیم، لذا می خواهیم آیاتی از جزء دوم
قرائت شود. به همین خاطر یکی از عزیزان، آیات ۲۵۰ تا ۲۵۲ سوره بقره را برایمان
قرائت بفرماید.^۲

ممنون و سپاسگزاریم از دوست عزیزمان با قرائت زیبایی که داشتند.
الهی که سراسر زندگی تان قرآنی باشد. مهدی یاوران قرآنی! با توجه به اینکه

۱. برای مشارکت بهتر در کلاس، بسم الله الرحمن الرحيم که در شعر آمده توسط متربیان
خوانده شود.

۲. توجه داشته باشید که ایده آل این است که متربیان، آیات روزانه را تلاوت کنند اما اگر نشد،
بهتر است خودتان قرائت کنید و به هر دلیلی اگر نتوانستید، می توانید از کلیپ ها و صوت
مشاهیر این عرصه استفاده کنید.

در ماه دعا و معنویت هستیم هرکداممان به نوبت یک دعا کرده و دیگران آمین بگویند.^۱

احسنتم و تبارک الله. سلامتی خودتان و خانواده هایتان صلواتی بلند بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

پل ارتباطی

گر نام تو جاری نکنم من به زبان الحق که دلم خانه آلام شود
رفقای عزیز! تصور کنید می خواهیم برویم کوه، به چه چیزهایی برای رسیدن
به قله نیاز داریم و با چه سختی هایی روبه رو خواهیم شد؟^۲
آفرین رفقا! برای رسیدن به قله، در مسیر با سختی هایی روبه رو خواهیم شد،
مثل فشار هوا، سنگ ریزه های زیر پا، سرما یا گرمای مسیر، تشنگی و گرسنگی و ...
برای اینکه بتوانیم از این سختی ها عبور کنیم و به یک پیروزی مستقل برسیم، باید
برای تمام این سختی هایی که گفتیم توشه ای را تهیه کنیم؛ این توشه راه باید
متکی بر قدرت بی انتهای خداوند باشد و یکی از بهترین آن ها برای اتصال به قدرت
خداوند قادر دعا به درگاه الهی است. ما به وسیله توسل و دعا به استقلال و
بی نیازی از قدرت های مادی می شویم و چه زیبا در شعر آمده است:

خدایا جهان پادشاهی تو راست	ز ما خدمت آید خدایی تو راست
پناه بلندی و پستی تویی	همه نیستند، آنچه هستی تویی
همه آفریدست بالا و پست	تویی آفریننده هر چه هست ^۳

ایستگاه انتقال مفاهیم

بعد از حضرت موسی علیه السلام، قوم بنی اسرائیل دچار غرور شدند و قانون شکنی کردند. دشمنان به آن ها حمله کردند و سرزمینشان را گرفتند و حتی صندوق عهد را که نماد حضور خدا بود، غارت کردند.

۱. مربیان گرامی توجه داشته باشند که تا حد امکان باید متربیان دعا بکنند.

۲. مربیان گرامی در اینجا از متربیان مشارکت بگیرید.

۳. شرفنامه نظامی.



رفقای عزیز، کسی می‌داند صندوق عهد چه بود و چرا برای بنی اسرائیل این صندوق، مقدس و مهم بود؟^۱

آفرین رفقا! صندوق عهد همان صندوقچه‌ای بود که مادر حضرت موسی (علیه السلام) برای محافظت از ایشان تهیه کردند و حضرت را در این صندوق قرار دادند و به رودخانه انداختند و دلیل این کار هم این بود که فرعون تمام پسرپچه‌هایی که در آن دوران به دنیا می‌آمدند را می‌کشت.

مردم که در سختی شدیدی بودند، نزد پیامبرشان اشموئیل (یا سموئیل) رفتند و گفتند: «برای ما یک فرمانده انتخاب کن تا تحت رهبری او با دشمن بجنگیم.» اشموئیل به درگاه خدا دعا کرد. خداوند به او وحی فرستاد که «طالوت» را به عنوان فرمانده انتخاب کرده است. وقتی مردم طالوت را دیدند - که یک چوپان معمولی بود - تعجب کردند و اعتراض کردند. اما اشموئیل به آن‌ها گفت: «خدا او را انتخاب کرده چون قوی و باهوش است».

مردم نشانه‌ای خواستند. اشموئیل گفت: «نشانه این است که صندوق مقدس عهد، به دست فرشتگان نزد شما باز خواهد گشت.»

طالوت لشکری جمع کرد. در راه نبرد، برای آزمایش ایمان سربازها گفت: «به رودخانه می‌رسید؛ فقط کسانی که آب نخورند یا یک مشت آب بخورند از من هستند.» اما بیشتر آن‌ها نتوانستند مقاومت کنند و فقط عده کمی وفادار ماندند.

طالوت با گروه کوچک با ایمانش به میدان جنگ رفت. وقتی لشکر عظیم دشمن به رهبری «جالوت» را دیدند، به پیشگاه خدا دعا کردند: «پروردگارا! ما را شکبیا کن، گام‌هایمان را استوار دار و ما را بر گروه کافران پیروز کن» **﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾**.

در اوج نبرد، نوجوانی به نام «داود» که برای کمک به برادرانش به میدان آمده بود، سنگی را با قلاب به سمت جالوت پرتاب کرد. سنگ به پیشانی جالوت خورد و او را کشت. با مرگ او، لشکر دشمن فرار کرد و بنی اسرائیل پیروز شدند.

۱. مربیان گرامی توجه داشته باشند، در صورتی که متربیان نتوانستند پاسخ دهند، با راهنمایی مناسب آن‌ها را به پاسخ درست هدایت کنید.

عزیزان قرآنی! حالا بیایید باهم این آیه را هم خوانی کنیم: **﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَبَّتْ أَفْدَامُنَا وَانْضَرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾**.^۲

ممنون و سپاسگزارم از همراهی همه شما عزیزان قرآن دوست. رفقای عزیز! این آیه‌ای که تلاوت کردیم، نشانه‌های بارز آن، یعنی همان درخواست‌هایی که در آیه آمده بود، در زندگی تمام شهدا از جمله شهدای هشت سال دفاع مقدس، شهدای مدافع حرم و شهدای جنگ دوازده روزه دیده می‌شود. این آیه سه نکته دارد:

نکته اول: ﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا﴾. اولین دعا و درخواست یاران جبهه حق، طلب صبر و بردباری از خداوند بود.

صبر یکی از صفات و نکات اخلاقی خوب و مهم است. صبر یعنی وقتی چیزی باب میل ما نیست، یا وظیفه سختی که به عهده ماست را تحمل کنیم؛ مثلاً؛ یکی از موارد، صبر در ماه مبارک رمضان است که چندین ساعت چیزی نمی‌خوریم و نمی‌نوشیم و به خاطر اطاعت از دستور خدا صبر می‌کنیم.

یکی از نمادهای صبر و استقامت، شهید سید علی اندرزگوست که از مبارزان سرشناس پیش از انقلاب و از اعضای مؤثر فدائیان اسلام بود. او متخصص ساخت بمب و مبارزه مخفی بود. بارها توسط ساواک دستگیر شد و تحت شدیدترین شکنجه‌ها قرار گرفت، اما هر بار با صبر و استقامتی خارق‌العاده، نه تنها هیچ اطلاعاتی رو لو نداد، بلکه روحیه شکنجه‌گران خود را درهم می‌شکست.

یکی از مشهورترین نقل‌ها از صبر این شهید، مربوط به یکی از بازداشت‌هایش توسط ساواک است. مأموران ساواک او را دستگیر کردند و وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها را در زمان بازجویی او برای تخلیه اطلاعاتی او انجام دادند. بدن او را می‌سوزاندند. میله‌های داغ به کف پاها و کمرش می‌چسباندند.

در اوج این شکنجه‌ها، بازجو برای خرد کردن روحیه او فریاد می‌زد: «بگو! همدستانات چی کسانی هستند؟ نقشه چیست؟»

شهید اندرزگو در میان دردهای طاقت‌فرسا، تنها ذکر «یا علی» می‌گفت. در

۱. مربیان گرامی قبل از هم خوانی آیه را روی تخته بنویسید.

۲. بقره، ۲۵۰.

پاسخ به بازجو با آرامش و تحکمی که باعث حیرت همه شده بود، گفت: «من به خدای خودم ایمان دارم. این دردها و شکنجه‌ها در مقابل عشقی که به اسلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه دارم، هیچ است. شما هرکاری می‌خواهید بکنید، اما بدانید که من هرگز حرفی نخواهم زد.» این استقامت و پایداری او به قدری زبازد بوده که ساواک در گزارش‌های خود به این موضوع اعتراف کرده است.

در کتاب «خاطرات دکتر محمد بحرینیان»^۱ که مرکز اسناد انقلاب اسلامی آن را منتشر کرده، آمده است که هنگام انتقال اندرزگو به بیمارستان برای درمان جراحات ناشی از شکنجه، پزشکان از دیدن آثار شکنجه بر بدن او متحیر می‌شدند که چگونه یک انسان می‌تواند چنین شکنجه‌هایی را تحمل کند و روحیه خود را نبازد! ایشان تصریح می‌کنند که اندرزگو نه تنها ناله‌ای نمی‌کرد، بلکه با نگاهی حاکی از پیروزی به شکنجه‌گران خود نگاه می‌کرد.

این صبر، تنها تحمل درد فیزیکی نبود، بلکه صبری فعال و آگاهانه در مسیر یک هدف مقدس بود. او با تحمل این مصائب، شبکه مبارزان را حفظ کرد و اسرار مهمی را فاش نکرد.

شهید اندرزگو تجسم آیه شریفه: «**اَصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَاضُوا**»^۲ بود. صبر او، صبری برای پیروزی بود و سرانجام نیز در راه همین اعتقاد، در ۲۰ شهریور ۱۳۵۷ به شهادت رسید.^۳

رفقا! برای اینکه ما هم مثل شهید اندرزگو صبور باشیم، باید از خداوند طبق آیه: «**رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا**»^۴ طلب صبر کنیم.

این صبر شهید اندرزگو فقط برای روزهای جنگ نبود. صبر او همان تحملی

۱. از طبیب‌های زندان اوین بود.

۲. آل عمران، ۲۰۰. (ترجمه آیه: بر مصائب صبر کنید و در مقابل دشمن استقامت ورزید و از مرزهای خود پاسداری کنید.)

۳. این داستان، به واسطه گزارش‌های ساواک و خاطرات بازماندگان از زندان‌های رژیم پهلوی، به‌طور کامل مستند است و الگویی بی‌نظیر از بردباری و استقامت در راه عقیده را به نمایش می‌گذارد. منابع برای مطالعه بیشتر: کتاب «شهید سید علی اندرزگو؛ به روایت اسناد ساواک» و «خاطرات دکتر محمد بحرینیان».

۴. بقره، ۲۵۰.



است که تو برای رسیدن به هدف‌هایت نیاز داری؛ وقتی فشار درس و کنکور بالا می‌گیرد، وقتی در برابر حرف‌های نادرست دیگران باید سکوت کنی، وقتی برای انجام کاری درست، باید سختی بکشی. در این لحظات، مانند شهید اندرزگو که چشم به هدف بزرگ‌تر دوخته بود، تو هم با یاد خدا و توسل به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشرف و نگاه به آینده‌ای روشن، می‌توانی از سخت‌ترین شرایط، سکوی پیروزی بسازی. صبر تو، سلاح تو برای موفقیت است.

نکته دوم: دومین درخواست و دعای آن‌ها ثابت قدم بودن است؛ یعنی پای اعتقادات و باورهای درست و عقلانی محکم بایستیم. با مسخره کردن دیگران، با یک شبهه، همه چیز را رها نکنیم؛ مثل: شهید عباسی بابایی درحالی که مشغول تحصیل بود، آرزو داشت خلبان شود تا از آسمان و وطنش دفاع کند. اما مسیر رسیدن به این آرزو، او را به سرزمینی غریب و بسیار متفاوت بُرد؛ جایی که اعتقاداتش هرروز مورد آزمایش قرار می‌گرفت.

در آن پایگاه آموزشی خارجی،^۱ همه چیز برعکس باورهای او بود. دوستان و مربیان او را به مهمانی‌ها و کارهایی دعوت می‌کردند که با ارزش‌های دینی او سازگار نبود. اما عباس، همان‌جا بود که درس بزرگ‌تری از خلبانی یاد گرفت: درس ثابت قدم ماندن.

قلب این داستان، نمازهای او بود. در جایی که کسی نماز نمی‌خواند، او در وقت‌های مقرر، سجاده‌اش را پهن می‌کرد و با آرامش نماز می‌خواند. بعضی‌ها مسخره‌اش می‌کردند، ولی برای عباس، مهم نبود. ایمان داشت که تنها نیست. اینجا بود که دعای قوم باایمان در آیه ۲۵۰ سوره بقره، زنده شد. رفقا، حالا بیایید یک بار دیگر این آیه روی تخته را باهم هم خوانی کنیم: «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَبَّتْ أَقْدَامُنَا».^۲

عباس در دلش همین دعا را می‌کرد. او از خدا می‌خواست که در این راه سخت، ثابت بماند. و خدا هم به او قوت قلب می‌داد. هربار که او در برابر وسوسه‌ها ((نه)) می‌گفت، هربار که نمازش را در آن شرایط سخت می‌خواند، یک

۱. شهید عباس بابایی در پایگاه آموزشی آمریکا تحصیل می‌کرد.

۲. «پروردگارا، ما شکبیا و گام‌های ما را استوار بدارا».



اقدام بزرگ انجام می داد. مطمئن بود که خداوند طبق وعده اش در قرآن همه این اقداماتش را ثبت می کند چراکه می فرماید: ﴿وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ﴾^۱؛ حتی اگر هیچ کس دیگری آن را نبیند.

ثمره این ثبات قدم چه شد؟ پایداری او باعث شد نه تنها یک خلبان ماهر شود، بلکه به یک قهرمان بی نظیر و مستقل تبدیل شود. کسی که تکنیک و شجاعتش با ایمانش گره خورده بود.

هم رزم شهید بابایی نقل می کند: «خاطرات رشادت های شهید عباس بابایی هیچ گاه از ذهن و ضمیر یاران او پاک نخواهد شد. هنوز هم ابتکارات او در کلاس های مختلف نیروی هوایی تدریس می شود».

در یکی از مأموریت های جنگی به همراه عباس برفراز خلیج فارس در حال پرواز بودیم. آن روز قرار بود که کاروان بزرگی از کشتی های نفتکش و تجاری را تا آب های بین المللی اسکورت کنیم. براساس اطلاعات رسیده، دشمن تصمیم داشت تا به کاروان حمله کند. به همین خاطر موقعیتی بسیار حساس و خطرناک بود. با طرحی که عباس ارائه کرده بود قرار شد تا ۱۰ فروند شکاری اف ۱۴، دوتا دوتا، پوشش سنگین هوایی منطقه خلیج فارس را تأمین کنند تا از این طریق کشتی ها از حملات دشمن در امان بمانند. من و عباس کنار هم پرواز می کردیم.

از روی صفحه رادار هواپیما دیدم که دو جنگنده عراقی دور زدند. عباس هم موضوع را فهمیده بود. من و عباس هردو از کابین یکدیگر را می دیدیم. با دست به او اشاره کردم که چکار باید کنیم؟

عباس به من پیام داد: من به عنوان طعمه جلو می روم و هواپیماهای دشمن را به دنبال خودم می آورم. بعد با یک حرکت سریع از من دور شد. او با مانورهایی که انجام می داد هواپیماهای دشمن را متوجه خود می کرد و آن ها را به دنبال خود کشاند. روی صفحه رادار دیدم که هواپیمای عباس در تیررس کامل دشمن قرار گرفته است. پس از چند لحظه با چشم هواپیمای دشمن را دیدم. ناگهان عباس مانوری کرد و با یک چرخش بسیار خطرناک، مسیر خود را تغییر داد و ارتفاع را کم کرد. در این

لحظه موشک من با هوایمای دشمن برخورد کرد. عباس فریاد زد: الله اکبر، الله اکبر. از شنیدن صدای او خوشحال شدم و گفتم: «عباس می دانی چه کردی؟» عباس گفت: «من کاری نکردم خدا کرد.»^۱ او در جنگ تحمیلی، معجزه ها را در آسمان دید و سرانجام، با پروازی جاودان، به مقام شهادت رسید. داستان شهید بابایی به ما یاد می دهد که:

وقتی شب امتحان استرس داری، وقتی دوستانت تو را به کار اشتباهی دعوت می کنند، وقتی در شبکه های اجتماعی حرف نادرستی می بینی، با یک دعای ساده می توانی از خدا کمک بخواهی: «خدایا، قدم هایم را محکم کن». این ثبات قدم «وَبَثَّ أَقْدَامَنَا» یعنی: همان ده دقیقه ای که گوشی را کنار می گذاری و نمازت را اول وقت می خوانی، یعنی همان سکوتی که وقتی دیگران غیبت می کنند، انتخاب می کنی، یعنی همان کمک کردن در کارهای خانه بدون اینکه منتظر تشکر باشی، همان یک صفحه مطالعه بیشتر وقتی حوصله نداری. پاداش این کارها را همین امروز می بینی: آرامش بیشتر، اعتماد به نفس بالاتر و احساس سبکی، اما اثر آن برای همیشه در زندگی ات می ماند؛ مثل سرمایه ای که هیچ وقت از بین نمی رود.

پس مثل عباس بابایی، هم دعا و هم عمل کنیم؛ تا خداوند با این ثبات قدم به ما در مسیر رسیدن به استقلال و مبارزه با بیگانگان در راستای زمینه سازی ظهور و انتظار فرج یاری کند.

نکته سوم: سومین خواسته مؤمنین این است که آن ها را بر کفار پیروز بگرداند. دوستان دشمن ستیز! پیروزی بر دشمن و کفار چگونه است؟ یک بخش از پیروزی بر دشمن، پیروزی در بخش نظامی است و بخش دیگر پیروزی پیش افتادن در مباحث اقتصاد و علمی است.

ایران عزیز، توانسته فناوری غنی سازی اورانیوم و تولید کیک زرد (سوخت راکتورهای هسته ای) را به دست بیاورد. این کار نتیجه تلاش دانشمندی مثل شهید

۱. نشریه شاهد یاران، شهریور ۱۳۸۷ شماره ۳۳، عباس خود را طعمه قرار داد (راوی: سرهنگ خلبان فضل الله جاویدنیا)؛ می توانید نشریه را از لینک زیر مشاهده کنید:



مجید شهریاری بود. یک پیروزی تکنولوژیک بزرگ علیه تحریم‌ها و فشارهای دشمن که نمی‌خواهد پیشرفت ما را ببیند. این موفقیت، نشان داد ایران با وجود تحریم‌ها باز هم پیشرفت می‌کند. این دستاورد بزرگ، قدرت چانه‌زنی ایران در صحنه بین‌الملل را زیاد می‌کند. ترور شهید مجید شهریاری توسط دشمن نشان داد که آن‌ها از رشد علمی ایران ترسیده‌اند. نشان داد شکست خود را در میدان رقابت علمی پذیرفته‌اند. شهادت شهید شهریاری، نشانه پیروزی ایران در راه علم و استقلال است.

رفقای عزیز یادمان نرود رهبر معظم انقلاب علیه السلام درباره پیشرفت علمی فرمودند:

من چندی قبل به جوان‌های دانشجو و نخبه این نکته را گفتم، باید همت شما این باشد که در دنیا به وضعی برسیم که اگر کسی بخواهد به تازه‌های علمی دست پیدا کند، مجبور باشد زبان فارسی یاد بگیرد. جوانان ما این آینده را به عنوان یک آینده حتمی و قطعی در نظر بگیرند، برای آن تلاش کنند، برای آن کار کنند. نخبگان ما، نخبگان سیاسی ما، نخبگان علمی و فرهنگی ما، با این نگاه به آینده حرکت کنند، برنامه‌ریزی کنند و به هیچ حدی قانع نباشند. این مقوله پیشرفت است.^۱

این وظیفه ما را هم سخت‌تر می‌کند یعنی باید این قدر خوب درس بخوانیم که در همه مباحث علمی اول باشیم. این پیشرفت علمی است که می‌تواند ما را از دنیا و استکبار جهانی بی‌نیاز کند.

رفقای عزیز! تقابل در هر عرصه‌ای به یک شیوه‌ای است. ما که دانش‌آموز هستیم تقابل‌مان تحصیلی و علمی است.

چالش

رفقا، می‌خواهیم این آیه امروز که راجع به آن صحبت کردیم را بلند بخوانیم. من روی تخته می‌نویسم، بعد با شمارش من شروع کنید به خواندن: «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَبَّتْ أَعْدَامُنَا وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ».

احسنت به شما! حالا چه کسی می‌تواند بگوید ترجمه آیه چه بود؟^۲

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام در اجتماع مردم اسفراین، ۲۲ مهر ۱۳۹۱.

۲. از متربیان مشارکت گرفته شود.

آفرین! صحیح است.

ترجمه آیه ۲۵۰ سوره بقره: خدایا، از صبر و استقامت سرشارمان کن، قدم‌هایمان را محکم کن و بر این جماعت بی‌دین پیروزمان فرما.^۱
دوستان زرنگ و باهوش! موافقید یک مسابقه برگزار کنیم؟
مسابقه ما «برعکس نویسی»^۲ است. هرکسی آماده است دستش را بلند کند تا ترجمه آیه‌ای که من می‌گویم را برعکس روی تخته بنویسد. (درواقع از چپ به راست بنویسد) خوب دقت کنید. بعد از اتمام نوشتن، من یک عکس با دوربین جلوی گوشی می‌گیرم که متن داخل عکس باید صحیح نوشته شده باشد.^۳
خدایا! صبر و استقامت نصیب ما بگردان و قدم‌های ما را استوار ساز و ما را بر کافران پیروز بدار.

الهی که عاقبت به خیر بشویم صلواتی بلند بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

سلاح‌های کشف‌شده

سه تا سلاح مخفی برای پیروزی، از آیه «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» به دست آمد.

۱. سلاح صبر «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا»

یعنی وقتی درس سخت است، وقتی موقع امتحان استرس دارید، وقتی باید در برابر حرفی نادرست سکوت کنید، از خدا حوصله و تحمل بخواهید؛ مثل شهید اندرزگو که در سخت‌ترین شکنجه‌ها هم تسلیم نشد.

۲. سلاح ثبات قدم «وَبَثِّتْ أَقْدَامَنَا»

یعنی در ایماناتان محکم باشید؛ حتی اگر کسی شما را مسخره کرد، نمازتان

۱. ترجمه علی ملکی.

۲. مربیان گرامی، مسابقه به این شکل است که یک نفر از مربیان را انتخاب کرده و به پای تخته فراخوانده شود؛ جمله‌ای (ترجمه آیه) را مربی می‌خواند تا مربی برعکس روی تخته بنویسد. توجه داشته باشید که تخته و ماژیک قبل از کلاس آماده کرده باشید و همچنین جملات را تندتند بگویید تا نوشتنش برای مربی سخت شود.

۳. مربیان گرامی، می‌توانید از آینه هم استفاده کنید.

را بخوانید. درس را جدی بگیرید و از حرف مردم نترسید.
مثل شهید بابایی که در محیط غریب، نمازش را تنها می‌خواند و خم به
ابرو نمی‌آورد.

۳. سلاح پیروزی «وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»

یعنی ما باید در میدان علم و پیشرفت چنان قوی باشیم که دشمنان
درمانده شوند. مثل شهید شهریار که با دانش هسته‌ای، ایران را قدرتمند کرد.
رفقای عزیز! اگر می‌خواهید در زندگی تان قهرمان شوید؛ در سختی‌ها صبر
کنید؛ در باورهایتان استوار باشید و در درس و علم، دنبال پیروزی بزرگ باشید.
این سه تا، همان سلاح‌هایی است که شما را، هم در زندگی شخصی و هم
در میدان مبارزه با دشمنان، پیروز می‌کند!

مأموریت

قرآن‌آموزان عزیز! تکلیف امروز ما این است که برای جلسه بعد بخشی از آیه ۲۵۰
سوره مبارکه بقره یعنی «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»
را حفظ کنید. رفقای عزیز، بهترین روش حفظ کردن تکرار زیاد است.

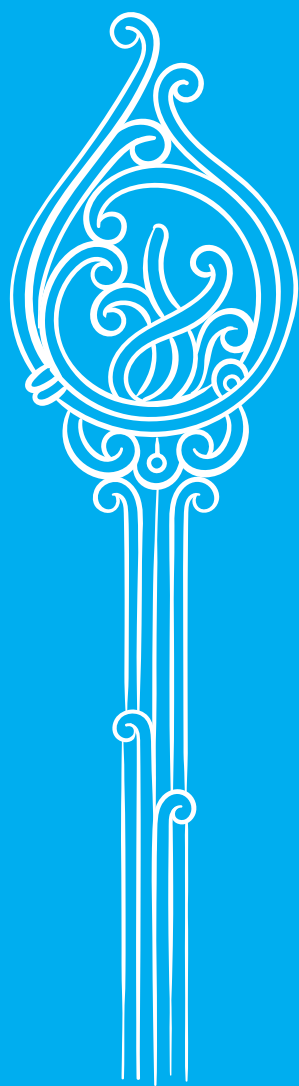
پایان یک شروع تازه

در انتهای کلاس هم بیایید دست به دعا شویم.
خدایا، به حق این ماه عزیز، صبر و استقامت در راهت را به ما عنایت فرما؛
الهی آمین!

پروردگارا، به حق قرآن، ما را در دین اسلام ثابت قدم بگردان؛ الهی آمین!
خداوندا، توفیق مبارزه با کفار در رکاب امام زمان (عج) را به ما عنایت بفرما؛
الهی آمین!

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»





جلسه پنجم

قدرت اتحاد

(اتحاد و انسجام، تنها سازنده پیروزی‌ها)

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ
بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ﴾

سوره مائده، آیه ۹۱

مسلماناً شیطان می‌خواهد بین شما
دشمنی و کینه سخت ایجاد کند.



سُورَةُ الْمَائِدَةِ

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ
 فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ
 الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ﴿٩١﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا
 الرَّسُولَ وَأَحْذَرُوا فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ عَلَى رَسُولِنَا
 الْبَلَّغُ الْمُبِينُ ﴿٩٢﴾ لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ
 الْمُحْسِنِينَ ﴿٩٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيُبَوِّذَ اللَّهُ بَشِيرًا
 مِنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَخَافُهُ
 بِالْغَيْبِ فَمَنْ أَعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٩٤﴾ يَا أَيُّهَا
 الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ
 مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا
 عَدْلٍ مِنْكُمْ هَذَا بِبَلْغِ الْكُفَّةِ أَوْ كَفَرَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ
 أَوْ عَدْلُ ذَلِكَ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا
 سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو نَقَامٍ ﴿٩٥﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

انرژی بگیر

به نام خداوند دل‌های پاک که نامش بود در دلت تابناک
به نام کسی که تو را آفرید سرآغاز عشق است و نور و امید
رفقای عزیز و دوست‌داشتنی سلام، حالتان خوب است؟ چه خبر؟ صبحانه خوب خورده‌اید؟^۱ منظور این است که سحری خوب خورده‌اید! ان شاء الله همیشه سرحال و پرانرژی باشید. برای اینکه انرژی کلاس چندصد برابر شود، می‌خواهیم باهم چند آیه نورانی از کلام صاحب اصلی انرژی‌ها یعنی خداوند را بخوانیم. یکی از دوستان خوش‌صدا، آیات ۹۱ تا ۹۳ سوره مائده را برایمان تلاوت کند.
برای سلامتی و تعجیل در ظهور آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه صلواتی بفرستید.
«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

طناب قدرت^۲

رفقای عزیزم! آماده‌اید همین ابتدای کلاس یک مسابقه چالشی و قدرتی انجام دهیم؟^۳
برای انجام مسابقه به ۱۰ نفر از دوستان هم‌سن و هم‌هیکل نیاز داریم تا استارت مسابقه را بزنیم.^۴

۱. مربی، اینجا صرفاً یک شوخی می‌کند.

۲. حتماً قبل از کلاس یک عدد طناب محکم و بلند حدوداً ۷ یا ۸ متری و یک عدد پاکت که داخل آن آیه ۹۱ مائده نوشته شده را آماده کنید.

۳. اگر فضای کلاس برای اجرای مسابقه کافی نبود، می‌توانید داخل حیاط مدرسه یا مسجد برگزار کنید.

۴. برای اجرای مسابقه حتماً باید متربیان هم‌هیکل و یک‌شکل باشند تا مسابقه به درستی اجرا شود.

مسابقه ما به این صورت است: همه دوستانی که برای مسابقه انتخاب کردیم، تشریف بیاورند و دور این طنابی بایستند که به صورت دایره روی زمین گذاشته ایم. همه، طناب را با دو دست از روی زمین بلند کنند و محکم بگیرند.^۱ رفقای عزیز، شانه به شانه یکدیگر بایستید به گونه ای که هیچ جایی از طناب خالی نباشد. حالا من اسم هر کدام از رفقا را بردم باید تلاش کند تا برسد به مرکز دایره ای که مشخص کرده ایم. بقیه رفقا هم باید طناب را محکم بگیرند تا دوستشان نتواند به مرکز دایره برسد. برنده مسابقه ما کسی است که بتواند خودش را به مرکز دایره برساند و کامل داخل دایره بایستد و پاکت جایزه را بردارد. اگر روی زمین افتاد از مسابقه خارج می شوید.

حالا آماده اید؟ با شمارش رفقا مسابقه را شروع می کنیم، خوب دقت کنید، اسم هر کسی که بعد از شمارش آمد، باید حرکت کند و پنج ثانیه بیشتر وقت ندارد تا خودش را به مرکز دایره برساند. بلند بگویید: یک، دو، سه. خانم/ آقای حرکت کن!^۲

با صدای بلند بشمارید: پنج، چهار، سه، دو، یک؛ وقت تمام. خب، دوستان دیدید که کار بسیار سختی است و تقریباً هیچ کس نتوانست به راحتی خودش را به پاکت برساند.^۳ رفقا، حالا همه با هم و منظم به سمت دایره حرکت کنید و خانم / آقای پاکت را بردارد و درش را باز کند. احسنت به شما! حالا متن را با صدای بلند بخوان: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ﴾ (از الفت و وحدت پاسداری کنیم و مبارزه کنیم با هر چه آن ها را از بین می برد).

درود بر شما عزیزان! حالا کسی می تواند درباره این آیه توضیحی بدهد؟^۴ رفقای عزیز، با این بازی ای که انجام دادیم خودتان به نتیجه رسیدید، کاری که

۱. مربیان باید شانه به شانه هم بایستند و تمام دور طناب را پوشش بدهند. اگر طناب کوچک یا خیلی بزرگ است به نسبت همان مربیان را برای مسابقه انتخاب کنید.
۲. به همین صورت اسم چند نفر از مربیان را می گوئید و همان حرکت را می زنند.
۳. دقت کنید اگر به هر دلیلی یکی از مربیان نتوانست خودش را به پاکت برساند به جای اینکه بگوید هیچ کس نتوانست، بگویید دیدید کار بسیار دشواری است و تقریباً سخت و جانکاه.
۴. ابتدا مشارکت گیری انجام شود و سپس به ادامه بحث پرداخته شود.

به نظر ساده می‌آمد، بدون همکاری و هماهنگی غیرممکن شد و به تنهایی امکان نداشت. حالا تصور کنید این طناب، جامعه ما، مدرسه ما یا حتی کشور ماست. اگر هرکسی فقط به فکر خودش باشد و با دیگران هماهنگ نباشد چه اتفاقی می‌افتد؟ دقیقاً آیه ای که از پاکت بیرون آمد، می‌فرماید: اگر متحد و منسجم نباشیم، چه بلایی سر زندگی‌مان می‌آید. برویم آیه را کالبدشکافی کنیم. سلامتی همه عزیزانی که در مسابقه شرکت کردند صلواتی بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

ابزارها و نقشه‌ها

زمستان سال ۶۰ بود. هوا سرد و جبهه‌های جنوب، آماده نبردی سرنوشت‌ساز بودند. در یکی از این ستادهای مشترک عملیات، هوای اتاق از بوی خاک جنگ، غبارآلود شده بود.

روی میز، نقشه‌ای پهن بود و دورتادور میز، افرادی بودند که هنوز به یکدیگر عادت نکرده بودند. یک طرف، افسران ارتش، با یونیفرم‌های مرتب و چهره‌هایی جدی و محاسبه‌گر نشسته بودند و طرف دیگر، فرماندهان جوان سپاه، با ریش‌های کم‌پشت و چشمانی پر از آتش که نشان از خودگذشتگی داشت. بین این دو گروه، انگار یک دیوار نامرئی کشیده شده بود. هرکدام به زبان خودشان حرف می‌زدند؛ ارتش از پشتیبانی آتش و خطوط مقدم می‌گفت و سپاه از شبیخون و عمق میدان. ناگهان در اتاق باز شد و مردی بلندقامت با چهره‌ای آرام و اطمینان‌بخش وارد شد. او سرهنگ صیاد شیرازی بود. نگاهی به جمعیت انداخت؛ هم به چهره‌های آشنای ارتش و هم به جوانان پرشور سپاه.

یکی از افسران ارتش با صدایی که نشان اعتراض داشت، گفت: «سرهنگ! این طرح سپاه، بیش از حد ریسک دارد! ما بدون پشتیبانی کامل توپخانه، هرگز نمی‌توانیم این منطقه را بگیریم».^۱

۱. عملیات «طریق القدس» هشتم آذر سال ۱۳۶۰ با رمز «یا حسین (ع)» آغاز شد که از جمله نتایج آن می‌توان به آزادسازی ۶۵۰ کیلومتر مربع از خاک جمهوری اسلامی، شامل شهر بستان، حدود ۷۰ روستا، پنج پاسگاه مرزی و نیز تنگه استراتژیک چذابه، اشاره کرد که با فرماندهی قرارگاه مشترک سپاه و ارتش بود.

یکی از فرماندهان جوان سپاه بلند شد و با شور جواب داد: «ما با قدرت ایمان، هر سنگری را فتح می‌کنیم! شما (ارتش) فقط پشت ما را بگیرید!» فضا دوباره به جروبخت کشیده شد. صیاد شیرازی سکوت کرد و به نقشه خیره شد. بعد، با آرامش اما مقتدرانه گفت: «بس است.» همه ساکت شدند. او ادامه داد: «دشمن که برای ما دوتا نقشه نکشیده؛ یکی برای ارتش و یکی برای سپاه! نقشه همین است که ما اینجا دورش جمع شده‌ایم.» بعد، انگشتش را روی نقشه گذاشت و خطاب به افسر ارتش گفت: «حق با شماست؛ بدون آتش دقیق توپخانه، در این عملیات شکست خواهیم خورد.» سپس رو به فرمانده سپاه کرد و گفت: «حق با شماست؛ تنها با روحیه و شجاعت رزمندگان است که می‌توانیم در این زمین سخت، پیشروی کنیم.» نگاهی به همه انداخت و گفت: «پس بیایید نقشه خودمان را بکشیم؛ شما برادران سپاه، نقطه‌زن و پیش‌قراول حمله باشید. شما برادران ارتش هم با آتش حساب‌شده‌تان، راه را برای رفقای سپاه باز کنید.» حرف شهید صیاد این‌گونه خلاصه می‌شود که ما مثل دو لبهٔ یک قیچی هستیم؛ اگر جدا عمل کنیم، فقط یک تکه آهن بی‌خاصیتیم. اما اگر باهم باشیم، هر ریسمان محدودکننده‌ای را پاره می‌کنیم.^۱

حرف‌های صیاد، دیوار نامرئی را فرو ریخت. آن شب، در همان ستاد، نه یک افسر ارتش و نه یک فرمانده سپاه، بلکه برادرانی کنار هم نشسته بودند و برای حفظ سرزمینشان نقشه می‌کشیدند. نقشه‌ای که نامش اتحاد بود و امضایش را شهید صیاد شیرازی پای آن زد.

صیاد شیرازی، در حقیقت به دلیل برخورداری از روحیه انقلابی بالا، توانست خودش را با نیروهای انقلابی تطبیق دهد. از طرفی به واسطه برخورداری از آمادگی‌های کلاسیک نظامی و شناخت و درک صحیح از ارتش، توانست ضمن فرماندهی خوب خود، تکیه‌گاه مستحکمی را در ساختار و وحدت نیروهای مسلح به وجود آورد.^۲

۱. می‌توانید یک عدد قیچی را به داخل کلاس بیاورید و این صحنه را به نمایش بگذارید.

۲. شهید صیاد شیرازی، از زبان دکتر محسن رضایی فرمانده وقت سپاه در دوران دفاع مقدس، دسترسی در: پایگاه اطلاع رسانی دکتر رضایی rezaee.ir

او نگذاشت افکار تفرقه‌انگیز، حتی برای یک لحظه، بین مبارزان فی سبیل الله راه پیدا کند. در نتیجه، به برکت همین وحدت، پیروزی‌های پیاپی به دست آمد. رفقای عزیز! شهید صیاد شیرازی، به خوبی این آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ» را می‌شناخت. به این آیه عمل می‌کرد. به همین دلیل عامل تفرقه را به خوبی شناخته بود؛ به نظر تان عامل تفرقه در اینجا چه بود؟ احسنت بر شما! شیطان.

شیطان، به عنوان دشمن آشکار، همیشه در کمین است. حالا ما هم باید شیطان زمان خود را بشناسیم و برای حرکات او با کمک هم نقشه‌های عملیاتی طراحی کنیم.

رفقای عزیز! ابتدا باید ابزارهایی که دشمن استفاده می‌کند را به خوبی بشناسیم و راه مقابله با آن را بررسی کنیم. آماده هستید؟ هرکس آماده است یک صلوات نظامی بفرستد.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

حالا دو نفر از رفقا بیانند تا با کمک همدیگر بخشی از ابزارهای شیطان و نقشه‌های عملیاتی را طبق آیه‌ای که بالای تخته نوشتیم داخل جدول بنویسیم.^۱

«إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ»

ابزار شیطان	نقشه عملیاتی
۱	
۲	
۳	
۴	

۱. ایجاد کینه (بُغْضَاء)

رفقا، کسی می‌تواند بگوید کینه چگونه به وجود می‌آید؟^۲ احسنت! همه

۱. آیه را بالای تخته بنویسید و جدول خالی را روی تخته بکشید و از متربیان برای پرکردن جدول مشارکت بگیرید.

۲. ابتدا نظرات متربیان را بشنوید و سپس به ادامه بحث بپردازید.

این‌ها درست است و یکی از مواردی که دوستان اشاره کردند تحریک حسادت توسط شیطان بود.

مثلاً تصور کن در مسابقه قرآن مدرسه، دوستت علی رتبه اول را آورده و جایزه گرفته است. یک لحظه، یک حس ناخوشایند به تو می‌گوید: «ای بابا! چرا او؟ من که از او بهتر می‌خواندم!» این همان تحریک حسادت است. همین حس کوچک، اگر رشد کند، کم‌کم باعث می‌شود از علی فاصله بگیری، پشت سرش حرف بزنی یا حتی برای شکست او تلاش کنی.

حالا رفقا راه مقابله با آن چیست؟^۱ «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى»^۲ (بر کارهای نیک و پرهیزگاری همکاری کنید).

به موفقیت دوستت تبریک بگو، از او یاد بگیر، حتی با او گفت‌وگو کن و راز موفقیتش را بپرس. برای پیشرفت بیشتر او دعا کن.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «أَقْلُ النَّاسِ لَذَّةَ الْحَسود.» آدم حسود کمترین لذت و خوشی را از زندگی می‌برد.^۳ می‌دانید چرا؟^۴

آفرین! چون آدم حسود به دنبال این است که دوستش همیشه عقب باشد. شهید مطهری رحمته‌الله خیلی قشنگ فرمودند: «اگر انسان همیشه در فکر این باشد که خودش جلو بیفتد، فردی سالم است و دلیل بر عیب او نیست، اما اگر کسی همیشه در این اندیشه باشد که دیگری عقب بیفتد، بیمار و مریض است؛ حتی شما می‌بینید که آدم‌های حسود گاهی به مرحله‌ای می‌رسند که حاضرند به خودشان صد درجه صدمه بزنند تا بلکه پنجاه درجه صدمه به دیگری وارد شود».^۵

۲. دشمنی (عَدَاوَة)

رفقا، تصور کنید: شما در یک امتحان، نمره بالا و عالی گرفته‌اید، بعد یکی از دوستانتان شایعه می‌کند که سوالات امتحانی را چندروز قبل، معاون به شما

۱. درواقع همان نقشه عملیاتی را در اینجا بیان می‌کنیم.

۲. مائده، ۲.

۳. بحار، ج ۷۷، ص ۱۱۲.

۴. از متربیان مشارکت بگیرید و سپس سخن شهید مطهری را بیان کنید.

۵. انسان کامل، ص ۱۲.

رسانده است، در صورتی که این نمره ثمره تلاش های شبانه روزی شما بوده است. حالا چه اتفاقی داخل مدرسه می افتد؟ دوستانتان چه دیدگاهی نسبت به شما پیدا می کنند؟ در این شرایط، شما با آن شخص دشمن می شوید و دوستان شما نیز همین دیدگاه منفی را نسبت به شما پیدا خواهند کرد. ممکن است روحیه ای که برای درس خواندن داشتید از بین برود و این منجر به ضعف در تحصیل شما شود.

رفقای عزیز! شایعه، مانند آتشی است که دشمنی ها را شعله ور می کند و روحیه ها را تضعیف می کند.

رفقا، یاد این داستان افتادم: فریادی که پیروزی را به شکست تبدیل کرد. تصور کنید: در وسط یک نبرد سرنوشت ساز هستید. شما و دوستانتان، با ایمان راسخ، در حال پیروزی هستید. دشمن در حال فرار است و خوشحالی و نشاط در چهره همه موج می زند. ناگهان، در میان غبار و هیاهوی جنگ، یک فریاد گوش خراش از جایی بلند می شود: «فرمانده لشکر، پیامبر اسلام کشته شد!». در یک لحظه، گویی دنیا روی سرتان آوار می شود، آن شجاعت و اتحاد، ناگهان به ترس و تردید تبدیل می شود، آن صفوف منظم، نامنظم می شود، هرکس تنها به فکر نجات خودش می افتد و آن امید به پیروزی، کاملاً از بین می رود. اما ترسناک ترین قسمت ماجرا اینجا بود: این خبر، یک دروغ محض بود! پیامبر زنده بودند، اما این شایعه مانند آتشی در مزرعه خشک، روحیه مبارزان و مجاهدان را سوزانده بود. دشمن باهوش از این آشفتگی استفاده کرد و حمله کرد و پیروزی به دست آمده، به شکستی تلخ تبدیل شد.^۱

عزیزان درس بزرگی که می شود از این داستان گرفت چیست؟ نبرد احد به ما می آموزد که شایعه، سلاحی خاموش اما مهلک و نابودکننده است. یک جمله دروغ، اگر در زمان و مکان مناسب پخش شود، توانایی آن را دارد که: یک ارتش را متلاشی کند، یک دوستی را نابود کند، اعتماد یک جامعه را از بین ببرد و یک پیروزی قطعی را به شکستی جبران ناپذیر بکشد.

۱. ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۳۲؛ ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۲، ص ۸۰؛ محمد بن عمر واقفی، المغازی، ج ۱، ص ۲۴۳.

رفقا، نقشه عملیاتی مقابله با آن چیست؟

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ﴾.^۱ ای اهل ایمان! اگر فاسقی خبری برایتان آورد، خبرش را بررسی کنید. تحقیق کنید تا مبدا از روی ناآگاهی به گروهی آسیب و گزند برسانید و بر کرده خود پشیمان شوید.

پس رفقا، قبل از باور و قبول هر خبری تحقیق کنیم، شایعه را منتشر نکنیم، از غیبت دوری کنیم تا اتحاد و انسجام بین ما پایدار بماند.

۳. ایجاد اختلاف بین شما ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ﴾

شیطان از مسائل پیش پا افتاده استفاده می کند تا میان شما اختلاف و فاصله بیندازد.

مثلاً تصور کنید که خواهر یا برادرتان، بدون اجازه وارد اتاق شما شده و دفترچه یا کیف شما را برداشته تا از آن استفاده کند. در چنین موقعیتی، اگر بخواهید به این موضوع به ظاهر کوچک، با جدیت و ناراحتی واکنش نشان دهید، ممکن است باعث کدورت و فاصله ای ناخواسته بین شما شود. اما اگر با روی خوش و رفتاری محبت آمیز به او بگویید: «بهتر بود به من می گفتی تا خودم آن را در اختیار قرار دهم»، این برخورد می تواند نتیجه ای بسیار بهتر داشته باشد. حالا رفقا، برای اینکه بتوانیم با این ابزار شیطان مقابله کنیم نقشه عملیاتی آن چیست؟

﴿وَإِنْ تَعَفُّوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^۲ در اختلافات کوچک گذشت کنید؛ چون این گذشت باعث اتحاد و دوستی می شود؛ این دوستی و اتحاد تو با دیگران است که باعث شکست دشمنان می شود.

رفقا، بیایید یک آزمایش ساده و پرمعنی انجام دهیم تا اتحاد را بیشتر درک کنیم:^۳ من به هرنفر تعدادی چوب^۴ کوچک شبیه چوب کبریت می دهم. حالا یک

۱. حجرات، ۶.

۲. تغابن، ۱۴.

۳. اگر شرایط کلاس اقتضا کرد به تمام متربیان تعدادی چوب بدهید تا این آزمایش را همه لمس کنند.

۴. از چوب های استفاده کنید که شبیه به چوب کبریت باشد.

چوب بردارید و آن را از وسط بشکنید. حالا دو چوب را کنار هم بگذارید و دوباره امتحان کنید. این بار هم به راحتی شکستند. درست است؟ حالا سه چوب را با هم در دست بگیرید و بشکنید. می بینید که دیگر به آسانی قبلی ها نیست، نه؟ حالا تمام چوب ها را کنار هم بگذارید و تلاش کنید تا نصف شوند. قطعاً غیرممکن است!

این آزمایش کوچک، درس بزرگ و روشنی به ما می دهد؛ اگر ما در مدرسه، در جامعه، در هر کجا هستیم، همچون چوب ها در کنار هم و متحد باشیم، هیچ کس نمی تواند ما را شکست دهد یا از پا درآورد. این اتحاد و همبستگی است که می تواند جامعه ای قدرتمند، بانسجام و همدل بسازد؛ جامعه ای که در سایه آن، کشوری قوی و شکوفا شکل می گیرد. بیایید با هم متحد باشیم و این پیوند را حفظ کنیم.

۴. زنده کردن کینه های قدیمی (تداوم عداوت و بغضاء)

رفقا، شاید تجربه کرده باشید که مثلاً چند سال پیش، با دوستی بر سر موضوعی کوچک مشاجره کردید و با ناراحتی از هم جدا شدید. حالا پس از گذشت سال ها، دوباره یکدیگر را دیده اید یا هم کلاسی شده اید. حالا به خاطر اینکه سال ها پیش داخل فوتبال لگدی به تو زده، تو هم به فکر تلافی افتادی و می خواهی انتقام بگیری، در صورتی که خبر نداری این کار دوباره باعث کینه و ازبین بردن اتحاد می شود و آن بازی دوستانه تبدیل به یک انتقام ناجوان مردانه می شود و در حقیقت، به حربه شیطان کمک کرده اید.

رفقای عزیز! کینه های قدیمی، مواد غذایی شیطان برای تغذیه دشمنی ها است.

حالا نقشه عملیاتی برای مقابل با این ابزار شیطان چیست؟

قرآن، راه حل قشنگی پیش پای ما می گذارد: «وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا»^۱ خدایا، در دل هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده اند، هیچ کینه ای قرار مده.^۲

ما می توانیم سه تا کار ساده انجام دهیم:

الف) گذشت کنیم؛ با بخشیدن دیگران، درواقع دل خودمان را سبک می کنیم.

۱. حشر، ۱۰.

۲. ترجمه آیتی.

ب) از نو شروع کنیم: هرروز فرصت تازه‌ای برای ساختن رابطه‌های بهتر است.
 ج) دعا کنیم: از خدا بخواهیم دل‌هایمان را از هرگونه کینه‌ای پاک کند.
 رفقای عزیز، کینه‌های قدیمی مثل کوله باری سنگین هستند که فقط خودمان را خسته می‌کنند. بیاییم با بخشش، این بار سنگین را زمین بگذاریم و با دلی سبک، راه آینده را باهم ادامه دهیم! و چه زیباست که ما برای ظهور آقا جانمان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده می‌شویم. او می‌آید تا دنیا را از همه کینه‌ها پاک کند. بیاییم از همین امروز، با پاک کردن کینه‌ها از دل‌هایمان، زمینه ظهور را آماده کنیم.

ابزار شیطان		نقشه عملیاتی
۱	کینه «بَغْضَاءُ»	همکاری برای پیشرفت به جای حسادت و ایجاد کینه
۲	دشمنی «عَدَاوَة»	بررسی و تحقیق خبر به جای دشمنی
۳	ایجاد اختلاف بین شما «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ»	در اختلافات کوچک گذشت کن
۴	زنده کردن کینه‌های قدیمی «الْعَدَاوَة وَالْبَغْضَاءُ»	فراموش کردن کینه‌های قدیمی

از عزیزی که برای تکمیل کردن جدول به ما کمک کردند تشکر می‌کنم؛
 سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صلوات می‌فرستیم تا خود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای سلامتی این عزیزان دعا کنند.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

چشم دوستت باش^۱

حالا نوبت مسابقه‌ای هیجان‌انگیز رسیده! برای اجرای این مسابقه به سه گروه دونفره نیاز داریم. هرکسی که آماده است و روحیه همکاری دارد، دستش

۱. حتماً پیش از آغاز کلاس، تعدادی ماسک یا چشم‌بند آماده کنید تا بتوانید چشم متربیان را ببندید. همچنین چند توپ کوچک (یا همان توپ‌های استخری) و دو سبد تهیه کنید؛ یکی برای قراردادن توپ‌های نقطه شروع و دیگری برای توپ‌هایی که قرار است متربیان با چشم بسته داخل آن بیندازند.



را محکم و پراز اتحاد به سمت بالا بگیرد و با صدای آهسته - تا دیگران اذیت نشوند - بگوید: «لبیک یا مهدی!»

خب همین‌طور دوستانان بالا باشد تا شش نفر را انتخاب کنیم. احسنت به شما مهدی‌یوران! دوستانان را بیاورید پایین تا دوستانان که برای مسابقه آمده‌اند را تشویق کنید.

هر دو نفر، یک تیم هستند. از هر تیم، یک نفر چشمانش را می‌بندد. این نفر، «بازیکن اصلی» است. نفر دوم، «چشم دوستش» خواهد بود. وظیفه راهنما این است که با راهنمایی‌های دقیق و واضح، به بازیکن اصلی کمک کند تا توپ‌های روی میز را بردارد و درون سبد بیندازد.

تیمی برنده است که در زمان مقرر، توپ‌های بیشتری را وارد سبد کند. اما یادتان باشد، موفقیت شما فقط به چابکی یک نفر نیست، بلکه به دقت، آرامش و کیفیت همکاری شما بستگی دارد.^۱

احسنت به همه عزیزانی که در مسابقه شرکت کردند.

دوستان عزیز! برنده واقعی این مسابقه، همه شما بودید؛ چون یک درس بزرگ را باهم تجربه کردید: اتحاد و انسجام، تنها سازنده پیروزی‌های کوچک نیست؛ بلکه سازنده پیروزی‌های بزرگ‌تری است که آینده را می‌سازد.

امروز، همان‌طور که رفقایان باهم فکری و همکاری، توپ‌ها را به مقصد رساندند، ملت‌های بزرگ همچون ایران نیز با اتحاد و یکپارچگی، مانعی استوار در برابر دشمنان می‌سازند و استقلال واقعی خود را حفظ می‌کنند. اتحاد شما امروز در این بازی، نمونه‌ای کوچک از اتحاد بزرگ‌تری است که می‌تواند کشوری را از هر مشکلی دور کند. پس بیایید همیشه متحد و منسجم باشیم، در بازی، در زندگی و در دفاع از میهن.

آنچه یاد گرفتیم

رفقای عزیز، در این مسیر باهم یاد گرفتیم که آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ» فقط یک جمله زیبا در قرآن نیست؛ بلکه یک هشدار جدی و یک نقشه راه برای زندگی است.

۱. بعد از انداختن هر توپ داخل سبد یا محل سبد را تغییر بدید یا محل توپ‌های روی میز را.

هشدار این است: دشمن اصلی ما یعنی شیطان یک هدف بیشتر ندارد: جدایی و دشمنی بین ما. او از هر ابزاری استفاده می‌کند: حسادت را رواج می‌دهد تا دوستی‌ها را بسوزاند؛ شایعه را پخش می‌کند تا اعتماد را نابود کند؛ اختلافات کوچک را بزرگ می‌کند تا فاصله بیندازد و کینه‌های قدیمی را زنده می‌کند تا محبت را از بین ببرد.

رفقا، نقشه راه این است: ما در بازی طناب و آزمایش چوب‌کبریت دیدیم که تنها و پراکنده باشیم، شکست خورده‌ایم، اما اگر متحد و منسجم باشیم، شکست ناپذیریم. داستان شهید صیاد شیرازی به ما آموخت که وحدت، تنها یک شعار نیست؛ یک سلاح استراتژیک برای پیروزی در سخت‌ترین نبردهاست.

پس بیاییم قهرمانان این میدان باشیم. بیاییم با همکاری به جای حسادت، با تحقیق به جای شایعه، با گذشت به جای کینه و با بزرگ‌منشی به جای جروبحث‌های کوچک، سنگرهای اتحاد خود را در مدرسه، در خانواده و در جامعه محکم کنیم. به یاد داشته باشیم: هرگاه متحد باشیم، نقشه شیطان را نقش بر آب کرده‌ایم و طعم شیرین پیروزی و آرامش را به خود و جامعه‌مان هدیه داده‌ایم.

حلقه محبت

رفقای عزیز! شاید بعضی از شما هم با دسیسه‌های شیطان، کینه‌ای از قبل در دل دارید یا قلبتان با هم صاف نیست؛ تکلیف امروزمان این است که کینه‌های گذشته را دور بریزیم. اگر کینه‌ای وجود ندارد محبت را بین همدیگر زیاد کنیم؛ حالا دست‌های دوست‌کنارمان را بگیریم و حلقه محبت در تمام کلاس شکل بدهید و از صمیم قلب همدیگر را حلال کنیم.

شعار این کار ما هم این است: بخشش را «بخش کن»... محبت را «پخش کن».

دژامن

در آخر هم با چند دعای زیبا، کلاس امروز را به پایان می‌رسانیم:
خدایا، ما را از دشمنی‌های شیطان در امان بدار؛ الهی آمین.
خدایا، مسلمانان عالم را روزه‌روز متحدتر از قبل بگردان؛ الهی آمین.

خدایا، محبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الکریم را در قلب ما پیرنگ تراز قبل بگردان؛ الهی آمین.
پروردگارا، دشمنان اسلام و مسلمین را اگر قابل هدایت نیستند، نابودشان
بگردان؛ الهی آمین.

برای برآورده شدن حاجات و دعاها صلواتی بلند بفرستید.
«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



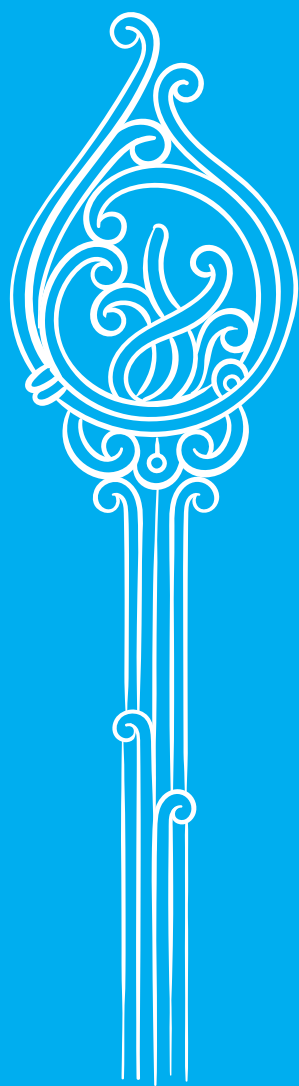
پویانمایی



یادکست صوتی



تبیین آیه



جلسه ششم

معامله دوسرسود!

(راز بخشیدن دیگران برای
بخشیده شدن توسط خدا)

﴿وَلْيَغْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ
أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ﴾

سوره نور، آیه ۲۲

باید از خطایشان بگذرند و به رویشان نیاورند. مگر
دوست ندارید خدا هم از خطاهایتان درگذرد؟!



سُورَةُ الْبُورَةِ

* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ
خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا
فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَمَا زَكَّىٰ مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَٰكِنَّ
اللَّهَ يُزَكِّيٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١١﴾ وَلَا يَأْتِلِ أُولُو الْفَضْلِ
مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْمُهَاجِرِينَ
فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ
لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٢﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ
الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ
عَظِيمٌ ﴿٢٣﴾ يَوْمَ تُشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا
كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٤﴾ يَوْمَ يُؤْفِكُهُمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ
اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ ﴿٢٥﴾ الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ
لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ
أُولَٰئِكَ مَبَرَّءٌ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٢٦﴾ يَا أَيُّهَا
الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا
وَتَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٢٧﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

نسخه اصلی آرامش

به نام آن خدایی که از هرکسی به ما نزدیک تر است. خدایی که راه آرامش همیشگی را بهتر از همه می داند.

سلام به شما دوستان نوجوانم! امیدوارم دل هایتان مثل آسمان صاف و بی کینه باشد.

تابه حال برایتان پیش آمده است که یک اشتباه بزرگ انجام دهید و بعد از آن، یک حس سنگین و تاریک روی دلتان بنشیند؟^۱ این حس شبیه به یک ابر سیاه است که جلوی تابش خورشید را گرفته و همه چیز را تیره و تار کرده است. در آن لحظات، بزرگ ترین آرزوی ما چیست؟ اینکه کاش می شد آن اشتباه را پاک کرد و دوباره آن حس سبکی و آرامش را به دست آورد. امروز می خواهیم باهم سراغ کلام خود خدا برویم و یک کلید شگفت انگیز برای پاک شدن و رسیدن به آرامش را کشف کنیم؛ کلیدی که قفل بخشیده شدن توسط خدا را باز می کند.

ابتدا بیایید دل هایمان را با تلاوت آیاتی نورانی از جزء هجدهم قرآن، از سوره مبارکه نور، روشن کنیم. از یکی از دوستان عزیز می خواهم با صدای زیبای خود، آیات ۲۱ و ۲۲ این سوره را برای ما تلاوت کند:

بسیار ممنون از تلاوت زیبا و دلنشین دوستان. برای سلامتی ایشان و همه شما عزیزان، صلواتی هدیه کنیم.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

رفقای قرآنی! بیایید ترجمه آیات ۲۱ و ۲۲ را باهم مرور کنیم:

۱. از متربیان بخواهیم که مشارکت کنند و دو نفر از آن ها مواردی که قابلیت بیان دارند را تعریف کنند.



ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پا جای پای شیطان نگذارید! هرکس پا جای پای شیطان بگذارد، (بداند که) او به کارهای زشت و ناپسند فرمان می‌دهد. اگر لطف و رحمت خدا شامل حال شما نبود، هیچ کدامتان هرگز (از گناه) پاک نمی‌شدید؛ ولی این خداست که هرکس را بخواهد، پاک می‌کند و خدا شنوای داناست (۲۱).

صاحبان بخشش و ثروت در میان شما، نباید قسم بخورند که به خویشاوندان و نیازمندان و مهاجران در راه خدا کمک نکنند؛ بلکه باید عفو کنند و چشم ببوشند. آیا دوست ندارید که خدا شما را بیامرزد؟ و بدانید که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است (۲۲).

کلید جادویی

رفقای باصفا! سنگین‌ترین باری که هر نفر از شما تا به حال حمل کرده، چه مقدار بوده است؟^۱ شاید بعضی از شما بگویید من در باشگاه وزنه سنگین می‌زنم. بعضی‌ها بگویند یک دبه بیست‌لیتری آب. بعضی‌ها خاطرات خانه‌تکانی را نقل کنند؛ از حمل فرش یا جابجایی کمد و وسایل آشپزخانه. در مقابل بعضی‌ها هم بگویند سنگین‌ترین چیزی که برداشتیم همین کیف مدرسه است. همه این‌ها بارهای فیزیکی است که فشار بر جسم ما می‌آورد. گاهی فشارهای روحی و روانی بر قلب و ذهن ما وارد می‌شود که تحمل آن‌ها هم سخت است. کسی می‌تواند مثال بزند؟^۲ احسنت؛ بله، مثل زمانی که فردی مصیبتی می‌بیند و نزدیکانش را از دست می‌دهد. امروز می‌خواهیم درباره‌ی یکی از این بارهای سنگین روحی و روانی صحبت کنیم؛ یکی از سنگین‌ترین بارها، تحمل «کینه» در قلب است. نه تنها نگهداری آن سخت است، بلکه آسیب هم می‌زند.

رفقا! سخن حکیمان‌ای هست که می‌گوید: «نگه داشتن کینه در دل، مانند این است که خودت زهر بنوشی و انتظار داشته باشی طرف مقابلت بمیرد!» این جمله چقدر دقیق است! وقتی از کسی کینه به دل می‌گیریم، اولین و بزرگ‌ترین آسیب را به خودمان می‌زنیم. هربار که آن شخص یا آن خاطره تلخ را به یاد

۱. ابتدا مربی به صحبت‌ها و خاطرات گوش فرا دهد و بعد جمع‌بندی کند.

۲. از مربیان مشارکت گرفته شود.

می‌آوریم، انگار یک زخم قدیمی را دوباره باز می‌کنیم. آرامش مان از بین می‌رود، فکرمان مشغول می‌شود و قلبمان سنگین.

حالا فرض کنید یک دکمه جادویی برای پاک کردن اشتباهات زندگی مانند کینه به دل گرفتن وجود دارد. با فشردن آن، خدا آن خطا را از پرونده اعمال شما کاملاً پاک می‌کند و شما سبک و آرام می‌شوید. چقدر حاضر بودید برای دسترسی به این دکمه تلاش کنید؟

آیه محوری بحث امروز ما، دقیقاً راه دسترسی به همین «کلید جادویی» را به ما نشان می‌دهد. خداوند یک قانون شگفت‌انگیز و یک معامله دوسر سود را به ما پیشنهاد می‌کند؛ معامله‌ای که در آن، هم ما به آرامش می‌رسیم و هم به یکی از بزرگ‌ترین آرزوهایمان، یعنی بخشیده شدن توسط خدا، دست پیدا می‌کنیم. بیایید باهم این راز بزرگ را کشف کنیم.

از فرش تا عرش

دوستان! همان‌طور که گفتیم، خداوند یک «معامله دوسر سود» به ما پیشنهاد داده است. حالا می‌خواهیم با کمک شما و در قالب یک بازی آیه محوری را کشف کنیم.^۱ من کارت‌هایی بین شما تقسیم می‌کنم که کلمات آیه در میان آن‌هاست. بنابراین جمله دقیق این تجارت، میان این کارت‌هایی که در اختیار دارید، پنهان شده است. اما باید مراقب باشید! چند کلمه انحرافی نیز در میان کارت‌ها وجود دارد که ارتباطی با این تجارت ندارند؛ آن‌ها مانند موانع این تجارت هستند.

وظیفه شما در گروه خودتان این است: ۱. ابتدا کلمات انحرافی (که مربوط به معامله بخشش نیستند) را شناسایی و جدا کنید. ۲. سپس با کلمات باقی‌مانده،

۱. مربی کلاس را به چند گروه (مثلاً ۴ نفره) تقسیم می‌کند و به هر گروه، یک بسته کامل از این کارت‌های درهم‌ریخته را تحویل می‌دهد. مربی محترم قبل از کلاس می‌تواند کارت‌ها را تایپ و تکثیر کند یا اینکه در کلاس از متربیان بخواهد که با مشارکت به صورت دستی بنویسند.

برای اطلاع مربی:

کارت‌های کلیدی: «وَلْيُغْفِرُوا»، «وَلْيُصْفَحُوا»، «أَلَا»، «تُجْتَبَوْنَ»، «أَنْ»، «يَعْفِرُ»، «اللَّهُ» و «لَكُمْ»

کارت‌های انحرافی: «الشَّيْطَانِ»، «الْمُحْضَنَاتِ»، «الْفَحْشَاءِ»، «غَدَابٌ»، «خُطُوات» و «الْمُنْكَرُ»

مربی کارت‌ها را در هم آمیخته و بین گروه‌ها تقسیم کند.



جمله دقیق این آیه محوری را که در آیات تلاوت شده شنیدیم، به درستی بسازید. هر گروهی که زودتر بتواند جمله صحیح را بسازد و آن را مرتب کند، برنده خواهد بود. آماده‌اید؟ شروع کنید!^۱

گروه برنده، آیه را اعلام کرد: «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ؟»^۲. بسیار عالی! دقیقاً همین است. این همان شاه‌کلید و فرمول معامله دوسررسود ماست. از گروه برنده و تلاش همه شما متشکرم. حال بیایید این آیه کلیدی را که باهم کشف کردیم، روی تخته بنویسیم و نکات کلیدی آن را بررسی کنیم.

«وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ؟». ترجمه این عبارت مهم را چه کسی می‌تواند بگوید؟^۳ بله ترجمه این است که: «(باید عفو کنند و چشم‌پوشند. آیا دوست ندارید که خدا شما را ببازد؟)». بیایید این فرمول الهی را باهم بررسی کنیم. تفاوت «عفو» و «صفح»^۴

خداوند در این آیه از دو کلمه بسیار دقیق استفاده می‌کند: «عفو» و «صفح». این دو باهم تفاوت دارند و در واقع دو مرحله از بخشش هستند.

– مرحله اول: «عفو» یعنی گذشتن؛ یعنی شما حق دارید طرف مقابل را به‌خاطر اشتباهش مجازات یا سرزنش کنید، اما از حق خود می‌گذرید و او را رها می‌کنید؛ مثل اینکه کسی در مدرسه وسیله شما را خراب کرده و شما می‌توانید به مدیر بگویید تا جریمه‌اش کند، اما می‌گویید: «اشکالی ندارد، من گذشت کردم». در اینجا شما او را بخشیده‌اید، اما شاید هنوز ته دلتان از او ناراحت باشید. حتماً شما هم در طول ایام مدرسه، خاطراتی دارید.

– مرحله دوم: «صفح» یک پله بالاتر و زیباتر از عفو است. این کلمه از ریشه «صفح» می‌آید. «صفح کردن» یعنی انگار یک صفحه جدید باز می‌کنی. یعنی نه تنها از مجازات او می‌گذری و او را عفو می‌کنی، بلکه اثر آن دلخوری را هم کاملاً

۱. گروه‌ها به فعالیت و مرتب‌سازی کارت‌ها مشغول می‌شوند. مربی بر کار آن‌ها نظارت می‌کند. پس از مشخص شدن گروه برنده، از آن‌ها می‌خواهد جمله ساخته شده را با صدای بلند بخوانند.
۲. مربی به یک اندازه گروه‌ها را در کشف آیه راهنمایی کند. مثلاً کلمات اول و آخر آیه را بنویسد و یا ترجمه آن را روی تابلو بنویسد.
۳. در اینجا مشارکت گرفته می‌شود.
۴. کلمات عفو و صفح را روی تابلو جداگانه و بزرگتر بنویسید و با اشاره به آن‌ها تفاوت را بیان کنید.



از قلبت پاک می‌کنی، طوری که انگار هیچ اتفاقی نیفتاده است و به خاطر آن کار او را سرزنش نمی‌کنی. صفح، اوج بزرگی و قدرت است.^۱

این همان کاری است که شما با دفترمشق خود می‌کنید؛ وقتی چیزی را در یک صفحه اشتباه می‌نویسید، آن را پاک می‌کنید و روی همان صفحه، مطلب درست را می‌نویسید. این شبیه عفو است. اما اگر آن صفحه را کلاً کنار بگذارید و در صفحه دیگری مطلب را بنویسید، این صفح است.

بخش دوم آیه، یک سؤال عمیق و دقیق از همه ما می‌پرسد: «**أَلَا نَحْنُ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ؟**» (آیا دوست ندارید که خدا شما را ببامرزد؟)

چه کسی است که دوست نداشته باشد؟ همه ما در زندگی خطاها و اشتباهاتی داریم که از آن‌ها پشیمانیم و بزرگ‌ترین امیدمان این است که خداوند مهربان از گناهان ما بگذرد. همه موافق هستند؟

خداوند در اینجا یک معامله شگفت‌انگیز را پیشنهاد می‌دهد: «اگر شما دوست دارید من خدا شما را ببخشم، پس شما هم دیگران را ببخشید.» این یک قانون است. مثل یک کلید و یک قفل. کلید بخشش دیگران در دست شماست و قفل بخشیده شدن توسط خدا پیش روی شما. تا زمانی که شما این کلید را نچرخانید، آن قفل باز نمی‌شود. شاید برای شما هم اتفاق افتاده است که یک کار را مشروط به کار دیگری کرده باشید. یعنی چی دقیقاً؟ مثل اینکه دوستان از شما دو چرخه بخواهد و شما به او بگویید به شرطی این کار را انجام می‌دهم که در فلان درس که تو قوی‌تری به من کمک کنی.

خداوند به بهترین نحو با این معاملات بنده خود را رشد می‌دهد و تربیت می‌کند. در همین زمینه شاعر بزرگ، سعدی، می‌گوید:

تو نیکی می‌کن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز^۲
بخشش شما به دیگران، هرگز گم نمی‌شود. شما آن را به فردی هدیه می‌دهید و خداوند چندین برابر بهتر، آن را در قالب بخشش و نازل کردن رحمت به خود شما باز می‌گرداند.

۱. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۳۰۷.

۲. کلیات سعدی، مواظ، مثنویات، حکایت شماره ۴۱.

تمرین بخشش در زندگی روزمره

شما در مدرسه دو مدل درس دارید. یک سری از درس‌های شما تئوری (نظری) است که شما با مطالعه کردن، یادگرفتن و حفظ کردن می‌توانید در امتحانات آن درس موفق باشید. اما یک نمونه از درس‌های مدرسه مهارتی و عملی هستند. کسی می‌تواند مثال بزند؟ بله، مثل کارهای آزمایشگاه یا کلاس ورزش.

در ورزش چه کسانی موفق‌ترند؟ کسانی که درباره یک رشته ورزشی صرفاً مطالعه می‌کنند یا کسانی که بیشتر در این زمینه تمرین می‌کنند؟! پس نتیجه می‌گیریم که مهم‌ترین راه پیشرفت در درس مهارتی، تمرین، تمرین و تمرین است. این صحبت‌های خوب امروز، صرفاً یک شعار زیبا نیستند، بلکه در اتفاقات کوچک و روزمره زندگی ما کاربرد زیادی دارند و نشان از شخصیت و ادب ما هستند. بخشش یک مهارت است که باید هر روز تمرین شود. اگر بخشش مانند یک عضله در بدن ما باشد، موقعیت‌های مختلف مثل باشگاه‌های تمرین برای قوی کردن آن هستند. با کمک شما چند نمونه را مثال می‌زنیم:

– در محیط مدرسه: رفقا، به نظر شما در مدرسه چه حالت‌هایی پیش می‌آید که ما می‌توانیم دیگران را ببخشیم؟ اگر کسی در مدرسه ناخواسته به شما تنه زد یا وسیله‌تان را انداخت، او را ببخشید. از اشتباهات کوچک مسئولین مدرسه یا دوستانتان بگذرید و کینه به دل نگیرید. اگر کسی پشت‌سرتان حرفی زده و حالا پشیمان است، او را ببخشید به این امید که خدا هم کارهای اشتباه شما را ببخشد؛ «أَلَا يُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ».

– در محیط خانه و خانواده: اگر خواهر یا برادرتان بدون اجازه به وسایلتان دست زد، به جای دعواکردن، او را ببخشید. وقتی پدر و مادرتان به خاطر خستگی با شما تند حرف زدند، به دل نگیرید و آن‌ها را ببخشید؛ «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا».

در روابط دوستانه: اگر دوستان فراموش کرد تولدتان را تبریک بگویند، از او دلخور نشوید و ببخشید. در بازی، خطای غیرعمدی هم‌تیمی‌تان را ببخشید تا تیمتان ضعیف نشود؛ «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا».

قهرمانان بخشش

عزیزان، به نظر شما بزرگ‌ترین انسان‌های تاریخ که با عمل به همین آیه، بزرگی و قدرت روحی خود را ثابت کرده‌اند، چه کسانی هستند؟ حالا با پاسخ به این سؤالات به جواب برسیم.^۱ هرکس سؤالاتی که می‌پرسم، بلد بود دست خود را بالا بگیرد.

۱. با آن راه می‌رویم؟ (پا)

۲. سوره‌ای که معروف است به قلب قرآن؟ (یس)

۳. سوره‌ای به نام پیامبران؟ (انبیاء)

۴. سوره‌ای به نام آخرین پیامبر؟ (محمد ﷺ)

۵. رحمت خدا که از آسمان می‌بارد؟ (باران)

۶. سوره‌ای به نام قدیم ایتالیا؟ (روم)

۷. نام پیامبری که آتش بر او گلستان شد؟ (ابراهیم علیهِ السلام)

۸. سوره‌ای دربارهٔ حضرت زهرا علیها السلام (کوثر)

۹. لقب امام هشتم؟ (رضا علیهِ السلام)

۱۰. سوره‌ای به معنای سفره آسمانی؟ (مائده)

دوستان خوش مرام! حالا با وصل کردن ابتدای جواب‌ها به هم، باید جواب سؤال اصلی را پیدا کنید.

آفرین! درست است؛ پیامبر اکرم ﷺ؛ کسی که در اوج قدرت بخشید و آیه **﴿وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ﴾** را در عمل به ما نشان داد.

در اینجا با یک داستان جذاب حکایت این بخشیدن را برای شما خواهم گفت: سال هشتم هجری بود. سپاه اسلام پشت دروازه‌های مکه توقف کرد. یاران پیامبر ﷺ بیست سال شکنجه، دشنام، تبعید و جنگ را به یاد داشتند. همه زمزمه می‌کردند: «الْيَوْمَ يَوْمُ الْمَلْحَمَةِ» (امروز روز انتقام است).

پیامبر اکرم ﷺ سوار بر شتر وارد مکه شدند و روبه‌روی کعبه ایستادند. تمام دشمنان شکست خورده و سربه‌زیر، منتظر حکم ایشان بودند. آن لحظه، لحظه‌ای سرنوشت‌ساز بود.

پیامبر ﷺ نگاهی سرشار از رحمت به جمعیت کرد و پرسید: «مَا تَرَوْنَ أَنِّي

۱. سؤالات را بپرسید و اجازه دهید جواب‌ها را با مشارکت همدیگر بگویند و یک نفر پای تخته بنویسد.



فَاعِلٌ فِيكُمْ؟» (گمان می‌کنید من با شما چه خواهم کرد؟) پاسخ دادند: «ما جز نیکی از شما ندیده‌ایم؛ شما، برادر کریم ما هستی و پسر برادر کریم ما.» پیامبر ﷺ لبخند زد و آن جمله‌ی تاریخی را فرمود: «اَذْهَبُوا فَأَنْتُمْ الظُّلَمَاءُ» (بروید که همه شما آزادید!).

این، اوج عمل به «وَلْيَغْفُوا وَلْيَصْفَحُوا» بود. ایشان به همه نشان دادند که قدرت واقعی در بخشیدن است، نه در انتقام جویی.^۱ به همین دلیل خداوند، پیامبر مهربانی‌ها را اسوه و الگو و رحمت برای تمام جهانیان معرفی می‌کند.^۲ شما کدام انسان را در طول تاریخ سراغ دارید که مانند ایشان چنان بخشنده باشند؟ ایشان افرادی را که بیشترین ظلم را در حق ایشان و مسلمانان در مکه انجام داده بودند، در یک لحظه بخشید. یکی از آن ظلم‌ها زندگی کردن مسلمانان در شرایط بسیار سخت «شعب ابی طالب» بود که حدود سه سال طول کشید. آیا تا به حال درباره‌ی آن شرایط دشوار چیزی شنیده‌اید؟

این محاصره، یک تحریم همه‌جانبه بود. مثل تحریم اقتصادی که هیچ‌کس حق خرید و فروش هیچ کالایی (حتی مواد غذایی) به بنی‌هاشم را ندارد. کار به جایی رسید که گاهی اوقات برگ درختان را با آب مخلوط کرده و به جای غذا می‌خوردند. اما پیامبر مهربان ما با وجود همه این سختی‌ها و جنگ‌هایی که آن‌ها به راه انداخته بودند، آن‌ها را بخشید.^۳

این‌طور نیست که ما این نوع بخشش‌ها را فقط در تاریخ دیده باشیم، بلکه در زمان ما نیز انسان‌های بزرگی بوده و هستند که پیامبر خدا ﷺ را الگوی خود قرار داده‌اند؛ مثل داستانی که الان می‌خواهم برای شما تعریف کنم.

اگر موافقید این داستان را بشنوید یک صلوات بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

۱. ابن هشام، سیره نبوی، ج ۴، ص ۵۷.

۲. احزاب، ۲۱؛ انبیاء، ۱۰۷.

۳. السيرة النبوية (معروف به سیره ابن هشام)، وقایع مربوط به سال ششم و هفتم بعثت پیامبر اکرم ﷺ.

قهرمانی در اوج مادری

با انرژی و پرتوان برویم یک داستان زیبا و جذاب را برایتان بگویم. مادری به نام فاطمه دهقان اناری، پسرش «محمدسعید» را با رنج و عشق پرورش داده بود. محمدسعید، جوانی که به تازگی بیست ساله شده بود، رشته مهندسی مکانیک خوانده و پراز آرزو بود؛ آرزوی رفتن به کربلا، آرزوی راه اندازی یک تعمیرگاه و کمک به اشتغال دوستان جوان خود.

سال ۱۳۹۷ محمدسعید که به عنوان سرباز نیروی انتظامی کرمان مشغول خدمت بود، مأموریت یافت تا یک سارق سابقه دار را به مجتمع قضایی کرمان منتقل کند. در بین راه، آن زندانی که تنها فکرش فرار بود، ناگهان به این سرباز جوان حمله ور شد و با ضرباتی کاری، شاهرگ گردن او را زد.

محمدسعید ۳۳ روز در کما بود و سرانجام در ۲۰ اردیبهشت ماه، به شهادت رسید. بعد از چهار سال حکم قصاص و اعدام قاتل قرار بود اجرا شود.

مادر دلسوخته شهید می گوید: تمام اقدامات قانونی انجام شد. قرار شد روز شهادت محمدسعید، حکم قصاص قاتل او اجرا شود. چون پدر شهید در کرمان نبود، از نظر روحی به شدت به هم ریخته بودم و احساس تنهایی می کردم. همراه با مسئول گروه جهادی به مزار حاج قاسم سلیمانی و شهید پورجعفری رفتیم و با التماس گفتم من به بخشش راضی نیستم؛ اما اگر مصلحت به بخشش است، این الهام به دل من بیفتد و رضایت دهم. بعد هم سر مزار پسرم رفتم و با او هم سرهمین مسئله درددل کردم و گفتم اگر مصلحت است، به نوعی حل شود. یک ساعت بعد هم به زندان رفتیم و همه از جمله پزشکی قانونی، قاضی، مسئولان و... آنجا بودند. قاتل را کنار چوبه دار آوردند و مأموری که از طرف ما قرار بود این حکم را اجرا کند، طناب را دور گردن قاتل انداخت.

قاتل شروع به لرزیدن کرد و با گریه به من گفت: «خانم دهقان، ببخش.» اما من تصمیم خود را گرفته بودم و نمی خواستم رضایت دهم. وقتی گریه می کرد به او گفتم: «آن موقع که پسرم را می زدی، فکر الان را نکردی؟!»

نمی دانم اگر شما در آن لحظه به جای آن مادر داغیده بودید، چه حس و حالی داشتید؟!



مادر شهید می‌گوید: «تحمل دیدن زجر و عذاب آن مرد را نداشتم و برای همین به آن مأموری که قرار بود حکم را اجرا کند، گفتم: زودتر حکم را اجرا کن! تحمل دیدن عذاب این مرد را ندارم»؛ اما همین که می‌خواست اهرم چوبه دار را برای حلق‌آویز شدن آن مرد بکشد، یک لحظه به دلم افتاد و به خدا گفتم: «من امروز با تو معامله می‌کنم. به خاطر امام حسین علیه السلام و آرامش روح فرزندم رضایت می‌دهم. لحظات بسیار دشواری بود و قلبم داشت از جا کنده می‌شد. بالاخره رضایت دادم».^۱

این مادر قهرمان، در عمل نشان داد که معنای واقعی «وَلْيَغْفُوا وَلْيَصْفَحُوا» چیست. او از عزیزترین حق خود گذشت، نه به خاطر التماس دیگران، بلکه فقط برای رضایت خداوند و به این دلیل که با تمام وجود به آن معامله بزرگ الهی ایمان داشت: «أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ؟» آیا دوست ندارید که خدا شما را ببامزد؟
نثار روح همه شهدا که رفتند تا ما در امنیت باشیم صلواتی هدیه کنید.
(اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ)

نبرد با کینه

از همه شما می‌خواهم کمک کنید تا یک آزمایش کوتاه و عملی انجام دهیم. لطفاً هرکدام یک برگه کاغذ بردارید.^۲

ابتدا با دقت، یک شکل قلب بزرگ و زیبا وسط این کاغذ بکشید. اکنون، به یک دلخوری یا کینه‌ای که از کسی دارید فکر کنید. لازم نیست به کسی بگویید. فقط در ذهن خودتان آن را به یاد بیاورید. به خاطر آن دلخوری، با دستتان یک گوشه از این کاغذ را محکم مچاله کنید. حالا به یک کینه دیگر فکر کنید و یک بخش دیگر از کاغذ را مچاله کنید.^۳

حالا کاغذ مچاله شده را در دستتان نگاه دارید. مثلاً سرتان به سنگ می‌خورد و تصمیم می‌گیرید که کینه‌ها و اشتباهات دیگران را ببخشید.^۴ سعی کنید کاغذ

۱. محمد غمخوار، دبیر گروه حوادث روزنامه جام جم. (کد خبر: ۱۳۶۶۳۷۸)

۲. مربی چند لحظه صبر می‌کند تا همه کاغذ بردارند.

۳. این کار را برای دو یا سه مورد تکرار کنید. هربار راجع به یک اشتباه عمومی و رایج فکر کنند.

۴. بیان طنز و مزاح در کلاس برای رفع خستگی متربیان.

را با دقت و به آرامی صاف کنید. تمام تلاشتان را بکنید تا مثل روز اولش شود. به کاغذهایتان نگاه کنید. آیا مثل اولش صاف و بی نقص شد؟ خیر. پراز چین و چروک و شکستگی است.

این آزمایش به ما درس بزرگی می دهد: هرکینه ای که در دل نگه می داریم، مثل یک مچاله کردن، یک اثر و چروک دائمی روی روح ما به جا می گذارد. بخشش و گذشت، تلاش برای صاف کردن این کاغذ است. هرچند ممکن است اثر آن زخم کاملاً از بین نرود، اما تنها راه برای بازگرداندن آرامش و بازکردن فضای قلب، همین صاف کردن و رها کردن است. اگر این کاغذ را برای همیشه مچاله نگه داریم، هیچ وقت نمی توانیم روی آن، چیز جدید و زیبایی بنویسیم.

چرا پاک کردن قلب از کینه ها این قدر ارزش دارد؟ چرا ما باید از حق خود بگذریم و دیگران را ببخشیم؟^۱ آفرین! اولین و مهم ترین دلیلش این است: چون ما آرزو داریم که خدا، چروک های پرونده اعمال ما را صاف کند! مگر خود خدا نفرمود: «**أَلَا تَحْسِبُونَ أَنَّ يُغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ؟**» پس این یک تلاش برای بخشیدن دیگران «**وَلْيُغْفِرُوا وَلْيُصْفَحُوا**» است تا قلبمان آماده دریافت مغفرت الهی شود.

دومین فایده آن، یک قانون طلایی روابط عمومی است که در آیه دیگری از قرآن آمده است: «**ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ**»؛^۲ یعنی بدی را با نیکی پاسخ بده، آنگاه خواهی دید همان کسی که میان تو و او دشمنی بود، چنان می شود که گویی دوستی صمیمی است! قرآن یک راهکار عالی به ما یاد می دهد: اگر در مقابل بدی، نه تنها مقابله به مثل نکنی، بلکه یک کار خوب و خیر انجام دهی، طرف مقابل شرمند و خجالت زده می شود و خود به خود فاصله اش با تراز دشمنی به صمیمیت تغییر می کند. آیا تا به حال شما تجربه ای از عمل به این نکته کلیدی داشته اید؟

در زمان حکومت معاویه، مردی شامی در مدینه با امام حسن علیه السلام روبه رو شد و شروع به دشنام گویی کرد. امام علیه السلام سکوت کردند تا او جسارت هایش را تمام کرد. سپس امام با لبخند و مهربانی به او فرمود: «ای پیرمرد، احساس می کنم

۱. مربی فرصت همراهی دهد.

۲. فصلت، ۳۴.

در این شهر غریبی و شاید اشتباهی من را به شما معرفی کرده‌اند. اگر طلب بخشش کنی، تو را می‌بخشیم؛ اگر چیزی بخواهی، به تو می‌دهم؛ اگر خانه نداری، می‌توانی در منزل ما استراحت کنی.» مرد شامی که از رفتار امام تعجب کرده بود، به شدت گریه کرد و گفت: «پیش از این، تو و پدرت بدترین افراد نزد من بودید، ولی الان محبوب‌ترین آفریده‌های خدا پیش من هستید.» او تا پایان سفر در مدینه، مهمان امام علیه السلام بود و از دوستان اهل بیت علیهم السلام شد.^۱

تأثیر این گذشت کریمانه، دشمنی چندین ساله یک فرد را به دوستی و اعتقاد عمیق تبدیل کرد. این به برکت عمل به قرآن است؛ «وَلْيَغْفُوا وَلْيَصْفَحُوا».

سه راه نجات

اگر بخواهیم خلاصه بحث امروز را در سه نکته کلیدی بگویم، این‌ها هستند:

۱. بخشش، هدیه‌ای به خودمان است: نگه داشتن کینه، مانند حمل باری سنگین است و بیش‌ترین آسیب را به روح و حتی جسم خودمان می‌زند. بخشش، ما را از این بار سنگین رها کرده و به آرامش می‌رساند.
۲. یک معامله الهی وجود دارد: خداوند بخشش ما نسبت به دیگران را کلید بخشش خودش نسبت به ما قرار داده است. اگر آرزوی مغفرت الهی را داریم، باید در بخشیدن دیگران سخاوتمند باشیم؛ «أَلَا يُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ؟»
۳. بخشش نشانه قدرت است، نه ضعف: بزرگ‌ترین انسان‌ها مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و شهدا، دیگران را در اوج قدرت، بخشیدند. هر انسان ضعیفی هم انتقام را می‌تواند بگیرد، اما بخشش کار انسان‌های قوی و باظرفیت است.

عملیات پاک‌سازی

برای اینکه این قانون زیبا در زندگی ما جاری شود، تکلیف زیر را انتخاب کرده و اجرایی کنید:

برای یک هفته، تصمیم بگیر که در برابر تمام تیکه‌های کلامی، کنایه‌ها، طعنه‌ها و قضاوت‌های کوچک، هیچ واکنش مستقیمی نشان ندهی. بلکه هر بار

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۹.

که در یک گروه یا در محیط مدرسه و یا خانه، کسی حرفی زد که می توانست شما را ناراحت کند، یک لحظه بایست و در دلت بگو: حق با من است، اما از حقم گذشتم (عَفُو کردم) و آن حرف را از صفحه دلم پاک کردم (صَفَح کردم).
برای اینکه این گذشت عمیق تر شود، به جای خشم، برای آن فرد که شما را ناراحت کرده، دعا کن که خداوند او را هدایت کند.

آرام بخش حقیقی

در دعای بیستم صحیفه سجادیه، امام سجاد علیه السلام به ما می آموزد که چگونه از خدا طلب بخشش کنیم و همزمان برای دیگران نیز دعا کنیم. ایشان می فرمایند: «خداوند! هر بنده ای که به من ستمی کرده، از حَقِّم درباره او گذشتم و آن را برایش بخشیدم. پس تو نیز که در بخشش از من سزاوارتری، از او بگذر». بیایید ما هم با الهام از این دعای زیبا، جلسه را به پایان ببریم: خداوند، به ما قلبی بزرگ بده تا بتوانیم کسانی را که به ما بدی کرده اند، ببخشیم.

پروردگارا، به ما قدرتی بده تا نه تنها «عفو» کنیم، بلکه بتوانیم «صفح» کنیم و کینه ها را از دل هایمان پاک کنیم.

خداوند، همان طور که ما به امید رحمت تو، از خطای بندگان می گذریم، تو نیز از خطاها و گناهان ما بگذر و ما را مشمول مغفرت بی پایان خودت قرار بده. الهی آمین!

برای قدردانی از همه شهدا که با گذشتن از جان خود، بزرگ ترین درس ایثار و بخشش را به ما آموختند، روح پاکشان را با ذکر صلواتی نورانی کنیم.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه ها



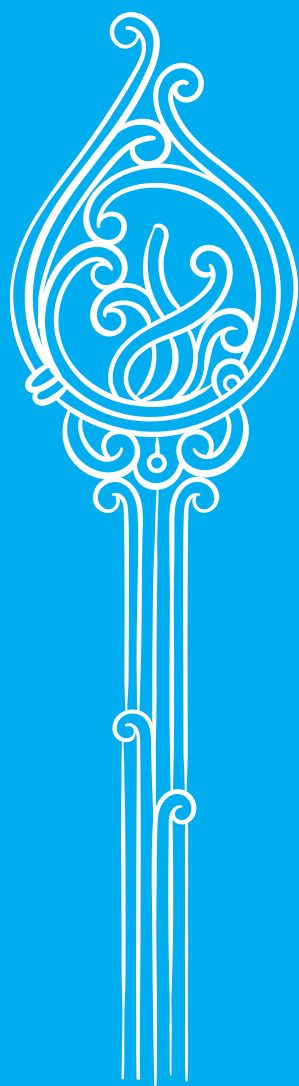
پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه



جلسه هفتم

قطب‌نمای هدایت

(مودت اهل بیت علیهم‌السلام، لازمه استقلال و وحدت)

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا
إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾

سوره شوری، آیه ۲۳

بگو: «مُزدی از شما [برای راهنمایی‌تان]
نمی‌خواهم، مگر مودّت و دوستی نزدیکانم.»



سُورَةُ الشُّورَى

ذَٰلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْرَفْ
 حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٢٣﴾ أَمْ يَقُولُونَ
 افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِن يَشِئِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَى قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ
 الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ يُعْلِمُ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٢٤﴾
 وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ
 وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿٢٥﴾ وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
 الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ ؕ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ
 شَدِيدٌ ﴿٢٦﴾ * وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ
 وَلَٰكِن يُنْزِلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ ﴿٢٧﴾ وَهُوَ
 الَّذِي يُنْزِلُ الْغَيْثَ مِّن بَعْدِ مَا قَطَرُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ ؕ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ
 ﴿٢٨﴾ وَمِن ءَايَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِن دَابَّةٍ
 وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ ﴿٢٩﴾ وَمَا أَصَابَكُمْ مِّن مُّصِيبَةٍ فِيمَا
 كَسَبْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ ﴿٣٠﴾ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ
 فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٣١﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

عشق راهبردی

اول هر کار به نام خدا

گوهر گفتار به نام خدا

دوستان عاشق و تشنه کلام خدا، سلام.

امیدوارم که حال دلتان همیشه خوب و قرآنی باشد.

به رسم برنامه شیرین روزانه برویم سر سفره هدیه الهی بنشینیم و برنامه و کلاس امروزمان را هم با قرآن شروع کنیم. یکی از عزیزان آیات ۲۳ تا ۲۵ سوره مبارکه شوری را برایمان قرائت بفرماید.^۱

ممنون و سپاسگزاریم از دوست عزیزمان که با قرائت زیبایشان ما را به فیض رساندند. الهی که سراسر زندگی‌تان غرق برکت و نور قرآن باشد. سلامتی قاری عزیز و خانواده محترمشان صلوات قرآنی بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَآلِهِ الْأَظْهَارِ»

پاداشی از جنس هدایت

فروزنده عشق در سینه‌ها

به نام خداوند آیین‌ها

۱. توجه داشته باشند که ایده آل این است که مترجمان، آیات روزانه را تلاوت کنند اما اگر نشد، بهتر است خود مربی قرائت کند و به هر دلیلی اگر مربی نیز نتوانست، می‌تواند از کلیپ‌ها و صوت مشاهیر این عرصه استفاده کرد. همچنین فضایی در تخته برای جدول و تنوع بین کلاس خالی بگذارید.

دوستان قرآنی! موافقید یک جدول حل کنیم؟^۱ خب! حالا یکی از دوستان برای تکمیل جدول بیاید پای تخته؛ سؤالاتی که می‌پرسم هرکس بلد بود دست خود را بالا بیاورد تا دوستان داخل جدول بنویسد.

			۱
			۲
			۳
			۴
			۵
			۶
			۷
			۸

۱. تعداد نفرات حدیث کساء.
۲. در هنگام زلزله باید در چه نقطه‌ای قرار بگیریم؟
۳. در قدیم با آن خوشه‌های گندم را می‌چیدند.
۴. نامی دخترانه که اجزای سوره را تشکیل می‌دهد.
۵. متضاد غمگین.
۶. «زیبا»ی بدونِ سر.
۷. نود و هشت درصد به جمهوری اسلامی چه رأیی دادند؟
۸. متضاد زیبا.

۱. یک جدول خالی روی تخته بکشید سپس یکی از متریبیان را انتخاب کنید تا جوابی که دوستان دادند را در جدول بنویسد.

۱	پ	ن	ج
۲	ا	م	ن
۳	د	ا	س
۴	ا	ی	ه
۵	ش	ا	د
۶	ی	ب	ا
۷	ا	ر	ی
۸	ز	ش	ت

خب دوستان! حالا که جواب‌ها را در جدول نوشتیم، حروف ستون اول از بالا به پایین و بعد حروف ستون آخر را از بالا به پایین کنار هم بچینید تا رمز جدول را پیدا کنید. احسنت! رمز جدول ما «پاداشی از جنس هدایت» است. این رمز موضوع امروز کلاس ماست که درباره آیه ۲۳ سوره شوری می‌باشد، در جایی که قرآن می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ»^۱ «بگو برای راهنمایی‌تان مزدی از شما نمی‌خواهم، مگر دوستی و مودت اهل بیت».

تصور کنید هدیه‌ای، مثلاً یک عدد خودکار، به یکی از دوستانتان تقدیم کرده‌اید. کوچک‌ترین توقعی که از او دارید، نهایتاً تشکر کردن است. حال، کسی که بشریت را نجات داده است، چه پاداشی خواهد داشت؟ با نگاهی به قرآن کریم، متوجه می‌شویم که شعار تمام انبیا این بود که: «ما جز از پروردگارمان پاداشی نمی‌خواهیم».

رفقا، اگر موافق باشید، باهم درباره این مسئله بیشتر صحبت کنیم. هرکس موافق است، یک صلوات محفلی بفرستد.^۲

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»

۱. شوری، ۲۳.

۲. می‌توانید این نوع از صلوات را از قبل جست‌وجو و تمرین کنید و یا از صلوات ساده استفاده کنید.



هدیه‌ای با ارزش‌تر از طلا

دوستان عزیز! نوجوانی، آغاز یک ماجراجویی هیجان‌انگیز است. تصور کنید قرار است به کوه‌نوردی برویم؛ قطعاً پیش از شروع، وسایل لازم مانند خوراکی، کفش مناسب، چوب‌دستی، قطب‌نما برای مسیریابی و سایر تجهیزات ضروری را تهیه می‌کنیم تا با استفاده از آن‌ها، به راحتی به هدف برسیم و کوه‌نوردی را با موفقیت به پایان برسانیم.

زندگی نیز همین‌طور است؛ برای پیمودن مسیر زندگی، ما نیز نیازمند ابزارهایی هستیم که در این ماجراجویی، ما را در یافتن مسیر درست کمک می‌کنند تا به سعادت و کمال برسیم. امروز قصد داریم یکی از این ابزارهای کلیدی، یعنی آیه مودت، را بررسی کنیم.

رفقا، پیامبران برای هدایت مردم هیچ مزد و پاداش مادی نمی‌خواستند. آن‌ها رسالت خود را صرفاً برای رضای خدا و به دستور الهی انجام می‌دادند. برای اثبات این حرف باید به آیه ۴۷ سوره سبأ استناد کنیم که می‌فرماید: **﴿قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنَّ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ﴾**؛ یعنی ای پیامبر ﷺ، بگو درواقع آنچه از مزد رسالتم می‌خواهم به نفع خودتان است، نه من؛ اجر من با خداست! اما از بُعد معنوی، بهترین پاداش برای پیامبران، هدایت مردم و انتخاب مسیر درست توسط آنان بود.

این شبیه تلاش یک کشاورز است؛ وقتی او برای محصول زحمت می‌کشد و محصول خوبی برداشت می‌کند، آن محصول بهترین پاداش است، چون هدف او رسیدن به محصول مرغوب بوده است.

یا مثالی دیگر؛ شما نوجوانان یک سال تلاش می‌کنید. هدفتان گرفتن نمره عالی در پایان سال است. وقتی با نمرات خوب مدرک تحصیلی‌تان را دریافت می‌کنید، یعنی به هدفتان رسیده‌اید.

به همین ترتیب، چون هدف اصلی پیامبران هدایت مردم بود، پس هدایت شدن مردم، بهترین پاداش برای آنان محسوب می‌شد. بنابراین، یکی از مهم‌ترین کارهایی که انبیا باید انجام می‌دادند، حفظ وحدت و انسجام جامعه بود و برای این منظور، باید یک راهبرد صحیح انتخاب می‌کردند.



خب! حالا باید به این سؤال پاسخ دهیم که چرا پیامبر ﷺ از مردم پاداش محبت و عشق به اهل بیت ﷺ را درخواست کرد؟!^۱

تشکر از مشارکت دوستان! یکی از اساسی‌ترین آیات در این زمینه همان آیه‌ای است که اول کلاس گفتیم که خداوند می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ». قبل از اینکه آیه را بشکافیم و تحلیل کنیم، بگذارید یک داستان بسیار زیبا که شأن نزول این آیه است را برایتان تعریف کنم که به آیه مودت معروف است.

رسول خدا ﷺ، ۲۳ سال برای هدایت مردم و برقراری دین الهی، زحمت کشیدند. در این مدت، سختی‌های زیادی را تحمل کردند؛ از تمسخر تا تحریم‌های اقتصادی در شعب ابی طالب و جنگ‌های تحمیلی پی‌درپی و... روزی گروهی از یاران ایشان نزد پیامبر ﷺ آمدند و به نمایندگی از مردم گفتند: «یا رسول الله! ما می‌دانیم که شما برای ما و برای دین خدا، چه رنج‌هایی کشیده‌اید. ما می‌خواهیم به پاس این همه زحمت، مزد و پاداشی به شما بدهیم. از ما چه می‌خواهید؟».

این سؤال در ظاهر یک محبت بود، اما ممکن بود برخی از مردم فکر کنند که پیامبران هم مثل حاکمان، برای کار خودشان مزد می‌خواهند. در اینجا، پاسخ پیامبر ﷺ می‌توانست یک درس بزرگ برای همه تاریخ باشد. در همین لحظه، جبرئیل فرشته وحی، از طرف خداوند با آیه‌ای زیبا نازل شد: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» یعنی: «بگو که من از شما هیچ پاداشی نمی‌خواهم، مگر اینکه نزدیکانم را دوست بدارید.»

مردم از این جواب تعجب کردند. شاید آن‌ها انتظار داشتند که پیامبر ﷺ یک هدیه مادی، مثل طلا یا اموال از آن‌ها بخواهند. آن‌ها با کنجکاوی پرسیدند: «یا رسول الله! این نزدیکان شما که مودت آن‌ها بر ما واجب است، چه کسانی هستند؟» پیامبر اکرم ﷺ با دستشان به سمت امیرالمؤمنین، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین ﷺ اشاره کردند و فرمودند: «این‌ها نزدیکان من هستند.»^۲

۱. در این قسمت از اظهار نظر و مشارکت مترجمان استفاده کنید.

۲. مجمع‌البیان، ج ۹، ص ۲۹.

صرفاً برای تداوم مسیر هدایت

هدف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از معرفی اهل بیت علیهم السلام به عنوان نزدیک‌ترین افراد خود، چه بود؟ ایشان می‌خواستند مودت و دوستی اهل بیت علیهم السلام محور اتصال ما به رهبری الهی باشد. این دوستی، کلید انسجام امت و ادامه‌دهنده مسیر هدایت پیامبر صلی الله علیه و آله است.

این محور وحدت، همبستگی، همدلی و همراهی عمیق مردم با خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله را تضمین می‌کند. فاصله‌گرفتن از این محور وحدت، نتیجه‌ای جز تفرقه، ضعف و درنهایت تسلیم‌شدن در برابر بیگانگان نخواهد داشت.

دوستان عزیز، برای ابراز مودت به اهل بیت علیهم السلام ابتدا باید آن‌ها را خوب بشناسیم و نسبت به آن‌ها معرفت پیدا کنیم. جالب است بدانید، علامه امینی رحمته الله علیه، یکی از علمای بزرگ اسلام، برای شناخت و شناساندن جایگاه اهل بیت علیهم السلام تمام عمر خود را وقف یک کار علمی عظیم کرد. ایشان حدود ۴۰ سال زحمت کشید تا کتاب «الغدیر»^۱ را جمع‌آوری کند. او برای رسیدن به این هدف مهم، به کتابخانه‌های کشورهای مختلف از جمله: عراق، مصر، پاکستان، هندوستان و مغرب سفر کرد و با سختی فراوانی، اسناد حقانیت امیرالمومنین علیه السلام را جمع‌آوری کرد؛ همچنین از ایشان نقل است که برای نوشتن این کتاب، بیش از ۱۰۰/۰۰۰ کتاب را به صورت کامل خوانده و به بیش از ۱۰۰/۰۰۰ کتاب مراجعه کرده است. این تلاش علمی، یکی از زیباترین شکل‌های ابراز مودت و پرداخت اجر رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله بود. رفقا! وقتی در گذشته افرادی مثل علامه امینی رحمته الله علیه این‌گونه برای اثبات حقانیت اهل بیت علیهم السلام تلاش می‌کردند، یعنی این کار بسیار مهم بوده است، پس ما هم باید در حد توان برای نشان دادن محبت و مودت خودمان به اهل بیت علیهم السلام درباره جایگاه آن‌ها بررسی و تحقیق کنیم تا آن‌ها را درست بشناسیم تا بتوانیم در مسیر سعادت قرار بگیریم و وظایفمان را به درستی انجام دهیم.

۱. الغدیر نام مجموعه کتبی است که به قلم علامه عبدالحسین امینی رحمته الله علیه در اثبات ولایت بلافصل حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اثبات مذهب شیعه نوشته شده است. این کتاب ۲۰ جلد بوده که ۱۱ جلد آن به عربی نگارش شده و در ۲۲ جلد به فارسی ترجمه شده است.

یکی از ابزارها برای هدایت در مسیر کوه‌نوردی قطب‌نما است. قطب‌نما به ما کمک می‌کند مسیر درست را انتخاب کنیم. در ماجراجویی ما نیز یکی از ابزارهایی که باید برای یافتن مسیر درست زندگی به همراه داشته باشیم، قطب‌نمایی است که ما را هدایت کند. بهترین راهنما برای ما مودت اهل بیت علیهم‌السلام است تا در این ماجراجویی و یافتن مسیر درست زندگی از آن‌ها کمک بگیریم.

معرفی پاک‌ترین‌ها

خب رفقا! دیگر کجا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اهل بیتش را به مردم معرفی کردند؟^۱ برای به‌دست‌آوردن این جواب بیایید یک مسابقه اجرا کنیم. هرکس موافق است دستش را بیاورد بالا و بلند بگوید: «یا مهدی!» خب، دست‌ها همین‌طور بالا باشد. من سؤال می‌پرسم هرکس بلد بود دستش بالا بماند و هرکس در جوابی که در ذهنش است تردید دارد دستش را پایین بیاورد. من مشخص می‌کنم چه کسی جواب بدهد و از هرکس پرسیدم اگر پاسخش صحیح بود روی تخته می‌نویسم.^۲

۱. به نماز چهاررکعتی بعد از مغرب گفته می‌شود؟ (عشاء)
 ۲. دعا در زیر آن مستجاب می‌شود؟ (باران)
 ۳. سوره‌ای به نام پیامبران؟ (انبیاء)
 ۴. به طولانی‌ترین شب سال گفته می‌شود؟ (یلدا)
 ۵. کسی که حق کسی را می‌خورد می‌گویند حق فلانی را چه کرده؟ (ضایع)
 ۶. حیوانی گوش دراز که گوشتش حرام است؟ (خرگوش)^۳
 ۷. نام پدر حضرت یوسف علیه‌السلام؟ (یعقوب علیه‌السلام)
 ۸. محل ظهور امام زمان عجل‌الله‌فرجه؟ (مکه)
- تشکر از دوستانی که به سؤالات پاسخ دادند.
حالا حرف اول کلمات را به ترتیب به یکدیگر وصل کنید.
- احسنت به شما رفقای عزیز! پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یکی از مهم‌ترین جاهایی که

۱. در اینجا می‌توانید مشارکت بگیرید.

۲. جواب سؤالات را بعد از جواب دادن متربیان به ترتیب روی تخته بنویسید و در آخر از متربیان بخواهید تا حرف اول سؤالات را به ترتیب به هم وصل کنند تا جواب سؤال اصلی آشکار شود.
۳. احتمالاً متربیان بگویند «(خر)»؛ اما لازم است گفته شود گوشت خر مکروه است.

اهل بیت (علیهم السلام) را معرفی کردند، زیر یک عباى ضخیم و بزرگ بود!
تعجب نکنید! کسی می داند این «عبای ضخیم» در عربی به چه کلمه ای معروف است؟ آفرین! به آن «کِساء» می گویند.

حالا سؤال این است: آیا کسی از شما تابه حال حدیث کِساء را خوانده است؟
احسنت! حدیث کِساء یکی از داستان های بسیار زیبا و مهم در تاریخ اسلام است که درباره اهل بیت (علیهم السلام) و مقام والای آن ها صحبت می کند. این داستان به ما نشان می دهد که چقدر پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) و خانواده اش، یعنی امیرالمومنین (علیه السلام)، حضرت فاطمه (علیها السلام)، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) برای خداوند عزیز و محترم اند. روزی حضرت فاطمه (علیها السلام) به دیدن پدرش، پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله)، رفت. او متوجه شد که پیامبر احساس ضعف می کند و نگران او شد. پیامبر از او خواست که یک عباى به نام «کِساء» را بیاورد تا زیر آن برود. وقتی حضرت فاطمه (علیها السلام) این پوشش را به او داد، پیامبر زیر آن رفت و همانند ماه شب چهارده می درخشید.

بعد از آن، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) به دیدن پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمدند و خواستند که آن ها هم زیر این عبا بروند. پیامبر به آن ها اجازه داد؛ سپس امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز آمد و بعد از او، حضرت فاطمه (علیها السلام) هم خواست که زیر کِساء برود. وقتی همه آن ها زیر این پوشش جمع شدند، پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) با دست راست به آسمان اشاره کرد و فرمودند: «خدا یا! این ها، اهل بیت مخصوص و خاص و صمیمی من هستند. گوشتشان گوشت من است و خونشان خون من. هرکس آن ها را آزار دهد، مرا آزار داده است. هرکس آن ها را اندوهگین کند، مرا اندوهگین کرده است. من با هرکس که با آن ها در ستیز باشد، در ستیز هستم و با هرکه با آن ها دوست باشد، دوستم. هرکس با آن ها دشمن است، من با او دشمنم و هرکه با آن ها دوست است، من با او دوستم. آن ها از من هستند و من با آن ها هستم. خدا یا! صلوات و برکات و رحمت و آمرزش و رضوانت را بر من و آن ها قرار بده و هرگونه پلیدی را از آن ها دور کن و آن ها را کاملاً پاک فرما.»^۲

۱. در این قسمت مربی می تواند به ماجرای حدیث کِساء و داستان آیه مباهله اشاره کند.
۲. «اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلَ بَيْتِي وَخَاصَّتِي وَحَامَتِي، لَحْمُهُمْ لَحْمِي، وَدَمُهُمْ دَمِي، يُؤْلَمُنِي مَا يُؤْلَمُهُمْ، وَيَحْزَنُنِي مَا يَحْزَنُهُمْ، أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ، وَسَلَامٌ لِمَنْ سَالَهُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُمْ، وَمُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ، إِنَّهُمْ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُمْ، فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَرَحْمَتَكَ، وَغُفْرَانِكَ وَرِضْوَانَكَ عَلَيَّ وَعَلَيْهِمْ، وَأَذْهَبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ، وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً.»



خداوند در همان لحظه فرمود: «ای فرشتگان من! ای ساکنان آسمانم! من آسمان‌ها، زمین، ماه، خورشید، ستارگان، دریا و کشتی را نیافریدم، مگر به خاطر دوستی این پنج نفر که زیر این پوشش (عبا) هستند.»

جبرئیل بلافاصله پرسید: «پروردگارا! چه کسانی در زیر این پوشش هستند؟» خداوند متعال فرمود: «این‌ها معدن رسالت و خاندان نبوت هستند. این جمع پنج نفره شامل: فاطمه، پدرش، شوهرش و فرزندانش است.»

در این هنگام، جبرئیل از خداوند و بعد از آن از رسول خدا ﷺ اجازه خواست تا به آن‌ها ملحق شود و سپس جبرئیل نزد آن‌ها آمد و با سلام و تحیات، گفت: خدا نسبت به این پنج تن فرموده است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^۱ «خداوند فقط می‌خواهد هرگونه پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.» این نشان‌دهنده مقام بسیار بالای اهل بیت ﷺ در نزد خداوند است.

رفقای با صفا! لطفاً نکاتی که از این داستان برداشت کردید را بیان کنید.^۲ این داستان به ما یاد می‌دهد مزدی که پیامبر ﷺ از مردم می‌خواهد صرفاً به خاطر رابطه خویشاوندی آن‌ها با پیامبر ﷺ نیست بلکه به خاطر طهارت و جایگاه ویژه اهل بیت ﷺ نزد خداوند است.

نخ تسبیح

از قدیم، مادر بزرگ‌ها برای برقراری انس و الفت، در عیدها و بعضی مواقع جمعه، همه را دور هم جمع می‌کردند و همه بچه‌ها و نوه‌ها مثل پروانه دور او می‌گشتند، چون باعث انس و الفت و دوستی بین همه ما بود؛ رفقا! شما چنین تجربه‌ای داشته‌اید؟ قبول دارید مادر همیشه نقش محور در خانه را دارد؟ هر موقع مادر (بلا به دور) بیمار می‌شود انگار نخ تسبیح پاره شده است و رونق از خانه می‌رود و آن اتحاد داخل خانه کم‌رنگ می‌شود؛ امام هم اگر نباشد همین اتفاق می‌افتد و اتحاد و انسجام جامعه از بین می‌رود. حالا می‌خواهم ولایت

۱. احزاب، ۳۳.

۲. در اینجا از کلاس مشارکت بگیرید.

اهل بیت علیهم السلام را به نخ تسبیح تشبیه کنم. نخ تسبیح، دانه‌ها را ردیف و متصل کرده است. اگر این نخ پاره شود، همه می‌ریزند. مَثَل امام هم در عالم وجود، مثل نخ تسبیح است. همهٔ هویت تسبیح به همان نخ‌اش است که باعث نظم و اعتبار آن دانه‌ها شده است؛ امام هم نظم‌دهنده به امور مسلمین است. دین بدون وجود امام اعتباری ندارد و از طرف دیگر، هستی بدون ایشان از هم می‌پاشد.

در روایتی بسیار زیبا به این محوربودن امام اشاره شده است که این مثال‌ها را تکمیل می‌کند؛ آنجا که حضرت زهرا علیها السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَثَل امام، مثل کعبه است که دورش می‌چرخند و او بر دور چیزی نمی‌چرخد».^۱ ما در اربعین این را خیلی ملموس می‌بینیم که همه مردم از طیف‌ها، گروه‌ها، سلیقه‌ها و حتی مذهب‌های مختلف دور امام حسین علیه السلام جمع می‌شوند و او مانند نخ تسبیح همه را به هم متصل می‌کند. همچنین می‌توانیم نیمه شعبان را مثال بزینم که از سرتاسر ایران و چه بسا از کشورهای دیگر به مسجد جمران در قم دور هم جمع می‌شوند و به امام زمان خود متصل می‌شوند و برای فرج و سلامتی‌اش دعا می‌کنند. این‌ها مصداق‌های بارز مودت و محبت به اهل بیت علیهم السلام است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آیه **﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾** از مردم خواسته بودند. بنابراین در یک جامعه دینی محور اتحاد محبت رهبران دینی یعنی پیامبر عزیزمان و اهل بیت پاکشان هستند. لذا اگر مسلمانان جهان بر سر این اعتقاد قرآنی جمع شوند خیلی از مشکلات حل می‌شود. آیه هم داریم که می‌فرماید: **﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾**^۲ یعنی همگی بر ریسمان خدا قرآن و اهل بیت علیهم السلام چنگ بزنید و پراکنده نشوید.

دوستان عزیز! در این ماجراجویی فهمیدیم که باید از ابزاری‌هایی مثل مودت اهل بیت علیهم السلام که خودش یک گنج در مسیر زندگی برای برقراری اتحاد و انسجام است، نهایت استفاده را ببریم تا در نهایت به پیروزی و موفقیت برسیم.

۱. عن فاطمة الزهراء علیها السلام: «لقد قال رسول الله صلی الله علیه و آله مَثَلُ الْإِمَامِ مَثَلُ الْكَعْبَةِ إِذْ تُؤْتَى وَ لَا تَأْتِي» بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۵۳.

۲. آل عمران، ۱۰۳.

صحن امام رضا علیه السلام

بیاید تلاش کنیم تمام کشور را خانه اهل بیت علیهم السلام کنیم و با محبت پیامبر و اهل بیت ایشان مخصوصاً امام رضا علیه السلام که میزبان ما ایرانی‌ها هستند، ایران بزرگ را به صحن امام رضا علیه السلام تبدیل کنیم تا وحدت و انسجام ما در برابر دشمن بیشتر شود. یکی از بی‌نظیرترین اتحادهای تاریخ در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رقم خورد. در این جنگ تمام کفر در مقابل تمام حق صف‌آرایی کردند و با توجه به تلاقی با محرم حسینی در آن ایام، مودت اهل بیت علیهم السلام به زیبایی به چشم می‌آمد. یکی از زیباترین نوحه‌ها، شعری بود که حاج محمود کریمی خواندند و این شعر پر از مفهوم و محتوای غنی بود، شبی که مقام معظم رهبری رحمته الله علی‌رغم تهدیدهای دشمنان، شب عاشورا در حسینیه امام خمینی رحمته الله حضور یافتند و به ایشان گفتند این شعر زیبا که دربارهٔ وطن بود و از مودت اهل بیت علیهم السلام سرچشمه گرفته بود را دوباره بخوانند. حالا اگر موافقید ما هم این شعر را بخوانیم:^۱

ای میهن خدایی، صحن امام رضایی
ایران ذوالفقار و ایران عاشورایی
در روح و جان من، می‌مانی ای وطن
تویی تویی تو هستی حرم، تویی تو خانهٔ من

ای ایران ایران، دور از دامان پاکت، دست دگران، بد گوهران
ای مهررخشان، زیر سایهٔ حیدر باشی در امان، ای دل و جان

ای میهن خدایی، صحن امام رضایی
ایران ذوالفقار و ایران عاشورایی
در روح و جان من، می‌مانی ای وطن
تویی تویی تو هستی حرم، تویی تو خانهٔ من

الهی که ایران عزیز ما به لطف اهل بیت عصمت و طهارت، همیشه سرافراز و سربلند باشد، بلند صلوات بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

۱. می‌توانید شعر را پای تخته بنویسید یا قبل از کلاس روی برگه‌های کوچک چاپ کنید و بین مربیان پخش کنید.

ابزارهای کوله‌پشتی

رفقای عزیز، در این ماجراجویی هیجان‌انگیز نوجوانی، فهمیدیم که خداوند ابزارهای قدرتمندی در کوله‌پشتی زندگی ما گذاشته است.

ابزار اول: یک الگو و نقشه راه: پیامبران، به‌ویژه پیامبر اسلام ﷺ، با تمام وجود برای هدایت ما تلاش کردند و هیچ پاداش مادی نخواستند. پاداش آنان، همانند یک کشاورز زحمت‌کش یا دانش‌آموزی سخت‌کوش، رسیدن به هدف بود؛ هدفشان این بود که ما را در مسیر سعادت قرار دهند.

ابزار دوم: یک محور وحدت: پیامبر ﷺ در ازای همه زحماتش، تنها یک پاداش از ما خواست: «مودت و محبت نسبت به اهل بیتم» که در آیه: **﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾** به آن پرداخته شده است. این محبت، مانند یک نخ تسبیح است که اگر باشد، همه دانه‌های تسبیح منظم و متحد می‌مانند. اگر این نباشد، جامعه مسلمانان از هم می‌پاشد. اهل بیت ﷺ آن محور وحدتی هستند که می‌توانند همه ما را با وجود تفاوت‌ها، دور هم جمع کنند؛ همان‌طور که در مراسمی مانند اربعین یا نیمه شعبان می‌بینیم.

ابزار سوم: حالا نوبت ماست: برای اینکه این محبت، تنها یک حرف نباشد، باید مانند علامه امینی رحمته الله علیه برای شناخت اهل بیت ﷺ تلاش کنیم. با شناخت جایگاه واقعی آنان، تیم زندگی ما قوی، منسجم و شکست‌ناپذیر می‌شود.

پس رفقا، برای ساختن یک تیم قوی و موفق در زندگی، باید اتحاد و انسجام داشته باشیم. این اتحاد، با چنگ زدن به ریسمان محکم خدا (قرآن و عترت) و با محبت به اهل بیت پیامبر ﷺ به دست می‌آید. این محور وحدت، ما را به استقلال می‌رساند و باعث پیروزی در تمام میدان‌های زندگی می‌شود.

مودت بر پایه عمل

در این درس آموختیم که مودت و دوستی با اهل بیت ﷺ برای اتحاد و انسجام و حفظ استقلال لازم و ضروری است، به‌همین دلیل برای اینکه این محبت و مودت پابرجا بماند و به آن افزوده شود، دوتا تکلیف برای شما دوستان قرآنی و دوستدار اهل بیت در نظر گرفته‌ایم:

– همان گونه که گفته شد ولی نعمت ما ایرانی ها امام رضا علیه السلام است، بیا بید
صلوات خاصه ایشان را حفظ کنیم و روزانه حداقل یک بار آن را بخوانیم.

صلوات خاصه امام رضا علیه السلام هم این است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى
الرِّضَا الْمُزْتَضَى الْإِمَامِ التَّقِيِّ وَحُجَّتِكَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَى
الصِّدِّيقِ الشَّهِيدِ صَلَاةً كَثِيرَةً تَامَةً زَاكِئَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَوَاتِرَةً مُتَرَادِفَةً كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ
عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ».

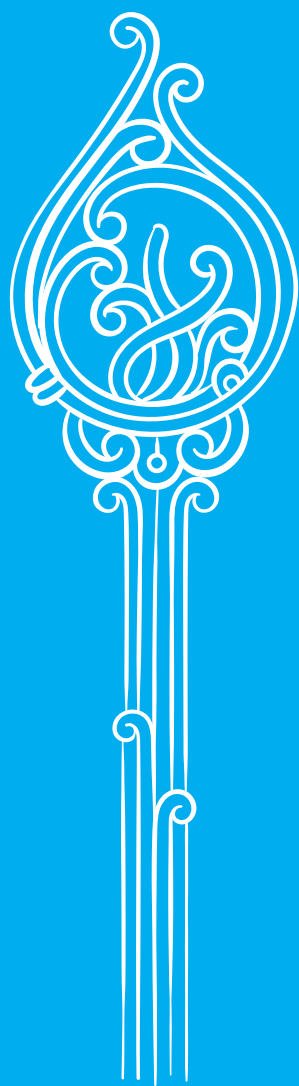
– با خود عهد ببندیم که بعد از هر نماز یا اول شروع کلاس، دعای سلامتی
امام زمان علیه السلام را بخوانیم.

طلب مودت

در انتهای کلاس هم بیا بید دست به دعا شویم.
خدایا! به حق این ماه عزیز بیش از پیش توفیق اتحاد، همدلی و مودت
اهل بیت علیهم السلام را به ما عنایت بفرما؛ الهی آمین!
بارالها، به حق اهل بیت علیهم السلام و قرآن، اسرائیل کودک کش و ظالم را نیست و
نابود بگردان؛ الهی آمین!
پروردگارا، به رهبر عزیزتر از جانمان، امام خامنه ای حفظه الله سلامتی و طول عمر
با عزت عنایت بفرما؛ الهی آمین!
شادی دل خوبان عالم، خصوصاً وجود نازنین امام زمان علیه السلام صلواتی بلند
بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»





جلسه هشتم

آنتی ویروس روح

(قانون شگفت انگیز پاک کردن

گذشته با کارهای خوب)

﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾

سوره هود، آیه ۱۱۴

به یقین کارهای خوب، بدی ها را از بین می برد.



سُورَةُ هُودٍ

فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ
 آبَاءَهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوقِفُهُمْ نَصِيبُهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ
 ﴿١٠٩﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ
 سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ
 ﴿١١٠﴾ وَإِنَّ كَلَامَ لَئِيكَ لَيُؤَيِّدُكُمْ رَبُّكَ أَعْمَلُكُمْ إِنَّهُ يُبَيِّنُ لَكُمْ مَا
 خَيْرٌ ﴿١١١﴾ فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا
 إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١٢﴾ وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا
 فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ
 لَا تُنصَرُونَ ﴿١١٣﴾ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِّنَ
 اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى
 لِلذَّاكِرِينَ ﴿١١٤﴾ وَأَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ
 ﴿١١٥﴾ فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ
 عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ
 الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أَتَوْا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿١١٦﴾ وَمَا
 كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ ﴿١١٧﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

کلید بازگشت

به نام خدایی که صاحب دل‌های ماست و بهترین حال خوب را خودش به ما هدیه می‌دهد.

سلام به همه رفقای نوجوان خودم! الهی که حال دلتان همیشه عالی و خوب باشد.

رفقا، همه ما در زندگی به دنبال آرامش و یک حس خوب هستیم، درست است؟ گاهی وقت‌ها یک حرف، یک اتفاق یا یک اشتباه، حال خوبمان را از ما می‌گیرد. دنبال بهترین دارو می‌گردیم تا حالمان را خوب کند. امروز می‌خواهیم برویم سراغ حرف کسی که صاحب اصلی دل‌های ماست؛ یعنی خود خدا. می‌خواهیم باهم چند آیه از جزء دوازدهم قرآن، از سوره هود را بخوانیم و یک نسخه فوق‌العاده برای داشتن «حال خوب دائمی» کشف کنیم.

پس با قرائت آیات ۱۱۲ تا ۱۱۵ سوره هود، کلاس را نورانی می‌کنیم. یکی از دوستان با صوت زیبایش برای ما تلاوت کند:

ممنون از تلاوت دوست عزیزمان. سلامتی ایشان و خانواده‌شان صلواتی باهم بفرستیم.

﴿اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ﴾

ترجمه آیات را باهم مرور کنیم:

پس همان‌طور که دستور گرفته‌ای، محکم و درست بایست؛ تو و هر کس که با تو به سوی خدا برگشته است. سرکشی نکنید که او به تمام کارهای شما بیناست (۱۱۲).

به کسانی که ستم کرده‌اند، تکیه نکنید و دل نبندید که آتش جهنم شما را هم می‌گیرد و جز خدا هیچ یآوری نخواهید داشت و کمکی به شما نمی‌رسد (۱۱۳).
 نماز را در دو طرف روز [صبح و عصر] و در پاسی از شب برپا دار. شک نکن که کارهای خوب، کارهای بد را از بین می‌برد. این یادآوری خوبی است برای کسانی که اهل یادکردن خدا هستند (۱۱۴).
 و صبور باش که خدا پاداش نیکوکاران را هرگز ضایع نمی‌کند (۱۱۵).

امیدبخش‌ترین

به نام آن خالق که، قبل از ما عاشقمان شد و تا ما را خلق کرد به ما گفت: «تا من را داری غم نداشته باش!»

رفقا، تا حالا برایتان پیش آمده که در یک بازی آنلاین یا حتی یک برنامه‌ای روی کامپیوتر، یک حرکت اشتباه انجام دهید و سریع دنبال دکمه بازگشت (Ctrl+Z) یا Undo بگردید تا همه چیز به حالت قبل برگردد؟ یا شده کاری انجام دهید، حرفی بنویسید که همان لحظه پشیمان شوید و آرزو کنید: «ای کاش یک دکمه بازگشت برای زندگی واقعی هم وجود داشت» تا آن لحظه را پاک کنید؟ آن حس سنگین عذاب وجدان و ناراحتی از خودمان، حس آشنایی برای همه ماست. همه ما گاهی اشتباه می‌کنیم. این حس بد بعد از اشتباه، مثل یک ویروس است که وارد سیستم روح ما می‌شود؛ سرعت ما را کم می‌کند، انرژی مان را می‌گیرد و حالمان را خراب می‌کند. گاهی این ویروس آن قدر قوی است که ما را ناامید می‌کند و با خودمان می‌گوییم: «دیگر فایده ندارد، من آدم بدی هستم.»

اینجا، درست همان نقطه‌ای است که خداوند، مهربان‌ترین برنامه‌نویس هستی، یک آنتی‌ویروس قدرتمند و یک دکمه «آپدیت» یا به روزرسانی ویژه در اختیار ما قرار داده است. شاه‌کلید نجات و درمان این حال بد، در آیه محوری بحث امروز ما نهفته است.

امروز می‌خواهیم باهم یک قانون فوق‌العاده در قرآن را کشف کنیم که از هر دکمه بازگشتی قدرتمندتر عمل می‌کند.

کشف یک شاه‌کلید

دوستان، ما آدم‌ها از حرف‌هایی که می‌شنویم اثر می‌پذیریم. همیشه هم دل ما می‌خواهد حرف‌های انرژی‌بخش و حال‌خوب‌کن بشنود. قرآن پر از این حرف‌های معجزه‌آسا است. حالا یک سؤال خیلی جالب داریم: به نظر شما امیدوارکننده‌ترین و «حال‌خوب‌کن‌ترین» آیه در کل قرآن کدام است؟^۱

پاسخ‌های شما زیباست؛ اما شاید برایتان جالب باشد که روزی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) همین سؤال را از یاران خود پرسیدند.^۲ هر کدام آیه‌ای را نام بردند. اما حضرت فرمودند که از حبیبم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که فرمود: امیدبخش‌ترین آیه در قرآن این آیه است: ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾.^۳

از یکی از دوستان می‌خواهم تلبیاید و این آیه را با خطی زیبا روی تخته بنویسد. تشکر از دوست عزیزمان. حالا همه یک بار با هم بخوانیم: ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾.

رفقا، شاید سؤالی پیش بیاید که چرا این آیه؟ چون شاه‌کلید موفقیت در زندگی را به ما یاد می‌دهد. چه کسی می‌تواند حدس بزند کدام فرمول الهی است که می‌تواند خیلی از معادلات پیچیده زندگی را حل کند؟ اگر آیه را ترجمه کنید متوجه می‌شوید! فرمول این است: خوبی‌ها، بدی‌ها را پاک می‌کنند!

کارهای نیک مانند یک پادزهر برای سم‌گناه عمل می‌کنند. بخش اصلی آیه می‌گوید: ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾ یعنی قطعاً کارهای خوب، کارهای بد را از بین می‌برند. این یعنی خدا یک راه جبران همیشگی جلوی پای ما گذاشته است. اگر اشتباهی کردیم، نباید ناامید شویم. خدا می‌گوید سریع یک کار خوب انجام بده، من اثر آن کار بد را پاک می‌کنم.

لذا این آیه یک قانون شگفت‌انگیز را به ما معرفی می‌کند: «قانون جبران». خداوند نمی‌گوید که فقط اشتباه نکنید؛ بلکه می‌گوید اگر اشتباه کردید، راه بازگشت و پاک‌سازی باز است. چطور؟ با نصب «آنتی ویروس» روی سیستم وجودمان.

۱. به چند نفر از دانش‌آموزان اجازه دهید مشارکت کرده و پاسخ دهند.

۲. تفسیر اهل بیت (علیهم‌السلام)، ج ۶، ص ۸۰۶.

۳. هود، ۱۱۴.

بچه‌ها، این قانون فقط یک شعار قشنگ نیست. این فرمول، زندگی خیلی‌ها را زیر و رو کرده. می‌خواهم شما را با دو داستان واقعی آشنا کنم. داستان‌هایی که نشان می‌دهند چطور یک کار خوب می‌تواند یک سرنوشت را عوض کند.

از پشیمانی تا پرواز

خیابان‌های جنوب تهران در سال‌های قبل از انقلاب را، تصور کنید؛ محله‌ای که یک نفر در آن زندگی می‌کرد که وقتی راه می‌رفت، کسبه از ترس کرکره مغازه‌ها را پایین می‌کشیدند. جوانی با قد و هیكلی درشت، بازوهای قوی. سابقه‌اش به‌گونه‌ای بود که هرکسی او را می‌دید از ترس می‌لرزید! هیچ‌کس جرئت نداشت روی حرف او حرفی بزند. اهل هر کاری بود که فکرش را بکنید. شاید اگر می‌خواستید مثالی از کسی بزنید که دیگر راه برگشتی برایش نمانده، او همان آدم بود. خودش بعدها با حسرت می‌گفت: «آن قدر غرق گناه و کارهای اشتباه بودم که دیگر رویم نمی‌شد حتی به خدا فکر کنم!»

حالا سؤال من از شما این است: آیا چنین آدمی می‌تواند روزی قهرمان یک ملت شود؟ آیا می‌تواند به جایی برسد که الگوی جوانان دیگر شود؟

انقلاب که شد، یک صدای جدید در کشور پیچید. صدای پیرمردی که از خوبی‌ها، از آزادی و از خدا حرف می‌زد. آن جوان، با تمام آن گذشته سیاه، ناگهان احساس کرد این همان صدایی است که روحش سال‌ها دنبالش می‌گشت. یک روز چشمش به عکس امام خمینی رحمته‌الله افتاد. همان جا، در همان لحظه، یک تصمیم بزرگ گرفت. یک تحول درونی! انگار یک قفل سنگین از روی قلبش باز شد. او تصمیم گرفت تمام آن قدرت و زور بازو را در مسیری جدید خرج کند.

جنگ که شروع شد، او جزو اولین کسانی بود که به جبهه رفت. همان بازویی که یک روز باعث ترس مردم بود، حالا شد سپر برای دفاع از مردم و کشورش. آن قدر شجاعت و فداکاری از خود نشان داد که شد یکی از فرماندهان ترس و محبوب جنگ. این بار نه اطرافیانش در جنوب شهر تهران بلکه عراقی‌ها بودند که خیلی بیشتر از دیگران از او می‌ترسیدند. کار به جایی رسید که برای سر شاه‌رخ جایزه تعیین کردند. یکی از کارهایش این بود که وقتی اسیر می‌گرفت،



به دوستاش می‌گفت کله پاچه درست کنند. جلوی اسیر عراقی می‌خورد و بعد به آن اسیر عراقی می‌گفت: «این زبان و گوش و مغز فرمانده توست که من دارم می‌خورم.» بعد آن اسیر را آزاد می‌کرد تا این خبر را به بقیه ارتشی‌های عراق برساند. بچه‌ها، آن کارهای خوب بزرگ، آن فداکاری‌ها، تمام آن گذشته را شست و با خودش برد! این نمونه زنده **﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾** بود. اسم این قهرمان، «شهید شاهرخ ضرغام» بود که به او لقب «حرّ انقلاب» را دادند.

کتاب ایشان چاپ شده و می‌توانید تهیه کنید تا واقعاً خودتان لمس کنید که شاهرخ از کجا به کجا رسید.^۱

شادی روحش صلواتی بلند بفرستید.

﴿اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ﴾

از تهران تا دمشق

حالا یک داستان دیگر. این بار از همین دوران نزدیک به خودمان. تصور کنید، یک جوان امروزی، دهه هفتادی، پر از شور و هیجان، اهل باشگاه، تیپ‌زدن، موتور و... روی دستش هم یک خالکوبی بزرگ دارد که خیلی به چشم می‌آید. شاید اگر در خیابان می‌دیدمش، با خودمان می‌گفتیم: «این جوان هم در دنیای خودش سیر می‌کند.» شاید حتی قضاوتش می‌کردیم و می‌گفتیم: «این کجا و شهادت و معنویت کجا؟»

او زندگی عادی خودش را داشت، با همه خوشی‌ها و شور و نشاط جوانی‌اش. اهل قهوه‌خانه بود. یکی از دوستان نزدیکش به او پیشنهاد داد: «مجید تو همه جا را رفتی و دیدی؛ یک بار هم بیا باهم اربعین بریم کربلا، خیلی صفا دارد!» شاید اولش بی‌میل بود و با خودش می‌گفت: «من کجا و کربلا کجا؟ کجای تیپ من به کربلا می‌خورد!» آیا تا به حال این سؤال برای شما هم پیش آمده؟ بالاخره مجید تصمیم گرفت این سفر را هم تجربه کند. مسیر نجف به کربلا نقطه اوج گرفتن مجید بربری بود. دوستانش او را این جوری صدا می‌کردند.^۲

۱. مهدی کامیاب، شاهرخ، حرّ انقلاب.

۲. دلیل این مطلب را می‌توان به کتاب شهید ارجاع داد.

مجید از این رو به آن رو شد. او در مسیر با مصیبت های حضرت زینب کبری علیها السلام آشنا شد. مجید خیلی روی ناموس تعصب داشت و غیرتی بود. یک روز، خبرهایی از سوریه به گوشش رسید. خبر بی احترامی به حرم حضرت زینب علیها السلام اینجا همان نقطه حساس زندگی اش بود. همان بزنگاهی که باید یک تصمیم می گرفت.

یک ندای درونی به او گفت: «وقتشه!» وقت چی؟ وقت اینکه با یک کار خوب بزرگ، تمام تصورات را عوض کنی. او تصمیمش را گرفت. با همان تیپ و ظاهر، با همان خالکوبی روی دست، در دوره های ویژه آموزشی شرکت کرد و بالاخره بعد از سختی ها و موانع زیاد راهی سوریه شد. در میدان نبرد، آن چنان شجاعتی از خود نشان داد که همه همزمانش را شگفت زده کرد. او دیگر آن جوان معمولی نبود؛ تبدیل شده بود به یک شیرمرد مدافع حرم.

آن خالکوبی هنوز روی دستش بود، اما حالا دستی را زینت داده بود که برای دفاع از حرم بلند شده بود. دستی که قرار بود آسمانی شود.

رفقا، او با بزرگ ترین حسنه، یعنی گذشتن از جاننش برای یک هدف مقدس، یک خط بطلان روی تمام تصورات ما و شاید گذشته خودش کشید. این یعنی قانون «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» برای من و شما هم کار می کند، فرقی نمی کند چه تپیی داریم یا گذشته مان چه بوده. اسم این قهرمان باصفا، «شهید مجید قربانخانی» بود. او در منطقه خان طومان سوریه عاشقانه جنگید و به شهادت رسید. اگر روزی رفتید به بهشت زهرای تهران، می توانید در قطعه ۵۰، کنار شهدای مدافع حرم این شهید والامقام که حرّ مدافعان حرم است را زیارت کنید.^۱

رفقا، همه دستانتان را به نشانه عهد بیاورید بالا؛ بیاوید با شهدا عهد ببندیم و همه این جمله را تکرار کنیم: من نیز همچون شما شهدای عزیز، هرگاه فرصتی برای کمک به دیگران یا دوستانم پیش آید، به پاس عشق به امام زمانم، از هیچ تلاشی دریغ نخواهم کرد و تمام توانم را برای یاری رسانی به کار خواهم بست.

رفقا، خدا همیشه منتظر یک حرکت از سمت ماست تا ما را با آغوش باز بپذیرد. بعضی از شماها ممکن است دنبال یک راه میان بر باشید. این طور نیست؟ اگر بخواهیم یک کار خوب میان بر معرفی کنیم که به تنهایی نقش

۱. فاطمه دولتی، «مجید بربری؛ روایت زندگی و شهادت شهید مدافع حرم مجید قربانخانی».



اساسی در پوشاندن خطاها دارد، به نظر شما چه چیزی است؟^۱
ممنون از مشارکت و همراهی شما دوستان. اما من برای جواب دادن
می‌خواهم یک خاطره‌ای از یاران پیامبر برای شما تعریف کنم.

شخصی به نام ابوعثمان می‌گوید: «یک روز با سلمان فارسی زیر یک درخت
نشسته بودیم. سلمان شاخه خشک همان درخت را گرفت و تکان داد و تمام
برگ‌هایش روی زمین ریخت. بعد از من پرسید: می‌دانی چرا این کار را کردم؟
گفتم: نه. گفت: چون یک روزی همین کار را پیامبر خدا ﷺ انجام دادند. وقتی
از ایشان پرسیدم که چرا این کار را کردید، فرمودند: وقتی یک مسلمان وضوی
خوب بگیرد و بعد نمازهای پنج‌گانه‌اش را بخواند، گناه‌هایش همین‌طوری
می‌ریزد، مثل برگ‌های این درخت که ریخت. بعد همین آیه را تلاوت کردند: ﴿إِنَّ
الْحَسَنَاتِ يُدْهِنُ السَّيِّئَاتِ...﴾»^۲

خب حالا بهترین حسنه چیست؟ خود آیه و حدیث پیامبر ﷺ، بهترین مصداق
و نمونه حسنه را به ما معرفی کردند: نماز.

پیامبر ﷺ در یک حدیث دیگری به حضرت علی علیه السلام فرمودند: «حکایت
نمازهای پنج‌گانه برای امت من، مثل یک جوی آب جلوی در خانه است. اگر کسی
بدنش کثیف باشد و روزی پنج بار خودش را در این آب بشوید، آیا دیگر اثری از
کثیفی در بدنش باقی می‌ماند؟ قسم به خدا، نمازهای پنج‌گانه هم همین کار را
با گناه‌های امت من می‌کند»^۳.

خود نماز باعث می‌شود آدم از گناهان بزرگ دوری کند. خب، آیا انجام دادن
کارهای خوب و دوری از گناهان بزرگ، کار راحتی است؟ نه! نیاز به صبر و استقامت
دارد. یعنی باید خیلی از طعنه‌ها، تیکه‌انداختن‌ها و مشکلات دیگر را تحمل کنید.
برای زندگی در چنین جامعه‌ای هم باید صبر و تحمل بالا داشت.

قرآن می‌فرماید: ﴿اصْبِرُوا وَصَابِرُوا﴾^۴ یعنی هم خودتان صبور باشید و هم

۱. مشارکت متریبان در بحث.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۳۱۹

۳. همان، ص ۲۲۰.

۴. آل عمران، ۲۰۰.

همدیگر را به صبر تشویق کنید. چرا این تشویق جمعی مهم است؟ بگذارید یک مثال بزنیم. یک جعبه سیب را در نظر بگیرید که یکی از سیب‌هایش گندیده باشد. اگر ما به فکر نباشیم، بعد از مدتی کل آن جعبه گندیده می‌شوند. فضای مجازی و گروه‌های کلاسی ما هم دقیقاً همین‌طور است. اگر یک نفر شروع به پخش شایعه یا حرف زشتی کند (مثل همان سیب گندیده)، اگر بقیه سکوت کنند یا حتی با لایک و بازنشر همراهی کنند، فضای کل گروه مسموم می‌شود. اما اگر چند نفر با شجاعت بایستند و بگویند: «این کار درست نیست»، این حرکت آن‌ها، یک حسنه جمعی است.

جامعه هم مثل همین است. انگار در جوی فاضلاب قرار داریم؛ اگر کنارش راه برویم، چه بخواهیم چه نخواهیم، بوی بد می‌گیریم. فکر کنید همه ما مسافران یک کشتی بزرگ هستیم. اگر یک نفر بگوید: «این صندلی مال من است و می‌خواهم زیر آن را سوراخ کنم!» آیا اجازه می‌دهیم؟^۱ قطعاً نه! چون همه باهم غرق می‌شویم.

به همین دلیل، باید به همه بگوییم که در مقابل مشکلات باید صبر کنیم. یک ملت وقتی در برابر فشار دشمنان، صبر دسته‌جمعی داشته باشد، هرگز تسلیم نمی‌شود و به استقلال واقعی می‌رسد. استقلال یعنی روی پای خودت بایستی و زیر بار حرف زور نروی. این صبر جمعی، بزرگ‌ترین «حسنة» برای یک جامعه است.

آزمایشگاه حال خوب

حالا از شما دعوت می‌کنم تا باهم یک آزمایش ساده اما بسیار پرمعنا را انجام دهیم تا این مفهوم را با چشمان خود مشاهده کنیم. برای این کار به کمک یکی از شما نیاز دارم. چه کسی داوطلب می‌شود؟^۲ وسایل مورد نیاز ما آب و کمی چای است. مقداری از آب را در یک لیوان و بقیه را در یک پارچ بزرگ می‌ریزیم. لطفاً این لیوان را در دست بگیر و برای دوستانت توصیف کن که چه چیزی

۱. مشارکت در بحث با ذکر دلیل.

۲. یک نفر داوطلب شود.

در آن می بینی؟ همین طور که ایشان گفتند آب خالی است. حالا مقداری چای به آن اضافه می کنیم تا رنگ آب تغییر کند. حالا از دوستان می خواهم که به آرامی و به طور مداوم، این آب زلال را از داخل پارچ به لیوان اضافه کنی. دوستان دیگر، شما با دقت مشاهده کنید.^۱

از شما می خواهم که فرآیند را برای ما گزارش دهید. چه اتفاقی در حال رخ دادن است؟ آب تیره به کجا می رود؟ جای آن را چه چیزی می گیرد؟ آیا این تغییر ناگهانی است یا تدریجی؟

بسیار عالی بود، متشکرم. حالا بباید باهم این آزمایش را تحلیل کنیم. این فرآیند ساده، شما را به یاد کدام بخش از بحث امروزمان می اندازد؟ رفقای عزیز به سؤالاتی که می پرسم جواب بدهید:

به نظر شما این لیوان، نماد چه چیزی می تواند باشد؟^۲ احسنت به همگی! لیوان نماد قلب ما انسان هاست که قابلیت دریافت چیزهای خراب یا زلال را دارد. حالا آن آب تیره و کدر که در ابتدا تمام فضای لیوان را گرفته بود، نماد چیست؟^۳ آفرین به همه شما. اثر یک کار اشتباه یا یک گناه که باعث تیرگی قلب ما می شود.

و آن آب پاک و زلالی که اضافه شد، نماد چیست؟^۴ سپاس فراوان. آب پاک و زلال هم نماد کارهای خوب یا همان حسنات است که باعث پاک شدن و شفافیت قلب ما می شود.

رفقا، یک نکته بسیار مهم در این آزمایش وجود داشت. آیا با ریختن تنها چند قطره آب زلال، لیوان پاک می شد؟ خیر، این فرآیند نیازمند یک جریان مداوم از آب پاک بود تا به تدریج تمام تیرگی را بیرون کند. این به ما می آموزد که جبران اشتباهات نیز یک فرآیند مستمر است. بنابراین^۵ همه باهم با ایمان کامل این

۱. مرتبی به آرامی آب زلال را به لیوان اضافه می کند و آب تیره سرریز می شود.

۲. باید ابتدا نظرات متریبان را بشنویید و سپس به ادامه بحث بپردازید.

۳. مشارکتی کوتاه گرفته شود.

۴. ابتدا مشارکت گیری و سپس ادامه بحث را بگویید.

۵. روی تابلو، آیه محوری نوشته و به آن اشاره شود.



نسخه شفاعت را بخوانیم: ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾.

کارهای نیک ما دقیقاً مانند همین آب زلال عمل می‌کنند. هرچه اعمال خوب ما بیشتر و مداوم‌تر باشد، تیرگی و کدورت اشتباهات گذشته بیشتر از وجود ما بیرون رانده می‌شود و قلبمان شفاف‌تر و آرام‌تر می‌شود. این قلب، حرم امن خداست. هرگاه غباری از خطا بر آن می‌نشیند، این وظیفه ماست که با جریان زلال اعمال نیک خود، آن را برای صاحب اصلی اش پاک و آماده نگه داریم.^۱ پس بیایید همگی مراقب این حرم نورانی باشیم.

فرمول سه مرحله‌ای حال خوب

اگر بخواهیم خلاصه و نتایج کلیدی بحث امروز را در سه نکته اساسی بگوییم این است:

۱. خداوند یک فرمول فعال و امیدبخش عطا کرده است: اعمال نیک، آثار

سوء اعمال بد را از بین می‌برند. بنابراین، هرگز ناامید نشو! قانون ﴿إِنَّ

الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾ یعنی راه جبران همیشه باز است.

۲. نماز، موثرترین ابزار پالایش روح است: این فریضه، به عنوان برترین

نمونه «حسنه»، قدرتمندترین وسیله برای پاک‌سازی روح است که

همچون رودی جاری، وجود انسان را از آلودگی‌ها شست‌وشو می‌دهد.

۳. اثربخشی این فرمول، وابسته به دو شرط است: پایداری این تحول

درونی به دو شرط اساسی بستگی دارد:

در سطح فردی: باید مراقب اعمالمان باشیم و از گناهان دوری کنیم. یعنی

اصلاً به سمت گناه نرویم تا روحمان آلوده نشود. اگر روح یک فرد به خاطر

اشتباهات کاملاً کثیف شود، دیگر انگیزه‌ای برای انجام کارهای خوب هم

پیدا نمی‌کند.

اما در سطح اجتماعی: تقویت صبر و حس مسئولیت‌پذیری در همه ما لازم

است تا سلامت معنوی کل جامعه حفظ شود. این یعنی: هم خودمان در برابر

مشکلات صبور باشیم، و هم دیگران را تشویق کنیم که استقامت کنند.

از فکر تا عمل

به نظر می‌رسد برای اینکه این قانون مهم در زندگی ما عملی شود، ۲ کار ساده را می‌توانیم انجام دهیم:

- یک استوری یا عکس نوشته جذاب با هشتگ # حال_ خوب. طراحی کنید و در آن به زبان خودتان توضیح دهید که چگونه کار خوب می‌تواند یک حال بد را خوب کند.
- یکی از روش‌های تربیتی خیلی مهم که در زندگی بزرگان و شهدا دیده‌ایم، این بوده که آن‌ها همیشه مراقب خودشان بودند تا گناهی نکنند. دائماً خودشان را حسابرسی می‌کردند (محاسبه نفس). آن‌ها برای اینکه جلوی کارهای اشتباهشان یک مانع قوی بسازند، برای خودشان جریمه‌هایی در نظر می‌گرفتند. مثلاً اگر عصبانی می‌شدند، یک کار سخت‌تر برای خودشان می‌گذاشتند. شما هم همین کار را بکنید! یک چالش جبران برای خودت تعریف کن. مثلاً قرار بگذار که اگر فلان کار اشتباه را انجام دادی، در مقابلش یک کار خیلی خوب و ارزشمند، مثل خدمت کردن به پدر و مادر، انجام بدهی.

مراپاکیزه‌پذیر

خوب است بدانیم که در دست‌نوشته به‌جامانده از سردار شهید، حاج قاسم سلیمانی، که لحظاتی پیش از آخرین پروازشان از لبنان به عراق نوشته بودند، این عبارت نورانی به چشم می‌خورد: «خداوندا، مرا پاکیزه‌پذیر».

این دعا، عصاره و چکیده تمام آن چیزی است که امروز باهم آموختیم؛ آرزوی پاک شدن از آثار خطاها و رسیدن به محضر الهی با روحی شفاف و پاکیزه. پس ما نیز در پایان این جلسه، همین دعا را زمزمه می‌کنیم:

خداوندا، به همه ما توفیق عنایت فرما تا آن قدر اعمال نیک در زندگی خود انجام دهیم که تمام پرونده‌های خطاهای گذشته از سیستم روح ما پاک شود و با نسخه‌ای به‌روز و پاکیزه به‌سوی تو بازگردیم.

پروردگارا، نمازهای ما را مؤثرترین ابزار برای پالایش روح و پاک‌کننده گناهان

ما قرار بده و ما را در مسیر استقلال و سربلندی کشورمان ثابت قدم بدار.
الهی آمین!

به پاس قدردانی از همه شهدا که با صبر و استقامت خود به ما درس
ایستادگی آموختند، روح مطهرشان را با ذکر صلوات یاد می‌کنیم.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»



محتوای خودت را بساز



شهادت‌آیه‌ها



پویانمایی



یادگست صوتی



تبیین آیه

جلسه نهم

فرمانده تویی، ترس چرا!

(راز برتری در برابر دشمنان

نترسیدن است)

﴿قُلْنَا لَا تَخَفُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ﴾

سوره طه، آیه ۶۸

[به موسی] گفتیم: ترس! پیروز میدان فقط تویی.



سُورَةُ طه

قَالُوا يَمُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقَى وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى ﴿٦٥﴾ قَالَ بَلْ
 أَلْقُوا فَإِذَا حِبالُهُمْ وَعَصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا
 تَسْعَى ﴿٦٦﴾ فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى ﴿٦٧﴾ قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ
 أَنْتَ الْأَعْلَى ﴿٦٨﴾ وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا
 كَيْدٌ سِحْرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى ﴿٦٩﴾ فَأَلْقَى السَّحَرَةُ سُبْحًا
 فَأَلَوْا أَمْتًا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى ﴿٧٠﴾ قَالَ أَمْنٌ لَهُ وَقَبْلُ أَنْ أَدْنَى
 لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَا وَقُطْعَنَ أَيْدِيكُمْ
 وَأَرْجُلُكُمْ مِنْ خَلْفٍ وَلَا صُلْبَتَكُمْ فِي جُذُوعِ النَّخْلِ وَلِتَعْمُنَّ
 أَيُّنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى ﴿٧١﴾ قَالُوا لَنْ نُؤْثِرَكَ عَلَى مَا جَاءَنَا مِنْ
 الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ
 الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿٧٢﴾ إِنَّا أَمْتًا بِرَبِّنَا لِيَعْفِرَ لَنَا خَطِيئَتَنَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا
 عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى ﴿٧٣﴾ إِنَّهُ وَمَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا
 فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى ﴿٧٤﴾ وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ
 عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى ﴿٧٥﴾ جَنَّاتُ عَدْنٍ
 تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى ﴿٧٦﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

وقتی ترس، نفست را می‌گیرد

به نام آن خدایی که فرمانده اصلی قلب‌ها و قدرتمندترین تکیه‌گاه ماست. سلام بر شما نوجوانان عزیز، آینده‌سازان ایران اسلامی! امیدوارم دل‌هایتان پراز آرامش و قدم‌هایتان استوار باشد.

یکی از مربیان در دوران نوجوانی‌اش خاطره‌ای ترسناک برایش رخ داده بود که می‌خواهم آن را برایتان بگویم؛ ایشان می‌گفتند: سال‌ها پیش، در یک اردوی دانش‌آموزی بودیم. اتوبوس از یک جاده کوهستانی می‌گذشت. با شور و هیجان همه می‌گفتیم و می‌خندیدیم که ناگهان با یک صدای مهیب و تکان شدید، همه چیز تیره و تار شد. اتوبوس از جاده منحرف شده و به دره سقوط کرده بود. چند ثانیه‌ای در شوک بودم. وقتی چشم باز کردم، خودم را میان آهن‌پاره‌ها و شیشه‌های شکسته دیدم. صدای ناله و فریاد بچه‌ها همه‌جا را پر کرده بود. چند نفر از دوستانم که تا دقایقی پیش کنارم نشسته بودند و می‌خندیدند، بی‌حرکت روی صندلی‌ها افتاده بودند. برای اولین بار در زندگی، مرگ را به چشم می‌دیدم. ترسی عمیق، مثل یک توده یخ، تمام وجودم را فلج کرده بود. حس می‌کردم قلبم دیگر نمی‌زند و نفسم بالا نمی‌آید. آن لحظه، لحظه‌ی یخ‌بندان زندگی من بود. حالا از شما می‌خواهم چند لحظه فکر کنید. آیا تا به حال شده از چیزی، اینچنین عمیق و فلج‌کننده بترسید؟ ترسی که حس کنید دنیا به آخر رسیده است. می‌خواهم چند نفر از شما شجاعانه از بزرگ‌ترین ترس زندگی‌شان برای ما بگویند.^۱

۱. به چند دانش‌آموز فرصت دهید تا تجربیات خود را به اشتراک بگذارند.

آفرین به شجاعت شما. این ترس‌ها، واقعی و بخشی از زندگی ما هستند. امروز می‌خواهیم باهم سفری به قلب یکی از هیجان‌انگیزترین داستان‌های قرآن داشته باشیم و از خود خداوند یک فرمان قدرتمند و آرامش‌بخشی برای غلبه بر بزرگ‌ترین ترس‌هایمان دریافت کنیم. پس با قرائت آیات ۶۵ تا ۷۰ سوره طه دل‌هایمان را برای دریافت این پیام الهی آماده می‌کنیم. لطفاً یکی از دوستان با صدای زیبایش این آیات را برایمان تلاوت کند.

از تلاوت زیبای دوستان سپاسگزاریم. برای سلامتی خودشان و خانواده محترمشان صلواتی هدیه بفرمایید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

ترجمه آیات را باهم مرور کنیم:

گفتند: «ای موسی! یا تو اول عصایت را بینداز یا ما اولین کسی باشیم که می‌اندازیم.» (۶۵) موسی گفت: «شما اول بیندازید.» ناگهان طناب‌ها و عصاهایشان، بر اثر جادویشان، در نظر موسی طوری جلوه کرد که انگار دارند با سرعت حرکت می‌کنند! (۶۶) در آن هنگام، موسی در دلش نوعی ترس احساس کرد. (۶۷) ما گفتیم: نترس! قطعاً تو برتری. (۶۸) و آنچه در دست راست داری بینداز تا تمام ساخته‌های آن‌ها را ببلعد. آنچه ساخته‌اند فقط حيله یک جادوگر است و جادوگر هر کجا برود، موفق نخواهد شد. (۶۹) (پس از این واقعه) ساحران به سجده افتادند و گفتند: «ما به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم.» (۷۰)

آفتابه جادویی

می‌خواهم یکی از خاطرات طنز و زیبا، اما عبرت‌آموز رزمندگان دفاع مقدس را برایتان تعریف کنم؛ کمی دورتر از سنگ‌هایمان چند دستشویی قرار داشت، آفتابه به دست رفتم سمت دستشویی، متوجه شدم صدای چند عراقی از پشت دستشویی‌ها می‌آید. کمی دست‌وپایم را گم کردم، چون اسلحه را با خودم نیاورده بودم (آخر چه کسی برای دستشویی رفتن اسلحه با خودش می‌برد؟!)، اما بعد از چند ثانیه با خودم گفتم: من نباید بترسم چون خدا با ماست، در همان حال فکری به ذهنم رسید، آفتابه را برداشتم و کمر بندم را بیرون آوردم

و به دور دستم انداختم به شکلی که انگار من یک اسلحه در دست دارم، به سمت عراقی‌ها رفتم و با صدای بلند گفتم: ایست! دست‌ها بالا! با لوله آفتابه به پشت آن‌ها زدم، یک لحظه با خودم گفتم: اگر فهمیدند که اسلحه ندارم و آفتابه است چیکار کنم؟! که متوجه شدم آن‌ها خیال کرده‌اند اسلحه‌ای مخوف و جدید در دست دارم، به همین دلیل ترسیده بودند، اسلحه‌ها را روی زمین گذاشتند و دست را بالای سر بردند! با لوله تفنگم که خودم مخترع‌اش بودم، اشاره کردم که به سمت سنگر حرکت کنند و خودم پشت سرشان راه افتادم؛ وقتی رسیدم به سنگر بچه‌ها با این کار من از خنده روده‌بر شده بودند که من با یک آفتابه چند اسیر عراقی گرفته بودم.^۱

دوستان عزیز! این خاطره درحالی که طنز است اما درواقعیت اتفاق افتاده است؛ حالا بگویید به نظرتان اگر این رزمنده نتوانسته بود بر ترس خود غلبه کند، آیا می‌توانست این کار بزرگ را انجام دهد؟

آفرین! قطعاً خیر، چون ترس مقدمه شکست است، اما آنچه باعث موفقیت و پیروزی در این اتفاق شد غلبه بر این ترس و امید به خدای قادر بود؛ همان‌گونه که خود خداوند در قرآن فرموده است: ﴿قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ﴾.^۲ با عملی کردن این آیه در زندگی‌هایمان ما هم باید به خدا تکیه کنیم و از هیچ چیز غیر از خدا نترسیم تا یاری خداوند نصیب ما شود و در تمام مراحل زندگی پیروز باشیم.

قرآن‌آموزان عزیز! شده تابه حال از امتحان یا نتیجه‌اش بترسید؟ قاعدتاً جواب بله است؛ اما درست است که امتحان سختی‌های خودش را دارد اما نباید از امتحان بترسیم، بلکه باید با تلاش و پشتکار به نتیجه مطلوب برسیم. اگر در زندگی روزمره ما با سختی‌ها یا مشکلاتی روبه‌رو شدیم نباید از آن‌ها بترسیم و فرار کنیم یا صورت مسئله را پاک کنیم، بلکه باید با توکل و امید به خداوند به جنگ سختی‌ها و مشکلات زندگی برویم، که قطعاً هرکس با خداوند متعال باشد، پیروز خواهد شد.

۱. این خاطره توسط رزمنده دفاع مقدس «حسین حیدری دستجردی» نقل شده است که هم‌رزمش این اتفاق را رقم زده است. منبع: روزنامه جوان. همچنین این خاطره توسط برادر شهید (علیرضا توکلی) به نقل از این شهید در سایت «شاهد نوید مازندران» آمده است.



نقشه گنج پیروزی

حالا بیایید با ذره بین تحلیل و تدبیر، با توجه به ترجمه آیات که در ابتدای کلاس خواندیم، به قلب داستان شگفت انگیز حضرت موسی علیه السلام بازگردیم. او در وسط یک معرکه بزرگ ایستاده است؛ میدانی که فقط یک تقابل ساده بین عصا و طناب نیست، بلکه نبرد تمام قد بین حق و باطل است. تصور کنید چه فشار روانی سنگینی بر دوش اوست. هزاران چشم نگران و منتظر به او دوخته شده و آبروی یک وظیفه الهی در میان است. قرآن با زیبایی تمام، حال درونی حضرت موسی علیه السلام را توصیف می کند: «فَأَوْحَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى»^۱؛ یعنی «موسی در درون خود نوعی ترس احساس کرد».

دوستان عزیز! به نظر شما حضرت موسی علیه السلام از چه چیزی می ترسید؟ آیا این ترس، از جنس وحشت یک انسان عادی از مارها و خزنده ها بود؟^۲

تشکر از نظرات دوستان. درست است؛ ترس حضرت موسی علیه السلام فقط از چند طناب تبدیل به مار شده نبوده است. در بعضی از تفسیرها^۳ آمده است که این «خِيفَةً»، ترس از شکست شخصی یا آسیب دیدن نبود. این نگرانی مانند ترس یک فرمانده دلسوز برای سرنوشت لشکرش بود. حضرت موسی علیه السلام نگران نتیجه کار بود؛ او می ترسید مبادا مردم عادی که قدرت تشخیص معجزه از جادو را نداشته باشند و قبل از اینکه این تفاوت را تشخیص دهند، مردم فریب ظاهر کار جذاب ساحران بخورند یا قبل از اینکه معجزه حضرت موسی علیه السلام را ببینند صحنه را ترک کنند و حقیقت و معجزه او را متوجه نشوند و فرعون در این نبرد پیروز شود، اما درست در همان لحظه خدای بزرگ به قلب حضرت موسی علیه السلام نور امید را می تابد که نگران نتیجه نباشد، چون او به تقابل با دشمنان خداوند رفته است و خداوند با او همراه است و قطعاً برتری نصیب او خواهد شد، پس نباید لحظه ای تردید و ترس را به خودش راه بدهد؛ لذا قرآن در اینجا می فرماید: «فَلَمَّا

۱. طه، ۶۷.

۲. در اینجا از مربیان مشارکت بگیرید.

۳. سید محمد حسین طباطبائی، تفسیر المیزان. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۴، ذیل تفسیر آیه ۶۷ سوره طه.

لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى^۱ یعنی اینکه ای موسی ﷺ ترس، چون خدا با توست، پس قطعاً پیروز این نبرد خواهی بود.

می‌توان این آیه را در تمام تقابل‌های حق و باطل دید که همیشه جبهه حق نسبت به باطل پیروز است؛ مثلاً کشور عزیزمان ایران اسلامی طی چند دهه گذشته در برابر استکبار جهانی - از جمله آمریکا، رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای اروپایی - قرار داشته است. آن‌ها به دنبال غلبه بر کشور عزیزمان، ایران اسلامی هستند. در تقابل ما و برای زمین‌زدن ما از تحریم، فتنه، و حمله نظامی علیه کشور استفاده کرده است. اما چون امید داریم، چون توکل ما به خداوند متعال بوده است هیچ‌وقت از سختی‌های که دشمنان ایجاد کرده و می‌کند واهمه و ترسی نداشتیم؛ لذا بر تمام مشکلات غلبه کرده‌ایم. پیروز شده‌ایم؛ نمونه بارز آن سختی‌ها، جنگ ۱۲ روزه بوده که اسرائیل خبیث به خیال خودش می‌خواست، در یک روز کار نظام اسلامی را یکسره کند. نظامی را که به وعده‌های خدا ایمان دارد و به آن تکیه می‌کند. چون از تقابل با آن‌ها نترسیدیم، نتیجه شد پیروزی جبهه حق و غلبه بر دشمنان؛ الان می‌بینیم در تمام دنیا، ایران اسلامی بعد از جنگ ۱۲ روزه محبوبیت خاصی پیدا کرده است. قلب تمام آزادگان عالم به استقلال و قدرت کشور ما امید دارند که سحر ساحران زمان را با هاپرسونیک، سجیل، قدر، شاهد، فتاح و دیگر موشک‌ها، باطل کنیم.

رفقای قرآنی! حالا شما هم اگر باور دارید که دشمنان ما نمی‌توانند غلطی بکنند؛ مشتتان را گره بزنید و بلند بگویید:^۲

«مرگ بر آمریکا؛ مرگ بر اسرائیل!»

جالب است بدانید! در جریان انقلاب اسلامی، امام خمینی رحمته الله علیه در برابر قدرت ظاهری و هیمنه رژیم شاه و حامیان بین‌المللی‌اش، ذره‌ای نترسید. با باوری قلبی به این وعده الهی یعنی: ﴿قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى﴾^۳ به مردم می‌فرمود: «آمریکا

۱. طه، ۶۸.

۲. در صورتی‌که کلاس برای دیگران ایجاد مزاحمت نمی‌کند، این کار را انجام دهید، در غیر این صورت با صدای آهسته این شعارها داده بشود.

۳. طه، ۶۸.

هیچ غلطی نمی‌تواند بکند». این جمله از یک تحلیل سیاسی صرف نشئت نمی‌گرفت، بلکه از ایمانی عمیق به این حقیقت قرآنی برمی‌خاست که جبهه حق، در نهایت برتر است.

ترس از شکست، یعنی شکست

بیایید این ذهنیت را کالبدشکافی کنیم: کسی که از سختی‌ها یا مشکلات بترسد، حتی اگر توان غلبه بر آن سختی و مشکل را داشته باشد، این ترس مانع پیروزی و استقلال او خواهد شد؛ دوستان عزیز! آیا کسی می‌داند سرعت آهو بیشتر است یا سرعت شیر؟^۱ احسنت! سرعت آهو بیشتر است. خوب است بدانید! سرعت آهو ۹۰ کیلومتر در ساعت است، در حالی که سرعت شیر ۵۷ کیلومتر در ساعت است. خب رفقا! به نظر شما پس چرا آهو با اینکه سرعت بیشتری نسبت به شیر دارد ولی طعمه آن می‌شود؟

با وجود اینکه آهو سرعت بیشتری نسبت به شیر دارد اما وقتی شیر را به دنبال خود می‌بیند از ترس اینکه شکار می‌شود مدام برای سنجیدن فاصله شیر با خودش به عقب نگاه می‌کند و به همین خاطر سرعتش بسیار کم می‌شود! تا جایی که شیر می‌تواند به او برسد؛ یعنی اگر آهو ترس نداشته باشد و مدام به پشت سرش نگاه نکند طعمه شیر نمی‌شود!

بنابراین اگر آهو به پیروزی و سرعت خود ایمان داشته باشد؛ همان‌گونه که شیر به نیرویش ایمان دارد؛ هیچ‌گاه طعمه شیر نخواهد شد.^۲

این قصه، قصه خیلی از ما آدمهاست، اگر به خودمان ایمان نداشته باشیم و در طول زندگی همیشه به پشت سر نگاه کنیم و به مرور خاطرات گذشته بپردازیم یا اینکه در پیروزی و موفقیت تردید داشته باشیم، از پیروزی فاصله خواهیم گرفت اما اگر ترس را قورت بدهیم و به خدای توانا تکیه کنیم قطعاً پیروزی در چنگ ما خواهد بود؛ همان‌گونه که خداوند برای اینکه حضرت موسی علیه السلام که برتر بود، بازنده از امتحان و میدان بیرون نیاید، به او قوت قلب داد و فرمود: «فُلْنَا لَا تَخَفْ»

۱. در اینجا از متریان مشارکت بگیرید.

۲. سایت همشهری آنلاین.



إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى^۱ یعنی به پشتِ سرت نگاه نکن که «پیروز می شوی یا شکست می خوری؟» چون پیروزی حق بر باطل یک سنت الهی است. در سنت های الهی هرگز تخلفی نیست، پس قلباً ایمان داشته باش که تو از این امتحان و میدان پیروز و برتر بیرون می آیی.

رفقای عزیز، امروز دشمنان با ابزارهای دیگری مثل فضای مجازی، جنگ روانی و یأس پراکنی می خواهند ما را شکست بدهند. در این شرایط، اگر مدام به عقب نگاه کنی، مثل آهوپی می شوی که در حال دویدن است اما می مدام به پشت سرش نگاه می کند.

«نگاه به عقب» یعنی چی؟ یعنی باور کردن شایعاتی که می گویند: شما نمی توانید! شما قدرتی ندارید! علمتان پیشرفت نمی کند! غرق شدن در مشکلات قدیمی و ندیدن پیشرفت ها، همان نگاه به عقب است. حواست به جلو باشد! باید مثل آن شیر باشی، یعنی نگاهت رو به جلو و هدفت باشد. باور داشته باشی به اینکه ما استعداد، تاریخ و پشتوانه علمی و فرهنگی قدرتمندی داریم. تمرکز کن روی درس خواندن، مهارت آموزی و ساختن آینده ای درخشان برای کشور عزیزمان.

رفقا، همه این ها یعنی باور به وعده الهی که فرمود: ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾^۲ (ما قطعاً پیامبرانمان و کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا یاری می کنیم). این وعده، یک سنت الهی است که در گذشته محقق شده و در آینده نیز ادامه دارد.

دوستان قهرمان! شما نباید در میدان کسب علم و معنویت، ورزش و زندگی، لحظه ای در به دست آوردن موفقیت و پیروزی خود تردید کنید؛ چراکه اگر این ترس و تردید به سراغ شما آمد مقدمه شکست خود را فراهم کرده اید، اما اگر یقین داشته باشید بر اساس این آیه قرآن ﴿قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى﴾ پیروزی قطعی با شما خواهد بود و بدانید ما با پیروزی های پی در پی جبهه حق در سال های اخیر و ادامه دار شدن آن ها و تلاش ما به عنوان شیعیان و عاشقان

۱. طه، ۶۸.

۲. غافر، ۵۱.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ان شاء الله با ایمان به وعده الهی زمینه ساز ظهور حضرت خواهیم شد و امیدواریم با لطف خداوند قادر، ما جزو کسانی باشیم که با چشمان خود ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را ببینیم، چراکه ظهور یکی از پیروزی های قطعی جبهه حق است.

فرار از ترس

موافقید مسابقه ای برگزار کنیم؟ حالا هرکس می خواهد در مسابقه شرکت کند دستش را بالا بگیرد.^۱

مسابقه ما یک بازی هیجان انگیز است؛ بازی «بی نقطه نویسی»! دوستی که پای تخته ایستاده، باید جملاتی که می گویم را بنویسد. قانون اصلی این است: نباید نقطه ای بگذارد! به محض اینکه اولین نقطه را بگذارد، او بازنده است.^۲ آماده ای! بچه ها همه با هم بشمارید تا مسابقه را شروع کنیم: یک، دو، سه. جملاتی که باید بنویسید این است: «نترس، قطعاً پیروز میدان فقط توهستی. از غیر خدا نترس، تا پیروز میدان باشی. بنده، کسی است که فقط از خدا بترسد.»

ختم کلام

رفقای عزیز!

خداوند در آیه «قُلْنَا لَا تَخَفُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى» به ما یک پیام کلیدی می دهد: هرگاه برای حق و حقیقت می ایستی، نترس! چون تو برتری و پیروزی از آن توست. این قانون الهی را در سراسر تاریخ می بینیم؛ در ماجرای حضرت موسی علیه السلام و ساحران فرعون؛ در انقلاب اسلامی ایران و ایستادگی در برابر قدرت های جهانی و در جنگ ۱۲ روزه و شکست رژیم صهیونیستی.

۱. از بین متربیان یک نفر را انتخاب کنید تا پای تخته بیاید و اگر موفق نشد یک نفر دیگر انتخاب کنید تا اینکه یک نفر بتواند مسابقه را برنده شود؛ مربی می تواند برای جذابیت بیشتر با توجه به شرایط کلاس ۲ یا ۳ نفر را همزمان پای تخته بیاورد.
۲. باید جمله را با سرعت و هیجان بیان کنید و از مرتبی نیز بخواهید تند و بدون مکث جمله را بنویسد تا به اشتباه بیفتد و نقطه بگذارد.

داستان آهو و شیر به ما آموخت که حتی اگر از نظر توانایی (مانند سرعت) برتر باشیم، اما اگر ترس از دشمن را به دل راه دهیم و مدام به قدرت او نگاه کنیم، شکست می‌خوریم. اگر آهو به سرعت خودش ایمان داشت، هرگز طعمه شیر نمی‌شد.

پس ما هم باید مانند امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ و شهیدانمان، به وعده خداوند ایمان داشته باشیم. باور داشته باشیم آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. رفقای قرآنی! به جای نگاه کردن به قدرت پوشالی و دروغین دشمنان، به توانایی‌های خودمان، به پشتیبانی خداوند توکل کنیم. باید بدانیم که در هر تقابلی، اگر در جبهه حق باشیم، قطعاً برتر و پیروز هستیم.

مأموریت حساس

مأموریت عملی: یکی از کارهایی که برایتان استرس زاست و از تقابل با آن می‌ترسید را انتخاب کنید؛ مثل امتحان از یک درس سخت، یا یک مسابقه ورزشی. حالا مفهوم آیه بالا را در نظر بگیرید و با توکل به خدا و تلاش به تقابل آن بروید. بعد از پایان آن کار بنویسید که این تغییر نگاه چقدر روی آرامش و عملکردتان تأثیر گذاشت.

مأموریت پژوهشی: درباره زندگی یکی از شهدای علمی که تهدید به ترور می‌شدند یا دیگر شهدا مثل حاج قاسم سلیمانی رحمۃ اللہ علیہ تحقیق کنید و یک پاراگراف بنویسید که چگونه آن‌ها در سخت‌ترین شرایط، بدون ترس از دشمنان در میدان نبرد بر آن‌ها غلبه کردند. برای این کار به کتاب «از چیزی نمی‌ترسیدم»، زندگینامه خودنوشت سردار سلیمانی عزیز هم می‌توانید مراجعه کنید.

میثاق با فرمانده کل

بیاید در پایان، دستانمان را بالا ببریم و با خدای خود حرف بزنیم:

خداوندا، به ما قلبی عطا کن که آن قدر به قدرت تو ایمان داشته باشیم که از هیچ هیاهوی باطلی نترسیم؛ الهی آمین!

خداوندا، ما را از آفت غرور در پیروزی و ستم ناامیدی در شکست، حفظ بفرما؛ الهی آمین!

خدایا، به ما توفیق بده تا زمینه‌سازان ظهورِ آن فرمانده برتر باشیم که با آمدنش، ترس و اندوه از دل‌ها برود؛ الهی آمین!

برای شادی روح تمام شهدایی که هیچ‌گاه از دشمنان جبهه حق نترسیدند، صلواتی بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی



یادگست صوتی



تبیین آیه

جلسه دهم

زیبایی سختی

(در دل سختی‌ها به دنبال آسانی باش)

﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ

مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾

سوره شرح، آیات ۵ و ۶

پس بی‌تردید همراه سختی، آسانی است.

[آری] بی‌تردید همراه سختی، آسانی است.



سُورَةُ الشُّرَحِ

الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ ۖ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ۚ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۝
إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۖ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ۖ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ۝

سُورَةُ التِّينِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالَّتِيْنَ وَالزَّيْنُوْنَ ۝ وَطُوْرٍ سَيْنِيْنَ ۝ وَهَٰذَا الْبَلَدِ الْاَمِيْنِ ۝
لَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ فِيْ اَحْسَنِ تَقْوِيْمٍ ۝ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ اَسْفَلَ سَافِلِيْنَ ۝
اِلَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصَّالِحٰتِ فَهُمْ اَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُوْنٍ ۝
فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالْدِّيْنِ ۝ اَلَيْسَ اللّٰهُ بِاَحْكَمِ الْحٰكِمِيْنَ ۝

سُورَةُ الْعَنَّاَبِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ۝ خَلَقَ الْاِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ۝ اَقْرَأْ
وَرَبُّكَ الْاَكْرَمُ ۝ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ۝ عَلَّمَ الْاِنْسَانَ
مَا لَمْ يَعْلَمْ ۝ كَلَّا اِنَّ الْاِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَظٰغِي ۝ اَنْ رَّاهُ اسْتَغْنٰی ۝
اِنَّ اِلٰی رَبِّكَ الرَّجْعٰی ۝ اَرٰیْتَ الَّذِي يَنْهٰی ۝ عَبْدًا
اِذَا صَلَّى ۝ اَرٰیْتَ اِنْ كَانَ عَلٰی الْهُدٰی ۝ اَوْ اَمَرَ بِالتَّقْوٰی ۝



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

نور امید

به نام پروردگاری که در ساعات تاریک زندگی مان، به ما نوری از امید و انرژی می دهد؛ به نام خدایی که در هر چالشی که با آن روبه رو می شویم، نوری از امید و اراده در دل ما روشن می کند.

بهترین واژه در شروع کلام نام حق باشدت به ذکر سلام
آن سلامی که اسم پاک خداست پرانرژی؛ دری به فضل و عطاست
رفقای عزیز حالتان خوب است؟ الهی که دلتان سرشار از نور الهی و قرآنی باشد.
امیدوارم روزتان را پرانرژی شروع کرده باشید. حالا رفقا بیایید انرژی خودمان را با یک «یا علی» چند برابر کنیم. آماده هستید؟ بلند بگویید: «یا علی»!
به رسم برنامه شیرین، معنوی و روزانه برویم سر سفره هدیه الهی بنشینیم و برنامه و کلاس امروزمان را هم با قرآن شروع کنیم. به لطف خدای متعال، امروز یکی از عزیزان آیات سوره شرح (انشراح) را برایمان قرائت بفرماید.^۱
ممنون و سپاسگزاریم از دوست عزیزمان با قرائت زیبایی که داشتند. الهی که سراسر زندگی تان قرآنی باشد. سلامتی این عزیز قرآنی و خانواده محترمشان صلواتی بلند بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

۱. مربیان گرامی توجه داشته باشند که ایده آل این است که متربیان، آیات روزانه را تلاوت کنند اما اگر نشد، بهتر است خود مربی قرائت کند و به هر دلیلی اگر مربی نیز نتوانست، می تواند از کلیپ ها و صوت مشاهیر این عرصه استفاده کرد.

آماده شو!

ای که با نامت جهان آغاز شد دفتر ما هم، به نامت باز شد
دوستان عزیز! بگویید داخل دست من چه چیزی است؟^۱ خوب دقت کنید.
هرکس درست حدس بزند یک هدیه خیلی توپ به او می‌دهم!
همان گونه که برخی دوستان خیال می‌کنند که هیچ چیزی در دست من
نیست، ولی الان یکی از دوستان بیاید تا آنچه که در دست من است را ببیند
و به یقین برسد که دست من خالی نیست. حالا خوب دقت کنید و دوباره
حدس بزنید!^۲
رفقا! اگر دقت می‌کردید، بعد از پاسخ‌ها، خودم جواب را می‌گفتم.^۳ من
می‌گفتم: «نخه!»

ما در طول زندگی همیشه به دنبال آسانی هستیم اما هیچ وقت آسانی در دل
سختی را نمی‌بینیم. رفقا، ما باید به این باور برسیم که داخل سختی‌ها، فرصت‌ها
و آسانی‌هایی وجود دارد، دقیقاً مثل همین اتفاقی که الان سر کلاس افتاد؛ شما
کلی فکر کردید و به ذهنتان فشار آوردید. در صورتی که اصلاً به آسانی‌ای که در دل
جواب‌ها بود توجه نکردید.

آسانی در دل سختی

به نظر شما کسی که «پا» ندارد آیا می‌تواند به کوهنوردی برود؟
شخصی را می‌خواهم به شما معرفی کنم که پا نداشت اما با وجود
نداشتن پا کوهنوردی می‌کرد! برای او این کار سخت و پرزحمت بود، اما وقتی از
او می‌پرسیدند: «با این شرایط چرا کوهنوردی می‌کنی؟ سخت نیست؟» لبخند
می‌زد و می‌گفت: «درست است که نداشتن پا کار را دشوار می‌کند اما چون

۱. مربیان گرمای لطفاً قبل از کلاس یک نخ را با خود سر کلاس ببرید و آن را داخل جیب یا کیف بگذارید که مربیان نبینند و بعد از ارتباط اولیه آن را داخل دست بگذارید و از مربیان بپرسید. مربیان هر کدام جوابی را خواهند داد که شما به تک تک جواب‌ها پاسخ خواهید داد: نخه، نخه، نخه... به شکلی که مربیان برداشت کنند که شما می‌گویید: نخیر، نخیر.
۲. در اینجا مربیان گرمای از کلاس مشارکت می‌گیرید تا مربیان شیء در دست شما را حدس بزنند.
۳. مربیان گرمای نخ را به مربیان نشان می‌دهید.

صورت‌م به زمین نزدیک‌تر است زیبایی‌های روی زمین مثل سنگ‌ها، مورچه‌ها و حشرات را بهتر می‌بینم. به همین دلیل از کوه‌نوردی لذت می‌برم و برایم آسان می‌شود.» این فرد «یونس فیضی» جانباز عزیز پیرانشهری است. سلامتی ایشان و تمامی جانبازان صلواتی بفرستید.^۱

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

رفقا! شما وقتی برای مسابقات ورزشی مثل کشتی، والیبال، فوتبال و... تمرین می‌کنید، آیا کارهای راحتی است؟ آفرین! هرکدام از این‌ها سختی‌هایی دارد اما از آن سختی‌ها ما به آسانی می‌رسیم. وقتی یک وزنه‌بردار با تمرین‌های سخت وزنه را بلند می‌کند زیر همین وزنه‌ها و تمرین‌ها بدنش ساخته می‌شود و نتیجه آن را در مسابقات می‌بیند و آنجا به پشتوانه آن سختی‌هایی که در تمرین کشیده به آسانی می‌رسد و مزد تلاش خودش را می‌گیرد.

درواقع تا زمانی به ورزشکاران، ورزشکار می‌گویند که این سختی‌ها را تحمل می‌کنند؛ چون در دل سختی‌ها زیبایی را پیدا کردند و این سختی‌ها را تبدیل به فرصت کردند. به قول حاج قاسم سلیمانی عزیز: «میزان فرصتی که در بحران‌ها وجود دارد در خود فرصت‌ها نیست»؛ یعنی اینکه از دل سختی‌ها ما باید به آسانی برسیم. لذا قرآن می‌فرماید: «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»^۲ یعنی به همراه هر سختی، آسانی است؛ نفرمود که بعد از سختی آسانی است، بلکه قرآن می‌فرماید به همراه سختی آسانی است. پس ما در سختی‌ها باید استقامت کنیم و آسانی‌ها را فانوس راه مقاومت با سختی‌ها بدانیم.

رفقای عزیز، مشکلات اقتصادی و تحریم‌ها سخت است. کشور و مردم ما، به دلیل این تحریم‌ها با چالش‌هایی روبه‌رو شده‌اند، اما باید بدانیم که از دل همین سختی‌ها، خودکفایی و پیشرفت سربر می‌آورد.

دشمنان گمان می‌کردند که با تحریم کشور عزیزمان ایران و جلوگیری از ورود برخی کالاها، زمین‌گیر و متوقف می‌شویم و هیچ پیشرفتی نخواهیم کرد.

۱. می‌توانید نحوه‌ای از دست‌دادن پاها و مستندها را در لینک زیر ببینید.

<https://share.google/4Dbmonfo8wv3HWCb5>

۲. شرح، آیه ۶.

اما آن‌ها از این واقعیت غافل بودند که جوانان غیور ایرانی، تهدیدها را به فرصت‌هایی بی‌نظیر تبدیل می‌کنند. درواقع شعار «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» را به خوبی به گوش گرفته‌اند و به آن اعتقاد قلبی دارند.

سؤال^۱: رفقا، آیا کسی می‌داند قطر یک موی سر چقدر است؟^۲

خب، برای اینکه جواب را دقیق پیدا کنیم بیایید با یک متر اندازه بگیریم. قطر مو حدود ۰/۱ میلی‌متر است. حالا آیا امکان دارد این مو را ۱۰۰,۰۰ هزاربار نازک‌تر کنیم؟ بله امکان دارد که بعدش به دنیای نانو می‌رسیم!

رفقای عزیز! تحریم‌ها باعث شد ایران از رتبه ۵۱ به رتبه ۶ نانو فناوری برسد.^۳ این یعنی اینکه ما از دل سختی‌ها به آسانی و پیروزی رسیدیم.

شاید برایتان سؤال شود که اصلاً نانو چیست؟^۴ نانو یعنی قدرت کوچک بودن. حالا من از شما سؤال می‌پرسم که اگر یک تکه طلا را ریزیز کنیم، رنگش عوض می‌شود؟ نه. اما اگر آن قدر ریز کنیم که به ابعاد نانو برسد، ممکن است رنگش قرمز یا حتی سبز شود! این یعنی در دنیای نانو، قوانین فیزیک متفاوت است. حالا به چه دردی می‌خورد؟!

رفقای عزیز! جوانان و دانشمندان غیور ایرانی، برای پشت‌سر گذاشتن تحریم‌ها و عبور از سختی‌ها با صبر و استقامت و توکل بر خداوند متعال از این آیه قرآن: «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»^۵ الگو گرفته‌اند و در علم فناوری نانو توانسته‌اند در زمینه‌های مختلف نقش‌آفرینی کنند. توانسته‌اند به موفقیت‌های چشمگیری دست پیدا کنند که می‌توان به مهم‌ترین آن یعنی پزشکی اشاره کرد.

رفقا! می‌دانید قبل از انقلاب برای درمان بیماران، حتی پزشک‌ها را هم از هند و بنگلادش می‌آوردند؟! آن‌ها حتی زبان ایرانیان را نمی‌فهمیدند. کیفیت پایین

۱. این سؤال برای ایجاد هیجان و توضیح فناوری نانو است. بهتر است یک موی سر را بالا بگیرید و بعد سؤال بپرسید و برای اندازه‌گیری مو بهتر است یک عدد متر با خود داشته باشید.

۲. در اینجا مشارکت می‌گیرید و بعد از اتمام مشارکت شروع می‌کنید به توضیح قطر مو.

۳. دبیر ستاد فناوری نانو، ۱۴۰۴، اردیبهشت ۱۴۰۴، خبرگزاری تسنیم.

۴. پیشنهاد می‌شود تعدادی تصویر مرتبط با نانو یا نمونه‌های نانومتری به داخل کلاس آورده شود تا متربیان درک بهتری کسب نمایند.

۵. شرح، ۶.

سطح درمان و نبود امکانات و عقب ماندگی علمی باعث می شد مرگ و میر زیاد شود؛ اما بعد از انقلاب توانستیم از دل همین سختی های زیاد به آسانی برسیم و پیشرفت های چشمگیری داشته باشیم؛ به حدی که در این زمینه در دنیا حرف ها برای گفتن داریم. الان از کشورهای همسایه برای درمان به کشور ما می آیند؛ دلیل آن هم دست یافتن ایران عزیز به فناوری ها و تجهیزات نانوپزشکی است که می توان به این موارد اشاره کرد:

الف) پانسمان های هوشمند نانویی^۱ (شگفت انگیزترین دستاورد)^۲

ب) کیت های تشخیص سریع بیماری

ج) دارورسانی هدفمند (انقلابی در شیمی درمانی)

رفقا کسی می داند منظور از داروسازی هدفمند چیست؟^۳

احسنت به شما عزیزان! مشخص است که پیگیر علم و دانش هستید و پیشرفت های علمی ایران عزیز برایتان مهم است.

این فناوری، آینده پزشکی است و ایران در حال تحقیق و توسعه آن است. همچنین می توان در این زمینه به نانوحامل ها، مانند نانو ذرات لیپیدی یا پلیمری اشاره کرد. این حامل ها مانند یک نقشه خوان هوشمند، دارو را مستقیماً به سلول های بیمار (مثلاً سلول سرطانی) می رسانند.

در اینجا باید مزیت های نانوحامل ها را بیان کنیم تا تلاش دانشمندان ایرانی را بهتر درک کنیم؛ از جمله:

۱. می توانید این توضیحات را هم داخل کلاس برای اطلاعات بیشتر بیان کنید: این پانسمان ها حاوی نانو ذرات نقره هستند. نقره در ابعاد نانو خاصیت ضد عفونی کنندگی بسیار قوی پیدا می کند. جالب است؛ مزیت های این پانسمان را هم بدانیم: ضد عفونت؛ مانند یک آنتی بیوتیک موضعی قدرتمند از عفونت زخم جلوگیری می کنند؛ تسریع بهبودی؛ ساختار نانویی آن ها به ترمیم سریع تر بافت های آسیب دیده کمک می کند و چسبندگی هوشمند؛ به زخم نمی چسبند و هنگام تعویض، پوست جدید را جدا نمی کنند و درد ندارند.

۲. می توانید به سایت ستاد توسعه فناوری نانو (nano.ir) مراجعه کرده و در بخش «بازار محصولات» یا «شرکت های دانش بنیان»، لیست کامل این محصولات را ببینید. بسیاری از این پانسمان ها و کیت ها دارای کد مجوز از سازمان غذا و داروی ایران هستند که نشان دهنده تأیید سلامت و efficacy (کارایی) آن ها است.

۳. از نوجوانان بخواهید برداشت ها و دانسته هایشان را درباره این موضوع بیان کنند.

کاهش عوارض جانبی: چون دارو فقط به سلول‌های هدف حمله می‌کند، آسیب کمتری به سلول‌های سالم می‌رسد (مثلاً ریزش مو یا تهوع در شیمی‌درمانی کاهش می‌یابد).

افزایش اثرگذاری: دوز بیشتری از دارو به نقطه مورد نظر می‌رسد. این محصولات، نمونه‌ای عینی از تبدیل علم به ثروت هستند. درواقع، این نتیجه اعتماد به جوانان غیور ایرانی است که از دل سختی‌ها و تهدیدها به آسانی و فرصت‌ها رسیدیم؛ این همان مصداق آیه شریفه «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» است. جالب است بدانید: خودمان هم الان از فناوری نانو در زندگی روزمره استفاده می‌کنیم. چه کسی می‌تواند مثال بزند؟^۱ احسنت به شما!

جوراب‌های با الیاف نانویی که می‌پوشیم، باکتری‌های ایجادکننده بوی پا را از بین می‌برد یا تولید پارچه‌های نانویی ضدلک، ضدبو، ضدآب و ضد UV برای پوشاک و مبلمان.

لازم است بدانید: در راستای پیشرفت پزشکی، ایران در تولید داروهای بیوتک، واکسن‌ها (مانند واکسن کووید-۱۹ «پاستور کووید» و «کووید برکت»)، داروهای پیچیده مانند پپتیدها و آنزیم‌ها به خودکفایی نسبی رسیده است. رفقا، این بخشی از پیشرفت در عرصه نانو بود که امروز بیش از ۸۰۰ محصول نانویی در ایران تولید می‌شود و حتی به کشورهای دیگر هم صادر می‌شود.

سجیل یعنی استفاده از سختی‌ها

غیورمردان ایرانی! به نظر شما در چه زمینه‌های دیگری پیشرفت داشته‌ایم؟!^۲ احسنت رفقای عزیز! صحیح است.

خوب است بدانیم که تهدیدهای زیاد دیگری داشته‌ایم که با صبر و استقامت تبدیل به فرصت شدند. می‌توان از مهم‌ترین و ضروری‌ترین پیشرفت‌ها به توسعه‌های نظامی و دفاعی اشاره کرد؛ حالا بیایید کمی در این موضوع بیشتر گفت‌وگو کنیم.

۱. مشارکت‌گیری انجام شود.

۲. اینجا مشارکت بگیرید و بگذارید بچه‌ها اطلاعات خود در عرصه پیشرفت‌ها را بیان کنند.

قبل از اینکه وارد بحث بشویم، از شما می‌خواهم این جدول را حل کنید.

س	ش	ا	ک	ئ	ه
ر	ج	ک	ن	ه	ی
ز	ا	ی	ی	ی	ا
ل	ا	و	ل	ا	ا
س	ر	ن	ر	م	ی
س	ر	ا	و	د	و
ر	ت	ا	ب	د	*

برای به دست آوردن رمز، این مراحل را انجام دهید:

۱. حرف اول جدول (حرف «س») را در گوشهٔ دفتر بنویسید و برای این که متوجه بشیم چه حروفی تا الان به دست آمده روی آن داخل جدول خط بزنید.

۲. از راست به چپ، هفت تا هفت تا بشمارید و حرف هفتم را کنار حرف قبلی قرار دهید و روی آن داخل جدول خط بکشید.

۳. این شمارش را ادامه دهید تا به انتهای جدول برسید.

۴. هنگام رسیدن به انتهای جدول، شمارش را از ابتدای جدول دنبال کنید.

– مثال: اگر در شمارش، حرف «ب» چهارمین حرف باشد (که در جدول، یکی مانده به آخر است)، هفتمین حرف شما «ش» خواهد بود که در ابتدای جدول قرار دارد.

۵. توجه داشته باشید: حروف خطخورده (مانند حرف «س») که در ابتدا خط زده شده) در شمارش محاسبه میشوند. در ضمن یادتان باشد که خانه آخر یعنی ستاره(*) شمرده نمی‌شود.

این روش را تا پایان جدول ادامه دهید و حروف به دست آمده را کنار هم قرار دهید تا رمز نهایی به دست آید.

حالا زود، تند و سریع بفرمایید که رمز ما چیست؟

آفرین! رمز جدول: «سجیل، موشکی ایرانی است که اسرائیل را به زانو درآورد.»

این جمله، تیترو روزنامه‌ها و سایت‌های خبری در وسط جنگ دوازده روزه بود.

اگر ما بعد از چهار دهه می‌توانیم اسرائیل را به زانو در بیاوریم، علتش روشن است: چون افرادی مثل شهید تهرانی‌مقدم، با دستانی خالی اما با ایمان قوی، اراده محکم و پشتکار زیاد، از دل سختی‌های دفاع مقدس هشت‌ساله گذشتند. آن‌ها با صبر و استقامت، راهی را ساختند که امروز ما در ادامه‌اش ایستاده‌ایم. جالب است بدانید: شهید حسن تهرانی‌مقدم رحمته‌الله می‌گوید: «روی قبرم بنویسید: اینجا مدفن کسی است که می‌خواست اسرائیل را نابود کند» این آرزو با نگاه به آیه: ﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ بعد از سال‌ها تحقق پیدا کرد. رفقا! حالا بیایید کمی دقیق‌تر توان نظامی و موشکی کشور عزیزمان را بررسی کنیم:

– توسعه موشکی: ایران یکی از قوی‌ترین زرادخانه‌های^۱ موشکی در دنیا را دارد که شامل موشک‌های بالستیک با بردهای مختلف، کروز و ضدکشتی می‌شود. این توان به شکلی دشمنان ما را ترسانده است که بارها به آن اعتراف کرده‌اند. برای اثبات این حرف باید به صحبت سردار شهید امیرعلی حاجی‌زاده رحمته‌الله استناد کنیم که فرمود: «اگر ما هر هفته از یک شهر موشکی ایران رونمایی کنیم، بیش از دوسال طول خواهد کشید!»

– هواپیماهای بدون سرنشین (پهپاد): ایران در طراحی و تولید پهپادهای رزمی، شناسایی و انتحاری (مانند شاهد ۱۲۹، ابابیل، آرش و...) به موفقیت‌های بزرگی دست یافته و حتی این فناوری را به کشورهای دیگر صادر کرده است و کشور ما در حال حاضر از پیشرفته‌ترین کشورهای دنیا در این عرصه می‌باشد.

– تجهیزات نظامی داخلی: ساخت ناوشکن، زیردریایی، تانک، نفربر و سیستم‌های پدافند هوایی مانند «باور-۳۷۳» از دیگر دستاوردهاست. خلاصه کلام: تحریم‌ها باعث نشد ما تسلیم شویم، بلکه باعث شد به فکر ساختن چیزهای جدید باشیم، درواقع در دل سختی‌ها آسانی را پیدا کردیم. وقتی به دلیل تحریم نتوانستیم موشک به سمت دشمن شلیک کنیم، جوانان ایرانی خودشان آن را ساختند! این یعنی: ﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾.

دوستان عزیز! ما نیز باید در مقابل سختی‌ها و مشکلات صبر و استقامت داشته باشیم و از دل آن‌ها به دنبال یافتن آسانی باشیم. خوب درس‌مان را بخوانیم تا به موفقیت‌ها و پیروزی برسیم؛ لذا مقام معظم رهبری علیه السلام در این باره فرمودند: «اگر سختی‌ها را تحمل کردید، خدای متعال درهای قَرَج را خواهد گشود. اگر مجاهدت در راه خدا را بر جسم و نفس خودتان هموار کردید، خدای متعال روشنایی قَرَج را به شما نشان خواهد داد و درهای قَرَج را به روی شما باز خواهد کرد.^۱

چالش سخت و آسان

رفقای عزیز! بیایید با هم یک مسابقه هیجان‌انگیز برگزار کنیم.^۲
برای اجرای مسابقه به شش نفر نیاز داریم. هرکس موافق است در مسابقه شرکت کند، دستش را بالا بگیرد.

اسم مسابقه ما «از کی پرسیم» است. در این بازی، هر دو نفر یک گروه تشکیل می‌دهند و روی صندلی می‌نشینند. من از هر گروهی یک سؤال می‌پرسم؛ اگر پاسخ اشتباه بدهید، بادکنکتان می‌ترکد!
چه پاسخ‌تان درست باشد و چه نادرست، باید بگویید: «از کدام گروه پرسیم.» تا نوبت گروه بعدی مشخص شود.

سوالات^۳

۱. مردی با تفنگ به سوی پرنده‌ای تیر انداخت و او را بر زمین انداخت. پرنده بلافاصله مرد. حالا از کجا بدانیم جوجه‌ای که پرنده در شکم خود داشته، حلال است یا حرام؟^۴

۱. بیانات رهبر انقلاب علیه السلام در دیدار با جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا، ۲۹ مرداد ۱۳۷۶.
۲. برای این مسابقه نیازمند ۶ عدد بادکنک با نی و ۶ عدد صندلی هستیم. زمانی که شش نفر از متربیان را انتخاب کردید، هر دو نفر یک تیم می‌شوند و شما ۳ گروه خواهید داشت که هر کدام باید برای خود اسمی را انتخاب کنند. به هر نفر یک عدد بادکنک می‌دهید و بعد شروع می‌کنید به سؤال پرسیدن؛ اگر اشتباه پاسخ بدهند بادکنکشان می‌ترکد. حالا چه درست جواب بدهند چه اشتباه باید بگویید از کدام گروه پرسیم. گروهی برنده خواهد شد که تعداد بادکنک‌های باقیمانده‌اش بیشتر باشد.

۳. این سوالات پیشنهادی است.

۴. پرنده تخم‌گذار است و نمی‌تواند بچه‌ای در شکم داشته باشد.

۲. اگر دکتری به شما سه قرص بدهد و بگوید هر نیم ساعت یک قرص بخور،

چقدر طول می کشد تا همه قرص ها خورده شود؟^۱

۳. اگر فقط یک کبریت داشته باشید و وارد اتاقی سرد و تاریک شوید که در

آن یک بخاری نفتی، یک چراغ نفتی و یک شمع وجود دارد، ابتدا کدام یک

را روشن می کنید؟^۲

۴. فرض کنید راننده یک اتوبوس برقی هستید. در ایستگاه اول ۶ نفر وارد

اتوبوس می شوند. در ایستگاه دوم ۳ نفر پیاده می شوند و ۵ نفر دیگر

سوار می شوند. راننده چند سال دارد؟^۳

۵. فکر کنید یک نفر که ناشنوا و لال است، می خواهد مسواک بخرد. او با اشاره

و ادای مسواک زدن، بالاخره توانسته منظورش را به فروشنده بفهماند و

مسواکش را بخرد. حالا، یک دوست نابینا وارد مغازه می شود و می خواهد

عینک آفتابی بخرد؛ او چگونه می تواند به فروشنده بفهماند چه می خواهد؟^۴

۶. یک هواپیما روی مرز بین آمریکا و کانادا سقوط کرده است. سؤال

اینجاست: بازماندگان این پرواز را کجا دفن می کنند؟^۵

برای سلامتی گروه برنده صلواتی بفرستید.

﴿اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ﴾

رفقای عزیز! درست است که سؤالات مقداری دشوار بود اما جواب آن ها

در دل خود سؤالات خوابیده بود. درواقع آسانی در دل سختی بود. دقیقاً

همان چیزی که قرآن به آن اشاره کرده است: ﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾.

تمام آنچه گذشت

رفقای عزیز، همه ما در مسیر زندگی و تلاش برای اهدافمان، با کوه های سختی

و دره های مشکلات روبه رو می شویم. اما نکته کلیدی این است که بدانیم این

۱. یک ساعت، اگر ساعت ۱۲ شروع کنیم بعد ساعت ۱۲:۳۰ یکی می خوریم و بعد ساعت ۱۳ یکی دیگر.

۲. اول کبریت را روشن می کنیم.

۳. راننده اتوبوس شما هستید.

۴. شخص نابینا که لال نیست، باید با زبان خواسته اش را بیان کند.

۵. بازماندگان زنده اند و زنده ها را دفن نمی کنند.

سختی‌ها، پایان راه نیستند؛ بلکه ایستگاه‌هایی برای عبور به سوی قله‌های پیروزی هستند.

همان‌طور که یونس فیضی با نگاه زیبای خود، نداشتن پا را به فرصتی برای دیدن زیبایی‌های نزدیک زمین تبدیل کرد، ما نیز باید یاد بگیریم که در دل هر تهدید و سختی، به دنبال فرصت پنهان بگردیم.

این تنها یک توصیه اخلاقی نیست؛ این یک قاعده الهی است که قرآن کریم به روشنی آن را بیان می‌کند: ﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾^۱ بی‌تردید با هر سختی، گشایش و آسانی است. این آیه به ما می‌فهماند که پیروزی و آسانی، همواره مانند سایه، همراه سختی است، به شرطی که ما استقامت کنیم و مسیر را رها نکنیم؛ همان‌گونه که سردار سلیمانی رحمة الله علیه فرمود: «میزان فرصتی که در بحران‌ها وجود دارد، در خود فرصت‌ها نیست.»

تحریم‌های دشمنان، یک تهدید بزرگ بود، اما جوانان غیور و مؤمن ایران، با توکل و ایستادگی، این تهدید را به بزرگ‌ترین فرصت برای خودکفایی و پیشرفت تبدیل کردند؛ یعنی ﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾. پیشرفت در نانو، هسته‌ای، نظامی و موشکی، نمونه‌های عینی این نصرت الهی هستند که در سایه صبر و مقاومت به دست آمده‌اند.

پس بیایید این درس بزرگ را همواره سرلوحه زندگی خود قرار دهیم؛ در میدان‌های دشوار زندگی، چه در مسیر تحصیل، چه در عرصه‌های ورزشی و چه در سنگر خدمت به میهن‌مان، نترسیم و نترسانیم. با توکل به خداوند متعال و استقامت ورزیدن، از دل هر سختی، قطعاً گشایشی بر ما روی خواهد آورد؛ و اطمینان داشته باشیم که تحمل هزینه‌های امروز برای حفظ استقلال و عزت، نویدبخش فردایی درخشان و پیروزی‌ای شیرین است.

این، وعده‌ای حتمی از جانب پروردگار به کسانی است که در مسیر حق استقامت می‌ورزند. ما با یکدیگر، با تکیه بر ایمان و تلاش مستمر، این افق روشن را فتح خواهیم کرد.

۱. شرح، ۶.

حالا نوبت شماست

جعبه خاطرات گشایش: یک جعبه یا دفترچه درست کن. هربار که از یک مشکل بزرگ عبور کردی، داستان آن را به صورت خلاصه بنویس. هروقت در یک سختی جدید گیر کردی، به سراغ آن برو و به خودت یادآوری کن که قبلاً هم از این مراحل عبور کرده‌ای و در دل هر سختی، آسانی بوده است.

تلاش در دل سختی: اگر سختی برایت به وجود آمد، دست از تلاش برندار و با امید و پشتکار به مسیر خود ادامه بده، تا آسانی در دل آن سختی را پیدا کنی. برای همیشه در ذهنمان بماند: رفقا، بیایید آغاز کتاب‌هایمان را با این آیه آراسته کنیم: «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»؛ تا اگر درسی بر ما دشوار شد، برای خودمان یادآور شویم که آسانی در خود آن سختی نهفته است و این باور، راهی برای جنگیدن با سختی باشد.

به امید فردای روشن

در انتهای کلاس هم بیایید دست به دعا شویم.

خداوندا، دروازه‌های پیشرفت و تعالی را به روی ملت ما بگشا؛ الهی آمین!
پروردگارا، فردای کشورمان را در تمامی عرصه‌ها پرنور و روشن بگردان؛
الهی آمین!

خدایا، به حق این ماه عزیز توفیق استقامت در سختی‌ها را به ما عنایت
بفرما؛ الهی آمین!

ای خالق هستی، توفیق خدمتگزاری خالصانه به کشور امام زمان عجل الله تعالی فرجه را
نصیب ما بفرما؛ الهی آمین!

تعجیل در فرج مولا و صاحبان امام زمان عجل الله تعالی فرجه بلند صلوات بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»



جلسه یازدهم

خط قرمز!

(اسراف، خودتحریمیِ بزرگ)

﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا

إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾

سوره اعراف، آیه ۳۱

بخورید و بنوشید، ولی اسراف نکنید،

که خدا اسراف‌کاران را دوست ندارد!



سُورَةُ الْأَنْعَامِ

يَبْنِيءَ آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا
وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿٢١﴾ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ
الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا
فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةٌ يَوْمَ الْقِيَمَةِ كَذَلِكَ نَفْصِلُ الْآيَاتِ
لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٢٢﴾ قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا
بَطْنٌ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يَنْزِلْ
بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢٣﴾ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ
أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ
﴿٢٤﴾ يَبْنِيءَ آدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي مَنِ
اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٥﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا
بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا
خَالِدُونَ ﴿٢٦﴾ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ
بِآيَاتِهِ أُولَئِكَ يَتْلَوْنَ عَلَيْهِمْ نَصِيبُ مِمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمْ حَتَّى إِذَا جَاءَهُمْ
رُسُلَانَا يَقُولَنَّ لَهُمْ قَالُوا إِنَّا مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ ﴿٢٧﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

سرمایه اصلی زندگی

به نام خدایی که تمام نعمت‌ها و سرمایه‌های زندگی را رایگان در اختیار ما قرار داده است.

سلام به باهوش‌ترین و پرانرژی‌ترین رفقای خودم! امیدوارم حال دلتان عالی و حساب زندگی‌تان همیشه پربرکت باشد.

رفقا، تابه‌حال برایتان پیش آمده است که وسط یک بازی حساس، بسته اینترنتی‌تان تمام شود؟ یا در حال یک چت مهم، شارژ باتری گوشی‌تان به صفر برسد؟ آن لحظه چه حسی دارید؟ حس کلافگی، حس ازدست‌دادن، حس اینکه ای کاش بهتر مدیریت می‌کردم! امروز می‌خواهیم دربارهٔ مدیریتی صحبت کنیم که از مدیریت بسته اینترنت و شارژ باتری خیلی حیاتی‌تر است. مدیریتی که اگر بَلَد نباشیم، کل حساب زندگی‌مان خالی می‌شود!

برای شروع، می‌خواهیم باهم چند آیه نورانی از کلام صاحب اصلی این سرمایه‌ها، یعنی خداوند را تلاوت کنیم. یکی از دوستان خوش‌صدا، آیات ۳۱ تا ۳۳ سوره اعراف را برایمان تلاوت کند:^۱

ممنون از تلاوت زیبای دوستان. برای سلامتی خودشان و خانواده‌شان یک صلوات هدیه کنیم.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

۱. مریبان گرامی توجه داشته باشند که ایده‌آل این است که متربیان، آیات روزانه را تلاوت کنند اما اگر نشد، بهتر است خود مربی قرائت کند و به‌هردلیلی اگر مربی نیز نتوانست، می‌تواند از کلیپ‌ها و صوت مشاهیر این عرصه استفاده کرد.

بزرگ‌ترین سارق

به نام مناسب‌ترین واژه‌ها به رسم محبت به نام خدا
دوستان! برای ساختن دنیایی زیباتر باید سعی کنیم از تمام داشته‌هایمان
به بهترین نحو استفاده کنیم و آن‌ها را مدیریت کنیم. رفقا، ما در زندگی، هرروز
در حال مدیریت منابع هستیم. می‌توانید حدس بزنید به چه صورت؟^۱ بله
حدس‌های شما درست است؛ مدیریت در مصرف آب، برق، پول توجیبی و....
همه ما دربارهٔ زیاده‌روی در مصرف آب و غذا شنیده‌ایم. در خانه از پدر و مادر،
در مدرسه از معلم و حتی در رسانه‌ها. اما آیا تا به حال فکر کرده‌ایم که این سطح
از هدر دادن داشته‌هایمان، چقدر در سطح جهانی ابعاد هولناکی دارند؟
رفقا، یک آمار تکان‌دهنده برایتان بگویم: سازمان ملل متحد اعلام کرده که
حدود یک سوم کل مواد غذایی تولیدشده در جهان (یعنی حدود ۱٫۳ میلیارد تن در
سال) از بین می‌رود یا دور ریخته می‌شود! می‌دانید این مقدار غذا برای سیر کردن
چند نفر کافی است؟ این غذا می‌تواند بیش از ۳ میلیارد نفر را سیر کند!^۲
وقتی این آمار را می‌شنویم، اولین چیزی که به ذهنمان می‌رسد، چه کلمه‌ای
است؟ بله درست فکر می‌کنید: اسراف. اسراف یعنی چه؟ یعنی هدر دادن،
زیاده‌روی کردن. ما معمولاً اسراف را فقط در آب، برق و غذا می‌بینیم. اما امروز
می‌خواهیم باهم کشف کنیم که یک نوع اسراف وجود دارد که از هدر دادن تمام
غذاهای جهان هم خطرناک‌تر است! یک نوع اسراف که اگر مرتکب شویم، دیگر
هیچ دکمه بازگشتی (Ctrl + Z) برای جبران‌ش وجود ندارد.

امروز می‌خواهیم با راهنمایی آیه محوری بحثمان، بزرگ‌ترین سارقی را که
بازرزش‌ترین سرمایه ما را می‌دزد، شناسایی کنیم و راه مقابله با آن را یاد بگیریم.

خط قرمز الهی: فراتر از مصرف!

رفقا، همه ما به دنبال لذت بردن از زندگی هستیم و این حق ماست. هیچ‌کس

۱. ابتدا مشارکت‌گیری و سپس ادامه بحث را بگوییم.

۲. سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد، دسترسی در:

FAO. (<https://www.fao.org/food-loss-and-waste/en>)

دوست ندارد کسی برایش قانون‌های سخت و دست‌وپاگیر بگذارد. خبر خوب این است که خالق ما، خود مشوق اصلی لذت و شادی است! او به ما می‌گوید: از همه نعمت‌هایی که در اختیارتان گذاشته‌ام، استفاده کنید و لذت ببرید. اما زندگی با تمام زیبایی‌هایش، یک جاده است و هر جاده‌ای هم یک خط حاشیه دارد. اگر از این خط عبور کنید، وارد منطقه خطر می‌شوید. اینجاست که فرمان آیه ۳۱ سوره اعراف به ما یک هشدار عالی و هوشمندانه می‌دهد تا مراقب باشیم که از مسیر اصلی زندگی خارج نشویم. این آیه، دقیقاً مرز بین استفاده هوشمندانه و استفاده غیرهوشمندانه یعنی از بین بردن سرمایه‌ها را مشخص می‌کند و می‌گوید:

﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا﴾.

بیا بید این دستور مهم خداوند را تحلیل کنیم. از یکی دوستان می‌خواهم که بیا بد و این آیه را با خطی زیبا، روی تخته بنویسد.

تشکر از دوست عزیزمان! حالا زیر جمله ﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا﴾ را خط بکش و زیرش بنویس: «بخورید و بیاشامید».

۱. ابتدا می‌فرماید: «بخورید و بیاشامید»: این یعنی اسلام دین سخت‌گیری بی‌مورد نیست. خدا به ما می‌گوید از نعمت‌های پاک و زینت‌هایی که برایتان آفریده‌ام، استفاده کنید و لذت ببرید. همه بر سر سفره نعمت‌های من دعوتید. دوست عزیز، حالا زیر جمله ﴿وَلَا تُسْرِفُوا﴾ را خط بکش و بنویس: «ولی اسراف نکنید».

۲. «ولی اسراف نکنید»: این یعنی برای این لذت بردن یک «مرز» و «خط قرمز»ی وجود دارد. اسراف یعنی عبور از این مرز. این مرز کجاست؟ هرجایی که استفاده ما به هدر دادن، بیهودگی یا ضررزدن به خودمان یا دیگران منجر شود. حالا همه باهم بلند بخوانید: ﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا﴾. بلندتر بگویید: ﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا﴾.

تشکر از شما دوستان عزیز، سلامتی خودتان و دوست عزیزمان که زحمت نوشتن را کشیدند صلواتی بفرستید.

﴿اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ﴾

خطای جمعی

یک آمار جهانی را دربارهٔ اسراف برایتان گفتم. حالا بیایید روی کشور خودمان تمرکز کنیم. تا حالا به این فکر کردید که هرروز، چقدر غذا از سفره‌های ما دور ریخته می‌شود؟ بیشتر ما می‌گوییم: «خب، نهایتاً چند دانه برنج است یا یک تکه نان کوچک! این که اسراف نیست!» اما بیایید باهم ببینیم این «چند دانه برنج» در مقیاس ایران چه بلایی سر منابع ما می‌آورد. حالا یکی از دوستان که ریاضی قوی‌ای دارد بیاید پای تخته و این اعدادی را که می‌گوییم را بنویسد و با کمک یکدیگر جواب سؤال را پیدا کنیم.

اگر مردم ایران روزانه فقط یک دانه برنج را دور بریزند، چه اتفاقی رخ خواهد داد؟^۱

رفقا، جمعیت ایران بالای ۹۰ میلیون نفر است. ما ۲۰ میلیون نفر را کنار می‌گذاریم (کودکان خیلی کوچک و سالمندان) چون مصرف برنج‌شان فرق دارد. پس، جمعیتی که در این محاسبه برای برنج در نظر می‌گیریم ۷۰ میلیون نفر است. فکر کنید اگر هر نفر از این ۷۰ میلیون نفر، فقط یک دانه برنج، موقع غذا خوردن دور بریزد، حاصل آن چند می‌شود؟ احسنت به شما دوست عزیز! مجموع اسراف روزانه می‌شود: ۷۰ میلیون دانه برنج!^۲

این دانه‌ها چقدر وزن دارند؟ کارشناسان برای اینکه متوجه شوند این ۷۰ میلیون دانه برنج چند کیلوگرم می‌شود، ۱۰ دانه برنج را با استفاده از ترازوهای دقیق تلافروشی وزن کرده‌اند که مشخص شده ۱۰ دانه برنج تقریباً معادل ۱ گرم است. بنابراین، هر ۱۰ هزار دانه برنج، معادل چند کیلو خواهد بود؟ آفرین به شما! معادل یک کیلوگرم خواهد بود. در نتیجه، اگر روزانه یک بار برنج مصرف کنیم و هر فرد روزی یک دانه برنج دور بریزد، روزانه ۷۰ میلیون دانه برنج

۱. این محاسبات بر اساس جمعیت هفتاد میلیون نفری انجام شده است، در حالی که اکنون جمعیت کشور بیش از نود میلیون نفر است. باقی افراد را به دلیل محدودیت سنی یا در دسترس نبودن برنج، در محاسبه وارد نکرده‌ایم.

۲. برای متربیان دختر: دختر خانم‌هایی که در کارهای آشپزی به مادرشان کمک می‌کنند، بهتر درک می‌کنند که در مراحل مختلف پخت برنج مثل آبکش کردن و جابجا کردن‌ها نیز ممکن است بیشتر برنج دور ریخته شود.

دور ریخته می شود که این میزان معادل ۷ هزار کیلوگرم (۷ تُن) برنج است؛ یعنی بر اساس این فرض، روزانه ۷ تُن برنج دور ریخته می شود که در یک ماه می شود چند تن؟ ۷ را در ۳۰ تن ضرب کنید چند می شود؟ احسنت ۲۱۰ تن؛ یعنی ماهانه ۲۱۰ تُن برنج اسراف می شود و حالا در یک سال چه قدر می شود؟ باید ۲۱۰ را ضرب در ۱۲ که تعداد ماه های سال است کنیم که جوابش را الان دوست عزیزمان به دست می آورند. احسنت! ۲۵۲۰ می شود. این یعنی اسراف برنج در ایران در یک سال به ۲۵۲۰ تُن برنج می رسد.

خواهش می کنم یکبار دیگر دقت و توجه کنید:

اگر ۷۰ میلیون ایرانی روزانه یک وعده برنج مصرف کنند و هرنفر در روز فقط یک دانه برنج دور بریزد، در طول یک سال، ۲۵۲۰ تُن برنج دور ریخته خواهد شد. حالا اگر یک دانه برنج بشود یک قاشق برنج در مراحل طبخ و دو قاشق برنج در انتهای صرف غذا، به نظر شما این عدد چه قدر خواهد شد؟

بنابراین اسراف، فقط یک گناه شخصی نیست، بلکه یک خطای جمعی و عمومی است. همه ما مسئولیم! وقتی ما یک دانه برنج دور می ریزیم، در حال کمک به تکمیل شدن آن ۲،۵۲۰ تُن اسراف سالانه هستیم. این یعنی داریم حق دیگر هم وطنان نیازمندان را نادیده می گیریم و ضایع می کنیم. اگر این طور نگاه کنیم، معنای آیه «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا» را بهتر درک می کنیم.

کسی هست که بتواند به جز برنجی که مثال زدیم مثال دیگری را بزند؟^۱ احسنت سلامتی دوستان صلواتی بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

رفقای عزیز! پیامبر اکرم ﷺ الگوی کامل ما در این زمینه بودند. ایشان برای وضو گرفتن از مقدار بسیار کمی آب (حدود یک مُد، یعنی معادل یک لیوان پر) استفاده می کردند و می فرمودند: «حتی اگر کنار رودخانه ای جاری و پر آب هم وضو می گیرید، بیشتر از این مقدار اسراف است.»^۲ این یعنی مدیریت مصرف، یک اصل است، حتی اگر منابع فراوان به نظر برسند. این روایت به ما نشان می دهد

۱. ابتدا مشارکت گیری و سپس ادامه بحث را بگوییم.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۹۱.

که مسئولیت‌پذیری ما صرفاً در برابر منابع و زمان کم بودن آن‌ها نیست. چه آب در لوله‌کشی خانه کم باشد و چه در کنار یک رودخانه عظیم ایستاده باشیم، ما مجاز به هدر دادن آن نیستیم.

حالا می‌خواهیم ببینیم که آیا می‌شود با یک لیوان آب وضو گرفت یا خیر. یک بار من این کار را انجام می‌دهم و یک بار هم یکی از رفقا برای این کار داوطلب شود.^۱

احسنت به شما! دیدید که با یک لیوان آب به راحتی می‌شود وضو گرفت؛ حتی باید دقت داشته باشید در هنگام شستن ظرف‌ها یا میوه و... هم اسراف نمی‌شود. چرا خدا و پیامبرش که بهترین الگوی ما هستند، این قدر روی این موضوع حساس‌اند؟ چون فرد اسراف‌کار ضربه بزرگی به خود و جامعه می‌زند. او با این کار نه تنها خود، بلکه دیگران را از دریافت نعمت‌های الهی محروم می‌کند.

دستور مسئول مالی

سپاه مراغه تازه شکل گرفته بود. وسط رفت و آمدها، نام یک نفر بیشتر از بقیه شنیده می‌شد: «مسعود کفیل افشار»؛ همان جوانی که مسئولیت کارهای مالی را هم برعهده داشت و همه به امانت‌داری‌اش اعتماد می‌کردند.

یک روز خبر رسید: «از امروز برای سپاه نان تازه نخرید!» همه تعجب کردند. یکی گفت: «چرا؟ یعنی مسئول مالی چنین دستوری داده؟» کنجکاوی‌ها زیاد شد تا اینکه معلوم شد مسعود از اتاقی بازدید کرده که خرده‌نان‌ها و نان‌های خشک را در آن می‌ریختند؛ نان‌هایی که کم‌کم داشتند دور ریخته می‌شدند.

مسعود، بچه‌ها را صدا زد و گفت: «این‌ها بیت‌المال است؛ مال مردم. تا وقتی این‌ها هست، نان تازه نمی‌خریم.» بعضی‌ها اولش اخم کردند، اما مسعود جلورفت، نشست کنار همان سبدهای نان خشک و لقمه‌ای برداشت. آرام گفت: «اگر من مسئول مالی بخورم، یعنی این نان‌ها قابل خوردن است. پس شما هم کمک کنید تا اسراف نشود.»

۱. مربی با یک لیوان آب وضو می‌گیرد و این سخن را اثبات می‌کند. (توجه داشته باشید حتماً یک عدد تشت یا کاسه با خود به همراه بیاورید تا آب داخل کلاس نریزد) اگر امکان داشت دسته جمعی به داخل حیاط بروید و همه این کار را انجام دهید.

فضا عوض شد. کم کم بقیه هم نشستند کنار او. خنده ها برگشت، شوخی ها شروع شد. ظرف مدت کوتاهی نان های خشک یکی یکی مصرف شد. کسی دیگر دلش نمی آمد لقمه ای را دور بریزد. انگار همه یادشان افتاده بود که هر تکه نان یعنی زحمت یک نانوا، عرق یک کشاورز و سهمی از پول مردم.

آن هایی که آن روز کنار مسعود نشستند، بعدها هر کدام در مسئولیت های خودشان همین روش را ادامه دادند؛ چون دیده بودند یک فرمانده واقعی فقط در میدان جنگ شجاع نیست، در میز کار و سفره نان هم باانصاف و باوجدان است. این، همان قناعتی بود که به دل ها آرامش می داد و به کارها برکت.^۱ رفقا، ممکن است در ذهن خودتان بگویید که این یک مسئله جزئی و کوچک است. آیا این طور نیست؟ نظرتان را بگویید.^۲

اما دو نکته مهم اینجا وجود دارد: یکی اینکه «اندک اندک جمع گردد وانگهی دریا شود.» بنابراین، اگر همه مردم حساس باشند و در زندگی خود به «وَلَا تُسْرِفُوا» توجه کنند، جامعه بزرگی از فقر نجات می یابد؛ نکته دوم اینکه یک فرمانده، الگوی افراد زیردست خودش است، اگر او در یک مسئله کوچک اشتباهی کند ممکن است فردا در میدان عمل یا جبهه جنگ خطاهای بزرگی در ازبین بردن مال و نیرو داشته باشد. اگر ما هم این حد از نظم و دقت را در مدیریت مصرف داشته باشیم کشور ما مشکل کمبود منابع نخواهد داشت.

بنابراین، یکی از راهکارهای اساسی برای جلوگیری از اسراف، اصلاح الگوی مصرف در منابع ملی مانند آب، برق و گاز است. ما می توانیم به اقتصاد کشور کمک کرده و این منابع حیاتی را برای نسل های آینده حفظ کنیم. این اقدام، یک مسئولیت پذیری هوشمندانه و نوعی سرمایه گذاری برای آینده است.

این راهکار به این معناست که ما به عنوان شهروندان یک کشور، خود را نگهبان و مدیر سرمایه های بزرگی می دانیم که متعلق به همه مردم، از جمله کسانی است که هنوز به دنیا نیامده اند.

رفقا، به این سؤالی که می پرسم جواب بدهید: چرا این اصلاح الگوی مصرف

۱. خبرگزاری فارس. <https://defapress.ir/fa/news/514081>

۲. ابتدا مشارکت گیری و سپس ادامه بحث را بگوییم.



به اقتصاد کشور کمک می‌کند؟^۱ احسنت به عزیزانی که جواب دادند! وقتی ما در مصرف آب، برق یا گاز زیاده‌روی می‌کنیم، دولت مجبور می‌شود هزینه‌های هنگفتی را برای ساخت نیروگاه‌های جدید، تصفیه‌خانه‌ها و توسعه شبکه‌های انتقال انرژی صرف کند. این هزینه‌ها می‌توانست صرف ساخت مدارس بهتر، بیمارستان‌های مجهزتر یا توسعه زیرساخت‌های دیگر شود. ما با صرفه‌جویی، این فشار اقتصادی را کاهش می‌دهیم و به‌طور غیرمستقیم به رشد و پیشرفت کشور کمک می‌کنیم. علاوه بر این، مصرف بهینه به معنای کاهش هزینه‌های خانواده در پرداخت قبوض نیز هست.

حالا عزیزان! حفظ منابع برای نسل‌های آینده به چه معناست؟^۲ درود بر شما! درست است. منابعی مانند آب شیرین و سوخت‌های فسیلی محدود هستند. این‌ها امانتی هستند که از نسل‌های گذشته به ما رسیده‌اند و ما وظیفه داریم آن‌ها را به سلامت به دست فرزندان و نوه‌های خود بسپاریم. اسراف امروز ما، به معنای ضایع کردن حق کسانی است که فردا در این سرزمین زندگی خواهند کرد. با مدیریت صحیح مصرف، ما تضمین می‌کنیم که آیندگان نیز مانند ما از این نعمت‌ها برخوردار باشند و با بحران‌های کم‌آبی و کمبود انرژی مواجه نشوند. بنابراین، هربار که یک لامپ اضافی را خاموش می‌کنیم، زمان دوش گرفتن را کوتاه‌تر می‌کنیم یا دمای وسایل گرمایشی را در حد استاندارد نگه می‌داریم، درواقع در حال انجام یک اقدام اقتصادی هوشمندانه و یک عمل اخلاقی بزرگ برای آینده کشورمان هستیم. اینجاست که اهمیت این دستور الهی در جامعه مشخص می‌شود: «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا».

بیخ زندگی

حالا می‌خواهم از یک اسراف بزرگ و جبران‌ناپذیر برای شما بگویم! خوب به این تصویر دقت کنید!^۳ کسی می‌تواند بگوید یعنی چه؟

۱. ابتدا مشارکت‌گیری انجام شود و سپس به ادامه بحث پرداخته شود.
۲. مشارکت و همراهی متریبان، ضروری است.
۳. مربیان عزیز یا عکس مربوطه را از قبل چاپ کنید یا عکس آن را با گوشی یا ویدئو پروژکتور به نمایش بگذارید.



برای اینکه خوب متوجه بشیم به این داستان گوش کنید:

اسم مبارک مرحوم آیت الله بهجت رحمه الله که عارفی بزرگ بودند، را شنیده‌اید؟ ایشان داستانی را نقل می‌کردند که بسیار تکان دهنده است. می‌فرمودند: «در بغداد، مردی یخ فروش بود. تمام سرمایه اش همین یخ‌ها بود که در گرمای تابستان می‌فروخت. کسی از او پرسید: فروختی؟ یخ فروش با حسرت جواب کوتاهی داد: نخریدند، تمام شد!»^۱ یک یخ فروش تمام سرمایه اش همین یخ است که اگر در زمان خودش نتواند بفروشد، همه آن‌ها از بین می‌رود.

رفقا! بارزش‌ترین و گران‌ترین سرمایه من و شما، «عمر» و «جوانی» ماست که از طرف خداوند به ما هدیه داده شده است. این سرمایه مثل همان یخ، دارد لحظه به لحظه آب می‌شود و تمام می‌شود؛ چه ما بخواهیم، چه نخواهیم. رفقا! همه چشمانتان را ببندید و به خاطرات کودکی خود برگردید و تصور کنید که چقدر زود گذشت. قرآن در سوره عصر با یک قسم محکم می‌گوید: «وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ»^۲ یعنی قسم به زمان! انسان حتماً در حال زیان و خسران است. رفقا، دوباره به این تصویر دقت کنید: یخ، نمادِ عمر است که در حال آب شدن است و شکل گره زدن، نمادِ هدیه است. عمر ما هدیه است برای چه کسی؟ کجا آب می‌شوید؟ ارزشش را دارد؟ درضمن آب، دوباره یخ می‌شود ولی ما عمر دوباره نداریم.

زمان سوزها

نوجوانان عزیز، موضوع بسیار مهمی پیش روی ماست؛ مسئله استفاده صحیح از عمر و زمان. حیات ما بالاترین سرمایه هر انسانی است. اکنون این پرسش

۱. در محضر بهجت، ج ۳، ص ۹۳، با کمی تغییر در نقل.

۲. عصر، ۲ و ۱.

مطرح می‌شود که ما عمر خود را در چه راهی مصرف می‌کنیم؟ بیایید بحث را عملی و کاربردی کنیم. به نظر شما، بزرگ‌ترین نمونه‌های اسراف عمر که شما نوجوانان با آن مواجه هستید، کدامند؟ منظورم همان مواردی است که زمان ما را تحلیل می‌برند و آب می‌کنند یا اصطلاحاً «زمان‌سوز» هستند. بیایید چند نمونه که در زندگی روزمره تجربه کرده‌ایم را نام ببریم. شما نیز اگر نمونه‌ای به ذهنتان می‌رسد، لطفاً ذکر کنید.^۱

آفرین! مواردی مثل چرخیدن‌های بی‌هدف در شبکه‌های اجتماعی، ساعت‌ها ورق‌زدن پست‌ها و استوری‌هایی که نود و نه درصدشان هیچ ارزش افزوده‌ای برای ما ندارند. همچنین، غرق شدن در دنیای بازی به‌گونه‌ای که از دنیای واقعی غافل شویم. و از طرفی، رفاقت‌های بی‌فایده که باعث می‌شود بهترین ساعات عمر را با دوستانی سپری کنیم که گاهی ما را از اهدافمان خیلی دور می‌کنند. این‌ها «زمان‌سوزهای» حرفه‌ای هستند که سرمایه عمر ما را آب می‌کنند و در نهایت، تنها حسرت یک «حساب خالی» (از دست رفتن فرصت‌ها) را برایمان به جا می‌گذارند.

جمله طلایی

دوست دارم همه شما این جمله زیبا را در ذهن‌های خود حک کنید و مرتب آن را برای خود تکرار کنید. این جمله طلایی چیست؟ پیش از آنکه آن را بیان کنم، لطفاً همگی یک صفحه خالی در دفتر خود باز کنید و آماده یادداشت‌برداری شوید. آماده‌اید؟ بنویسید: «ما آمده‌ایم زندگی کنیم تا قیمت پیدا کنیم، نه اینکه با هر قیمتی زندگی کنیم.» حالا همه باهم بلند بخوانید.

اگر کسی فهمید که برای چه هدفی در این دنیا آمده است و وجود او چه ارزشی دارد، قطعاً خود را سرگرم کارهای بی‌ارزش نمی‌کند.

بنابراین، اگر بخواهیم دقیقاً به تعبیر «وَكُنُوا وَاشْرِكُوا وَلَا تَسْرِفُوا» (بخورید، بیاشامید و اسراف نکنید) عمل کنیم، یکی از راه‌حل‌های اساسی این است که صرفاً «مصرف‌کننده» نباشیم. منظور ما چیست؟ اینکه می‌خواهیم بگوییم اگر

۱. مشارکت و همراهی متریبان، ضروری است.

در زندگی فقط یک «مصرف کننده» باشیم و نه یک «تولید کننده»، چه اتفاقی می افتد؟ اگر ما فقط مصرف کننده سرگرمی ها، بازی ها، فیلم ها و محتواهای دیگران در شبکه های اجتماعی باشیم و خودمان هیچ مهارت، دانش یا ارزش افزوده ای تولید نکنیم، به تدریج به فردی ضعیف و وابسته تبدیل می شویم که هیچ استقلال فکری و شخصیتی ندارد. اینجاست که بحث «اسراف» به یک مسئله حیاتی برای هویت و آینده ما تبدیل می شود. این مسئله فقط مربوط به دورریختن غذا نیست؛ بلکه مربوط به دورریختن و هدر دادن خود ماست!

رفقا، حال یک کشور را تصور کنید که میزان مصرف آن بسیار بیشتر از تولیدش است؛ یعنی صرفاً مصرف می کند و چیزی برای عرضه ندارد. سرنوشت این کشور چه خواهد شد؟ دو راه بیشتر ندارد: یا آن قدر فقیر می شود که از پا در می آید، یا برای تأمین نیازهایش کاملاً به کشورهای دیگر وابسته می شود و دیگر استقلال و قدرتی از خود نخواهد داشت. لذا، نه تنها هر فرد ما، بلکه جامعه ما نیز باید این مسئله را جدی بگیرد؛ هم در زمینه اسراف منابع و هم در زمینه هدر دادن عمر و زمان باید حساسیت ویژه ای وجود داشته باشد. اصولاً انسان های بزرگ و آن هایی که به موفقیت های چشمگیری دست یافته اند، مدیریت زمان و مصرف را در اولویت برنامه های زندگی خویش قرار داده اند. هرکسی الگوهایی را که برای خود تعیین کرده در نظر بگیرد یا زندگی نامه های افراد موفق را مطالعه کند، حرف بنده را تأیید می کند.

اولویت های شما چیست؟

حالا بیایید باهم یک آزمایش ساده اما بسیار پرمعنا را انجام دهیم. برای این کار به وسایلی^۱ نیاز داریم:

- ظرف شفاف (نماد عمر و زندگی شما)؛
- سنگ های بزرگ (نماد اهداف و اولویت های اصلی: ایمان، خانواده، تحصیل، مهارت آموزی)؛
- ریگ های کوچک (نماد امور روزمره ضروری: تکالیف، کارهای خانه)؛

۱. از متربیان بخواهید حتماً قبل از کلاس وسایل خواسته شده را آماده کنند.

– ماسه‌های ریز (نماد اسراف‌ها و زمان خورها؛ چرخیدن بی‌هدف در فضای مجازی، بازی‌های بی‌پایان).

برای اجرای این آزمایش مهم، از یکی از دوستانمان دعوت می‌کنیم تا به ما بپیوندد. آزمایش ما دو بخش دارد که دوستان این مراحل را اجرا خواهند کرد. قسمت اول: ابتدا ماسه‌های ریز را داخل ظرف بریز تا ظرف پُر شود. حالا تلاش کن سنگ‌های بزرگ را جای دهی. رفقا، می‌بینید که سنگ‌ها جا نمی‌شوند. قسمت دوم: ظرف را خالی کن و این بار ابتدا سنگ‌های بزرگ را داخل ظرف قرار بده. سپس ریگ‌ها و درنهایت، ماسه‌ها را بریز. چه چیزی می‌بینید؟ تمام مواد به راحتی در ظرف جای می‌گیرند.

نتیجه این شد رفقا: این ظرف نماد زندگی ماست. اگر آن را با ماسه‌ها (تفریحات و کارهای ریز غیرمهم، یعنی اسراف و وقت تلف کردن‌ها) شروع کنید، دیگر جایی برای سنگ‌ها (اهداف بزرگ و اصلی) نخواهید داشت و درنهایت، زندگی‌تان دچار مشکل خواهد شد و ورشکسته می‌شوید. اما اگر سنگ‌ها را در اولویت قرار دهید و آن‌ها را جای دهید، همیشه برای ماسه‌ها (تفریح‌های کوچک و کنترل شده) وقت خواهید داشت.

لذا مدیریت زمان، درواقع مدیریت اولویت‌هاست. بهترین راه برای مقابله با اسراف، قراردادن امور مهم در صدر کارهای روزانه است. قانون مهم زندگی ما همین است: **«وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا»**.

نکات کلیدی بحث

شما هم کمک کنید بحث امروزمان را در دو نکته کلیدی خلاصه کنیم:

۱. فرمان خدا تعادل است، نه محرومیت؛ خدا از ما خواسته از نعمت‌ها

استفاده کنیم اما از خط قرمز «اسراف» عبور نکنیم؛ **«وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا»**.

۲. خطرناک‌ترین اسراف، اسراف عمر است؛ با ارزش‌ترین سرمایه ما که

غیرقابل بازگشت است، عمر و جوانی ماست که توسط «زمان سوزهایی»

مثل فضای مجازی و سرگرمی‌های بی‌هدف، به راحتی هدر می‌رود.

چالش از تفکر تا عمل!

برای اینکه قانون «اسراف ممنوع» را در زندگی تان اجرا کنید، این تکلیف را انجام دهید: چالش ۲۴ ساعته مدیریت منابع: برای یک روز کامل، خودتان را موظف کنید که سه نوع اسراف را مدیریت کنید: ۱. اسراف آب (هنگام وضو و مسواک)؛ ۲. اسراف غذایی (چیزی در بشقاب باقی نماند)؛ ۳. اسراف زمان (زمان استفاده از گوشی را با یک اپلیکیشن کنترل کرده و ۲۰٪ کاهش دهید). در پایان روز، حس خود را در یک پاراگراف بنویسید.

بعد از انجام این چالش سعی کن به جای ۲۴ ساعت، ۴۸ ساعت انجام بدهی و همین طور روزه به روز برای خودت تمدید کن.

طلب توفیق

خدایا، از تو سپاسگزاریم برای تمام نعمت‌ها و سرمایه‌هایی که بی‌منت به ما عطا کردی!

پروردگارا، به ما کمک کن تا قدردان این نعمت‌ها، به خصوص سرمایه بی‌نظیر عمر و جوانی مان باشیم؛ الهی آمین!

خداوند، به ما بصیرتی بده تا دزدهای زمانمان را بشناسیم و قدرتی بده تا در برابرشان مقاومت کنیم؛ الهی آمین!

به ما توفیق بده تا با مدیریت مصرف منابع، سربازان خوبی برای استقلال و پیشرفت کشورمان باشیم؛ الهی آمین!

روح پاک همه شهدا را شاد کنیم که از باارزش‌ترین سرمایه خود، یعنی جانشان، برای امنیت و استقلال ما گذشتند، با ذکر صلواتی بر محمد و آل محمد:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



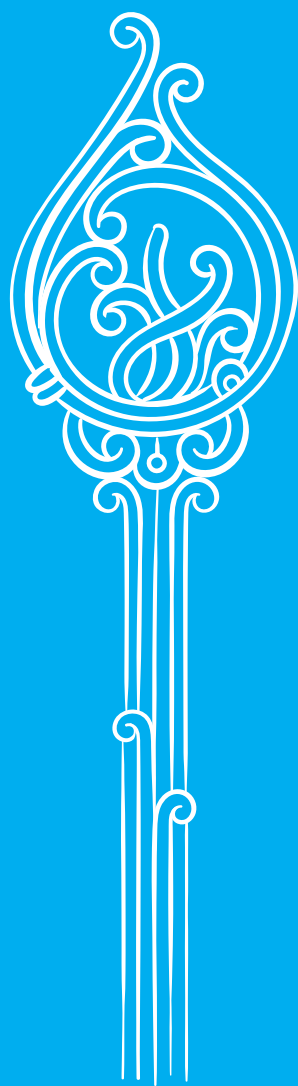
پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه



جلسه دوازدهم

قوی شو تا در امان باشی!

(اقتدار بازدارنده، بهترین دفاع)

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾

سوره انفال، آیه ۶۰

[برای مقابله با دشمن] هرچه می‌توانید
نیروآماده کنید [تا دشمنان خدا و دشمنان
خودتان را به وحشت اندازید].



سُورَةُ الْاَنْفَالِ

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِّعَمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ
 يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٥٣﴾ كَذَّابٌ ءَالِ
 فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ
 بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَاهُ فِرْعَوْنَ وَكُلُّ كَاذِبٍ لَّامِينَ ﴿٥٤﴾
 إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ
 ﴿٥٥﴾ الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ
 مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ ﴿٥٦﴾ فَمَا تَتَّقَنَّهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرَّ بِهَمْ
 مِّنْ حَلْفِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿٥٧﴾ وَإِنَّمَا تَخَافُ مِنْ قَوْمٍ
 خِيَانَةٍ فَإِنِذْ إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ
 ﴿٥٨﴾ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ
 ﴿٥٩﴾ وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ
 تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَءَاخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ
 لَا تَعْلَمُوهُمْ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ
 اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَغْلُمُونَ ﴿٦٠﴾ وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ
 فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦١﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

گفت‌وگوی سازنده

اول سلام و بعد سلام و سپس سلام
با هر نفس ارادت و با هر نفس سلام
دوستان عزیزم! سلام. حال شما خوب است؟
امیدوارم دل‌هایتان همیشه شاد و نورانی به نور قرآن و طاعات و عباداتتان
نیز قبول باشد.
خب، رفقای خوب! آماده هستید مانند روزهای گذشته قرائت امروزمان را
آغاز کنیم؟

آفرین بر شما قرآن‌آموزان عزیز! حالا یکی از دوستان، آیات ۵۹ تا ۶۱ سوره
انفال را تلاوت کند و با هم، ثواب قرائت امروز را به شهدای دفاع مقدس ۱۲ روزه
هدیه کنیم.^۱

از قرائت زیبا و دلنشین دوست عزیزمان بهره‌مند شدیم. امیدواریم خداوند
بزرگ دل‌هایمان را به نور قرآن روشن کند و در فرج امام عصر علیه السلام، تعجیل بفرماید
به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

طلیعه

رفقای عزیزم! امروز می‌خواهیم باهم یک بازی «جمله‌سازی» انجام دهیم. در ابتدا

۱. مربیان گرامی توجه داشته باشند که ایده‌آل این است که متربیان، آیات روزانه را تلاوت کنند
اما اگر نشد، بهتر است خود مربی قرائت کند و به‌هردلیلی اگر مربی نیز نتوانست، می‌تواند از
کلیپ‌ها و صوت مشاهیر این عرصه استفاده کرد.

می‌خواهم دو نفر را انتخاب کنم تا پای تخته بایند. انتخاب من خیلی ساده است! دوتا سؤال می‌پرسم، هرکس پاسخ درست بدهد، پای تخته می‌آید. آماده‌اید؟

۱. بزرگ‌ترین معجزه پیامبر اکرم ﷺ چیست؟^۱

۲. امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام) در چه روزی از ماه رمضان متولد شدند؟^۲

آفرین! حالا که دو نفر انتخاب شدند، بازی را شروع می‌کنیم.

خب دوستان گلم، من دوتا بادکنک دارم؛ داخل هر بادکنک شش کلمه قرار داده‌ام. این دو عزیز باید بادکنک‌ها را تا جایی باد کنند تا بترکند! وقتی بادکنک ترکید، باید کلمات داخل آن را سریع پیدا کرده و با آن‌ها یک جمله درست و معنی‌دار بسازند. هرکس زودتر جمله‌اش را کامل کند، برنده بازی است.^۳

خیلی ممنون از شما دوستان خوبم که در این بازی مشارکت کردید. جمله‌ای که ما دنبالش بودیم این است: «قوی شو تا در امان باشی.»

حالا برای سلامتی خودتان، خانواده‌هایتان و دوست کناری‌تان صلواتی بلند بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

کشف پیام‌ها

عزیزانم! به نظر شما انسان چگونه می‌تواند در برابر دشمنان قوی باشد؟^۴ آفرین عزیزانم! مطالبی که شما گفتید درست و به جاست؛ اما بیا ببینیم خدا چگونه به ما می‌گوید که در مقابل دشمنان قوی باشیم.

خداوند متعال در آیه ۶۰ سوره انفال می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»

یعنی مؤمنان باید خودشان را در برابر دشمنان خدا و دشمنان خودشان آماده و مجهز کنند.

۱. قرآن.

۲. پانزدهم رمضان.

۳. لطفاً پیش از شروع کلاس، شش تکه کاغذ آماده کنید و روی هر کدام از آن‌ها یکی از این کلمات را بنویسید: «امان»، «شو»، «در»، «قوی»، «باشی» و «تا». سپس این تکه‌های کاغذ را داخل یکی از بادکنک‌ها قرار دهید. برای بادکنک دوم نیز همین کار را انجام دهید و در زمان برگزاری کلاس، طبق دستورالعمل بازی جمله‌سازی، از این دو بادکنک برای اجرای مسابقه استفاده کنید.

۴. از دانش‌آموزان مشارکت بگیرید.

اما چطور می‌توانیم این قدرت و آمادگی را به‌دست بیاوریم؟ خوب گوش کنید تا بگوییم چگونه می‌توانیم خودمان را قوی و مجهز کنیم.

رفقای با مرام! از این آیه نکات بسیاری می‌توان فهمید که نشان می‌دهد ما باید از جهات مختلف خودمان را آماده کنیم. من در اینجا به چند نکته اشاره می‌کنم: رفقای خوبم! اولین نکته‌ای که می‌توان از این آیه فهمید؛ این است که ما باید از نظر جسمانی خودمان را آماده کنیم. قرآن می‌فرماید: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾؛ یعنی تا جایی که می‌توانید خودتان را در برابر دشمن آماده کنید. یکی از مهم‌ترین ابعاد این آمادگی، آمادگی جسمانی است.

آمادگی جسمانی یعنی چی؟ یعنی بدن ما باید سالم، قوی و آماده باشد. حالا یک سؤال بپرسم: به نظر شما اگر بنزین و روغن یک ماشینی به‌موقع عوض نشود، چه اتفاقی می‌افتد؟^۱

آفرین دوستان خوبم! اگر بنزین و روغن یک ماشین به‌موقع عوض نشود، وسط راه می‌ماند یا ممکن است این ماشین خیلی زود خراب شود. بنابراین بدن ما هم اگر ورزش نکند و از آن مراقبت نشود، زود خسته می‌شود و از کار می‌افتد. مثلاً فرض کنید یک فوتبالیست قرار است در زمین مسابقه بدود. اگر بدنش آماده نباشد، بعد از ده دقیقه به نفس‌زدن می‌افتد و نمی‌تواند به بازی ادامه دهد. یک کوهنورد اگر تمرین نکرده باشد، وقتی به نیمه راه می‌رسد، زانوهایش سست می‌شود.

رفقای خوبم! آمادگی جسمانی فقط برای بازی و ورزش نیست، بلکه در مسئله دفاع از خود و کشورمان هم خیلی مهم است. تصور کنید یک سرباز در میدان جنگ یا یک پلیس در صحنه درگیری باشد؛ اگر بدنش قوی و ورزیده نباشد، زود خسته می‌شود و نمی‌تواند از خودش یا مردم دفاع کند.

بنابراین، ما برای اینکه در برابر دشمنان قوی باشیم، باید از نظر جسمی خود را تقویت کنیم؛ یعنی غذای سالم بخوریم، به بدنمان آسیب نرسانیم و مانند کسانی نباشیم که بدن خود را به‌صورت دفتر نقاشی درمی‌آورند. ورزش مناسب داشته باشیم، مثل خیلی از شهدای عزیزمان که ورزشکار بودند و جسم

۱. از مترجمان مشارکت بگیرید.

خودشان را ورزیده، آماده و قوی می‌کردند. مانند شهید سعید طوقانی و شهید ابراهیم هادی.

دوستان! حالا اجازه بدهید یک داستان زیبا از شهید ابراهیم هادی برایتان نقل کنم، آماده‌اید؟

آفرین به شما که همیشه پرانرژی و پرنشاط هستید!

دوستان خوبم! در یکی از درگیری‌ها با عراقی‌ها، پای یک بی‌سیم چی دشمن تیر خورده بود و او مرتب آه و ناله می‌کرد. یکی از نیروهای ما اسلحه‌اش را مسلح کرد و به سمت آن بی‌سیم چی رفت. جوان عراقی مرتب می‌گفت: «الامان... الامان...» (یعنی امان بدهید). شهید ابراهیم هادی ناگهان داد زد و به آن نیروی خودی گفت: «می‌خواهی چه کار کنی؟» او گفت: «هیچی، می‌خواهم راحتش کنم.» ابراهیم محکم جواب داد: «رفیق! تا وقتی تیراندازی می‌کرد دشمن ما بود، اما حالا که زخمی شده، اسیر ماست.» بعد هم خودش جلو رفت، بی‌سیم چی عراقی را از روی زمین بلند کرد و روی شانه‌اش گذاشت تا او را ببرد. همه با تعجب نگاه می‌کردند. یکی گفت: «آقا ابراهیم! معلوم است داری چکار می‌کنی؟ از اینجا تا پیش نیروهای خودی باید سیزده کیلومتر راه کوهستانی را برویم؟!»

ابراهیم لبخند زد و گفت: «این بدن قوی را خدا برای همین روزها به ما داده!»^۱
بله عزیزانم، آمادگی جسمانی یکی از مواردی است که از آیه **﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾** برداشت می‌شود.

توان روحی

رفقای عزیز! می‌خواهیم با اجرای یک مسابقه بگوییم که دومین نکته‌ای که باید خودمان را در آن قوی کنیم چیست؟

من، دو کلمه پای تخته می‌نویسم که تعدادی از حروفش کم است، شما باید آن حروف را حدس بزنید تا به جواب برسیم. هرکس حرف جای خالی را فهمید با بالابردن دست خود اعلام آمادگی می‌کند تا نظم کلاس بهم نریزد. (ر-ی و-و-ن).^۲

۱. سلام بر ابراهیم، ج۱، ص ۱۱۲.

۲. روحی روانی.

آفرین بر شما رفقای عزیز! دومین نکته‌ای که از این آیه برداشت می‌شود این است که ما باید از نظر روحی و روانی نیز خود را آماده کنیم. (وَأَعِدُّوا - مِنْ قُوَّةٍ) دوستان! تابه حال شده بدنتان سالم باشد و مشکلی نداشته باشد، اما از نظر روحی و روانی دچار مشکل شده باشید؟ مثلاً در یک مسابقه حساس تیمتان باخته باشد یا در یک امتحان مهم درسی نمره خوبی نگرفته باشید؟ بله! این اتفاقات می‌تواند از نظر روحی و روانی ما را به هم بریزد و با اینکه بدن سالم است، اما حال مناسبی نداشته باشیم. گاهی انسان بدن سالمی دارد، اما وقتی در برابر مشکلات، سختی‌ها یا حتی دشمن قرار می‌گیرد، ترس و اضطراب او را زمین‌گیر می‌کند. آمادگی روحی، یعنی اینکه انسان شجاعت، صبر و آرامش درونی داشته باشد و در شرایط سخت مثل یک صحنه تصادف یا یک امتحانی که خیلی مهم است، به هم نریزد. مثلاً فکر کنید یک ورزشکار حرفه‌ای در میدان مسابقه حاضر می‌شود، اگر از نظر روحی آماده نباشد، با دیدن تماشاگران یا حریف قوی دچار اضطراب می‌شود و همه تمرین‌هایش را فراموش می‌کند. اما اگر روحیه‌اش محکم باشد، حتی مقابل حریف قوی هم با اعتماد به نفس می‌ایستد.

در میدان زندگی هم همین‌طور است. یک سرباز یا یک جوان مؤمن وقتی از نظر روحی قوی باشد، در برابر تهدید دشمن، فشار مشکلات یا حتی تمسخر دیگران خم به ابرو نمی‌آورد و با اراده محکم راه درست را ادامه می‌دهد. بنابراین همان‌طور که ورزش و تغذیه سالم بدن ما را آماده می‌کند، ایمان، توکل به خدا، دعا، صبر و نماز روح ما را قوی و مقاوم می‌سازد.

در جنگ بدر، اوضاع به ظاهر اصلاً به سود مسلمانان نبود. تعداد یاران پیامبر اکرم ﷺ تنها ۳۱۳ نفر بودند، آن هم با امکاناتی اندک و تجهیزات ابتدایی. در مقابل، سپاه دشمن با بیش از هزار جنگجو و سلاح‌های کامل و امکانات فراوان به میدان آمده بود. اگر کسی فقط ظاهر ماجرا را نگاه می‌کرد، به راحتی پیش‌بینی می‌کرد که مسلمانان در همان ساعات ابتدایی شکست می‌خورند. اما حقیقت ماجرا چیز دیگری بود. مسلمانان نیرویی داشتند که از هر سلاح و لشکری قوی‌تر بود: «ایمان و یقین به یاری خداوند.» آنان با تمام وجود باور داشتند که خداوند با آن‌هاست. در وعده خود تخلف نمی‌کند. همین باور، قلب‌هایشان را سرشار از

آرامش و شجاعت کرد؛ درحالی که دشمن با غرور، به برتری عددی خود تکیه داشت، مسلمانان به پشتوانه ایمان و روحیه الهی، گام‌های استواری در میدان برداشتند. در وسط جنگ، امدادهای غیبی خداوند نیز بر آنان نازل شد. قرآن کریم می‌فرماید: **«وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ»** (خداوند شما را در بدر یاری کرد، درحالی که اندک و ناتوان بودید). فرشتگان الهی به یاری مؤمنان آمدند و قلب‌هایشان را آرامش بخشیدند. درنهایت، این سپاه کوچک اما باایمان توانست دشمن بزرگ و مغرور را شکست دهد و یکی از بزرگ‌ترین پیروزی‌های تاریخ اسلام رقم بخورد.

این ماجرا یک پیام برای زندگی امروزه ما نیز دارد و آن اینکه: «موفقیت فقط با امکانات و ظاهر نیست؛ با ایمان، تلاش و روحیه قوی هم به دست می‌آید». به ما نشان داد که معیار اصلی پیروزی در جنگ، تنها تعداد نفرات و تجهیزات نیست؛ بلکه ایمان، روحیه و توکل به خداوند است که سرنوشت میدان را رقم می‌زند. رفقای عزیز! ممکن است هرکدام از ما در زندگی با شکست‌هایی روبه‌رو شویم؛ مثلاً در یک مسابقه فوتبال که خیلی برای برنده‌شدن در آن تلاش کرده‌ایم، شکست بخوریم، یا اتفاقات سخت و دردناکی برایمان پیش بیاید؛ مثل یک تصادف که باعث شکستگی در بعضی از اعضای بدنمان شود یا حتی موجب از دست دادن یکی از عزیزانمان گردد. حتی ممکن است در برابر دشمنانمان، امکانات و تجهیزات زیادی هم نداشته باشیم. اما اگر اهل نماز و دعا باشیم، با خدا ارتباط داشته باشیم، به او توکل کنیم و روحیه خودمان را تقویت نماییم، مطمئن باشید که خداوند یاری‌مان خواهد کرد و به راحتی از سختی‌ها عبور خواهیم کرد. نمونه روشن آن، همین ماجرای جنگ بدر است؛ جایی که همه شرایط به ضرر مسلمانان بود، اما آن‌ها روحیه خود را نباختند، به خدا اعتماد کردند و درنهایت پیروز میدان شدند و این پیروزی نتیجه باور و عمل به همین آیه است: **«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»**.

خب، رفقای خوبم! تا اینجا دو نکته و پیام از این آیه برداشت کردیم. خسته که نشدید؟ چه کسی خسته است؟

آفرین دوستان خوبم! یک شخص مؤمن، در مسیر علم و دانش و در مسیر پیشرفت اصلاً خسته نمی‌شود. بنابراین با همین روحیه خستگی‌ناپذیر و با همین

انرژی باید ادامه بدهیم تا دشمن خودمان را از پا در بیاوریم. حالا بلند بگویید، چه کسی خسته است؟^۱

موشک‌های نقطه‌زن

خب رفقا! تا اینجا گفتیم که مؤمنان باید در برابر سختی‌ها و تهدیدهای دشمن، هم از نظر جسمی و هم از نظر روحی آماده باشند. اما این‌ها به تنهایی کافی نیست؛ و سومین جایی که باید آماده باشیم آمادگی از نظر تجهیزات و امکانات است. رفقای خوبم! به نظر شما منظور از اینکه باید از نظر تجهیزات و امکانات هم قوی باشیم، چیست؟^۲

آفرین به شما. قوی شدن از نظر تجهیزات و امکانات یعنی حتی اگر بدن ما قوی باشد و روحیه ما محکم، بدون وسایل لازم، نمی‌توانیم کار را درست انجام دهیم. مثلاً یک تیم کوهنوردی قوی، اما بدون کفش مناسب، بدون نقشه، بدون داشتن آب کافی و دیگر امکانات لازم برای کوهنوردی، ممکن است گم شوند، آسیب ببینند؛ حتی اگر همه ورزشکار و قوی هم باشند.

این کم‌بودن وسایل در روحیه اثر دارد؛ به همین دلیل قرآن می‌فرماید: ﴿مِنْ قُوَّةٍ﴾ و این «قوت» شامل هر وسیله‌ای (به جز وسایل کشتار جمعی) است و به یک نوع سلاح یا به یک زمان خاصی محدود نمی‌شود. در زمان پیامبر ﷺ این وسایل قدرت، چیزهایی مثل اسب، شتر، زره، شمشیر و نیزه بود، اما امروز ابزار قدرت تغییر کرده است؛ ابزار قدرت امروز تانک، هواپیمای جنگی، موشک، پهپاد، سامانه‌های دفاعی، سربازان آموزش دیده، وسایل الکترونیکی و حتی جنگ‌های رایانه‌ای و اینترنتی است. در همین جنگ ۱۲ روزه اخیر میان ایران و رژیم صهیونیستی، کشور ما توانست با موشک‌های نقطه‌زن پیشرفته خود، قدرت بالایی نشان دهد؛ درحالی‌که در دوران هشت سال دفاع مقدس چنین امکاناتی در اختیار نداشتیم. آن زمان اگر هم نیاز به موشک پیدا می‌کردیم، باید آن را از

۱. می‌توانید چندبار همین جمله «چه کسی خسته است؟» را با شور و هیجان تکرار کنید و بعد ادامه بدهید.

۲. از متربیان، مشارکت بگیرید و نظر آنان را در این مورد پرسید.

خارج تهیه می کردیم. اما به دلیل تحریم ها هیچ کشوری حاضر نبود به ما موشک بدهد. اگر کشوری هم می خواست کمک کند، شرایط به گونه ای بود که باید نیروهای همان کشور برای شلیک موشک به ایران می آمدند و نیروهای خودی ما امکان استفاده و به کارگیری مستقیم آن ها را نداشتند. اما امروز به برکت جوانان باایمان و متخصص کشورمان توانسته ایم در ساخت این تجهیزات پیشرفته و استفاده از آن به خودکفایی برسیم.^۱

پس برای قوی شدن، به ابزار کافی، به روز و مناسب نیاز داریم تا بتوانیم از خود و کشورمان دفاع کنیم و همیشه باید در حالت آماده باش باشیم تا دشمن ما را غافل گیر نکند. مثلاً تصور کنید شما در یک ورزش رزمی مثل تکواندو یا کاراته هستید. وقتی می خواهید با حریف مبارزه کنید، باید دست هایتان بالا و در حالت گارد باشد، یعنی آماده دفاع. اگر دست هایتان پایین باشد، تا بخواهید دست هایتان را بالا بیاورید، ضربه های زیادی می خورید و بازی را می بازید.

یا یک مثال دیگر؛ فکر کنید در فوتبال دروازه بان هستید و تیم حریف می خواهد گل بزند. اگر شما آماده نباشید و چشمتان به توپ نباشد، توپ به راحتی وارد دروازه می شود. ولی اگر آماده باشید و پیش بینی کنید که توپ به کدام سمت می آید، می توانید جلوی گل شدن توپ را بگیرید.

البته دوستان عزیزم، ما وقتی می گوییم باید قوی باشیم، منظورمان تهدید و حمله به دیگران نیست. هدف این است که جلوی تهدید بایستیم تا امنیت کشور حفظ شود. اگر ضعیف باشیم، دشمن جرئت پیدا می کند که مزاحمان شود؛ اما وقتی قوی باشیم، دشمن جرئت نزدیک شدن ندارد. باید قوی شویم تا جنگ نشود و تهدیدها کنار رود. پس داشتن ارتش و سلاح پیشرفته به این معنا نیست که ما می خواهیم به کشوری حمله کنیم، اما اگر قوی باشیم، هیچ کس جرئت نمی کند کشورمان را تهدید کند. به عنوان مثال وقتی پیامبر ﷺ به مدینه هجرت کردند، کار مهمی که انجام دادند این بود که جلوی تهدید دشمنان را بگیرند و اجازه ندهند به مسلمانان حمله کنند. یکی از کارهایشان این بود که

۱. برگرفته از مصاحبه سردار بلالی مشاور فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران و همزمان شهید حسن طهرانی مقدم با خبرگزاری فارس، ۱۴۰۳/۲/۲۴.

با قبایل مسیر بازرگانی بین مکه و شام ارتباط برقرار کردند تا همدیگر را حمایت کنند و مسیرهای تجاری امن بماند. سپس گروه‌هایی چندده نفره از مسلمانان را آماده کردند تا در مسیر کاروان‌های تجاری دشمن گشت‌زنی کنند. این کار هم باعث می‌شد حضور مسلمانان مشخص شود و هم دشمن نگران شود و بترسد. مثلاً در یکی از مأموریت‌ها، پیامبر ﷺ یکی از یارانشان را فرستاد تا همراه گروهی از مسلمانان مقابل کاروان قریش «قدرت‌نمایی» کنند، اما وارد جنگ نشوند. هدف این بود که دشمن را بترسانند تا فکر حمله به مسلمانان را نداشته باشند. دوستان، یک سؤال: اگر موشک، پهپاد و دیگر ابزارهای دفاعی را نداشته باشیم، بهتر است یا اینکه داشته باشیم؟ آفرین عزیزان! باید امکانات مقابله با دشمن را داشته باشیم؛ وگرنه دشمن می‌تواند به راحتی ما را از پای دریاورد.

علم علم

رفقای با صفا! به نظر شما چهارمین موردی که باید خودمان را در آن قوی کنیم چه چیزی است؟ اگر می‌خواهید جواب را پیدا کنید، اول باید به این سؤالات جواب بدهید!

۱. کدام اسم برای دوازده امام بیشتر تکرار و نام‌گذاری شده است؟ (علی).
 ۲. نام مادر حضرت علی اکبر علیه السلام چه بود؟ (لیلا).
 ۳. نام امام نهم چیست؟ (محمد).
 ۴. نام پیامبری که از فراق فرزندش بسیار گریه کرد تا اینکه نابینا شد؟ (یعقوب).
- حالا حروف ابتدای کلمات را بهم وصل کنید تا جواب سؤال اصلی به دست آید. احسنت!

چهارمین چیزی که ما را قوی‌تر می‌کند و جزو پیام آیه **﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾** است، قوی شدن از نظر علمی است. وقتی خداوند می‌گوید: **﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾**، یعنی به هر چیزی که باعث قوی‌تر شدن ما می‌شود باید مجهز شویم.

امروزه جنگ‌ها فقط با اسلحه نیستند، بسیاری از نبردها در دنیای علم،

۱. با مشارکت گرفتن از متریان به جواب سؤال برسید. نکته: می‌توانید یک نفر را پای تخته بیاورید تا کلمات را روی تخته بنویسد.

رسانه، فضای مجازی، حتی در ذهن مردم رخ می‌دهند؛ مثلاً وقتی دو کشور برای ساخت دارویی بهتر یا پرتاب ماهواره رقابت می‌کنند، برنده، قدرت علمی و نفوذ بیشتری پیدا می‌کند. یا اگر ما سواد رسانه‌ای نداشته باشیم، خیلی راحت ممکن است گول شایعه‌ها و تبلیغات دروغین را بخوریم. به همین دلیل خدا از ما می‌خواهد در همه زمینه‌ها آماده باشیم. بنابراین، اگر درس می‌خوانیم، اگر دنبال علم می‌رویم و علم را بلند می‌کنیم، اگر سعی می‌کنیم بهتر بفهمیم و درست فکر کنیم، درواقع داریم خودمان را برای دفاع از کشور، دین و آینده‌مان آماده می‌کنیم.

همین درس‌هایی که بعضی وقت‌ها فکر می‌کنیم به چه دردی می‌خورد، دقیقاً بخشی از همین آمادگی است؛ مثلاً وقتی فیزیک، شیمی یا ریاضی می‌خوانی، یاد می‌گیری چطور دقیق فکر کنی و مسئله حل کنی. در آینده از همین علوم استفاده می‌کنی برای ساخت موشک و امکانات نظامی برای دفاع از مردم کشور خودمان و مظلومان جهان، از همین علوم در ساخت داروهایی استفاده می‌کنی که مردم را از دردهای سخت نجات بدهد. وقتی علوم یا تاریخ می‌خوانی، دنیای پیرامونت را بهتر می‌شناسی؛ از تجربیات و رویدادهای گذشته درس می‌گیری و کمتر دچار تکرار اشتباهات گذشتگان می‌شوی.

دوستان خوبم! پس هیچ درسی بی‌فایده نیست. هر دانشی که یاد می‌گیری، تو را قوی‌تر، آگاه‌تر و اثرگذارتر می‌کند؛ هم برای ساختن آینده‌ی خودت و هم برای خدمت به مردم و دفاع از حق و حقیقت.

با پیاده کردن آیه: **﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾** در زندگی می‌توانیم در تمام عرصه‌ها حتی در عرصه علمی نیز بر دشمنان غلبه کنیم.

سلامتی خودتان و خانواده‌هایتان یک صلوات محفلی^۱ بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»

۱. مربیان گرامی، یک بار خودتان به سبک صلواتی که در برنامه محفل فرستاده می‌شود، صلوات بفرستید و بعد از بچه‌ها بخواهید این کار را انجام بدهند.

زنگ تفریح

رفقا، بیایید یک بازی خیلی هیجان انگیز انجام دهیم! قواعدش ساده است، اما خیلی سرگرم کننده است: نفر اول یک کلمه می گوید، نفر دوم یک کلمه یا چند کلمه دیگر به آن اضافه می کند و جمله کمی شکل می گیرد و نفر سوم هم یک یا چند کلمه اضافه می کند تا جمله معنادار و جذاب تر شود؛ اما مراقب باشید! اگر کسی نتواند کلمه ای اضافه کند یا کلمات و جملات قبل را فراموش کند، از بازی حذف می شود.^۱

مثلاً:

نفر ۱ ← آمریکا.

نفر ۲ ← آمریکا شیطان بزرگ است.

نفر ۳ ← آمریکا شیطان بزرگ است و جوانان انقلابی و شجاع کشور ما...

نفر ۴ ← آمریکا شیطان بزرگ است و جوانان انقلابی و شجاع کشور ما در مقابل این دشمن بدجنس ایستادگی می کنند.

نفر ۵ ← آمریکا شیطان بزرگ است و جوانان انقلابی و شجاع کشور ما در

مقابل این دشمن بدجنس ایستادگی می کنند و مانند کوه استوار هستند و... و بازی به همین شکل ادامه پیدا می کند.

دریک نگاه

رفقای خوبم، پس با توجه به آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»، برای قوی شدن باید به سه نکته توجه کنیم:

۱. بدن سالم و ورزیده (تمرین، تغذیه، استقامت) پایه توانایی فرد است؛ مثل

سرباز یا ورزشکاری که بدون آمادگی نمی تواند به وظیفه اش عمل کند.

۲. شجاعت، صبر، توکل و آرامش درونی (از طریق ایمان، دعا و نماز) باعث

می شود در موقعیت های سخت مانند میدان نبرد یا فشارهای زندگی،

نترسیم و پای ارزش ها بایستیم؛ همان طور که در جنگ بدر، ایمان

مسلمانان بر ترس آنان غلبه کرد.

۱. هرچه جمله طولانی تر و جالب تر شود، بازی جذاب تر می شود و همه با هیجان دنبال می کنند!

۳. داشتن ابزار به روز و مناسب (مانند: تجهیزات نظامی، پهباد، سامانه های دفاعی و نیروی انسانی آموزش دیده) همراه با آمادگی دائمی ضروری است؛ قدرت واقعی وقتی کامل می شود که «بدن، روح و ابزار» هم زمان آماده باشند؛ البته قدرت برای بازدارندگی، نه تهاجم و این نیازمند تکیه بر توانایی های گوناگون داخلی است.

۴. هر دانشی که می آموزی، سلاحی است که تو را قوی تر، آگاه تر و آماده دفاع از مردم، حقیقت و آینده می کند.

تونیز انجام بده

دوستان خوبم، برای جلسه بعد، آیه شریفه ۶۰ سوره مبارکه انفال را حفظ کنید و علاوه بر نکاتی که امروز گفتیم، برداشت های دیگری که می توان از این آیه کرد و ما به آن اشاره نکردیم را هم بنویسید و با خودتان بیاورید تا در کلاس درباره شان گفت و گو کنیم. برای انجام این کار می توانید به کتاب «تفسیر نور» یا «تفسیر جوانان» ذیل همین آیه شریفه مراجعه کنید.

دعا

خدایا، فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه را برسان و ما را از یاران واقعی او قرار بده؛ الهی آمین!

خدایا، به رهبر عزیزمان عمر طولانی و پر برکت عطا کن؛ الهی آمین!

خدایا، انقلاب ما را به انقلاب جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه متصل کن؛ الهی آمین!

خدایا، توفیق قوی شدن و خدمت در راه خودت را به ما عطا کن. الهی آمین!

به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه ها



پویانمایی



یادگست صوتی



تبیین آیه

جلسه سیزدهم

از تو حرکت، از خدا برکت

(هدایت الهی، پاداش تلاش

و مجاهدت است)

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾

سوره عنکبوت، آیه ۶۹

و کسانی را که برای ما مجاهدت کنند، مسلماً و
بی تردید به راه‌های خود راهنمایی می‌کنیم.



سُورَةُ الْعَنْكَبُوتِ

وَمَا هَذِهِ الْحَيَوةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِىَ
 الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٦٤﴾ فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِ دَعَوْا اللَّهَ
 مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ ﴿٦٥﴾
 لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٦٦﴾
 أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا مِمَّا وَيتَ خَظْفُ النَّاسِ مِنْ
 حَوْلِهِمْ أَفِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ ﴿٦٧﴾
 وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ
 أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ﴿٦٨﴾ وَالَّذِينَ جَاهَدُوا
 فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٦٩﴾

سُورَةُ الرُّومِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 أَلَمْ نَكُنِ عَالِمِينَ بِالْبُورِ ﴿١﴾ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ
 بَعْدِ عَلَيْهِمْ سَاغِبُونَ ﴿٢﴾ فِي بَضْعِ سِنِينَ ۖ لِلَّهِ الْأَمْرُ
 مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ ﴿٣﴾
 بَنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٤﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

دوستانه

به نام خدا در شروع کلام
حضور عزیزان بگویم سلام
سلامی که از جنس شور و نواست
پُر از مهر و احسان و عشق و صفاست
دوستان عزیزم! سلام.

حال شما خوب است؟

امیدوارم حالتان خوب باشد. بیایید با قرائت چند آیه از قرآن کریم، حالمان را بهتر کنیم. از یکی از عزیزان خواهش می‌کنم آیات ۶۴ تا ۶۹ سوره عنکبوت را برایمان قرائت بفرمایند.^۱

از دوست عزیزمان برای قرائت زیبایشان سپاسگزارم. ان شاء الله زندگی همه شما پر از نور هدایت و کلام قرآن باشد. برای سلامتی این دوست قرآنی و خانواده محترمشان، یک صلوات بلند بفرستیم.

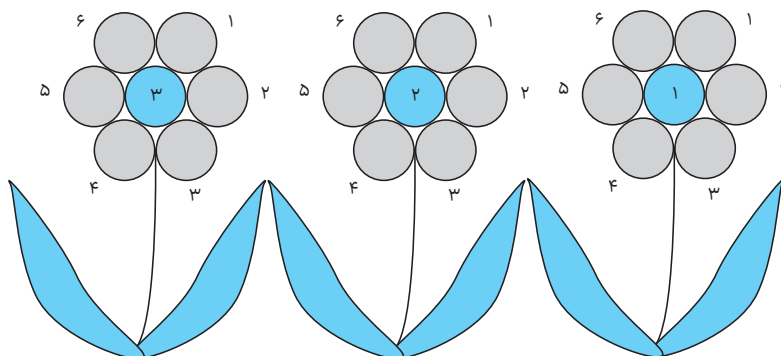
«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

آغاز ماجراجویی

رفقای عزیز! می‌خواهیم باهم یک بازی هیجان‌انگیز انجام بدهیم، اسم این بازی «راز گل‌ها» است. آماده‌اید؟

۱. مربیان گرامی توجه داشته باشند که ایده‌آل این است که متربیان، آیات روزانه را تلاوت کنند اما اگر نشد، بهتر است خود مربی قرائت کند و به‌هردلیلی اگر مربی نیز نتوانست، می‌تواند از کلیپ‌ها و صوت مشاهیر این عرصه استفاده کرد.

دوستان! من روی تخته ۳ تا گل می‌کشم که هر گلی شش گلبرگ دارد و گلبرگ‌ها را شماره‌گذاری می‌کنم.



شما را به سه گروه تقسیم می‌کنم. هر گروهی باید یک نماینده انتخاب کند و نماینده گروه پای تخته بیاید. سپس از هر گروه یک سؤال می‌پرسم و نماینده با مشورت اعضای گروهش، پاسخ را پیدا کرده و آن را در گلبرگ مربوطه می‌نویسد.

سؤالات گل اول:

۱. نام دیگر سوره «توحید»؟^۱
۲. کدام سوره قرآن به نام یکی از حوادث طبیعی زمینی است؟^۲
۳. چه صفتی در برابر ترسویی قرار می‌گیرد؟^۳
۴. نام سوره‌ای در قرآن که به معنای انسان‌های دورو است؟^۴
۵. کتاب آسمانی مسیحیان چه نام دارد؟^۵
۶. کدام سوره قرآن به نام یکی از فروعات دین است؟^۶

سؤالات گل دوم:

۱. اولین فصل سال؟^۷

۱. اخلاص.
۲. زلزال.
۳. شجاعت.
۴. منافقون.
۵. انجیل.
۶. حج.
۷. بهار.

۲. ابزار نظامی مورد استفاده کشورمان در جنگ ۱۲ روزه علیه اسرائیل؟^۱

۳. وسیلهٔ سنجش زمان؟^۲

۴. لقب معروف امام هشتم؟^۳

۵. حرم شاهچراغ در کدام شهر است؟^۴

۶. درسی که از گذشتگان سخن می‌گوید؟^۵

سؤالات گل سوم:

۱. پیامبر مدفون در شهر شوش؟^۶

۲. پیامبری که آتش بر او گلستان شد؟^۷

۳. بزرگ‌ترین سورهٔ قرآن؟^۸

۴. آنچه خداوند در جسم انسان دمید؟^۹

۵. ورزش جهان‌پهلوان تختی؟^{۱۰}

۶. سوره‌ای از قرآن که «بسم‌الله» ندارد؟^{۱۱}

رفقای عزیز! حالا که با کمک هم به پرسش‌ها پاسخ دادیم، یک کار جذاب دیگر باقی مانده است و آن اینکه: در این سه گل، یک رمز نهفته وجود دارد که باید آن را پیدا کنیم. روش کار به این شکل است:

باید ابتدا حروفِ اولِ کلماتِ «گل ۱» را کنار هم بگذاریم. سپس حروفِ آخرِ کلماتِ «گل ۲» را به آن اضافه کنیم. و در نهایت، دوباره حروفِ اولِ کلماتِ «گل ۳» را به آن اضافه کنیم تا رمز کامل به دست آید.

۱. موشک.

۲. ساعت.

۳. رضا علیه السلام.

۴. شیراز.

۵. تاریخ.

۶. دانیال علیه السلام.

۷. ابراهیم علیه السلام.

۸. بقره.

۹. روح.

۱۰. کشتی.

۱۱. توبه.

حالا ببینیم کدام گروه می‌تواند زودتر رمز پنهان این سه گل را به دست آورد. آفرین دوستان خوبم! رمز ما: «از شما حرکت از خدا برکت» است. برای سلامتی خودتان و خانواده محترمتان یک صلوات بلند بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

رازهای امروز

عزیزانم! شاید خیلی از شما این جمله معروف را از بزرگان شنیده باشید که می‌گویند: «از شما حرکت، از خدا برکت».

خب، کدام یک از شما می‌تواند توضیح بدهد این جمله یعنی چه؟^۱ آفرین به همه دوستانی که کمک کردند، مشارکت داشتند و نظریات خوبی دادند. حالا بیا یاد کمی بیشتر درباره این ضرب‌المثل صحبت کنیم:

این جمله کوتاه، نکته‌ای بسیار مهم و راهگشا در زندگی هر انسان است: هیچ نتیجه‌ای بدون تلاش و کوشش به دست نمی‌آید. نمی‌توان انتظار داشت بدون کار و پشتکار به موفقیت رسید. برای مثال، شما نمی‌توانید بدون مطالعه و تمرین، انتظار نمره قبولی در امتحان داشته باشید. یا بدون تحمل سختی‌ها و پشت‌سرگذاشتن چالش‌ها، نمی‌توان در کنکور یا هر هدف بزرگ دیگری مانند برنده شدن در فوتبال یا والیبال موفق شد. موفقیت، محصول تلاش مداوم، صبر و پشتکار است و هرگامی که برای رسیدن به هدف‌تان برمی‌دارید، شما را به آن نزدیک‌تر می‌کند.

حالا رفقا! در جمله‌ای که به آن اشاره کردیم، کلمه «برکت» هم آمده است. چه کسی می‌تواند بگوید «برکت» یعنی چه؟^۲ بیا یاد با یک مثال آن را بهتر درک کنیم:

برکت مثل یک دانه گندم است. وقتی کشاورز دانه گندم را در خاک می‌کارد، خداوند مهربان با رحمت خود آن دانه را رشد می‌دهد و آن را تبدیل به خوشه‌ای پر از دانه‌های فراوان می‌کند. بنابراین، یک دانه گندم می‌تواند به هفت خوشه

۱. محترم از متریبان مشارکت بگیرید.

۲. از متریبان درباره معنای کلمه «برکت» مشارکت بگیرید.

تبدیل شود و اگر هر خوشه، ده دانه داشته باشد، در مجموع هفتاد دانه گندم به دست می‌آید.

حالاً رفقای عزیز! کدام یک از شما دوست دارد در همهٔ مسابقات پیروز باشد؟ آفرین به همهٔ شما خوبان! همان‌طور که گفتید، همهٔ ما دوست داریم در تمام مسابقات پیروز و موفق شویم. در واقع، زندگی انسان‌ها هم مثل یک مسابقه است. اگر دقت کرده باشید، در تمام کارهای روزمره‌مان همیشه به دنبال پیشرفت و بهتر شدن هستیم. خداوند متعال در قرآن کریم رمز پیروزی و پیشرفت ما را بیان کرده است. در سورهٔ عنکبوت، آیهٔ ۶۹ می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾؛ یعنی کسانی که در راه خدا تلاش و کوشش کنند، خداوند مسیر درست و موفقیت‌آمیز را به آن‌ها نشان می‌دهد و آن‌ها را راهنمایی می‌کند. پس دوستان خوب! برای رسیدن به هدف‌ها و موفقیت‌هایمان، لازم است هم تلاش کنیم و هم یقین داشته باشیم که خداوند ما را در مسیر رسیدن به هدف یاری می‌کند. درست مثل یک ورزشکار که با تمرین، همت و پشتکار به پیروزی می‌رسد، ما هم با تلاش زیاد و ایمان قوی می‌توانیم در زندگی پیشرفت کنیم و به خواسته‌هایمان برسیم.

خب رفقا! از آیه ۶۹ سوره عنکبوت که می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾، می‌توانیم چهار پیام^۱ کلیدی برای رسیدن به موفقیت در زندگی برداشت کنیم: پیام اول: تو اول گام بردار، خداوند تو را راهنمایی می‌کند. (جَاهِدُوا - لَنَهْدِيَنَّهُمْ)

دوستان عزیزم! برای اینکه خداوند به ما توجه ویژه داشته باشد، ابتدا خودمان باید تلاش کنیم. به قول معروف: «(از تو حرکت، از خدا برکت)». مثلاً وقتی که می‌خواهید در ورزش یا درسی پیشرفت کنید، اول باید تمرین و تلاش کنید، بعد نتیجه و پیشرفت را ببینید. خداوند هم می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾؛ یعنی اگر شما برای من قدم بردارید و کوشش کنید، من هم به شما کمک می‌کنم تا به هدف خود برسید. این یعنی تلاش شما و کمک خداوند باهم مسیر موفقیت را می‌سازند.

۱. محسن قرائتی، تفسیر نور، ذیل آیه ۶۹ سوره عنکبوت.

فرض کنید دوستان برای پیشرفت در درس هایش به کمک شما نیاز دارد، اگر شما به او کمک کنید، بعداً او هم وقتی شما نیاز داشته باشید کمکتان می‌کند. خداوند که بی‌نیاز و مهربان‌تر از همه است، اگر ببیند ما برای رضای او کار نیک انجام می‌دهیم، مثلاً به دوستان کمک می‌کنیم یا به پدر و مادر خود احترام می‌گذاریم و در کارهایشان کمکشان می‌کنیم، به ما توجه ویژه‌ای می‌کند و ما را در مسیر رسیدن به هدفمان کمک می‌کند.

پیام دوم: یک تلاش کوچک، برکت بزرگ به دنبال دارد. (جَاهِدُوا - لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلًا) رفقای خوب! گاهی یک کار کوچک که فقط برای رضای خدا باشد (مثل کمک به دیگران یا خواندن یک دعا) می‌تواند توجه ویژه پروردگار را به دنبال داشته باشد. خداوند آن تلاش کوچک را تبدیل به یک راه روشن، هموار و همیشگی می‌کند.

مثال: یک دانه را در نظر بگیرید؛ اگر آن را بکاری، با یک آبیاری ساده، تبدیل به درختی می‌شود که سال‌ها میوه می‌دهد. تلاش تو هم مثل همان دانه است؛ اگر با نیت خالص باشد، خدا آن را رشد می‌دهد.

یا مثلاً در انقلاب اسلامی ایران؛ مردم با انگیزه‌ای قوی و ایمانی خالص برای سرنگونی نظام شاهنشاهی به میدان آمدند و مجاهدت فراوانی کردند. این حرکت در آغاز، خیلی سخت بود؛ اما چون با نیت خالص و در مسیر حق انجام شد، خداوند نیز هدایت و برکت خود را بر آن افزود و آن تلاش را به جریانی زنده، پایدار و ماندگار تبدیل کرد. نتیجه این شد که مردم توانستند از زیر سلطه حکومتی دیکتاتوری و زورگوها شوند و به حکومتی مستقل و مردمی دست یابند و چون همه قدم‌های این قیام برای یاری دین خدا بود، حتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی هم خداوند بارها و بارها امدادهای غیبی خود را به ملت ایران نشان داد. مثلاً در ماجرای صحرای طبس، وقتی هواپیماهای آمریکایی شبانه وارد ایران شدند و قصد آزادکردن گروگان‌ها را داشتند، در مسیر خود برای سوخت‌گیری در صحرای طبس فرود آمدند. همان لحظه طوفان شدیدی به پا شد و هواپیماها سرنگون شدند؛ درحالی‌که مردم ایران در خواب بودند و از ماجرا خبر نداشتند.^۱ پس از این حادثه،

حضرت امام خمینی رحمته الله علیه فرمودند: «شن ها مأمور خدا بودند»^۱. این نمونه ها به خوبی نشان می دهد که حتی یک اقدام کوچک و صادقانه، اگر با نیت پاک و در مسیر درست انجام گیرد، می تواند باعث برکت شده و تغییرات بزرگ و سرنوشت سازی را در زندگی فردی و اجتماعی به وجود آورد. بنابراین، هیچ تلاشی، کوچک یا بی ارزش نیست؛ بلکه خداوند آن را می بیند و با برکت و راهنمایی خود آن را به ثمر می رساند.

پیام سوم: لازم نیست همه چیز را از اول بدانی! (جَاهِدُوا - لَتَهْدِيَهُمْ) رفقای خوب! برای شروع کارهای خوب، لازم نیست همه چیز را از قبل بدانیم یا همه جزئیات را بفهمیم. کافی است نیت پاکی داشته باشیم و با تلاش و پشتکار دنبال راه درست بگردیم، نه اینکه دست روی دست بگذاریم و منتظر بمانیم. وقتی خداوند تلاش و نیت صادق ما را ببیند، خودش قدم به قدم مسیر را جلوی پایمان می گذارد و راه را برایمان روشن می کند. به عنوان مثال: سید کاظم حسینی، هم رزم شهید عبدالحسین برونسی می گوید: قبل از عملیات رمضان در سال ۱۳۶۱، مأموریت از بین بردن تانک های ۷۲-T دشمن به تیپ هجده جوادالائمه علیه السلام واگذار شد. از میان نیروهای تیپ، گردان ما با فرماندهی شهید عبدالحسین برونسی، مسئول انجام این مأموریت شد.

شبانۀ از دشتی وسیع و پهناور به سمت موانع دشمن حرکت کردیم. ناگهان دشمن مانور زد و آتش سنگینی آغاز شد. با اینکه شرایط بسیار سخت و نابرابر بود، برونسی با آرامش فرمان داد که هیچ کس شلیک نکند تا دشمن تصور کند ما فقط یک گروه شناسایی هستیم. پس از حدود بیست دقیقه، حجم آتش دشمن کم شد. صبر و سکوت ما باعث شد تلفات مان بسیار کمتر از حد انتظار باشد.

ما در آن میدان گیر افتاده بودیم. عبدالحسین برونسی صورتش را روی خاک های نرم گذاشت و دقایقی در سکوت فرو رفت. سپس رو به من کرد و گفت: «سید کاظم! خوب گوش کن. خودت می روی جلو، نفر اول ستون. وقتی به سر ستون رسیدی، دقیق به سمت راست بچرخ و بیست و پنج قدم بشمار. همان جا علامتی بگذار، بعد برگرد و بچه ها را تا همان جا بیاور. وقتی به آن علامت رسیدید،

۱. صحیفه امام خمینی رحمته الله علیه، ج ۱۲، ص ۳۸۰.

این بار چهل متر به عمق دشمن برو. از آنجا به بعدش با من.)» با تأکید گفت:
(«دقیق بشماري ها!«)

دستورش را اجرا کردیم. سپس عبدالحسین به آرمی جی زن گردان، پیرمردی سالخورده، گفت: «به محض اینکه من تکبیر گفتم، شما ردّ انگشت مرا بگیرید و همان طرف شلیک کنید.» پیرمرد با تردید گفت: «حاج آقا، ما که چیزی نمی بینیم! کجا را بزنی؟» عبدالحسین پاسخ داد: «تو فقط همان طور که می گویم عمل کن.» با تکبیر او، پیرمرد شلیک کرد و گلوله دقیقاً به یکی از نفربرهای دشمن اصابت کرد. در همان لحظه رزمندگان حمله را آغاز کردند و عملیات با موفقیت انجام شد.

وقتی روز بعد از عملیات دوباره به همان منطقه رفتیم، تازه فهمیدیم چه اتفاقی افتاده است. درست در همان جایی که شب قبل بودیم، سیم خاردارهای حلقوی قرار داشت. اگر مستقیم جلو می رفتیم، حتماً گرفتار می شدیم. اما وقتی ۲۵ قدم به سمت راست رفته بودیم، دقیقاً به یک گذرگاه باریک رسیده بودیم؛ همان مسیری که شهید برونسی گفته بود. از آنجا هم وقتی ۴۰ متر به عمق دشمن پیشروی کرده بودیم، درست مقابل یک سنگر بزرگ قرار گرفته بودیم که بعدها فهمیدیم سنگر فرماندهی دشمن بوده است. آن نفربری هم که در ابتدای حمله هدف قرار دادیم، نفربر فرماندهی بود. بعداً معلوم شد که در همان سنگر، هشت یا نه نفر از فرماندهان دشمن کشته شده اند.

همان روز فهمیدیم که شهید برونسی در آن لحظات سخت و پراضطراب، به حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) متوسل شده بود و با لطف و عنایت ایشان توانسته بود در دل تاریکی شب، مسیر درست را پیدا کند.^۱

این داستان واقعی به ما می آموزد: «حتی وقتی مسیر و ابعاد کار روشن نیست، اگر گامی خالصانه برداریم و به خدا توکل کنیم، خداوند ما را در ادامه راه حمایت می کند و خطرها به بهترین شکل مدیریت می شوند» این دقیقاً همان معنای آیه قرآن است که می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾.

خب دوستان عزیزم، این سومین پیام از این آیه بود. حالا به نظر شما چند پیام دیگر باقی مانده است؟

۱. سعید عاکف، خاک های نرم کوشک، ص ۱۰۱-۱۱۶.



آفرین بر شما که با دقت گوش می‌دهید و حواستان جمع است. بله، درست است؛ این آیه پیام‌های بسیاری دارد اما از آنچه گفتیم فقط یک مورد باقی مانده است. پس برویم سراغ پیام چهارم.

پیام چهارم: آنچه به تلاش ارزش می‌دهد، اخلاص است. ﴿فینا﴾

رفقا، می‌دانید اخلاص چیست؟^۱

آفرین دوستان خوبم! اخلاص یعنی کاری را فقط برای رضای خدا انجام دادن، نه برای لایک و تحسین دیگران.

اخلاص، یعنی این که انسان کاری را تنها برای خدا انجام دهد و نیتش انجام وظیفه باشد؛ نه برای هوای نفس، پول، مقام، شهرت یا تعریف و تمجید دیگران. انسان مخلص، کاری را از روی حسادت، طمع، حرص یا زیاده‌خواهی انجام نمی‌دهد. وقتی کاری فقط برای خدا و با نیت درست انجام وظیفه صورت گیرد، نام آن «اخلاص» است.

مثلاً: تصور کن آخر کلاس است؛ همه دارند از کلاس بیرون می‌روند، تو می‌بینی چند تکه کاغذ روی زمین افتاده. بدون آنکه کسی متوجه شود، آرام آن‌ها را برمی‌داری و داخل سطل زباله می‌اندازی. اگر اخلاص در کارت نباشد، با صدای بلند به معلم می‌گویی: «ببینید! من دارم کلاس را تمیز می‌کنم!» تا تشویق شوی و از تو تعریف کنند. ولی اگر اخلاص داشته باشی، بی‌سروصدا کاغذها را جمع می‌کنی و داخل سطل می‌اندازی، بدون اینکه کسی بفهمد چه کرده‌ای. فقط خدا می‌داند.

دوستان خوبم! می‌خواهم برایتان داستانی از زندگی شهید خلبان عباس بابایی رحمه الله تعریف کنم؛ داستانی که نشان می‌دهد چگونه اخلاص و مهربانی در زندگی شهدا همیشه حضور دارد و می‌تواند برای ما هم الگوی خوبی باشد.

خواهر شهید عباس بابایی می‌گوید: بعد از شهادت عباس، خانمی گریان و نالان آمد و از ماجرای پرده برداشت که تا آن روز از آن بی‌خبر بودیم. او گفت:

سال ۱۳۴۱، من و همسرم سرایدار مدرسه‌ای بودیم که عباس آخرین

سال ابتدایی را در آن می‌گذراند. همسرم چند روزی به دلیل کمردرد

۱. می‌توانید از مترجمان برای معنای اخلاص مشارکت بگیرید.

توان انجام کارهای مدرسه را نداشت و من هم به تنهایی نمی توانستم هم مدرسه را تمیز کنم و هم کارهای منزل را انجام دهم. این وضعیت باعث شد مدیر چندبار همسرم را سرزنش کند، اما او با وجود درد و ناراحتی سکوت می کرد. ما نگران بودیم که مدیر، سرایدار دیگری استخدام کند و ما را از تنها اتاق کوچک مان بیرون کند.

یک روز صبح وقتی از خواب بیدار شدم، حیاط و کلاس ها تمیز شده و منبع ها پر از آب بود. تعجب کردم و از همسرم پرسیدم، اما او هم اطلاعی نداشت. تلاش کردیم بفهمیم چه کسی این کار را کرده، اما موفق نشدیم. صبح روز بعد، وقتی هوا هنوز کامل روشن نشده بود، یکی از شاگردان از دیوار بالا آمد و شروع به تمیز کردن حیاط کرد. جلوتر رفتم و متوجه شدم این دانش آموز عباس بابایی است. او با لباسی ساده و پاکیزه کار می کرد و وقتی مرا دید، سرش را پایین انداخت و سلام کرد. از او تشکر کردم و درحالی که اشک در چشمانم جمع شده بود به او گفتم دیگر این کار را تکرار نکنند، چون ممکن است پدر و مادرش از این کار آگاه شوند و از اینکه به جای درس خواندن، به نظافت مدرسه می پردازد، او را سرزنش کنند.

عباس پاسخ داد: «من که به شما کمک می کنم، خدا هم در درس خواندن به من کمک خواهد کرد.» با لبخندی آرام و معصوم ادامه داد: «اگر شما به پدر و مادرم نگوئید، آن ها از کجا خواهند فهمید؟» آن روز مثل روزهای دیگر گذشت، اما رفتار مهربانانه و با اخلاص عباس برای همیشه در ذهن ما ماند.^۱ دوستان خوبم! این یعنی اخلاص؛ یعنی کاری را تنها برای خداوند انجام دادن، نه برای تعریف و تمجید دیگران.

چالش و سرگرمی

خب رفقا، تا اینجا چهار نکته از آیه شریفه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» را بیان کردیم. حالا وقت چیست؟ آفرین! وقت بازی است. می خواهیم باهم یک بازی خوب و هیجان انگیز انجام بدهیم. آماده اید؟

۱. برگرفته از کتاب «پرواز تا بی نهایت»، انتشارات «سازمان عقیدتی، سیاسی ارتش»، ص ۲۰ و ۲۱.

رفقای گلم! بازی ای که امروز می خواهیم انجام بدهیم، بازی حدس کلمه^۱ است. من به سه نفر از دوستان نیاز دارم که بیایند پای تخته. چه کسی حاضر است بیاید؟

خب رفقا! روش بازی هم این طور است: من روی تخته به تعداد حروف کلمه ای که در ذهن دارم، چند خط می کشم.

— — — — —

شما سه نفر باید با گفتن حروف الفبا، تلاش کنید آن کلمه را حدس بزنید. اگر حرفی که گفتید در کلمه وجود داشت، من آن را در جای درستش روی خطها می نویسم. مثل این:

— — — — — ش — — — — —

اگر حرف درست نبود، آن را در پایین خطها می نویسم تا مشخص شود اشتباه بوده است. مانند این:

— — — — — ش — — — — —
ر

هر کسی که بتواند زودتر کلمه را کامل حدس بزند، برنده بازی خواهد بود! آفرین دوستان خوبم! کلمه مورد نظر «تلاش و کوشش» است.

دوستان خوبم! تلاش و کوشش یکی از مهم ترین رازهای موفقیت در هر زمینه ای است؛ چه در درس و مدرسه، چه در کار و زندگی و حتی در مسیر بندگی خدا. وقتی انسان تلاش می کند، درواقع دارد استعدادهای پنهان خودش را بیدار می کند. هیچ موفقیتی در دنیا بدون زحمت به دست نمی آید. حتی پیامبران و انسان های بزرگ هم با پشتکار، صبر و زحمت فراوان به مقام های بالا رسیدند.

۱. لطفاً سه نفر از دانش آموزان را طبق لیست کلاس انتخاب کرده و پای تخته دعوت کنید. سپس یک کلمه را در ذهن مشخص کنید و به تعداد حروف آن کلمه، روی تخته خط بکشید. از دانش آموزان منتخب بخواهید با گفتن حروف الفبا، کلمه را حدس بزنند. اگر حرف گفته شده در کلمه وجود داشت، آن را بالای خط مربوطه بنویسید. اگر حرف در کلمه وجود نداشت، آن را زیر خط ثبت کنید. هرکس پیش از کامل شدن تمام حروف توانست کلمه را حدس بزند، برنده بازی خواهد بود. کلمه ی پیشنهادی: «تلاش و کوشش».

خداوند هم در قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» یعنی انسان غیر از نتیجه تلاش خودش چیز دیگری به دست نمی‌آورد.

تمام ماجرا در یک نگاه

رفقای خوبم! بحث امروز ما درباره آیه ۶۹ سوره عنکبوت بود؛ جایی که خداوند می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا». پس آنچه امروز گفتیم، در چند نکته خلاصه می‌شود:

۱. هرکس تلاش و پشتکار داشته باشد، حتماً به نتیجه مطلوب دست خواهد یافت.

۲. اگر برای جلب رضای خداوند با جدیت و تلاش مضاعف قدم برداریم، خداوند نیز ما را در مسیر موفقیت یاری می‌کند و به همه راه‌های درست و سعادت بخش هدایت خواهد کرد.

۳. در بازی امروز دیدیم کسی توانست رمز را پیدا کند که برای یافتن آن تلاش بیشتری انجام داد.

تمرین هدفمند

عزیزانم! هرکدام از ما ممکن است بعضی رفتارها یا عادت‌هایی داشته باشیم که درست نیستند. بیایید باهم یک عادت منفی کوچکی مثل دیر خوابیدن، غیبت کردن، عصبانی شدن یا... را انتخاب کنیم و تصمیم بگیریم که برای یک هفته با آن مبارزه کنیم و سعی کنیم آن را تغییر دهیم. این تلاش کوچک، در واقع تمرین «جهاد با نفس» است. وقتی با خودمان و عادت‌های منفی مبارزه می‌کنیم، می‌توانیم دست هدایتگر خدا را در زندگی شخصی‌مان بهتر ببینیم.

لحظه آرامش

در پایان، دست‌هایمان را به سوی خدا بلند می‌کنیم و دعا می‌کنیم:

خدایا، فرج امام زمان علیه السلام را برسان؛ الهی آمین!

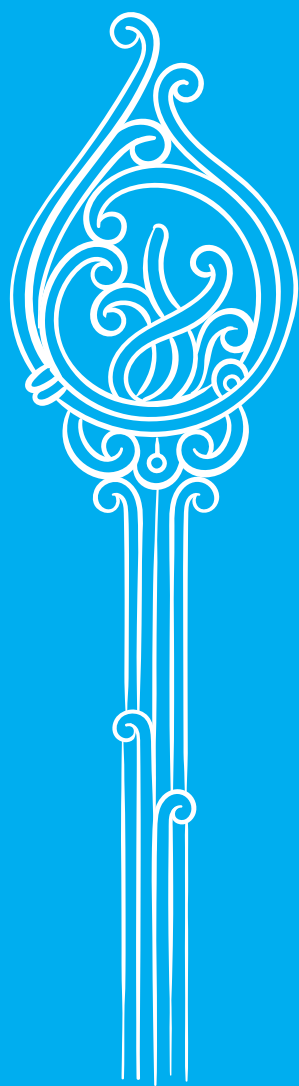
مقام معظم رهبری رحمته الله را حفظ و تأیید بفرما؛ الهی آمین!

اسلام و مسلمین را نصرت بفرما؛ الهی آمین!

توفیق درک وظیفه و انجامش را به ما عنایت کن؛ الهی آمین!
توفیق عمل خالصانه به ما عنایت کن؛ الهی آمین!
به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»





جلسه چهاردهم

با قدرت او، نشانه بزن

(کسی که ما را به هدف

می‌رساند، خداوند است)

﴿وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى﴾

سوره انفال، آیه ۱۷

[ای پیامبر!] هنگامی که به سوی دشمنان تیر پرتاب
کردی، تو پرتاب نکردی؛ بلکه خدا پرتاب کرد.



سُورَةُ الْاَنْفَالِ

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ
وَلَٰكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا
إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٧﴾ ذَٰلِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ
الْكَافِرِينَ ﴿١٨﴾ إِن تَسْتَفْتِ حُوفًا فَقَدْ جَاءَ كُفْرُ الْفَتْحِ وَإِن
تَنْتَهُوا فهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِن تَعُودُوا نَعُدْ وَلَن تُغْنِيَ عَنْكُمْ
فَيْتُكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٩﴾
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنَّهُ
وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ ﴿٢٠﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ
لَا يَسْمَعُونَ ﴿٢١﴾ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ
الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٢٢﴾ وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَّأَسْمَعَهُمْ
وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٢٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ
وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ يُؤَيِّدُ
مُخْشِرُونَ ﴿٢٤﴾ وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُضِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا
مِنْكُمْ خَاصَّةً وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢٥﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

باهم گپ بزیم

خدا نامش سرآغاز کلام است که از اسماء زیبایش سلام است
سلامی گرم و سرشار از کرامت که از فضل خدا باشد سلامت
سلام عزیزان! حالتان چطور است؟ امیدوارم همیشه سرحال و بانشاط
باشید و از هر ناراحتی دور بمانید. دوستان خوبم! آماده‌اید که امروز هم طبق
قرار قبلی، تلاوت آیات نورانی قرآن کریم را آغاز کنیم؟
بسیار عالی! یکی از دوستان عزیز، آیات ۱۷ تا ۲۰ سوره مبارکه انفال
را با صدای زیبا قرائت می‌کند و ما هم با دل و جان به این آیات الهی گوش
جان می‌سپاریم.^۱

خب عزیزانم! از تلاوت آیات نورانی قرآن حسابی لذت بردیم. ان شاء الله
خدای مهربان به همه ما توفیق بدهد که روزه‌روز بیشتر با قرآن کریم مأنوس
شویم؛ آیاتش را بیشتر بخوانیم؛ درباره معنا و پیام‌هایش بیشتر فکر کنیم و سعی
کنیم در زندگی مان به آن عمل کنیم، به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

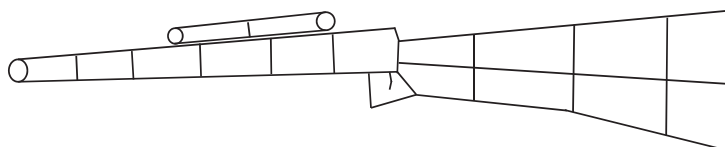
«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

گام اول

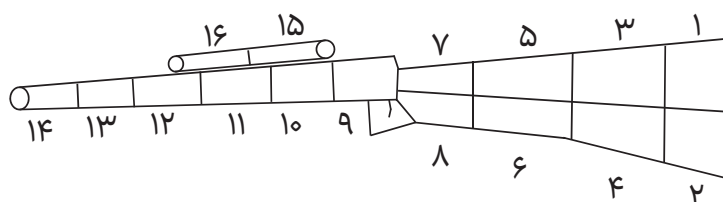
خب، دوستان عزیز! آماده‌اید برای یک بازی جذاب و هیجان‌انگیز؟ نام بازی ما
«بگرد و پیدا کن» است.

۱. مربیان گرامی توجه داشته باشند که ایده‌آل این است که متریان، آیات روزانه را تلاوت کنند
اما اگر نشد، بهتر است خود مربی قرائت کند و به‌هردلیلی اگر مربی نیز نتوانست، می‌تواند از
کلیپ‌ها و صوت مشاهیر این عرصه استفاده کرد.

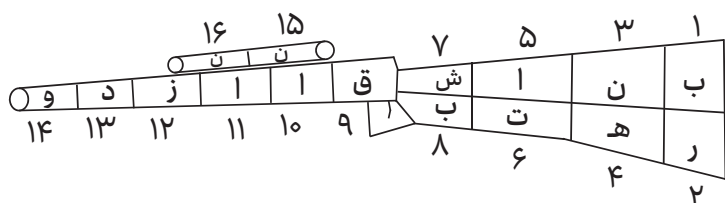
من روی تخته یک شکل می کشم.^۱ چه کسی می تواند حدس بزند شکلی که دارم می کشم، چه چیزی است؟



آفرین به شما دوستان خوبم! شکلی که من کشیدم، شکل یک اسلحه است. حالا بیایید با کمک هم، خانه های این اسلحه را شماره گذاری کنیم.



احسنت به شما عزیزان! واقعاً عالی پیش می روید و خیلی خوب همراهی می کنید. حالا دوستان خوبم! من درون این خانه هایی که باهم شماره گذاری کردیم، چند حرف می نویسم و قرار است با کمک هم از میان این حروف، یک رمز مخفی را پیدا کنیم.



در ابتدا، من حرف اول یعنی «ب» را خط می زنم و روی تخته می نویسم. بعد از آن، با کمک هم از خانه بعدی شروع می کنیم و چهارتا چهارتا جلو می رویم. به هر خانه ای

۱. مربیان گرامی، همان ابتدا که گام اول را آغاز می کنید، بلافاصله کشیدن طرح اسلحه را شروع کنید و در حین کشیدن، با مربیان صحبت کنید. یعنی هم زمان که خط ها را می کشید و شکل را کامل می کنید، با صدایی گرم و هدایت گر توضیح دهید چه کاری انجام می دهید و از مربیان سؤال بپرسید تا مشارکت آن ها را جلب کنید. مربی می تواند قبل از کلاس شکل تفنگ را به تعداد مربیان روی کاغذ چاپ کند تا در کلاس در اختیار آنها قرار دهد.

که رسیدیم، آن را خط می‌زنیم و حرفش را کنار سایر حروف روی تخته می‌نویسیم. همین‌طور بازی را ادامه می‌دهیم تا در پایان، به رمز مخفی این اسلحه برسیم. دوستان خوبم! قبل از اینکه بازی را ادامه بدهیم، دو نکته خیلی مهم را باید به شما بگویم:

اگر در انتهای اسلحه، تعداد خانه‌ها برای ادامه شمارش به عدد ۴ نرسید و مثلاً فقط ۳ خانه باقی مانده بود، باید دوباره به ابتدای اسلحه برگردید. در این مرحله، حرف دوم یعنی «ر» را خط بزنید و آن را کنار حروف قبلی روی تخته بنویسید. سپس شمارش را از خانه شماره ۳ شروع کنید تا بازی ادامه پیدا کند. حالا اگر باز هم به آخر جدول رسیدید و این بار فقط ۲ خانه باقی ماند، دوباره برگردید به ابتدای اسلحه، حرف سوم یعنی «ن» را خط بزنید، آن را کنار بقیه حروف روی تخته بنویسید و شمارش را از خانه شماره ۴ آغاز کنید. در پایان، اگر تنها یک خانه باقی مانده بود، باز هم به ابتدای اسلحه برگردید، حرف چهارم یعنی «ه» را خط بزنید و کنار حروف قبلی بنویسید. سپس شمارش را از خانه شماره ۵ شروع کنید و بازی را تا آخر ادامه دهید.

حروفی که در ابتدای اسلحه خط می‌خورند، در شمارش‌های بعدی دیگر حساب نمی‌شوند. مثلاً وقتی حرف اول را خط زدید و شمارش مرحله اول تمام شد، در مرحله بعد که برمی‌گردید و حرف دوم را خط می‌زنید، باید شمارش را از خانه شماره ۳ شروع کنید، نه از خانه ۱ یا ۲. اما حروفی که در مسیر شمارش خط خورده‌اند (مثل حرف «ا») در خانه شماره ۵ که در شمارش اول خط خورده، در شمارش‌های بعدی می‌توانند دوباره شمرده شوند.

خب، دوستان خوبم! حالا ببینم چه کسی زودتر دست بلند می‌کند و رمز جدول که موضوع درس امروز ماست را بیان می‌کند. آفرین دوستان خوبم! رمز ما: «با قدرت او، نشانه بزن» است.

دوستان عزیزم! امروز می‌خواهیم باهم درباره همین جمله کوتاه گفت‌وگو کنیم و ببینیم چه نکته‌های قشنگی در آن پنهان است. اما قبل از شروع، برای سلامتی خودتان، خانواده‌های مهربانتان و دوست کناری‌تان، یک صلوات بلند بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»



گنج درون آیه

دوستان خوبم! به نظر شما چه چیزی بیشترین نقش را در پیروزی یا شکست انسان‌ها دارد؟

آفرین! جواب‌هایی که دادید خوب بود؛ اما رفقا بیایید از زاویه‌ای دیگر به این موضوع نگاه کنیم. طبق آیه ۱۷ سوره انفال که می‌فرماید: «وَمَا رَمَيْتْ إِلَّا فِي عُجَازٍ وَكَيْفَ اللَّهُ رَزَقَهُ»^۱، بزرگ‌ترین عامل موفقیت انسان - چه در زندگی شخصی و چه در کارهای جمعی - خداوند متعال است.

درست است که انسان برای موفقیت تلاش می‌کند، زحمت می‌کشد و حتی در جنگ با دشمن می‌جنگد، اما همه این‌ها بدون کمک و توجه خداوند نتیجه نمی‌دهد. گاهی هم پیش می‌آید که انسان اصلاً فکرش را نمی‌کند که موفق شود، ولی به شکل عجیبی همان کار به بهترین نتیجه می‌رسد. موافقید یک مثال تاریخی بزنم تا موضوع روشن‌تر شود؟

در زمان جنگ تحمیلی، رژیم بعث عراق به ایران حمله کرد و خرمشهر را اشغال کرد. این اشغال ۱۹ ماه طول کشید. خیلی‌ها فکر می‌کردند که دیگر ایران نمی‌تواند خرمشهر را پس بگیرد، چون صدام سلاح و تجهیزات زیادی داشت. اما رزمندگان اسلام با اعتماد به خدا و قدرت ایمان، در عملیات بزرگ بیت المقدس، در سوم خرداد سال ۱۳۶۱، خرمشهر را آزاد کردند.

با این پیروزی، مردم به خیابان‌ها آمدند، شربت و شیرینی پخش کردند و با فرارسیدن شب، بر پشت بام‌ها ندای «الله اکبر»^۲ سردادند و رزمندگان نیز در مسجد جامع خرمشهر نماز شکر خواندند.^۱ امام خمینی رحمته الله علیه هم این پیروزی را یک معجزه می‌دانستند و فرمودند: «هوشیار باشید که پیروزی‌ها هرچند عظیم و حیرت‌انگیز است شما را از یاد خداوند که نصر و فتح در دست اوست غافل نکند و غرور و فتح شما را به خود جلب نکند.»^۲

دوستان خوبم! شاید برای شما هم پیش آمده باشد که برای چیزی، مثل مسابقه فوتبال یا والیبال یا حتی یک امتحان مهم، تمام تلاش خود را کرده و آمادگی لازم را داشته باشید، اما نتیجه‌ای که انتظار داشتید را نگیرید و پیروز

۱. محمد درودیان، خونین شهر تا خرمشهر، ص ۱۵۴.

۲. صحیفه امام، پیام امام خمینی رحمته الله علیه به مناسبت فتح خرمشهر، ج ۱۶، ص ۲۵۷-۲۵۹.



نشوید. شاید حتی حس کنید همه چیز را درست انجام داده‌اید، اما باز هم نتیجه مطابق انتظار شما نبوده است.

از طرف دیگر، ممکن است برای مسابقه یا امتحان آمادگی کامل نداشته باشید، ولی به شکلی که فکرش را هم نمی‌کنید، به نتیجه مطلوب برسید. این موضوع شاید برایتان کمی عجیب باشد، اما درواقع نشان می‌دهد که تلاش و کار ما تنها یک بخش از مسیر موفقیت است و نتیجه نهایی را خداوند رقم می‌زند. این مثال‌ها به ما می‌آموزد که تلاش و آموزش خوب ما مهم است، اما کسی که باعث می‌شود تلاش ما اثر بگذارد و به نتیجه برسد، خداوند است، نه انسان؛ حتی بهترین تلاش‌ها و صحبت‌ها هم بدون لطف خدا گاهی بی‌اثر می‌ماند.

رفقای خوبم! بنابراین، اگر می‌خواهید کارهایتان درست پیش برود و به نتیجه مطلوب برسید، باید به خداوند توکل کنید. یعنی تلاش خود را انجام دهید، آماده شوید، نکات را یاد بگیرید و مهارت‌هایتان را تقویت کنید، اما نتیجه کار را به خدا بسپارید و از او بخواهید که در مسیرتان شما را یاری کند و شما را به هدف مطلوب برساند. این مسئله دقیقاً همان پیام «(با قدرت او، نشانه بزن)» است؛ یعنی شما به قدرت خداوند تکیه کرده‌اید، به او توکل کرده‌اید، به او اعتماد کرده‌اید. با همین توکل به خدا و اعتماد به خدا هدف‌تان را نشانه گرفته‌اید و به سوی هدف حرکت می‌کنید.

خب رفقای عزیزم! بر اساس آیه ۱۷ سوره انفال که می‌فرماید: ﴿وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى﴾، گفتیم که بزرگ‌ترین عامل موفقیت انسان‌ها، خداوند متعال است. حالا به نظر شما چه نکات دیگری می‌شود از این آیه شریفه برداشت کرد؟^۱ درود بر شما! نکات خیلی خوبی گفتید. حالا بیایید باهم درباره چند نکته مهم از این آیه شریفه بیشتر باهم صحبت کنیم.

خداوند در این آیه می‌فرماید: ﴿وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى﴾ (بلکه خدا پرتاب کرد). نکته‌ای که می‌توان از این قسمت آیه برداشت کرد این است که: یکی از مهم‌ترین خطرهای پیروزی، غرور است و باید از آن جلوگیری کنیم. غرور یعنی اینکه خودت را بهتر از دیگران ببینی، فکر کنی که از آن‌ها خیلی بالاتر و بهتری. یک ضرب‌المثل قدسنگ هم داریم که می‌گوید: «(تافتۀ جدا بافته)»؛ یعنی شخص مغرور خودش را متفاوت، ممتاز و بالاتر از دیگران تصور می‌کند.

۱. مربی گرامی در اینجا از مترجمان مشارکت بگیرد.

پس رفقای عزیز، مهم‌ترین خطری که بعد از هر پیروزی انسان را تهدید می‌کند، غرور و تکبر است. گاهی انسان ممکن است به خودش، به توانایی‌هایش، حتی به وسایل و تجهیزاتش مغرور شود و بگوید: «این من بودم که پیروز شدم.» اما خداوند در این آیه می‌فرماید: ﴿وَمَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى﴾ یعنی: وقتی تیر یا سنگی به طرف دشمن پرتاب کردی، در حقیقت تو پرتاب نکردی، بلکه خدا بود که پرتاب کرد و تیر را به هدف رساند.

هدف از این آیه این است که مسلمانان بعد از پیروزی مغرور نشوند و بدانند که موفقیت واقعی از آن خداوند است، نه فقط از تلاش یا توانایی خودشان. این غرور و تکبر، کار دست مخلوقات خداوند می‌دهد. می‌دانید اولین کسی که به خاطر همین غرور و تکبر مجازات شد، چه کسی بود؟

احسنت به شما! اولین کسی که به خاطر غرور و تکبر مجازات شد، شیطان بود. چرا؟ وقتی خداوند به فرشتگان دستور داد به حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام سجده کنند، شیطان خیلی به خودش مغرور بود. او فکر می‌کرد چون خیلی عبادت کرده (شش هزار سال!)، از آدم خیلی مهم‌تر است. خداوند ابلیس را به خاطر سرکشی و طغیانگری مواخذه کرد و فرمود: چه چیز سبب شد که در برابر آدم سجده نکنی و فرمان مرا نادیده بگیری؟ او در پاسخ گفت: من از او به‌ترم. به دلیل اینکه مرا از آتش آفریده‌ای و او را از خاک و گل. و به همین خاطر، فرمان خدا را اطاعت نکرد و سجده نکرد.

رفقای عزیزم! جنگ بدر اولین نبرد مسلمانان بود. در این جنگ، جبرئیل بر پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شد و به ایشان گفت: «مُشْتِی از این خاک و سنگ‌ریزه به سوی دشمن پرتاب کن.» پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «مُشْتِی از خاک از زمین بردار و به من بده.» حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام چنین کرد و پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن خاک‌ها را به سوی مشرکان پرتاب نمود و فرمود: «رویتان زشت و سیاه باد!» این کار اثر معجزه‌آسایی داشت؛ خاک و سنگ‌ریزه‌ها در چشم و دهان و بینی دشمنان فرو رفت و دچار ترس و وحشت عجیبی شدند. پس از آن، مسلمانان با شجاعت حمله کردند و بسیاری از مشرکان را کشته یا اسیر کردند. در نتیجه، سپاه دشمن شکست سختی خورد و بعد از آن، آیه ﴿وَمَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى﴾ نازل شد.^۱

جالب است بدانید: در این جنگ بدر، سپاه اسلام تنها ۳۱۳ نفر نیرو داشت، این در حالی بود که سپاه دشمن بیش از دو هزار نفر بودند. در بین مسلمانان فقط دو نفر اسب داشتند، اما در لشکر دشمن صد اسب وجود داشت!^۱ با این حال، مسلمانان با وجود کمی امکانات، چون به خدا توکل کردند و از او کمک خواستند، توانستند با امداد الهی پیروز شوند.

اما در جنگ اُحد، به دلیل توکل نکردن به خدا و غرور برخی از مسلمانان از پیروزی در جنگ بدر و به خاطر ضعف ایمان بعضی‌ها، نتیجه برعکس شد و مسلمانان شکست خوردند.

دوستان عزیز! از ابتدای اسلام تا امروز، دشمنان اسلام معمولاً به توانایی‌های مادی خود دل خوش می‌کنند؛ مانند پول، امکانات، تجهیزات نظامی، تعداد نیروها و حتی حمایت کشورهای متفق با خود. این عوامل گاهی باعث غرور و خودبزرگ‌بینی آن‌ها می‌شود. اما مسلمانان با تکیه بر قدرت بی‌پایان خداوند و به‌کارگرفتن تمام تلاش و استعدادها، از یاری خداوند برخوردار می‌شوند. در نتیجه، دیده می‌شود که قدرت‌های دنیایی با تمام پول، صنعت، فناوری پیشرفته و با تمام پیشرفت‌های علمی‌شان، نمی‌توانند با جمعیتی که ایمان، تلاش، همت و فداکاری را معیار کار خود قرار داده است، مقابله کنند. چرا؟ زیرا مسلمانان این کمک‌ها را هدیه و عنایت خداوند می‌دانند، نه اینکه با غرور بگویند: «این پیروزی‌ها حاصل تلاش خود ماست». به همین دلیل است که ما ایرانیان، با توکل بر خداوند، در جنگ با دشمنانی مثل اسرائیل و آمریکا، با اینکه این کشورها امکانات و تجهیزات بیشتری دارند، پیروز می‌شویم و دست برتر را داریم. ما این پیروزی را هدیه و عنایت خداوند می‌دانیم، نه صرفاً نتیجه تلاش‌های مادی خودمان.

نه تنها ما ایرانیان، بلکه تمام مسلمانان جهان، به‌ویژه مردم فلسطین، با کمترین امکانات در برابر زورگویان جهان مثل آمریکا و اسرائیل ایستاده‌اند و مقاومت می‌کنند. قطعاً خداوند هم یاری‌شان می‌کند و به آن‌ها توان و قدرت می‌دهد تا بتوانند در برابر ظلم و ستم پایدار بمانند.

رفقا، در زندگی، اولین نکته این است که برای رسیدن به اهدافمان به خداوند توکل کنیم؛ یعنی قبل از هر چیز، از خدا بخواهیم در مسیر رسیدن به هدف، ما را



همراهی کند و به ما کمک کند. این توکل یعنی دلمان آرام باشد، نترسیم و بدانیم که خداوند همیشه پشتیبان ماست.

دومین نکته این است که وقتی به هدف خود رسیدیم و موفق شدیم، این موفقیت را نتیجه لطف و توجه خداوند بدانیم و شکرگزار او باشیم. یعنی نگوئیم: «همه کار خودم بود!» بلکه بگوییم: «خدا کمک کرد و توانستم به هدفم برسم.» مثلاً فرض کنید: یکی از شما می‌خواهد دکتر، خلبان، مهندس یا حتی فوتبالیست حرفه‌ای شود. اول باید به خدا توکل کند و از او کمک بخواهد. وقتی تلاش کرد و موفق شد، باید بادل و زبان شکرگزاری کند، چون بدون لطف خدا، هیچ موفقیتی به دست نمی‌آید.

خب دوستان، یک سؤال جالب ممکن است از این آیه به ذهنتان برسد و فکرتان را درگیر کند. در این آیه خداوند به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: ﴿وَمَا رَمَيْتُ إِذْ رَمَيْتُ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى﴾ (تیر را تو پرتاب نکردی، بلکه خدا پرتاب کرد!)

حالا ممکن است بپرسید: «مگر خدا به انسان اختیار نداده؟ پس چرا در این آیه می‌گوید تو پرتاب نکردی بلکه خدا پرتاب کرد؟ یعنی انسان هیچ اختیاری ندارد و همه کارها را خدا انجام می‌دهد؟»

به نظر شما این حرف درست است یا نه؟ چرا؟
آفرین بر شما که نظرتان را گفتید!

بگذارید من کمی بیشتر توضیح بدهم: دوستان خوبم! خداوند به انسان اختیار و اراده داده است، یعنی هرکس کارهایش را با تصمیم و خواست خودش انجام می‌دهد. مثلاً یک کشاورز را در نظر بگیرید؛ او با اختیار خودش بذر گندم را در زمین می‌کارد. پس درست است اگر بگوییم کاشتن بذر را کشاورز انجام داده است. اما از طرفی، نیرویی که کشاورز با آن کار می‌کند، از کجاست؟ قدرت دست و جان و فکرش را چه کسی به او داده؟ و چه کسی باعث می‌شود دانه در زمین رشد کند و خوشه بدهد؟

آفرین به شما خوبان. خداوند این نیرو را در کشاورز قرار داده است و خداوند باعث رشد دانه می‌شود. پس درست است که کشاورز کار را انجام می‌دهد، اما قدرت انجام دادن و نتیجه آن از خداست. به همین دلیل است که در قرآن می‌فرماید:

۱. مربیان عزیز باید ابتدا نظرات متریبان را بشنوند و سپس به ادامه بحث بپردازند.



﴿وَمَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى﴾ تو پرتاب نکردی، بلکه خدا پرتاب کرد. یعنی پیامبر ﷺ تیر را با اختیار خودش پرتاب کرد، ولی اثر واقعی آن تیر از قدرت خدا بود. یک مثال دیگر بزنم برایتان: فرض کنید همراه پدرتان به بازار رفته‌اید تا چیزی بخرید. شما با اختیار خودتان آن وسیله‌ای را که می‌خواهید انتخاب می‌کنید؛ مثلاً یک توپ یا یک کتاب. اما آیا فقط انتخاب شما برای خرید کافی است؟ نه! تا وقتی پدرتان خرید را تأیید نکند و کارت نکشد، خریدی انجام نمی‌شود. درواقع، انتخاب از طرف شماست، اما انجام شدن خرید، بدون اجازه و کمک پدرتان ممکن نیست. در رابطه‌ی ما با خداوند هم همین‌طور است. انسان با اختیار خودش کاری را انجام می‌دهد، اما کسی که به این کار اثر می‌بخشد و آن را به نتیجه می‌رساند، خداوند متعال است، نه خود شخص.

دوستان عزیزم! این نکته را نیز باید بدانیم که گاهی ما هدفی را در نظر می‌گیریم، اما خداوند مسیر دیگری را برای رسیدن به هدف تعیین می‌کند و بعداً متوجه می‌شویم که انتخاب ما اشتباه بوده است. مثلاً در عملیات فتح‌المبین، گردان حبیب به فرماندهی شهید محسن وزوایی رحمه الله مسیر خودش را گم کرد. در نگاه اول، این گم شدن به عنوان یک اشتباه تاکتیکی به نظر می‌رسید، اما بعد مشخص شد که این گم شدن و تأخیر در اجرای عملیات، دشمن را به اشتباه انداخت. آن‌ها تصور کردند ایرانیان از عملیات منصرف شده و از آمادگی خارج شده‌اند و همین باعث شد که دشمن غافلگیر شده و شکست بخورد.^۱

وقت شادی

خب دوستان خوبم! بیایید یک بازی جذاب باهم انجام دهیم. اسم این بازی «کارت‌های پی‌درپی» است و قرار است آن را در چند مرحله انجام بدهیم. قبل از شروع بازی، باید ۶ نفر را انتخاب کنم. می‌دانید چطور؟ خیلی ساده! من شش سؤال می‌پرسم و هرکدام از شما که جواب درست بدهد، جزو افراد انتخابی برای اجرای مسابقه خواهد بود.

۱. شیرازی، حجت، اطلس لشکر ۲۷ محمد رسول الله ﷺ، ص ۴۸ و ۷۲؛ برای مطالعه نیز می‌توان از مقاله «فرمانده ای مثل ما» استفاده کرد.

خب، برای پرسش و پاسخ آماده‌اید؟^۱

آفرین به شما!

۱. هزار چند نقطه دارد؟^۲

۲. فردی با دو ساعت از تهران به برزیل رفته، چطوری رفته؟^۳

۳. کلید قبولی اعمال؟^۴

۴. مرز بین کفر و ایمان؟^۵

۵. کلید نماز؟^۶

۶. روز چیست؟ (روی «ز»)^۷

آفرین بر شما عزیزان باهوش! حالا شما شش نفر جلو بیایید و پای تخته بایستید تا باهم یک بازی جذاب و پرهیجان را شروع کنیم.

مرحله اول

دوستان خوبم! ما اینجا شش کارت ویژه داریم. هر کارت شامل یک بخش از متن یا جمله‌ای مهم است.

ای پیامبر	هنگامی که به سوی	دشمنان	تیر پرتاب کردی
تو پرتاب نکردی	بلکه خدا پرتاب کرد.		

الان، کارت‌ها را به صورت شانسی و تصادفی بین شما تقسیم می‌کنم. پس از اعلام من، تنها ۳۰ ثانیه مهلت دارید تا تمام محتوای کارت خود را با حداکثر دقت به خاطر بسپارید.

۱. در اینجا مربی گرامی از متربیان مشارکت می‌گیرد.

۲. یک.

۳. دو ساعت به معش بسته است.

۴. نماز.

۵. ترک نماز.

۶. وضو.

۷. نقطه.

مرحله دوم

حالا کارت‌ها را از شما می‌گیرم و نامرتب می‌کنم. سپس کارت‌ها را دوباره بین شما پخش می‌کنم. با اعلام من، فقط ۲۵ ثانیه فرصت دارید تا کارت مخصوص خودتان را که در دست دیگری است را پیدا کنید و آن را تحویل بگیرید.

مرحله سوم

در این مرحله، کار سخت‌تر و هیجان‌انگیزتر می‌شود! شما تنها ۱۵ ثانیه فرصت دارید تا با جابه‌جایی خود و هماهنگی با سایر دوستانتان، جمله را کامل کنید و به درستی کنار هم قرار دهید. به نظر شما جمله مورد نظر چیست؟
آفرین به شما دوستان خوب! شما توانستید جمله‌ای که ترجمه آیه **﴿وَمَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى﴾** است را به درستی پیدا کنید و کنار هم قرار دهید. حالا با صدای بلند آن را برای دوستانتان بخوانید تا همه باهم از این جمله ارزشمند بهره‌مند شویم.

چکیده ماجرا

رفقا، امروز از آیه مبارکه **﴿وَمَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى﴾** سه نکته مهم و اساسی برداشت کردیم:

۱. این آیه به ما می‌آموزد که تلاش انسان مهم است، اما موفقیت واقعی تنها با لطف و یاری خداوند به دست می‌آید. انسان باید تلاش کند، ولی نتیجه را به خدا بسپارد؛ **﴿وَمَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى﴾**.
۲. یکی از خطرهای بزرگ بعد از موفقیت، غرور و خودبزرگ‌بینی است. همان‌طور که خداوند هشدار می‌دهد، نباید فکر کنیم پیروزی‌ها فقط نتیجه توانایی و تلاش خودمان است. همه موفقیت‌ها در اصل از جانب خداوند است و باید شکرگزار او بود؛ **﴿وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى﴾**.
۳. انسان دارای اختیار است و کارهایش را آگاهانه انجام می‌دهد، اما قدرت و نتیجه واقعی از خداست. مثل کشاورزی که دانه می‌کارد ولی رویش آن به دست خداست، یا فرزندی که در خرید تصمیم می‌گیرد ولی پرداخت نهایی با پدر است. پس انسان می‌کارد و خدا می‌رویانند؛ **﴿وَمَا رَمَيْتْ - وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى﴾**.

مأموریت

دوستان خوبم! با توجه به موضوع امروزمان یعنی «با قدرت او، نشانه بزن» با محوریت آیه شریفه «وَمَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى» از شما می‌خواهم یکی از کارهای زیر را انجام دهید و در جلسه بعد به کلاس بیاورید:

۱. یک داستان کوتاه و جذاب در رابطه با همین موضوع «با قدرت او، نشانه بزن» بنویسید. مثلاً می‌توانید از اتفاقات واقعی زندگی خودتان استفاده کنید، یا اینکه خودتان یک داستان جذاب خیالی بنویسید.
۲. این آیه علاوه بر پیام‌هایی که تا الان درباره‌شان صحبت کردیم، پیام‌های دیگری هم دارد. حالا شما یک پیام دیگر از این آیه را بنویسید و توضیح دهید و با خود به کلاس بیاورید.

زمزمه نور

خدایا، به ما یاد بده در هرکاری بر تو توکل کنیم و بدانیم که بدون لطف تو هیچ موفقیتی ممکن نیست؛ الهی آمین!

خدایا، تلاش‌های کوچک ما را با لطف و قدرت بی‌پایانت به نتیجه برسان و کاری کن که کارهای ما مورد رضای تو باشد؛ الهی آمین!

خدایا، فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه را برسان و ما را از یاران واقعی او قرار بده؛ الهی آمین!

خدایا، به رهبر عزیزمان عمر طولانی و پربرکت عطا کن؛ الهی آمین!

خدایا، انقلاب ما را به انقلاب جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه متصل کن؛ الهی آمین!

به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه

جلسه پانزدهم

محال، ممکن شد!

(وقتی خدا وارد معادله شود،

نتیجه تغییر می‌کند)

﴿وَإِنْ جُنَدْنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ﴾

سوره صافات، آیه ۱۷۳

و بی شک و بدون تردید، فقط لشکر ما پیروزند.



سُورَةُ الصَّافَّاتِ

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿١٥٤﴾ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٥﴾ أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُبِينٌ ﴿١٥٦﴾
 فَاتُّوا بِكُتُبِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٥٧﴾ وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ
 نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٥٨﴾ سُبْحَنَ اللَّهُ عَمَّا
 يُصِفُونَ ﴿١٥٩﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿١٦٠﴾ فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ ﴿١٦١﴾
 مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفِتْنَيْنِ ﴿١٦٢﴾ إِلَّا مَنْ هُوَ صَالٍ الْجَحِيمِ ﴿١٦٣﴾ وَمَا مِنَّا إِلَّا
 لَهُ وَمَقَامٌ مَعْلُومٌ ﴿١٦٤﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ ﴿١٦٥﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ ﴿١٦٦﴾
 وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُونَ ﴿١٦٧﴾ لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِّنَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٦٨﴾ لَكُنَّا
 عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿١٦٩﴾ فَكْفُرُوا بِهِ ۖ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿١٧٠﴾ وَلَقَدْ
 سَبَقَتْ كِمْتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ ﴿١٧١﴾ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ ﴿١٧٢﴾
 وَإِن جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿١٧٣﴾ فَقَوْلَ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿١٧٤﴾ وَأَبْصُرْهُمْ
 فَسَوْفَ يُبْصَرُونَ ﴿١٧٥﴾ أَفِعْذَابُنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿١٧٦﴾ فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ
 فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ ﴿١٧٧﴾ وَقَوْلَ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿١٧٨﴾ وَأَبْصُرْ
 فَسَوْفَ يُبْصَرُونَ ﴿١٧٩﴾ سُبْحَنَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿١٨٠﴾
 وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ﴿١٨١﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٨٢﴾

سُورَةُ الصَّافَّاتِ



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

زیباترین باب کلام

سخن را ابتدا ذکر سلام است که این زیباترین باب کلام است همان ذکرى که باشد نام الله خداوندی که نامش فیض عام است سلام رفقای عزیز! حالتان چطور است؟ خوبید؟ امیدوارم حال دلتان مثل همیشه خوب و باصفا باشد.

به رسم برنامه شیرین، معنوی و روزانه برویم سر سفره هدیه الهی بنشینیم و برنامه و کلاس امروزمان را هم با قرآن شروع کنیم. خدای متعال را شاکریم که این ماه عزیز را درک کردیم، امروز هم می خواهیم یکی از دوستان آیات ۱۷۱ تا ۱۸۲ سوره صافات را برایمان قرائت بفرماید.^۱

ممنون و سپاسگزاریم از دوست عزیزمان با قرائت زیبایی که داشتند. الهی که سراسر زندگی تان قرآنی باشد. برای آرامش قلب نازنین امام زمان عجل الله تعالی فرجه صلواتی بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

سؤالات تأمل برانگیز

رفقای قرآنی! چندتا سؤال جدی دارم. بیا ببینیم فرض کنیم در یک نبرد تن به تن، مثل جنگ های قدیم، دو لشکر روبه روی هم ایستاده اند.

سؤال ۱: یک طرف فقط ۳۰۰ نفر هستند. طرف دیگر، ۱۰۰۰ جنگجوی کاملاً

۱. مربیان گرامی توجه داشته باشند که ایده آل این است که متربیان، آیات روزانه را تلاوت کنند اما اگر نشد، بهتر است خود مربی قرائت کند و به هر دلیلی اگر مربی نیز نتوانست، می تواند از کلیپ ها و صوت مشاهیر این عرصه استفاده کرد.

مجهز با سلاح‌های پیشرفته. به نظر شما، از نظر منطق ریاضی و نظامی، کدام طرف پیروز می‌شود؟^۱

سؤال ۲: تا حالا پیش آمده بخواهید یک کار خوب، یک پویش اینترنتی یا یک برنامه فرهنگی راه بیندازید، اما وقتی نگاه کرده‌اید به اطرافتان، دیده‌اید فقط ده، پانزده نفر هستید و بقیه یا بی تفاوت‌اند یا حتی مسخره‌تان می‌کنند؟ آن وقت احساس ناامیدی کرده‌اید؟

سؤال ۳: تا حالا شده در مدرسه، محله یا بین دوستان، شاهد یک ناحقی باشید؛ مثلاً به یک دانش‌آموز یا یک دوست زور بگویند، اما به خاطر اینکه تعدادتان کم است و می‌ترسید نتیجه نگیرید یا مسخره شوید، سکوت کرده باشید و از کنارش گذشته باشید؟

پس می‌بینیم که در خیلی از مواقع، کم‌بودن تعداد و احساس تنهایی می‌تواند ما را بترساند، ناامیدمان کند، حتی باعث شود از حق دفاع نکنیم. اما حالا می‌خواهیم ببینیم که آیا همیشه این منطق درست است؟ هرکس آماده است که برویم سراغ یک حقیقت که این نگاه را کاملاً زیر سؤال می‌برد یک صلوات بفرستد.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

از بازی تا حقیقت

رفقا! برای اینکه آن حقیقت را کشف کنیم بیایید با یکدیگر یک مسابقه‌ای را اجرا کنیم. به سؤالاتی که می‌پرسم جواب بدهید تا حقیقت را کشف کنیم.

رفقای سمت چپ کلاس یک گروه هستند و دوستان سمت راست یک گروه دیگر. حالا هر گروه یک نماینده بفرستد تا جدول را پر کند. یازده سؤال داریم؛ من از هر گروه پنج سؤال می‌پرسم و نماینده هر گروه باید با مشورت دوستان هم‌گروهی پاسخ را در جدول بنویسد. یک سؤال هم باقی می‌ماند که خودم جوابش را می‌دهم.

۱. مربیان گرامی اجازه بدهید چند نفر پاسخ دهند. بی شک اکثراً می‌گویند: ۱۰۰۰ نفر.

۱			
۲			
۳			
۴			
۵			
۶			
۷			
۸			
۹			
۱۰			
۱۱			

۱. راه ورود به خانه؟ (درب)

۲. زمان قانونی بازی فوتبال؟ (نود)

۳. ترور بدون پایان؟ (ترو)

۴. حسین بی سر؟ (سین)

۵. وقتی یک نفر همه چیز را زود می فهمد او چه چیزی دارد؟ (هوش)

۶. شهری نزدیک سیستان که به زبان بلوچی به معنای یچه است؟ (زَهک)^۱

۷. کلمه ای که در قرآن برای تهدید گنهکاران به معنای (وای) آمده است؟ (ویل)

۸. مویی که بر صورت مردان می روید؟ (ریش)

۹. قطعات جایگزین وسایل نقلیه؟ (یدک)

۱۰. متضاد جوان؟ (پیر)

۱۱. نام یکی از زیباترین باغ های تاریخی شیراز؟ (ارم)

۱. مربیان گرامی توجه داشته باشند که چون ممکن است این سؤال را هرکسی نتواند جواب دهد، لذا می توانید خودتان جواب را بیان کنید.

۱	د	ر	ب
۲	ن	و	د
۳	ت	ر	و
۴	س	ی	ن
۵	ه	و	ش
۶	ز	ه	ک
۷	و	ی	ل
۸	ر	ی	ش
۹	ی	د	ک
۱۰	پ	ی	ر
۱۱	ا	ر	م

حالا ابتدا حروف ستون سوم از بالا به پایین و بعد حروف ستون اول از پایین به بالا را بنویسید تا رمز جدول به دست بیاید و موضوع کلاس ما مشخص شود. احسنت بر شما! رمز جدول ما هست: «بدون شک لشکر ما پیروز هستند.» می‌دانستید این رمز جدول، ترجمه یک آیه از آیات قرآن است؟ کسی می‌تواند بگوید چه آیه‌ای است؟

آفرین! آیه ۱۷۳ صافات ﴿وَإِنْ جُنَدْنَا لَهُمُ الْعَالِيُونَ﴾ این جمله‌ای بسیار کوتاه و قدرتمند است؛ ترجمه آن می‌شود: و لشکر ما پیروزند؛ خداوند در این آیه پیروزی قطعی برای لشکریان اسلام را بشارت می‌دهد و این جزو سنت‌های الهی است. سؤالاتی را که اول کلاس پرسیدم یادتان است؟ همه گفتید ۱۰۰۰ نفر قطعاً بر ۳۰۰ نفر غالب خواهند شد؛ اما در تاریخ ۱۷ رمضان سال دوم هجری اتفاق دیگری افتاد.^۱

مکه دیگر جای امنی نبود. مسلمانان زیر شکنجه و تمسخر مشرکان قریش، نفس‌های آخر را می‌کشیدند. پیامبر ﷺ فرمان هجرت داد؛ آن‌ها شبانه، خانه و اموالشان را رها کردند و به مدینه رفتند. اما قریش دست‌بردار نبود: تمام اموال مسلمانان را غصب کردند. نقشه کشیدند تا کاروان‌های تجاری ثروتمندشان، اقتصاد مدینه را درهم بشکنند.

خبر رسید کاروان بزرگی از قریش، به رهبری ابوسفیان، با ثروتی فراوان - که بخشی از آن متعلق به مسلمانان بود - از شام به سوی مکه بازمی‌گردد. پیامبر اکرم ﷺ تنها با ۳۱۳ نفر، که بیشتر آنان جوانانی کم‌سن و سال و با امکانات محدود بودند، برای بازپس‌گیری اموال مسلمانان حرکت کردند. هدف، تصرف کاروان بود، نه درگیری.

ابوسفیان با خبر شد و کاروان را از مسیر اصلی منحرف کرد. در مکه، ابوجهل نماد کینه و غرور، لشکری هزار نفره جمع کرد؛ مجهز به زره، اسب و شمشیرهای براق. آن‌ها می‌خواستند اسلام را برای همیشه نابود کنند.

دو سپاه در صحرای بدر روبه‌رو شدند. از یک سو، جوانانی با ایمان آهنین، از سوی دیگر هم‌مردانی با سلاح‌های درخشان اما دل‌های تیره. پیش از شروع جنگ، پهلوانان دو طرف، برای مبارزه تن‌به‌تن به میدان آمدند. از صف مسلمانان، سه نفر پیش قدم شدند؛ حمزه (عموی پیامبر)، شجاع و خروشان؛ حضرت علی علیه السلام، جوان، دلاور و با شمشیر برنده، عبیده بن حارث، استوار و مقاوم. نبردشان نفس‌گیر بود. پهلوانان نامدار قریش را شکست دادند. فریاد شادی مسلمانان در صحرا پیچید. نبرد اصلی آغاز شد. مسلمانان مانند کوه استوار بودند. چون در شب قبل باران آمده بود، زمین زیرپای لشکر قریش را سست کرده بود و باد، شن‌ها را به چشم دشمن می‌ریخت. ابوجهل فریاد می‌زد: «بکشیدشان!» اما اراده آهنین مسلمانان شکست‌ناپذیر بود.

غروب شد. نتیجه باورکردنی نبود. منطق ریاضی شکست خورد. چرا؟ چون یک عامل دیگر در معادله حضور داشت: نصرت الهی. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ﴾^۱ و خداوند در جنگ بدر شما را یاری کرد، در حالی که

۱. آل عمران، ۱۲۳.

از نظر تعداد و تجهیزات کم بودید. لشکر ۱۰۰۰ نفره قریش فرار کرد؛ ابوجهل و ده‌ها تن از سران کفر کشته شدند؛ ولشکر مسلمانان ۱۴ شهید تقدیم اسلام کرد. این یک پیروزی نبود؛ یک معجزه بود.

رفقای عزیزم! داستان بدر ثابت کرد که ایمان، از هزار شمشیر بُرنده قوی‌تر است. هرگاه برای حق بجنگی، جهان با تو متحد می‌شود. این داستان به ما یاد می‌دهد که غرور، بزرگ‌ترین دشمن انسان است.

حالا تصور کنید: اگر در مدرسه فقط ۵ نفر باشیم که می‌خواهیم یک کار خیر مثل کمک به یک دانش‌آموز نیازمند را سازماندهی کنیم، در مقابل ۲۰۰ نفر که بی تفاوت هستند، آیا شکست می‌خوریم؟ اگر در فضای مجازی، تنها ده نفر به دفاع از حقیقت بپردازیم در حالی که هزاران نفر مشغول شایعه‌پراکنی‌اند، آیا باید سکوت کنیم؟ قطعاً خیر؛ چرا؟ چون قرآن می‌فرماید: ﴿وَإِنْ جُنَدْنَا لَهُمُ الْعَالِيُونَ﴾.

رفقا این یک وعده الهی است. یک قانون ثابت در جهان: پیروزی به تعداد نفرات و تجهیزات پیشرفته نیست. پیروزی از آن کسی است که جزو جُنْدُ اللَّهِ (سپاه خدا) باشد. حالا برای اینکه ما جزو جُنْدُ اللَّهِ باشیم، باید از چه ابزار و راهکارهایی استفاده کنیم؟^۱

مهم‌ترین سلاح!

۱. خودسازی: تصور کنید شما یک فوتبالیست هستید و قرار است برای مسابقات جام جهانی آماده شوید، یکی از تمریناتی که انجام می‌دهید چیست؟^۲

احسنت! همه مواردی که گفتید درست است. یکی از تمرین‌هایی که انجام می‌دهیم - و شما هم به آن اشاره کردید - آماده‌سازی تنفسی و آمادگی بدنی برای مسابقات است. برای اینکه در میدان اصلی کم نیاوریم؛ مثلاً مربی به شما می‌گوید مقداری آب در دهان نگه دارید و برای دقایقی بدوید؛ با این تمرین، عملاً سیستم تنفسی و بدن خود را آماده می‌کنید تا در مسابقه، استقامت بیشتری داشته باشید. حالا به نظر شما، آیا برای نبرد با دشمنان دین و پرورش روح خود

۱. مربیان گرامی در اینجا از کلاس مشارکت بگیرید.

۲. مربیان گرامی از مربیان مشارکت بگیرید.

به تمرین و خودسازی نیاز نداریم؟ قطعاً نیاز داریم. یکی از ابزارهای مهمی که ما را کمک می‌کند تا جزو حزب‌الله شویم و در مبارزه با باطل پیروز گردیم، مبارزه با نفس و خودسازی است.

می‌خواهم خاطره‌ای را برایتان بگویم که آقامحسن نوری، رفیق شهید «احمد علی نیری»، از این شهید بزرگوار نقل می‌کند:

روزی از احمد پرسیدم: «احمد، من و تو از بچگی همیشه باهم بودیم، اما در این چند سال اخیر تو چقدر رشد معنوی کردی، اما من...» لب‌خندی زد و سعی کرد بحث را عوض کند، اما من دوباره اصرار کردم. پس از کلی اصرار، سرش را بالا آورد و گفت: «طاقتش را داری؟» با تعجب گفتم: «طاقتِ چی رو؟» گفت: «بنشین تا برایت تعریف کنم.» نفس عمیقی کشید و گفت: «یک روز با رفقای محل و بچه‌های مسجد به دماوند رفته بودیم. شما در آن سفر نبودید و همه رفقا مشغول بازی و سرگرمی بودند. یکی از بزرگترها به من گفت: «احمد آقا، برو این کتری را آب کن و بیا تا چای درست کنیم.» بعد جایی را نشان داد و گفت: «آن طرف رودخانه است، برو آنجا آب بیاور.» من هم راه افتادم. راه زیادی نبود. از میان بوته‌ها و درخت‌ها به رودخانه نزدیک شدم. به محض اینکه چشمم به رودخانه افتاد، یک‌دفعه سرم را پایین انداختم و همان جا نشستم! بدنم شروع به لرزیدن کرد و نمی‌دانستم چه کنم! همان جا پشت بوته‌ها پنهان شدم. من می‌توانستم به راحتی یک گناه بزرگ انجام دهم؛ در پشت آن بوته‌ها چندین دختر جوان مشغول شنا کردن بودند.

من همان جا خدا را صدا کردم و گفتم: «خدایا کمکم کن الان شیطان من را وسوسه می‌کند که من نگاه کنم هیچ‌کس هم متوجه نمی‌شود اما به خاطر تو از این گناه می‌گذرم.»

بعد کتری خالی را برداشتم و از جای دیگری آب آوردم. بچه‌ها مشغول بازی بودند و من شروع به درست کردن آتش کردم. دود

زیادی به چشمانم رفت و اشک از چشمانم سرازیر شد. یادم افتاد حاج آقای حق شناس گفته بود: «هرکس برای خدا گریه کند، خداوند او را خیلی دوست خواهد داشت.» من همین طور که اشک می ریختم، گفتم: «از این به بعد برای خدا گریه می کنم.» حالم بسیار منقلب بود؛ هنوز از آن امتحان سختی که کنار رودخانه برایم پیش آمده بود، دگرگون بودم. همین طور که اشک می ریختم و با خدا زمزمه می کردم، خیلی باتوجه گفتم: «یا الله، یا الله...»

به محض اینکه این عبارت را تکرار کردم، صدایی شنیدم و ناخودآگاه از جا بلند شدم. از سنگ ریزه ها، کوه ها و درخت ها صدا می آمد. همه می گفتند: «سُبْحُوْهُ قُدُّوْهُ رَبُّنَا وَرَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ» (پاک و منزّه است پروردگار ما و پروردگار ملائکه و روح). وقتی این صدا را شنیدم، با نابوری به اطراف نگاه کردم؛ دیدم بچه ها متوجه نشده اند. من در آن غروب، با بدنی که از وحشت می لرزید، به اطراف می رفتم و این صدا را از تمام ذرات عالم می شنیدم!

احمد بعد از آن کمی سکوت کرد، سپس با صدایی آرام ادامه داد: «از آن موقع بود که کم کم درهایی از عالم بالا به روی من باز شد!» احمد بلند شد و گفت: «تا زنده ام، این ماجرا را برای کسی تعریف نکن.»^۱

از این داستان درس می گیریم که خودسازی نتیجه اش می شود، تقوا. ما با خودسازی و تقوا می توانیم جزو حزب خدا باشیم تا بر اساس آیه شریفه ﴿وَإِنْ جُنَدْنَا لَهُمُ الْعَالِيُونَ﴾ همیشه پیروزی نصیبمان شود.

خط استراتژیک!

دوستان قرآنی عزیز! یکی از ابزارها و راهکارهایی که ما را جزو جُنْدِ الله می کند را توضیح دادیم و گفتیم که خودسازی یکی از آنهاست. حالا نوبت رسید به دومین ابزار و راهکار:

۱. برگرفته از کتاب «عارفانه»، زندگینامه و خاطرات عارف شهید احمد علی نیری، انتشارات شهید ابراهیم هادی، چاپ نوزدهم، ۱۳۹۶ ش.



۲. نماز: دوستان خوبم! نماز نیز یکی از راهکارهاست. قطعاً کسی که می‌خواهد در سپاه حق باشد، باید ارتباط خود را با خداوند بسیار قوی کند و هیچ راهی بهتر از نماز وجود ندارد. نماز باعث می‌شود ارتباط ما با خداوند محکم‌تر شود و در آیات و روایات فراوان نیز به آن سفارش شده است.

دوستان خوبم، نماز باید ویژگی‌هایی خاص داشته باشد. یکی از آن ویژگی‌ها این است که به جماعت باشد. درباره اهمیت و ثواب نماز جماعت روایت‌های زیادی وجود دارد، اما در اینجا به روایتی از رسول خدا ﷺ اشاره می‌کنیم که فرمودند: «نماز خواندن انسان با جماعت بهتر است از نمازی که چهل سال در خانه خوانده شود. افراد حاضر در آنجا گفتند: یا رسول الله! نماز یک روز؟ حضرت فرمود: بلکه یک نماز»^۱.

دوستان خوبم! به نظر شما یک نماز خوب باید چه ویژگی‌های دیگری هم داشته باشد؟^۲

آفرین عزیزانم! بهتر است نماز در اول وقت خوانده شود. در قرآن کریم آمده است: «وَمَنْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ»^۳؛ منظور از محافظت نماز همان مواظبت نسبت به وقت نماز است؛ و ما باید به کمک نماز اول وقت خود را جزو یاران خدا قرار دهیم.

حالا می‌خواهم یکی از لشکریان خدا که با کمک نماز اول وقت و نماز جماعت پیروز واقعی جنگ شدند را معرفی کنم. به نظرتان کدام امام بزرگوارمان بود که فرمودند: «من نماز را دوست دارم»؟

آفرین دوستان! این جمله تاریخی را امام حسین علیه السلام در شب تاسوعا بیان فرمودند و از دشمن تنها یک روز مهلت خواستند تا بتوانند نماز بخوانند و قرآن تلاوت کنند. بله! دوستان، نماز به قدری اهمیت حیاتی دارد که امام حسین علیه السلام در بحرانی‌ترین لحظات، در میدان نبرد هم حاضر نشدند آن را ترک کنند. ایشان دقیقاً راه ترفیع درجه خود را یافته بودند؛ این ارتباط عمیق و استوار با خدا بود

۱. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: صَلَاةُ الرَّجُلِ فِي جَمَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ صَلَاتِهِ فِي بَيْتِهِ أَرْبَعِينَ سَنَةً قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَاةٌ يَوْمٌ فَقَالَ صَلَاةٌ وَاجِدَةٌ. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۴.

۲. مربیان گرامی در اینجا از متربیان مشارکت بگیرید.

۳. انعام، ۹۲.

که باعث شد با وجود شکست ظاهری، پیروز واقعی جنگ باشند؛ چون می بینیم بعد از هزاران سال، این نام امام حسین علیه السلام است که همواره بر زبان ها جاری است و روزبه روز بر عظمتش افزوده می شود. پیروز حقیقی روز عاشورا، سپاه حق، یعنی امام حسین علیه السلام و یارانشان هستند.

رمز پیروزی جمعی؟

۳. یاری رساندن به هم‌زمان: خب دوستان گلم! سومین راهکاری که باعث می شود ما جزو یاران خداوند باشیم این است که به هم‌زمان خودمان، به دوستانمان، خانواده و دیگران کمک کنیم تا آن‌ها هم در این مسیر قرار بگیرند؛ مثل پسرک فلافل فروش؛ همان هادی ذوالفقاری. شهید مدافع حرم که با کمک به دیگران و هم‌زمانش جزو سپاهیان حق قرار گرفت و به بهترین حالت یعنی شهادت به سوی خداوند رفت.

حجت الاسلام سمیعی، یکی از دوستان نزدیک شهید، خاطره‌ای از این رفاقت نقل می کند:

یک بار واقعاً به پول نیاز داشتم. به کسی نگفته بودم، اما هادی خودش متوجه شد. بلافاصله مبلغی پول آماده کرد و بی سروصدا به من داد. همین طور وقتی می خواستم ازدواج کنم، هفتصد هزار تومان به من قرض داد. به نظر می رسید این پول، تمام پس اندازش باشد. من هم بعداً کم پولش را پس دادم.

اما یک بار، لطف هادی در حق من، واقعاً بزرگ بود. آن موقع من برای درس خواندن در شهر قم زندگی می کردم. یک روز به هادی تلفن زدم و گفتم: «خانه من از دانشگاه خیلی دور است. به یک موتورسیکلت نیاز دارم، اما نه پولش را دارم و نه می دانم چطور باید بخرم.»

چند ساعتی از مکالمه مان نگذشته بود که هادی دوباره زنگ زد. گوشی را که برداشتم، پرسید: «کجایی؟» گفتم: «قم، خانه هستم.» با هیجان گفت: «برات موتور خریدم! با وانت فرستادم قم. کجا برات بیارم؟»

خیلی تعجب کردم! او در کمتر از چند ساعت، مشکل بزرگ من را حل کرده بود. آن موتور واقعاً زندگی مرا در قم راحت کرد. بعدها فهمیدم هادی با بسیاری از



اطرافیان‌ش همین‌گونه رفتار می‌کرد. او راه درست زندگی کردن را انتخاب کرده بود. کارهای او مرا به یاد حدیثی از امام کاظم علیه السلام انداخت که فرموده‌اند: «همانا مَهرِ قبول اعمال شما، برآوردن نیازهای برادرانتان و نیکوکاری به آنان در حد توانتان است؛ وگرنه هیچ عملی از شما پذیرفته نخواهد شد.»^۱

«هادی اصلاً اهل این نبود که از کارهای خوبش برای دیگران تعریف کند. بیشتر این خاطرات را بعد از شهادتش فهمیدیم. وقتی هادی به شهادت رسید و برایش مراسم گرفتیم، اتفاق عجیبی افتاد. من کنار برادر هادی در مسجد ایستاده بودم. خانمی میانسال آمد و با چشمانی اشک‌آلود به عکس شهید نگاه می‌کرد. هیچ‌کس او را نمی‌شناخت. جلو آمد و گفت: «با خانواده شهید کار داریم.» برادر هادی پیش او رفت. من فکر کردم از فامیل است، اما برادر هادی هم او را نمی‌شناخت.

آن خانم به برادر هادی گفت: «چند سال پیش، اوضاع مالی ما بسیار بد بود و در سختی بزرگی گرفتار شده بودیم. برادر شما (هادی) به‌طور مرتب به ما کمک می‌کرد.»

برای همه ما این موضوع بسیار عجیب و تأثیرگذار بود. ما انواع کمک‌های هادی را دیده بودیم، اما نمی‌دانستیم او در پنهان، این خانواده را تحت حمایت خود گرفته بود.»^۲

فرماندهٔ سپاه

رفقای عزیز قرآنی!

ما در زندگی روزمره، در میدان‌های کوچک زندگی خود (مدرسه، کار، فضای مجازی) سربازیم. داستان بدر یادمان داد: پیروزی نهایی با تعداد زیاد نیست؛ با ایمان، تقوا و اتحاد با سپاه حق به‌دست می‌آید. فرمانده این سپاه، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۱. إِنَّ خَوَاتِمَ أَعْمَالِكُمْ قِصَافُ خَوَاتِمِ إِخْوَانِكُمْ وَالْإِحْسَانُ إِلَيْهِمْ مَا قَدَرْتُمْ وَالْأَلَمُ يُقْبَلُ مِنْكُمْ عَمَلٌ. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۷۹.

۲. گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، پسرک فلافل فروش، انتشارات شهید ابراهیم هادی، ۱۳۹۴، ص ۵۱-۵۳.

بنابراین: ما امروز لشکر امام زمانیم! هر کار خوبی که برای خودسازی و یاری حق می‌کنیم (مقاومت در برابر گناه، دفاع از مظلوم، کمک پنهانی به دیگران) در حقیقت، در حال تمرین و آماده‌سازی خود برای همان لشکر پیروز هستیم که وعده الهی پشت آن است: ﴿وَإِنْ جُنَدْنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ﴾.

باید در لشکر امام زمان عجل الله تعالی فرجه ثبت نام کنیم. چطور ثبت نام کنیم؟ وقتی در مدرسه جلوی حرف ناحق یا ظلمی می‌ایستیم، وقتی با وجود مسخره شدن کار فرهنگی را ادامه می‌دهیم، وقتی مثل شهید نژی با گناه می‌جنگیم؛ یعنی داریم نام خودمان را در لیست یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه می‌نویسیم.

پیروزی نهایی از آن ماست؛ همان‌طور که لشکر اندک اما باایمان بدر پیروز شد، وعده خدا این است که لشکر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه حتی اگر در دیدگاه دنیاگرایانه کوچک به نظر برسد در نبرد نهایی حق و باطل، پیروز قطعی است. وظیفه ما این است که بخشی از این لشکر باشیم.

ما برای قیام جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه منتظر نمی‌نشینیم، بلکه از همین حالا با انتخاب‌هایمان در حال ساختن خود برای آن لشکر پیروز هستیم. هر عمل خوب ما، یک قدم نزدیک‌تر شدن به آن سپاه و یک درجه ارتقاء برای آن نبرد بزرگ است.

تنوع

حالا رفقای عزیز، من آیه ﴿وَإِنْ جُنَدْنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ﴾ را روی تخته می‌نویسم، با شمارش من شروع می‌کنیم به تکرار آن. آماده هستید؟
یک، دو، سه....

خوب نگاه کنید به آیه ای که روی تخته نوشته‌ایم و تکرار کنید. حالا من بعد از هر بار تکرار، بخشی از آیه را پاک می‌کنم و دوباره شما از اول آیه تکرار کنید.^۱
آفرین به شما سربازان امام زمان عجل الله تعالی فرجه! دیدید که آیه شریفه را به این زیبایی

۱. مربیان گرامی بعد از هر بار تکرار یک بخشی از آیه را پاک کنید و تأکید کنید به تخته نگاه کنند و هنگام تکرار آیه شما با ماژیک یا شیء دیگر هر بخش را نشان دهید و حتی بعد از پاک شدن، سر ماژیک را در قسمت پاک شده نشان دهید. مثلاً در مرحله اول إِنَّ را حذف کنید، مرحله بعد جُنَدْنَا و مرحله بعد لَهُمْ و مرحله بعد الْغَالِبُونَ. و یک بار بعد از پاک شدن، به همان صورت از متربیان بخواهید تکرار کنند. خواهید دید آیه را به راحتی حفظ کرده‌اند.

و سادگی حفظ کردید. حالا چه کسی داوطلب است تا با صدای زیبای خودش، این آیه را برایمان بخواند؟

برای سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه و خودتان صلواتی بفرستید.
«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

خط نهایی لشکر پیروز

رفقا، امروز باهم سفری کردیم به دل تاریخ، از سؤال‌های بی‌پاسخ‌مان به وعده‌ای قطعی از خداوند. فهمیدیم که در نبرد بدر، آنچه ۳۱۳ نفر را بر هزاران جنگجوی مجهز پیروز کرد، نه عدد بود و نه سلاح، بلکه نصرت الهی بود که پشت ایمان و ایستادگی آنان را گرفت.

اما این داستان فقط یک خاطره تاریخی نیست؛ امروز در مدرسه، خانه و فضای مجازی، هر یک از ما در میدان جنگ حق و باطل ایستاده‌ایم. وقتی در برابر تمسخرها برای کار خوب می‌ایستیم، وقتی برای دفاع از مظلوم تنها می‌مانیم، وقتی برای حرف حق، اقلیت می‌شویم اینجاست که آیه **«وَإِنْ جُنَدْنَا لَهُمُ الْعَالِيُونَ»** زنده می‌شود و به ما یادآوری می‌کند که پیروزی با لشکر خداست، نه لشکر عدد! پس بیایید با سه سلاح اصلی آمادهٔ این نبرد باشیم:

اول. خودسازی: این همان تمرین روزانه است که روح و جسممان را می‌سازد، تا برای هر میدانی آماده باشیم.

دوم. نماز: نماز، خط ارتباط مستقیم ما خداست.

سوم. یاری هم‌زمان: این یعنی پشت‌هم‌بودن، پشتوانه‌ای می‌سازد تا تنها نمانیم.

فراموش نکنید: شما امروز سربازان امام زمانید. هر کار خوب، هر مقاومت در برابر گناه، هر کمک به دیگران، یک قدم است برای ثبت نام در لشکر پیروز. وعده خداوند تخلف‌ناپذیر است: اگر در جبهه حق باشی، پیروزی از آن تو خواهد بود. بنابراین، پیروزیم، چون لشکر خداییم!

آماده شو!

دوستان عزیز تکلیف شما این است که از امروز خود را آماده کنید تا جزو لشکریان خدا قرار بگیرید، برای این کار از امروز تلاش کنید تا حد امکان نماز خود را اول وقت بخوانید و در صورتی که شرایطش بود، در نماز جماعت شرکت کنید.

طلب پیروزی

در انتهای کلاس هم بیاید دست به دعا شویم.

خدایا! به حق این ماه عزیز، صبر و استقامت در راهت به ما عنایت بفرما؛
الهی آمین!

پروردگارا! به حق قرآن، رزمندگان اسلام را یاری و نصرت بفرما؛ الهی آمین!
خداوندا! مسلمین به خصوص جبهه مقاومت را در برابر دشمنان پیروز و
موفق بفرما؛ الهی آمین!

خدایا! ما را جز یاران واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه قرار بده؛ الهی آمین!
برای برآورده شدن همه حاجات صلواتی حیدری پسند بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»



کتابنامه

۱. قرآن
۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۱، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
۳. ابن هشام، السیره النبویه؛ وقایع سال ششم و هفتم بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله، بی جا، بی تا.
۴. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، ناصح، محمد مهدی و یا حقی، محمد جعفر، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ۲۰ ج، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۱.
۵. برارش، علیرضا و همکاران، تفسیر اهل بیت علیهم السلام، فارسی-عربی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۴ش.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۴ق.
۷. حکمت قاضی میرسعید، علی اکبر، سلمان ماهینی، رحمت الله و طاهری آذر، محمد، پرواز تا بی نهایت، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش.
۸. خمینی، روح الله. صحیفه امام، ۲۳ جلدی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹ش.
۹. درودیان، محمد، خونین شهر تا خرمشهر، ج ۴، ۱۳۷۷.
۱۰. رخشاد، محمد حسین. در محضر بهجت رحمته الله علیه، تنظیم مؤسسه فرهنگی هنری جلوه نور علوی، قم: واژه پرداز اندیشه، ۱۴۰۳.

۱۱. سعدی، مصلح‌الدین. کلیات سعدی، شامل مواعد، مثنویات، حکایت شماره ۴۱.
۱۲. شعیری، محمد بن محمد. جامع‌الأخبار، ج ۱، نجف: المطبعة الحیدریة، بی‌تا.
۱۳. شبیری، حجت. اطلس لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله ﷺ، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، بی‌تا.
۱۴. صدوق، محمد بن علی. ثواب‌الاعمال و عقاب‌الاعمال، قم: رضی، ۱۳۶۸ ش.
۱۵. طباطبائی، سید محمدحسین. تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۴، ذیل آیه ۶۷ سوره طه.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن. مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، با تصحیح و تعلیق ابوالحسن شعرانی، ج ۱، تهران: مکتبة العلمیة، ۱۳۳۸.
۱۷. طبری، محمد بن جریر بن یزید. تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۵، تهران: اساطیر، بی‌تا.
۱۸. عاکف، سعید. خاک‌های نرم کوشک: خاطرات خانواده و هم‌زمان شهید، مشهد: ملک اعظم، ۱۳۹۴.
۱۹. فضاآلی، حبیب‌الله آیتی. ترجمه قرآن، تهران: انتشارات سروش.
۲۰. قرائتی، محسن. تفسیر نور، ۱۰ جلد، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چ ۱، ۱۳۸۸ ش.
۲۱. گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی. پسرک فلافل‌فروش: زندگینامه و خاطرات شهید محمدهادی ذوالفقاری، تهران: انتشارات شهید ابراهیم هادی، ۱۳۹۴.
۲۲. گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، سلام بر ابراهیم، تهران: انتشارات شهید ابراهیم هادی، ۱۳۹۲ ش.
۲۳. گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی. شاهرخ، حرانقلاب اسلامی، زندگینامه و خاطرات شهید شاهرخ ضرغام، تهران: امینان، ۱۳۹۰.
۲۴. گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی. عارفانه: زندگینامه و خاطرات شهید احمدعلی نیری، چ ۱۹، تهران: انتشارات شهید ابراهیم هادی، ۱۳۹۶ ش.

۲۵. گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی. مسافر کربلا: زندگینامه و خاطرات شهید علیرضا کریمی، تهران: پیام آزادی، ۱۳۸۸.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۷. مرکز اسناد انقلاب اسلامی. شهید سیدعلی اندرزگو؛ به روایت اسناد ساواک.
۲۸. مطهری، مرتضی. انسان کامل، تهران: صدرا، ۱۳۸۵ش.
۲۹. نجفی، موسی و جمعی از نویسندگان. تاریخ معاصر ایران، تهران: انتشارات آرما، ۱۴۰۳.
۳۰. نظامی گنجوی، شرفنامه نظامی، تهران: انتشارات قطره، ۱۴۰۰.
۳۱. واقدی، محمد بن سعد کاتب، الطبقات الکبری، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۰ق.
۳۲. واقدی، محمد بن عمر، و جونز، مارزدن. المغازی، ۳ ج، بیروت: مؤسسة الأعلمی للطبوعات، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م.
۳۳. جاویدنیا، فضل الله. شاهد یاران، مرداد ۱۳۸۷، شماره ۳۳.
۳۴. خبرگزاری فارس.
۳۵. روزنامه جام جم
۳۶. رضایی، محسن. «شهید صیاد شیرازی از زبان دکتر محسن رضایی»، پایگاه اطلاع رسانی دکتر رضایی (rezaee.ir).
۳۷. سایت سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد (FAO).
۳۸. سایت ستاد توسعه فناوری نانو.
۳۹. سایت همشهری آنلاین.
۴۰. دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای. «بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان».
۴۱. دولتی، فاطمه. مجید بربری: روایت زندگی و شهادت شهید مدافع حرم مجید قربانخانی.

